

# پژوه اقتصاد

کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال ششم ● شماره ۱۸ ● تابستان ۱۴۰۲ ● ۱۵۶ صفحه ● ۷۰ هزار تومان



## کامیابی اقتصادی

## ساختارهای ضد

- + تحلیلی بر چرایی  
ناکامی اقتصادی کشور
- + ریشه‌های ناترازی شبکه بانکی کشور
- + چشم‌انداز سرمایه‌گذاری  
در ایران

با مطالبی دربارهٔ سیاست‌گذاری، تولید، بازرگانی، خدمات و جامعه

با نوشتارها و گفتارهایی از:

سید مرتضی افقه / حسن فروزان فرد / علی سامانی فرد / مهرداد مقصدولو / مهدی نجاتی / محمدامین عبدالله نژاد ماهانی / بهرام شکوری / کیوان جعفری طهرانی / جعفر رودری / سیدسعید زمان زاده / مریم انجم شعاع / مصطفی محمدی / حسین مهرابی بشرآبادی / فاطمه پاسبان / ناصر مرادی / حمیدرضا صالحی / ایمان احمدی / رضا پدیدار / یحیی آل اسحاق / فرشته آب‌نیکی / محمدعلی محمد میرزاییان / احمد تشکینی / احسان قمری / نرگس مهدوی نیا / محمد ترکاشوند مرادآبادی / ولی‌اله رستمعلی‌زاده / بهنام نظری‌زاده / فریده شمس قهفرخی / زهرا سلطانی



## اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی کرمان



[www.otagh-bazargani.com](http://www.otagh-bazargani.com)



[sepehr@kccim.ir](mailto:sepehr@kccim.ir)



۰۳۴ - ۳۲۴۸۳۳۷۸



۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸

۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹ (فضای مجازی)



Kccima



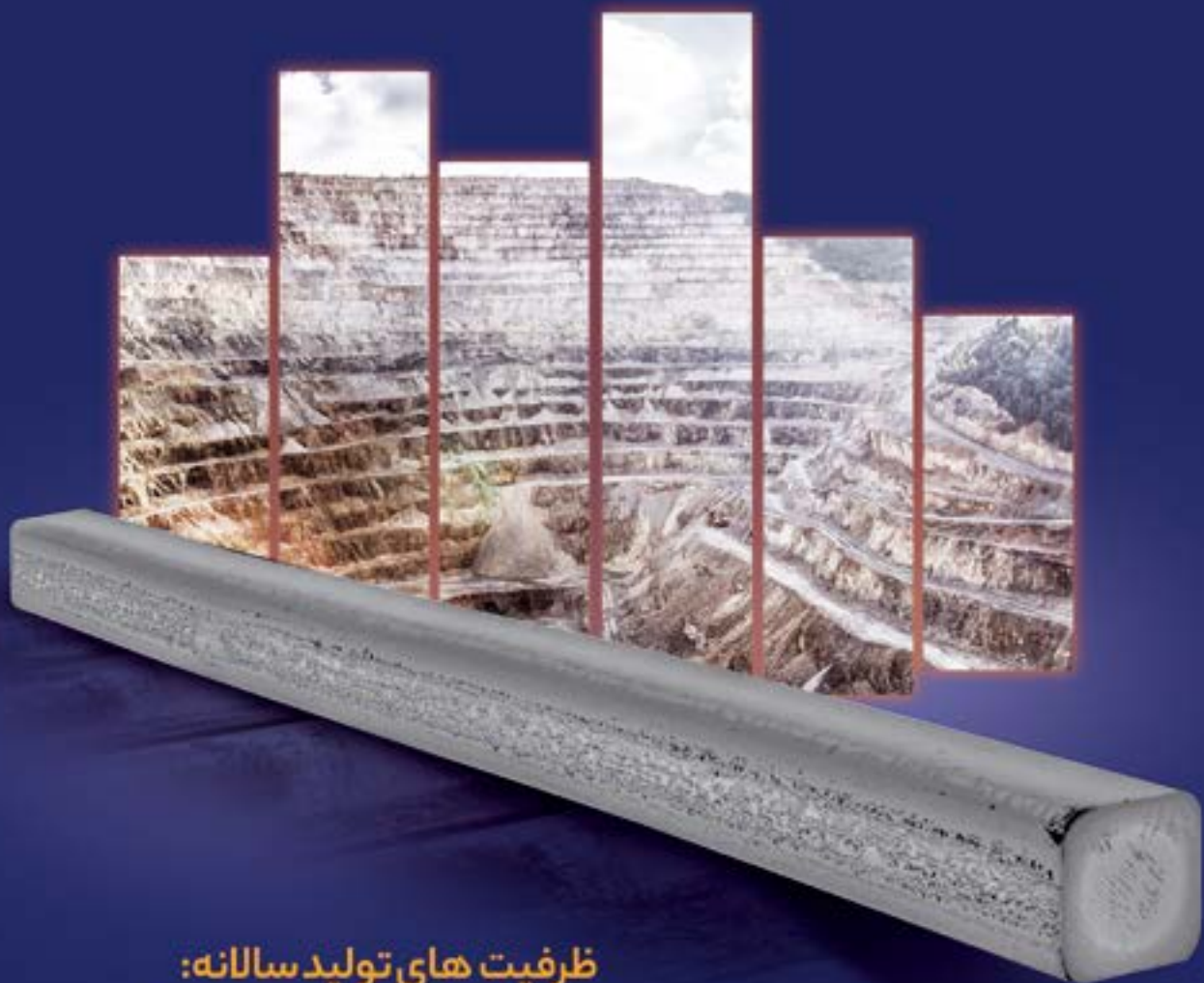
با اسکن بارکد بالا با ما در ارتباط باشید



# ZISCO

شرکت فولاد زرند ایرانیان

زنجیره کامل تولید فولاد از معدن تا شمش



**ظرفیت های تولید سالانه:**

۱,۵ میلیون تن شمش فولادی

۱,۲ میلیون تن کک متالورژی

۲,۵ میلیون تن گندله آهن

۴ میلیون تن کنسانتره آهن

[www.zisco.midhco.com](http://www.zisco.midhco.com)





# شرکت فولاد بوتیای ایرانیان

## Butia Iranian Steel Company

### (BISCO)

کاهش فوق‌العاده  
مصرف آب و انرژی

تولید مقاطع فولادی  
با کیفیت بالا  
مطابق استانداردهای ملی و  
بین‌المللی

بسیار سازی اقتصاد چرخش  
در نتیجه نفعین



- ✓ کارخانه کنسائتره سنگ آهن به ظرفیت تولید ۲/۵ میلیون تن در سال
- ✓ کارخانه گندله‌سازی آهن به ظرفیت تولید ۲/۵ میلیون تن در سال
- ✓ کارخانه احیاء مستقیم آهن به ظرفیت ۲ میلیون تن در سال
- ✓ کارخانه فولادسازی به ظرفیت ۱/۵ میلیون تن در سال در مقاطع ۱۳۰×۱۳۰ و ۱۵۰×۱۵۰ و ۲۰۰×۲۰۰ و ...
- ✓ نیروگاه ۴۵۰ مگاواتی سیکل ترکیبی به منظور تولید برق پایدار



- ✓ سرمایه‌گذاری و آغاز فعالیت‌های زود هنگام اجرای پروژه احداث نیروگاه خورشیدی ۴۰۰ مگاواتی
- ✓ سرمایه‌گذاری و اجرای طرح تصفیه‌خانه و شبکه جمع‌آوری فاضلاب شهر کرمان
- ✓ توسعه و نگهداشت فضای سبز به وسعت ۱۶۰۶ هکتار



☎ ۰۳۴-۹۱۰۰۹۲۰۰

🌐 [www.bisco.midhco.com](http://www.bisco.midhco.com)

📍 کارخانه: کرمان، کیلومتر ۲۷ کمر بندی

امام رضا (ع)، مجتمع فولاد بوتیای ایرانیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● کلوتهای شهداد - کرمان | عکس: ابوذر احمدی زاده - ایرنا ●

#### حدیث

امام حسین (علیه السلام):  
عقل جز با پیروی از حق  
کامل نمی شود.  
(أعلام الدین، ص ۲۹۸)

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۴۰۲/۰۶/۰۸)

## مهار توژم هم با رشد تولید حاصل می‌شود

اولویت اصلی کشور عبارت است از اقتصاد و فرهنگ؛ این دو، اولویت‌های اصلی‌اند. در مورد اقتصاد هم، امسال ما شعاری که مطرح کردیم دو بخش داشت: یکی مهار توژم، یکی رشد تولید. در مورد مهار توژم هم بنده در صحبت و سخنرانی اول سال گفتم که مهار توژم هم با رشد تولید حاصل می‌شود؛ یعنی مهم‌ترین کاری که برای مهار توژم می‌شود انجام داد این است که ما تولید کشور را بتوانیم بالا ببریم و افزایش بدهیم. پس تولید شد محور. اگر محور تولید است و باید رشد پیدا کند، باید ببینیم چگونه می‌توان تولید را رشد داد. دو نکته اینجا وجود دارد: یکی اینکه ما حمایت کنیم، دوّم اینکه موانع سر راه را برداریم. حمایت یعنی چه؟ یعنی اولاً حمایت قانونی؛ مقررات جوّری باشد که تولید برای تولیدکننده، هم آسان بشود، هم باصرفه بشود. بعد، حمایت‌های مالی، در آن مقداری که به عهده‌ی دستگاه‌های دولتی است؛ تأمین منابع ارزی و ریالی در آن حدّی که جزو وظایف است و همچنین حمایت‌های فرهنگی از تولید داخلی. حمایت فرهنگی از تولید داخلی یعنی اینکه ما به مردم تفهیم کنیم که محصول داخلی باید مصرف بشود؛ یعنی آنجایی که محصول داخلی وجود دارد باید مردم به سمت محصول داخلی بروند؛ این مهم‌ترین حمایت فرهنگی از تولید است.



فصل‌نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان  
دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
سال ششم | شماره هجدهم | تابستان ۱۴۰۲ | ۱۵۶ صفحه

# سپهر اقتصاد کرمان



صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان  
رییس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طبیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده  
سرمدیر و ویراستار: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده  
طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / چاپ و صحافی: اطلس-قم

نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان  
کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴  
www.otagh-bazargani.com / پیامک: ۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / sepehr@kccim.ir

«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.

استفاده از مطالب مندرج در این نشریه به شرط ذکر منبع «فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان اتاق بازرگانی کرمان» بلامانع است.

شماره برای ارتباط با «سپهر اقتصاد کرمان» در فضای مجازی: ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹

برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴



## سیاست‌گذاری

مقاله‌ای از دکتر «سید مرتضی افقه» عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز  
تحلیلی بر چرایی ناکامی اقتصادی کشور

۱۰



گفت‌وگو با دکتر «حسن فروزان فرد» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون حکمرانی سازمانی اتاق تهران  
ریشه‌های ناترازی شبکه بانکی کشور

۲۰



مقاله‌ای از دکتر «علی سامانی‌فرد» کارشناس بازار سرمایه  
چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در ایران

۲۶



مقاله‌ای از دکتر «مهرداد مقصودلو» پژوهشگر اقتصادی  
راه رفاه اقتصادی

۲۹



مقاله‌ای از دکتر «مهدی نجاتی» عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان  
سیستم مدیریت هوشمند اقتصادی

۳۲



مقاله‌ای از «محمدامین عبدالله نژاد ماهانی» کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان  
دروس اجباری توسعه

۳۶



## تولید

گفت‌وگو با دکتر «بهرام شکوری» رییس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران  
ما را با دنیا هم‌وزن کنید

۴۲



مقاله‌ای از دکتر «کیوان جعفری طهرانی» کارشناس ارشد بازارهای بین‌المللی معدن و صنایع معدنی  
بخش معدن و عقب‌افتادگی از دنیا

۴۸



مقاله‌ای از دکتر «جعفر رودری» رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان  
پیشران‌های صنعتی در استان کرمان

۵۱



گفت‌وگو با «سیدسعید زمان زاده» نایب‌رییس انجمن ملی صنایع پلیمر ایران  
نوآوری در فضای رقابتی شکل می‌گیرد

۵۴



یادداشتی از «مریم انجم‌شعاع» مدیر فروش کارخانجات فاستونی آسیا  
چالش‌های پیش روی صنعت نساجی

۵۷



مقاله‌ای از «مصطفی محمدی» مدیر گروه پژوهش‌های صنعت موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی  
ارزیابی سیاست‌های صنعتی‌سازی در کشور

۶۱



مقاله‌ای از دکتر «حسین مهربانی بشارآبادی» عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان  
بهره‌وری کشاورزی؛ از حرف تا عمل

۶۴



مقاله‌ای از دکتر «فاطمه پاسبان» مدرس و محقق حوزه کشاورزی  
از رؤیا تا اقدام؛ افزایش نرخ نفوذ دانش و فناوری «بخش کشاورزی و غذای ایران»

۷۰



گفت‌وگو با «ناصر مرادی» رئیس هیئت‌مدیره شورای ملی نخود ایران  
سهم ناچیز علم در کشاورزی ایران

۷۳



گفت‌وگو با «حمیدرضا صالحی» رئیس هیئت‌مدیره انجمن سازندگان کالا و خدمات انرژی‌های تجدیدپذیر  
آینده مشخص انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا

۸۳



مقاله‌ای از «ایمان احمدی» مدیرعامل شرکت مهندسی مشاهیر نیروی جنوب  
ناترازی برق و دلایل آن

۸۶



مقاله‌ای از «رضا پدیدار» عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران  
مدیریت منابع انرژی در ایران

۹۰



## بازرگانی و خدمات

گفت‌وگو با دکتر «یحیی آل اسحاق» رئیس اتاق مشترک ایران و عراق  
فرصت مغتنم؛ ضرورت نگاه بلندمدت در مراودات اقتصادی ایران و عراق

۹۴



مقاله‌ای از «فرشته آبنیکی» دانشجوی دکتری مطالعات روسیه دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران  
تحلیل بازار صادراتی روسیه با استفاده از ماتریس SWOT

۹۸





گفت‌وگو با «محمدعلی محمد میرزاییان» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون توسعه صادرات اتاق کرمان  
صادرات سنتی خسارت‌زاست

۱۰۴



مقاله‌ای از دکتر «احمد تشکینی» دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی  
پیامدهای سیاست ارزی بر تولید و تجارت اقتصاد ایران

۱۰۷



مقاله‌ای از دکتر «احسان قمری» استاد دانشگاه و کارشناس تجارت بین‌الملل  
تجارت خارجی کشور با تأکید بر ارزش وزنی صادرات و واردات

۱۱۰



مقاله‌ای از «نرگس مهدوی‌نیا» کارشناس انجمن سنگ استان کرمان  
سهم ایران از بازار جهانی سنگ‌های تزئینی

۱۱۶



## جامعه

مقاله‌ای از دکتر «محمد ترکاشوند مرادآبادی» عضو هیئت‌علمی جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد  
مسائل جمعیتی در ایران

۱۲۴



مقاله‌ای از دکتر «ولی‌اله رستمعلی‌زاده» عضو هیئت‌علمی گروه مهاجرت و شهرنشینی موسسه تحقیقات جمعیت  
مروری بر مهاجرت‌های داخلی در ایران با تأکید بر عوامل زیست‌محیطی

۱۲۸



مقاله‌ای از دکتر «بهنام نظری زاده» عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی استان کرمان و مدرس دانشگاه  
مدیریت ساختار جمعیت در کشور

۱۳۲



مقاله‌ای از دکتر «فریده شمس قهفرخی» دکتری جمعیت‌شناسی  
ارزیابی تطبیقی سیاست‌های افزایش رشد جمعیت در ایران و تجربه جهانی

۱۳۷



مقاله‌ای از دکتر «زهرا سلطانی» دانش‌آموخته دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران  
آینده‌نگاری تحولات جمعیتی در ایران

۱۴۰



## رویدادها

گزارش تصویری خلاصه‌ای از رویدادهای اتاق در تابستان ۱۴۰۲

۱۴۵

# نقش اتاق‌های بازرگانی در بهبود شاخص‌های جهانی توسعه



## سید مهدی طیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان  
و رئیس شورای سیاست‌گذاری فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان

نارضایتی سرمایه‌گذاران و کاهش اعتماد عمومی باشد. یادآوری می‌شود که بر اساس جدیدترین آمار، ایران نمره ۴۸ از ۱۰۰ را کسب نموده است و به معنای این است که رتبه ایران در حدود ۱۲۰ در دنیا است. پنج کشور دانمارک، نروژ، سوئیس، سوئد و فنلاند از نظر شاخص کامیابی و زیرشاخص‌های آن یعنی کیفیت اقتصادی، آموزش و شرایط بنگاه‌داری و حکمرانی سلامت فضای سرمایه‌گذاری، شرایط زندگی و زیرساخت و دسترسی به بازار فضای طبیعی آزادی فردی، امنیت، سرمایه اجتماعی و غیره در ردیف‌های اول تا پنجم جدول جای گرفته‌اند و کشورهای سودان جنوبی، جمهوری آفریقای مرکزی، یمن و چاد در رده‌های آخر جدول قرار گرفته‌اند. ایران در برخی از شاخص‌ها در کنار کشورهای انتهایی جدول قرار دارد؛ به بیان دیگر اگر کشورها را به پنج گروه تقسیم کنیم ایران در گروه چهارم جای دارد که وضعیت بسیار نامطلوبی است. ناگفته نماند که خوشبختانه شرایط زندگی، سلامت و آموزش از نقاط قوت ایران در زیرشاخص‌های شاخص کامیابی است که در مقایسه با کشور دانمارک وضعیت انطباقی در حد ۷۹،۸۶ و ۷۴ درصد دارد، اما متأسفانه در برخی زیرشاخص‌ها هم انطباق، کمتر از ۲۰ درصد است. دقت در مفاهیم بالا روشن می‌نماید که برنامه‌ریزی و اقدام در این زمینه به درستی در راستای رسالت اتاق‌های نسل جدید است؛ بویژه که در این مسیر، بهبود فضای کسب‌وکار که یکی از وظایف راهبردی و اساسی اتاق بازرگانی است و از طریق تعامل و برقراری ارتباط با سیاستمداران و تاثیرگذاران بر قوانین و مقررات موضوعه منتج خواهد شد، دنبال می‌شود. باید با تاکید اشاره کرد که اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تحت شرایط خاص و دو دسته عوامل می‌توانند نقش آفرین باشند. تمامی اتاق‌های بازرگانی دنیا نیز متأثر از دو دسته عوامل محیط حاکمیت خارجی یعنی حاکمیت و نظام که مصدر و تمشیت امور است و حاکمیت داخلی اتاق به درجات متفاوتی در ایفای نقش در رشد و توسعه اقتصادی کشور موثر هستند. با توجه به تعریف جامع از حکمرانی، اتاق‌هایی که از هر دو عامل حکمرانی

اتاق‌های بازرگانی نسل جدید به عنوان ابزارهای رشد و توسعه اقتصادی یک کشور یا یک منطقه ایفای نقش می‌کنند و برای بهبود شاخص‌های جهانی توسعه یعنی حکمرانی، سهولت کسب و کار، حقوق مالکیت، پیشرفت اجتماعی، نوآوری، شادی، صلح، رقابت‌پذیری، عملکرد زیست‌محیطی، بهره‌وری انرژی، کامیابی اقتصادی و شاخص دولت‌شکننده و ارتقای این شاخص‌ها از رده‌های پایین جدول به جایگاه معقول و درخور تلاش می‌کنند؛ وظیفه‌های سنگین و مسئولیتی خطیر که اتاق بازرگانی به دوش می‌کشد. اتاق بازرگانی مجدانه در پی تغییر محسوس و بهبود و ارتقای شاخص‌های جهانی توسعه پایدار است. جایگاه ایران در مرتبه پایین جدول رده‌بندی کشورهای دنیا دور از انتظار و موجب تأسف و ناراحتی است. در این سخن به شاخص کامیابی اقتصادی پرداخته می‌شود، به این امید که تبیین واقعیت موجود اقتصاد کشور، هشدار و اندازی فریادگونه نزد تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران باشد تا مسیر طی شده، ارزیابی و دلیلی برای طی راه پریچ و خم توسعه باشد. کامیابی اقتصادی به معنای داشتن یک اقتصاد پایدار و رونق آفرین است که مردم از نظر مالی و اجتماعی به خواسته‌ها و نیازهای اساسیشان دسترسی داشته باشند؛ این شامل ایجاد شغل پایدار، کاهش فقر و افزایش سطح زندگی مردم می‌شود. این شاخص تصویری جامع از همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در برمی‌گیرد و نقاط قوت و ضعف را شناسانده و علائمی برای حرکت در مسیر شناخت و تمرکز و سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که کامیابی را افزایش می‌دهد، نشان می‌دهد. عواملی که سبب عدم رسیدن به کامیابی اقتصادی می‌شود، ممکن است شامل مواردی از قبیل تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، مدیریت نامناسب، فساد و عدم شفافیت، وابستگی بیش از حد به منابع طبیعی و فیزیکی، کمبود نوآوری و فناوری، ناپایداری‌های سیاسی و اجتماعی،

خارجی مساعد با دیدگاه روشن نسبت به جایگاه بخش خصوصی و اصالت دادن به آن و پذیرش الزامات رقابت‌پذیری و همچنین ساختار حکمرانی اتاق که مورد وفاق و تایید فعالان بخش خصوصی بوده، برخوردار بوده‌اند بیشترین توفیقات را در زمینه بهبود شاخص‌های جهانی رشد و توسعه داشته‌اند. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان به عنوان یک عضو شبکه گسترده بین‌المللی و داخلی با تکیه بر قدرت نرم تشکیل‌های آگاه اقتصادی و فعالان بخش خصوصی و با استفاده از پشتوانه کارشناسی قوی اندیشکده‌ها، کمیسیون‌ها و مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی سعی نموده است با ایجاد مقبولیت در ساختار حاکمیتی کرمان به عنوان نهاد عمومی و تشکل فراگیر اقتصادی، همراهی و همکاری حاکمیت در سطح استان و کشور را فراهم نماید و با تدوین برنامه راهبردی، ساختار حکمرانی داخلی اتاق را بهبود ببخشد و با انجام مطالعات و ارزیابی‌ها و تهیه مدل توسعه پایدار استان با استفاده از تجارب کشورهای موفق دنیا و ارائه راه‌حل‌ها و عملی نمودن پیشنهادات از تمامی ظرفیت‌ها و جایگاه‌های قانونی در جهت وصول به شاخص‌های جهانی رشد و توسعه بهره‌بردار. ♦♦

# سیاست‌گذاری

- + تحلیلی بر چرایی ناکامی اقتصادی کشور
- + ریشه‌های ناترازی شبکه بانکی کشور
- + چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در ایران
- + راه‌رفاه اقتصادی
- + سیستم مدیریت هوشمند اقتصادی
- + دروس اجباری توسعه

# تحلیلی بر چرایی ناکامی اقتصادی کشور

## ♦ دکتر مرتضی افقه

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز



انسانی و منابع فراوان طبیعی کشور چندان دشوار نبود، اما به دلایلی که ذکر می‌شود، در طول سه دهه پس از جنگ، مسیری طی شد که نه تنها اهداف و آرمان‌های مورد تکرار و تأکید محقق نشد، بلکه فرسنگ‌ها با آن‌ها فاصله گرفته شده است. اما دلیل این ناکامی‌ها چیست؟ برای پاسخ به این سؤال و تحلیل چرایی آن، لازم است ابتدا مروری بر اهداف اقتصادی قانون اساسی و به خصوص آرمان‌های مندرج در چشم‌انداز ۲۰ ساله انجام شود. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست... در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.» و در چند بند از اصل سوم این قانون آمده است: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات

انقلاب مردم ایران در سال ۵۷ هرچند انقلابی عمدتاً دینی نام‌گذاری شد، اما متأثر از فضای سوسیالیستی حاکم بر اغلب کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه از جمله ایران، ریشه‌های سیاسی و اقتصادی متعددی داشت. نگاه اغلب انقلابیون از نحل‌های مختلف آن بود که شاه عامل امپریالیسم امریکا و نظام سرمایه‌داری است که با اعمال سیاست‌های امریکا باعث فقر و نابرابری شده و سرمایه‌داران حاکم، کارگران و محرومان را به استثمار کشانده‌اند و بنابراین تنها راه رهایی از آن شرایط اقتصادی انقلاب است. حتی روحانیون و انقلابیون مذهبی هم متأثر از نوشته‌های دکتر علی شریعتی شعارهای سوسیالیستی را اسلام‌میزه کردند و بسترهای سیاسی لازم را برای تهییج جوانان مسلمان انقلابی فراهم نمودند. با پیروزی انقلاب، تمامی شعارهای فقرزدا و برابری طلبانه دینی و سوسیالیستی در قانون اساسی نمودی برجسته یافت. مروری بر قانون اساسی اولیه به خصوص اصول اقتصادی آن نشان می‌دهد که در حوزه زندگی مادی و رفاه اقتصادی مردم اهداف و آرمان‌های ضد فقر فراوانی مورد تأکید قرار گرفت. جالب‌تر آنکه آرمان‌ها و آرزوهای اقتصادی مندرج در قانون اساسی در تمامی اسناد بالادستی تدوین شده در طول این مدت (شش برنامه اجرا شده، سند چشم‌انداز، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اقتصاد مقاومتی و نام‌گذاری بیش از ۲۰ سال با عناوین اقتصادی) تکرار و تأکید شده است. هرچند نیل به این اهداف و آرمان‌ها با توجه به انرژی و سرمایه اجتماعی اولیه ناشی از انقلاب و قابلیت‌های

عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛ پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه». از همه مهم‌تر اما اصول اقتصادی مندرج در فصل چهارم این قانون است:

اصل چهل و سوم: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه،
۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی،

اگرچه انقلاب در بستری عمدتاً دینی شکل گرفت، اما بسیاری از اصول آن متأثر از فضای سوسیالیستی حاکم بر سپهر سیاسی جهان و کشور بود. به همین دلیل اصل ۴۴ که امروزه بسیاری به غلط به معنی خصوصی‌سازی تلقی می‌کنند، اصلی کاملاً سوسیالیستی است که مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی را به دولت و سپس به بخش تعاونی واگذار کرده است.

و در نهایت فعالیت بخش خصوصی را «شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است» دانسته است. جالب آنکه از اواخر دهه ۶۰ به این سو تفکر اقتصاد خوانده‌های طرفدار بازار آزاد و خصوصی‌سازی بر نظام تصمیم‌گیری حاکم شد، اما به‌جای تغییر این اصل، سندی به نام سیاست‌های کلی اصل ۴۴ تصویب و ابلاغ شد که هنوز نحوه اعمال و اجرای آن محل مناقشه است.

توزیع عادلانه امکانات بین مناطق و محافظت از محیط‌زیست از دیگر اصول قانون اساسی است که در صورت عمل به آن‌ها، امروز کشور در وضعیت مطلوبی قرار داشت. در اصل چهل و هشتم آمده است: «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به‌طوری‌که هر منطقه به فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.» و در اصل پنجاهم: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که

به آن‌ها نیز حرکت نشده است. این نکته نیز قابل تأکید است که اگر چه انقلاب در بستری عمدتاً دینی شکل گرفت، اما بسیاری از اصول آن متأثر از فضای سوسیالیستی حاکم بر سپهر سیاسی جهان و کشور بود. به همین دلیل اصل ۴۴ که امروزه بسیاری به غلط به معنی خصوصی‌سازی تلقی می‌کنند، اصلی کاملاً سوسیالیستی است که مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی را به دولت و سپس به بخش تعاونی واگذار کرده است: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها است که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.»

از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد، ۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد، ۴. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور، ۵. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، ۶. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اهدافی والا با کلماتی زیبا برای تأمین معیشت و ارتقاء رفاه مردم و جامعه در قانون اساسی گنجانده شده‌اند، بدون آنکه تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به استلزامات و پیش‌نیازهای نیل به آن‌ها مقید باشند. حاصل آنکه امروز بعد از گذشت بیش از سه دهه پس از پایان جنگ، تقریباً هیچ‌کدام از اهداف تعیین شده نه تنها حاصل نشده بلکه به آن‌ها نزدیک هم نشده؛ و فراتر از آن، در بسیاری موارد، در مسیر نیل





نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیطزیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». ملاحظه می‌شود که برخلاف تأکید این اصول، در بسیاری موارد از جمله نابرابری بین مناطق و استان‌ها و تخریب محیطزیست به شرایط بحرانی نزدیک شده‌اند، اما با گذشت بیش از دو دهه از پیروزی انقلاب و ناکامی در نیل به اهداف اقتصادی تعیین شده در قانون اساسی، در سال ۱۳۸۲ سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران تدوین و ابلاغ شد؛ سندی جهت تبیین افقی برای توسعه ایران در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. اجرای این چشم‌انداز از سال ۱۳۸۴ آغاز و قرار بود در قالب چهار برنامه توسعه ۵ ساله انجام گیرد. پایان این سند سال ۱۴۰۴ یعنی دو سال دیگر است. ابتدا آرمان‌های درج شده در سند را مرور کنیم تا درجه موفقیت آن در نیل به آرمان‌ها مشخص گردد:

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدیرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

#### جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی،  
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع

انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی در تولید ملی، -امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازاری‌نگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت،

-برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیطزیست مطلوب،

-فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن،

-دستیافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

ملاحظه می‌شود که درحالی‌که تنها دو سال از عمر ۲۰ ساله این چشم‌انداز باقی‌مانده، نه‌تنها ایران به قدرت اول (در زمینه‌های تعیین‌شده) نرسیده است، بلکه نه به آن‌ها نزدیک شده و نه در مسیر نیل به آن‌ها حرکت کرده است.

دلیل این ناکامی چیست؟ چرا به‌رغم برخورداری از انبوه نیروهای انسانی متخصص، با انگیزه، جوان، و میهن‌دوست، در کنار منابع خدادادی سرشار و زیرساخت‌های عظیم

**برخلاف تصور رایج بسیاری اقتصادخوانده‌ها و نخوانده‌ها، مشکلات فعلی کشور هرچند نمودی اقتصادی (تورم، بیکاری، فقر و نابرابری، رشد اقتصادی ناچیز، عدم سرمایه‌گذاری و ...) دارند، اما چون ریشه‌های غیراقتصادی دارند، با فرمول‌های صرفاً اقتصادی قابل رفع نمی‌باشند و نیاز به تخصص‌های بین‌رشته‌ای دارند.**

باقی‌مانده از پیش از انقلاب، و گذشت بیش از چهار دهه، هنوز فاصله بسیار زیادی از اهداف اعلام شده در سند‌های متعدد بالادستی وجود دارد و این فاصله در حال افزایش نیز هست؟ پیش از تحلیل چرایی این ناکامی ذکر چند نکته ضروری به روشن شدن بحث کمک می‌کند:

۱. همان‌گونه که در پزشکی تشخیص اشتباه درد، منجر به تجویز نسخه‌های اشتباه و تشدید بیماری یا مرگ بیمار می‌شود، در علوم اجتماعی و به‌خصوص اقتصاد، تشخیص اشتباه علت مشکل، منجر به تجویز سیاست‌های اشتباه می‌شود و عمل به سیاست‌های غلط موجب اتلاف وسیع منابع و فرصت سوزی‌های جبران‌ناپذیر می‌شود،

۲. باید پذیرفت که تشخیص درد و تجویز نسخه در حوزه‌های علوم انسانی به‌خصوص علوم اجتماعی (شامل اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ...)، بسیار پیچیده‌تر و تخصصی‌تر از علوم تجربی و طبیعی و پزشکی است. بنابراین، ورود افراد غیرمتخصص و یا با تخصص‌های سطحی، می‌تواند فرایند توسعه و پیشرفت کشور و جامعه را با مشکل مواجه نموده و یا به عقب سوق دهد. این امر در شرایط بسیار پیچیده امروز ایران اهمیت دوچندانی دارد؛ چون برخلاف تصور رایج بسیاری اقتصادخوانده‌ها و نخوانده‌ها، مشکلات فعلی کشور هرچند نمودی اقتصادی (تورم، بیکاری، فقر و نابرابری، رشد اقتصادی ناچیز، عدم سرمایه‌گذاری و ...) دارند، اما چون ریشه‌های غیراقتصادی دارند، با فرمول‌های صرفاً اقتصادی قابل رفع نمی‌باشند و نیاز به تخصص‌های بین‌رشته‌ای دارند. جالب آنکه، این امر که مشکلات اقتصادی کشورهای عقب‌مانده یا درحال توسعه (که ایران کنونی در این دسته قرار دارد)، با تئوری‌های رایج و متعارف اقتصادی قابل حل نیستند و مشکلات این‌گونه از کشورها باید به‌صورت خاص مطالعه و بررسی و برای آن‌ها راه‌حل داده شود، در دهه ۵۰ میلادی مورد اتفاق نظر متخصصین اقتصادی و اجتماعی جهان قرار

معنوی خود داشته باشند. به همین دلیل بر بهداشت و آموزش (به‌عنوان سرمایه‌ انسانی) که به افزایش قابلیت و توانمندی افراد منجر می‌شود، تأکید عمده نموده است.

تعریف فوق از توسعه در واقع هدف نهایی مشترک همه جوامع است، اما بسته به شرایط و ساختارهای ارزشی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هر کشور یا جامعه، فرایند نیل به این هدف می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، آنچه در زیر می‌آید فرایندی از توسعه را بیان می‌کند که با ساختارهای فعلی ایران سازگار است. واقعیت آن است که نیل به هدف توسعه (آن‌گونه که بیان شد)، اتفاق نخواهد افتاد مگر آنکه پیش از آن تحولاتی غیراقتصادی در جامعه و به‌خصوص در بینش و نگرش حکمرانان (تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران) رخ دهد؛ به‌عبارت‌دیگر، جامعه وقتی به توسعه خواهد رسید که حکمرانی جامعه براساس تفکر توسعه‌ای صورت پذیرد. بر این اساس می‌توان فرایند توسعه را این‌گونه بیان کرد: «توسعه فرایندی است که انسان توسعه‌نیافته را به انسان توسعه‌یافته تبدیل می‌کند». منظور از انسان توسعه‌یافته همان تفکر توسعه‌ای حاکم بر نظام ارزشی و نظام تصمیم‌گیری جامعه است که می‌تواند بستر حرکت به‌سوی هدف توسعه فراهم کند، اما دو اصل اساسی مبنای تفکر توسعه‌ای را شکل می‌دهد (ویژگی‌های انسان توسعه‌یافته):

۱. انسان (به‌ماهو انسان)، هم عامل و هم هدف توسعه است. بنابراین در نگرش حکمرانان جامعه باید انسان مهم و ارزشمند تلقی شود (در عمل و در سیاست‌گذاری‌ها نه در سخنرانی و خطابه‌ها)؛ اگر انسان ارزشمند و مهم باشد آنگاه، همه ابعاد وجودی او مهم است؛ جان و سلامتی او، معیشت و نیازهای مادی و معنوی او، شأن و احترام او، آزادی او،...  
 ۲. از آنجاکه توسعه امری این‌جهانی است (و از منظر دینی با تأثیر بسیار بر جهان دیگر)، زندگی مادی و تأمین نیازهای مادی مردم در تفکر توسعه‌ای بسیار مهم است. بنابراین،

ویژگی‌هایی باشد، هدف اساسی همه جوامع از توسعه، دستیابی به حداقل سه هدف عمده زیر است:

۱- افزایش دسترسی به کالاها و خدمات اساسی لازم برای بقا و گسترش و توزیع فراگیر آن‌ها، کالاها و خدماتی همچون غذا، سرپناه (مسکن)، بهداشت و امنیت،

۲- افزایش سطح زندگی، علاوه بر کسب درآمد بیشتر، شامل تأمین فرصت شغلی بیشتر، آموزش کفّی و کیفی بهتر و توجه بیشتر به فرهنگ و ارزش‌های انسانی و در مجموع تمام مواردی است که نه تنها به رفاه مادی بیشتر منجر می‌شود، بلکه موجب تقویت اعتمادبه‌نفس جامعه در سطح فردی و ملی خواهد شد،

۳- افزایش هر چه بیشتر دامنه انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی برای همه افراد و کل جامعه از طریق آزادسازی آن‌ها از بندگی و وابستگی، نه تنها به سایر افراد یا کشورها، بلکه از جهل و مصیبت و فلاکت بشری .

تودارو البته در جدیدترین نسخه از کتاب ارزشمندش مبنای تعریف خود از توسعه را نوشته‌های آمارتیا سن اقتصاددان هندی قرار داده و بر نقش قابلیت و توانمندی موردنظر آمارتیا سن تأکید زیادی نموده است . در واقع آمارتیا سن، جامعه را وقتی توسعه‌یافته تلقی می‌کند که همه افراد نه تنها برخوردار از درآمد بالا باشند، بلکه قابلیت و توانمندی استفاده از آن درآمدها را در جهت رفاه مادی و

گرفت. به همین دلیل از بعد از پایان جنگ جهانی دوم، شاخه «توسعه اقتصادی» با هدف تمرکز بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشورهای عقب‌مانده و درحال توسعه از علم متعارف اقتصاد منشعب شد و تاکنون حجم قابل توجهی از ادبیات مفید را تولید کرده است. شوربختانه اما هنوز تعدادی از اقتصاد خوانده‌های بی‌اعتنا به ساختارهای غیر توسعه‌ای حاکم بر کشور، اصرار بر حل مشکلات اقتصادی از طریق همان فرمول‌های قابل استفاده در جوامع پیشرفته دارند،

همان‌گونه که تفسیر نتایج آزمایشات پزشکی صرفاً در حیطه دانش متخصصین پزشکی است، تحلیل داده‌های آماری در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز نیاز به تخصص‌های وسیع و عمیق در شاخه‌های این حوزه‌ها دارد. بنابراین، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی براساس برداشت‌های سطحی و غلط از داده‌های آماری اقتصاد توسط برخی اقتصاد خوانده‌ها و تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران غیرمتخصص می‌تواند اتلاف وسیع منابع و فرصت سوزی‌های جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد.

**حال با استناد به این نکات مقدماتی به تحلیل چرایی ناکامی‌های چهار دهه گذشته می‌پردازیم،** اما ابتدا تعریفی از توسعه (به‌عنوان هدف نهایی حرکت جامعه) اشاره کنم. توسعه را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: هدف نهایی از توسعه و فرایندی که جامعه را در مسیر نیل به این هدف قرار می‌دهد. تعریف توسعه از منظر هدف، یک امر علمی است و برای همه جوامع مشترک است. شاید جامع‌ترین تعریف از توسعه (به‌عنوان هدف) آن باشد که مایکل تودارو اقتصاددان آمریکایی بیان کرده:

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که توسعه واقعیتی فیزیکی و ذهنی است که در آن جامعه از طریق مجموعه‌ای از فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی به ابزاری برای تأمین یک زندگی بهتر دست می‌یابد. صرف‌نظر از اینکه زندگی بهتر در برگیرنده چه

**جامعه وقتی به توسعه خواهد رسید که حکمرانی جامعه براساس تفکر توسعه‌ای صورت پذیرد. بر این اساس می‌توان فرایند توسعه را این‌گونه بیان کرد: «توسعه فرایندی است که انسان توسعه‌نیافته را به انسان توسعه‌یافته تبدیل می‌کند». منظور از انسان توسعه‌یافته همان تفکر توسعه‌ای حاکم بر نظام ارزشی و نظام تصمیم‌گیری جامعه است که می‌تواند بستر حرکت به‌سوی هدف توسعه فراهم کند.**



حکمرانان باید اولویت اول شان، تأمین نیازهای مادی فرد جامعه باشد، ۳. چون انسان و زندگی این جهانی او مهم است، پس محیط زندگی او نیز مهم است و بنابراین حفظ محیط زیست سومین اولویت در تفکر توسعه‌ای است.

ایجاد این تحولات بینشی و نگرشی، شرط لازم برای قرار گرفتن در مسیر توسعه است، اما شرط کافی، شناخت و به‌کارگیری ابزار و سیاست‌های مناسب برای نیل به هدف توسعه خواهد بود. در راستای تعاریف بیان شده از توسعه، می‌توان توسعه را از منظری دیگر بیان نمود: «فرایندی است که به تسلط انسان بر طبیعت و محیط پیرامون منجر می‌شود». در واقع، بشر وقتی می‌تواند نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین کند که بتواند از طریق شناخت بر طبیعت مسلط شود تا آن را در جهت تأمین نیازهای خود به خدمت بگیرد، اما شناخت و تسلط بر طبیعت از طریق افزایش دانش قابل حصول است و انسان تنها موجودی است که می‌تواند از طریق دانش، طبیعت و موجودات آن را به خدمت بگیرد. به عبارت دیگر، انسان تنها و تنها ابزار نیل به توسعه جامع است. اتکا به هر عاملی غیر از انسان (مثل فروش نفت و گاز و سایر منابع و معادن طبیعی) به رشدی پایدار و قابل اتکا منجر نخواهد شد. بنابراین، رشد و پیشرفت پایدار در همه ابعاد اقتصادی و غیراقتصادی وقتی حاصل خواهد شد که انسان مولد و محرک آن باشد نه عواملی غیر از انسان.

با این توضیحات اکنون می‌توان به تحلیل چرایی ناکامی در نیل به اهداف توسعه که اغلب در اصول و بندهای قانون اساسی و اسناد بالادستی دیگر تأکید شده، دست یافت. **مهم‌ترین عواملی که مانع از حرکت کشور به سمت اهداف توسعه شده‌اند را می‌توان در فهرست زیر توضیح داد:**

۱. در نظام ارزشی حاکم بر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور، انسان و ابعاد وجودی او اولویت بالایی ندارد. این واقعیت را البته می‌توان در ردیف‌های بودجه و اولویت

تخصیص منابع کشور مشاهده کرد نه در آرمان‌ها و آرزوهای مندرج در اسناد پیش‌گفته و نه در شعارهای ابراز شده در سخنرانی‌ها و خطابه‌های تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان. توضیح آنکه، نظام ارزشی حاکم بر نظام تصمیم‌گیری بر دو اصل ضدتوسعه‌ای شکل گرفته است: اصل «خاک بر سر دنیا»، و اصل «گور بابای مردم» می‌توانید بنویسید اصل اهمیت نداشتن زندگی مادی و اصل مهم نبودن (بی‌ارزش یا کم‌ارزش بودن) انسان. حاکمیت این دو اصل را می‌توان بر همه ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مشاهده نمود؛ به‌عنوان مثال به چند نمونه اشاره می‌شود: اینکه سالانه بیش از بیست هزار نفر در تصادفات جاده‌ای کشته و عده بیشتری مجروح می‌شوند، یعنی حفظ جان انسان‌ها اولویت بالایی ندارد، اینکه (طبق تشخیص وزارت کار) بیش از ۶۰ میلیون نفر از کشور نیازمند دریافت سبد حمایتی تشخیص داده شده‌اند و فقیرند یعنی معیشت مردم مهم نیست، اینکه هزاران بیمار در صفت معالجه مطبها و بیمارستان‌ها هستند، و نیز کالاهایی تولید می‌شود که در بسیاری موارد استفاده از آن‌ها موجب مرگ یا صدمه جسمی و روحی افراد می‌شود؛ یعنی سلامتی انسان اولویت بالایی ندارد، اینکه وقت و احترام انسان‌ها در کل ساختار اداری و اجرایی (اعم از دستگاه‌های دولتی، قضایی، نظارتی، و ...) هدر می‌رود، یعنی شأن و احترام انسان‌ها مهم نیست. اینکه سالانه هزاران انسان نخبه و متخصص و وطن‌دوست از کشور ناچار به مهاجرت می‌شوند، یعنی جایگاه انسان در فرایند توسعه اهمیت ندارد، اینکه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی محدود شده‌اند، اینکه .... همه نشانه آن است که اولین اصل توسعه (مهم بودن انسان به ما هو انسان)، نادیده گرفته شده است.

۲. با توجه به بند اول (بی‌اعتنایی به انسان در نظام ارزشی حاکم)، ملاک انتصاب و انتخاب و گزینش تصمیم‌گیران، مدیران، و کارکنان حاکمیتی (در همه قوا نه فقط دولت) براساس گرایش‌های ایدئولوژیک و سیاسی

خاصی است و نه شایستگی‌های لازم برای رشد و پیشرفت و توسعه کشور. در توضیح این بند نیز باید گفت که اولویت‌ها در انتخاب و انتصابات کلیه کارگزاران حاکمیت در همه رده‌ها و در همه قوا و دستگاه‌هایی که از بودجه و در واقع جیب مردم ارتزاق می‌کنند، ملاک‌های ایدئولوژیک (عمدتاً رعایت ظواهر فقهی و نه حتی عمل به آموزه‌های اخلاقی تأکید شده در دین) و گرایش‌های بسته و تنگ‌نظرانه سیاسی است. حاصل چنین ساختاری، شکل‌گیری ساختار مدیریتی و اداری-اجرایی ای (بوروکراسی) ناکارآمد و ضدتولید و ضدتوسعه در کشور است که در آن بهترین برنامه‌های توسعه نیز قابلیت اعمال و اجرا نخواهند داشت.

۳. بی‌اعتنایی به نقش بی‌بدیل انسان به‌عنوان تنها عامل توسعه و در عوض توجه و تمرکز بر استخراج، تولید و فروش نفت و گاز و سایر منابع طبیعی به‌عنوان محرک رشد اقتصادی، از دیگر دلایل ناکامی در قرار گرفتن کشور در جاده توسعه است. این امر باعث شده که کشور در تمامی سال‌های پس از انقلاب با رشدی متکی به درآمدهای متزلزل و ناپایدار نفت مواجه باشد که رشدی ناچیز و غیرقابل اتکا است؛ به‌عنوان شاهد این مدعا، می‌توانید به تلاش‌ها برای کشف منابع بیشتر نفت و گاز و سایر معادن در کشور توجه کنید و در مقابل بی‌اعتنایی نسبت به مهاجرت (رانده شدن) هزاران نیروی انسانی نخبه، جوان، مجرب، وطن‌دوست و ... که تنها عامل رشدی بادوام‌اند را ملاحظه کنید. لازم به ذکر است که جهان پیشرفته امروز و کشورهای اخیراً توسعه‌یافته، زمانی در مسیر توسعه قرار گرفتند که به نقش بی‌بدیل دانش و پژوهش و بنابراین به نقش انسان در فرایند توسعه پی بردند و نه تنها سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در پرورش نگرش‌های توسعه‌ای و آموزش‌های تخصصی و صدماتی در حفظ نیروهای انسانی خود و حتی جذب نیروهای انسانی نخبه دیگر کشورها نمودند. کشورهای پیشرفته از سال‌های پس از قرون وسطی



و رنسانس و کشورهای اخیراً توسعه‌یافته (چین، کره جنوبی، مالزی، هند...)، طرف دهه‌های اخیر به این مهم پی برده و با اتکا به نیروهای انسانی، خود را در مسیر توسعه قرار دادند. در ایران اما، هر چند سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در بخش آموزش (در همه سطوح) انجام شده است، اما با تنگ‌نظری‌های ایدئولوژیک و سیاسی و نیز محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، بستر خروج و مهاجرت نیروهای اصلی توسعه کشور را فراهم آورده‌اند. آمارهای مندرج در جداول زیر نشان می‌دهند که چگونه کشورهایی همچون چین، مالزی، هند و اخیراً اندونزی و ویتنام و در برخی زمینه‌ها حتی بنگلادش با اتکا به سیاست‌های مطلوب و با محوریت نیروهای انسانی، خود را در جاده توسعه قرار داده و با رشد‌های استثنایی (در بسیاری سال‌ها) بالای ده درصد، با شتابی خیره‌کننده به کشورهایی مرفه و برخوردار در همه ابعاد تبدیل شده‌اند. از سوی دیگر، کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه (که طبق سند چشم‌انداز قرار بود ایران به لحاظ شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، بالاتر از آن‌ها باشد) با استفاده از امکانات نفت و گاز خود (کشورهای حوزه خلیج فارس) و با قابلیت‌های دیگر (گردشگری برای ترکیه) توانستند به پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای دست یابند و با شتابی فزاینده فاصله خود را از ایران بیشتر کرده‌اند تا آرزوهای مندرج در سند چشم‌انداز ناکام بمانند.

۴. نسخه‌های غلط بسیاری از اقتصاد خوانده‌های بی‌اعتنا به ساختارهای ضدتولید و ضدتوسعه موجود (شکل‌گرفته براساس دو بند بالا) از جمله دلایل دیگر ناکامی کشور در قرار گرفتن در مسیر توسعه است. همان‌گونه که ذکر شد، هر چند بسیاری از مشکلات فعلی کشور نمودی اقتصادی دارند، اما چون ریشه‌های هادی غیراقتصادی دارند، از فرمول‌ها و نسخه‌های صرفاً اقتصادی قابل‌حل نمی‌باشند، یا تأثیراتی کم‌دامنه و کوتاه‌مدت در کاهش معضلات اقتصادی دارند. تجربه سه دهه پس از تجویز و اعمال نسخه‌های متعدد

اقتصادی از نخله‌های مختلف و وضعیت نامناسب امروز شاخص‌های اقتصادی کشور مؤید این مدعاست. با این وصف، تعدادی از اقتصاد خوانده‌های معتقد به اقتصاد آزاد، بی‌اعتنا به این ناسازگاری‌ها، همچنان سیاست‌گذاران (دولت و مجلس) را زیر فشار نسخه‌های صرفاً اقتصادی خود قرار داده‌اند: اصراری که حاصلی جز اتلاف وسیع منابع و فرصت سوزی‌های جبران‌ناپذیر ظرف سه دهه گذشته نداشته است.

۵. رفع مشکلات اقتصادی کشور، فراتر از توان و اختیارات دولت (قوه مجریه) است. با توجه به توضیحات فوق و از آنجا که مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی ریشه‌ای‌تر از آنند که تصور می‌شود و یا برخی اقتصادخوانده‌ها بیان می‌کنند، حل آن‌ها در حوزه اختیارات محدود دولت نمی‌گنجد و بنابراین کل نظام (حاکمیت) باید اقدامات اساسی برای اصلاح ساختارهای ضدتولید و ضدتوسعه موجود (عمدتاً غیراقتصادی) کند تا بستر رفع مشکلات از جمله مشکلات اقتصادی فراهم گردد. همان‌گونه که ذکر شد، برای حل مشکلات اقتصادی و در واقع برای قرار گرفتن در مسیر توسعه و رفاه جامعه، تا بسترهای غیراقتصادی (نظام ارزشی حاکم بر بینش‌ها و نگرش‌ها در همه حوزه‌های فلسفی و به تبع آن سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و حتی مذهبی) فراهم نگردد، مشکلات اقتصادی نیز قابل حل نخواهند بود. هر چند با استفاده (دوپیننگ) درآمدهای گاه‌وبیگاه نفت، برای برخی مقاطع بخشی از مشکلات کاهش یافته‌اند، اما اگر نیروهای انسانی نخبه و توانمند کشور نقش محوری مدیریت توسعه کشور را نداشته باشند، درآمدهای نفتی تنها مسکن‌هایی هستند که تداوم وابستگی اقتصاد کشور را به منابع ناپایدار و غیرقابل اتکا رقم خواهند زد.

تأکید و توصیه‌های نامناسب برخی اقتصاد خوانده‌ها و تبعیت سیاست‌گذاران، مشکلات اقتصادی را تشدید کرده است. شاهد این مدعا، انجام سه نوبت (به اصطلاح) جراحی اقتصادی پیشنهادی توسط اقتصاد

خوانده‌های (بی‌اعتناء به موانع غیراقتصادی پیشرفت) کشور در دوره‌های آقایان رفسنجانی، احمدی‌نژاد و سال گذشته رئیسی نه تنها مشکلات اقتصادی را حل نکرد، بلکه در هر سه نوبت معیشت مردم را در تنگنای بیشتری قرار داد. بنابراین، برای حل مشکلات اقتصادی (و غیراقتصادی) تنها چاره، نه جراحی اقتصادی، بلکه اصلاح ساختارهای ضدتولید و ضدتوسعه غیراقتصادی است که البته هم سخت و دشوار و طولانی است و هم با مقاومت ذینفعان اقتصادی و سیاسی مواجه خواهد شد.

در جداول زیر به روند تحولات اقتصادی کشورهای چین، مالزی و هندوستان اشاره می‌کنم که با تدابیر غیراقتصادی و اقتصادی فرد یا افرادی با نگرش توسعه‌ای (مهاویر محمد در مالزی) یا احزاب توسعه‌ای (چین و هند) کشورهايشان را ظرف حدوداً بیست سال (از حدود ۱۹۸۰ و همزمان با پیروزی انقلاب ایران در سال ۵۷) در جاده توسعه قرار دادند و اکنون با شتاب در حال تازیدن و سبقت گرفتن از برخی کشورهای توسعه‌یافته کنونی هستند. همچنین روند شاخص‌های اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس را مشاهده کنید که با استفاده از درآمدهای نفتی، چگونه به پیشرفت‌های خیره‌کننده اقتصادی و غیراقتصادی دست یافته‌اند. در واقع، کشورهای حوزه خلیج فارس درآمدهای نفتی خود را صرف انجام اصلاحات در ساختارهای غیراقتصادی‌ای کردند که بستر پیشرفت و رشد و رفاه اقتصادی را برای مردمشان به ارمغان آورد. در نهایت به نوسانات زیگزاگی برخی شاخص‌های اقتصادی ایران توجه کنید که به دلیل اتکا حکمرانان بی‌اعتنا به پیش‌نیازهای توسعه و تنها با اتکا درآمدهای نفتی نتوانستند کشور را در مسیری قرار دهند که اهداف، آرمان‌ها، و آرزوهای مندرج در قانون اساسی و ده‌ها سند توسعه‌ای دیگر محقق شوند. حاصل این بی‌تدبیری‌ها و بی‌کفایتی‌ها مهاجرت زبان‌بار نیروهای نخبه کشور، اتلاف وسیع منابع خدادادی و فرصت سوزی‌های غیرقابل جبران بوده است.



سری زمان چند متغیر اقتصادی برای کشورهای منتخب (۱۹۸۰-۲۰۲۲)

کشور	متغیر	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱
چین	نرخ رشد اقتصادی	۷,۸۳	۵,۱۱	۹,۰۲	۱۰,۷۷	۱۵,۱۹	۱۳,۴۳	۸,۹۵	۱۱,۶۶	۱۱,۲۲	۴,۲۱	۳,۹۲	۹,۲۶
چین	نرخ تورم	..	..	..	..	..	..	..	۷,۲۳	۱۸,۸۱	۱۸,۲۵	۳,۰۵	۳,۵۶
چین	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	۳۲,۲۰	..
چین	نرخ بیکاری	۴,۹۰	۳,۸۰	۳,۲۰	۲,۳۰	۱,۹۰	۱,۸۰	۲,۰۰	۲,۰۰	۲,۰۰	۲,۶۰	۲,۵۰	۲,۳۰
ایران	نرخ رشد اقتصادی	-۲۱,۶۰	-۵,۷۰	۲۳,۱۷	۱۱,۰۹	-۷,۱۴	۱,۸۷	-۹,۷۸	-۰,۱۷	-۶,۰۸	۶,۱۳	۱۳,۵۹	۱۲,۷۲
ایران	نرخ تورم	۲۰,۶۴	۲۴,۲۰	۱۸,۶۹	۱۹,۷۴	۱۲,۵۴	۴,۳۹	۱۸,۴۳	۲۸,۵۷	۲۸,۶۷	۲۲,۳۵	۷,۶۳	۱۷,۱۳
ایران	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	۴۷,۴۰	..	..	..	۴۳,۶۰	..
ایران	نرخ بیکاری	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	۱۱,۱۰
هند	نرخ رشد اقتصادی	۶,۷۴	۶,۰۱	۳,۴۸	۷,۲۹	۳,۸۲	۵,۲۵	۴,۷۸	۳,۹۷	۹,۶۳	۵,۹۵	۵,۵۳	۱,۰۶
هند	نرخ تورم	۱۱,۳۵	۱۳,۱۱	۷,۸۹	۱۱,۸۷	۸,۳۲	۵,۵۶	۸,۷۳	۸,۸۰	۹,۳۸	۷,۰۷	۸,۹۷	۱۳,۸۷
هند	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	۳۲,۶۰	..	..	..	..
هند	نرخ بیکاری	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
عربستان	نرخ رشد اقتصادی	۵,۶۵	۱,۹۴	-۲۰,۷۳	-۱۶,۰۵	-۴,۶۶	-۹,۷۹	۱۷,۰۱	-۶,۶۳	۱۳,۱۱	-۰,۵۰	۱۵,۱۹	۱۵,۰۱
عربستان	نرخ تورم	۴,۱۷	۲,۸۰	۱,۰۲	۰,۱۹	-۱,۵۶	-۳,۰۶	-۳,۲۰	-۱,۵۵	-۰,۹۱	۱,۰۳	۲,۰۸	۴,۸۶
عربستان	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
عربستان	نرخ بیکاری	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
امارات	نرخ رشد اقتصادی	۲۳,۸۷	۴,۶۶	-۶,۷۲	-۴,۷۵	۴,۰۲	-۳,۵۹	-۱۴,۹۶	۳,۳۸	-۲,۶۲	۱۲,۳۴	۱۸,۳۳	۰,۸۶
امارات	نرخ تورم	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
امارات	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
امارات	نرخ بیکاری	..	..	..	..	..	۱,۱۵	..	..	..	..	..	..
قطر	نرخ رشد اقتصادی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
قطر	نرخ تورم	۶,۸۰	۸,۵۲	۵,۷۰	۲,۷۴	۱,۱۰	۱,۹۱	۰,۷۶	۲,۶۹	۴,۶۰	۳,۳۰	۳,۰۰	۴,۴۲
قطر	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
قطر	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
قطر	نرخ بیکاری	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..

سری زمان چند متغیر اقتصادی برای کشورهای منتخب (۱۹۸۰-۲۰۲۲) (ادامه)

کشور	متغیر	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
چین	نرخ رشد اقتصادی	۱۴/۲۲	۱۳/۸۸	۱۳/۰۴	۱۰/۹۵	۹/۹۲	۹/۲۴	۷/۸۵	۷/۶۶	۸/۴۹	۸/۳۴	۹/۱۳
چین	نرخ تورم	۶/۳۵	۱۴/۶۱	۲۴/۲۶	۱۶/۷۹	۸/۳۱	۲/۷۹	-۰/۷۷	-۱/۴۰	۰/۳۵	۰/۷۲	-۰/۷۳
چین	ضریب جینی	..	۳۳/۹۰	..	..	۳۵/۲۰	..	..	۳۸/۷۰	..	..	۴۲/۰۰
چین	نرخ بیکاری	۲/۳۰	۲/۶۰	۲/۸۰	۲/۹۰	۳/۰۰	۳/۱۰	۳/۱۰	۳/۱۰	۳/۱۰	۳/۶۰	۴/۰۰
ایران	نرخ رشد اقتصادی	۳/۳۰	-۱/۴۷	-۱/۷۰	۲/۴۰	۶/۳۵	۱/۳۵	۲/۰۸	۲/۰۰	۵/۸۵	۲/۳۹	۸/۰۸
ایران	نرخ تورم	۲۵/۸۱	۲۱/۲۰	۳۱/۴۵	۴۹/۶۶	۲۸/۹۴	۱۷/۳۵	۱۷/۸۷	۲۰/۰۷	۱۴/۴۸	۱۱/۲۷	۱۴/۳۴
ایران	ضریب جینی	..	..	۴۳/۰۰	..	..	..	۴۴/۱۰	..	..	..	..
ایران	نرخ بیکاری	..	..	..	..	۹/۱۰	..	..	..	..	..	۱۲/۸۰
هند	نرخ رشد اقتصادی	۵/۴۸	۴/۷۵	۶/۶۶	۷/۵۷	۷/۵۵	۴/۰۵	۶/۱۸	۸/۸۵	۳/۸۴	۴/۸۲	۳/۸۰
هند	نرخ تورم	۱۱/۷۹	۶/۳۳	۱۰/۲۵	۱۰/۲۲	۸/۹۸	۷/۱۶	۱۳/۲۳	۴/۶۷	۴/۰۱	۳/۷۸	۴/۳۰
هند	ضریب جینی	..	۳۱/۷۰	..	..	..	..	..	..	..	..	..
هند	نرخ بیکاری	۶/۸۲	۶/۸۰	۶/۸۳	۷/۰۱	۷/۱۸	۷/۲۸	۷/۴۹	۷/۷۱	۷/۷۷	۷/۹۶	۸/۱۰
عربستان	نرخ رشد اقتصادی	۳/۹۹	-۱/۳۶	-۰/۵۶	۰/۲۱	۲/۶۴	۱/۱۰	۲/۸۹	-۳/۷۶	۵/۶۳	-۱/۲۱	-۲/۸۲
عربستان	نرخ تورم	-۰/۰۸	۱/۰۶	-۰/۵۶	۴/۸۷	۱/۲۲	۰/۰۶	-۰/۳۷	-۱/۳۳	-۱/۱۲	-۱/۱۲	-۰/۲۵
عربستان	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
عربستان	نرخ بیکاری	۷/۲۰	۶/۸۵	۶/۴۱	۵/۹۹	۵/۵۵	۵/۱۵	۴/۷۱	۴/۳۵	۴/۵۷	۴/۶۲	۵/۲۷
امارات	نرخ رشد اقتصادی	۳/۳۴	۱/۲۶	۶/۹۰	۶/۶۹	۵/۸۰	۸/۱۹	۰/۲۹	۲/۹۰	۱۰/۸۵	۱/۴۰	۲/۴۳
امارات	نرخ تورم	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
امارات	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
امارات	نرخ بیکاری	۱/۸۶	۱/۸۶	۱/۸۱	۱/۸۰	۱/۹۰	۱/۹۸	۲/۱۵	۲/۲۲	۲/۲۵	۲/۵۰	۲/۶۵
قطر	نرخ رشد اقتصادی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	۳/۹۰	۷/۱۸
قطر	نرخ تورم	۳/۰۶	-۰/۸۷	۱/۳۲	۲/۹۶	۴/۹۰	۴/۸۳	۲/۹۵	۲/۱۸	۱/۶۵	۱/۴۷	۰/۲۴
قطر	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
قطر	نرخ بیکاری	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۸۵
قطر	نرخ بیکاری	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..



سری زمان چند متغیر اقتصادی برای کشورهای منتخب (۱۹۸۰-۲۰۲۲) (ادامه)

کشور	متغیر	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
چین	نرخ رشد اقتصادی	۱۰/۰۴	۱۰/۱۱	۱۱/۳۹	۱۲/۷۲	۱۴/۲۳	۹/۶۵	۹/۴۰	۱۰/۶۴	۹/۵۵	۷/۸۶	۷/۷۷
چین	نرخ تورم	۱/۱۳	۳/۸۲	۱/۷۸	۱/۶۵	۴/۸۲	۵/۹۳	-۰/۷۳	۳/۱۸	۵/۵۵	۲/۶۲	۲/۶۲
چین	ضریب جینی	..	..	۴۰/۹۰	..	..	۴۳/۰۰	..	۴۳/۷۰	۴۲/۴۰	۴۲/۲۰	۳۹/۷۰
چین	نرخ بیکاری	۴/۵۸	۴/۴۹	۴/۵۲	۴/۴۳	۴/۳۵	۴/۵۹	۴/۷۲	۴/۵۳	۴/۵۵	۴/۵۸	۴/۶۰
ایران	نرخ رشد اقتصادی	۸/۶۴	۴/۳۴	۳/۱۹	۵/۰۰	۸/۱۶	-۰/۲۵	۱/۰۱	۵/۸۰	۲/۶۵	-۳/۷۵	-۱/۵۲
ایران	نرخ تورم	۱۶/۴۷	۱۴/۷۶	۱۳/۴۳	۱۰/۰۲	۱۷/۳۴	۲۵/۴۱	۱۳/۵۵	۱۰/۰۹	۲۶/۲۹	۲۷/۲۶	۳۶/۶۰
ایران	ضریب جینی	..	..	۴۳/۶۰	۴۴/۸۰	..	..	۴۲/۱۰	..	..	..	۳۷/۴۰
ایران	نرخ بیکاری	۱۱/۵۰	۱۰/۳۰	۱۱/۸۱	۱۱/۵۲	۱۰/۷۷	۱۰/۶۳	۱۲/۱۱	۱۳/۶۸	۱۲/۴۹	۱۲/۲۷	۱۰/۶۰
هند	نرخ رشد اقتصادی	۷/۸۶	۷/۹۲	۷/۹۲	۸/۰۶	۷/۶۶	۳/۰۹	۷/۸۶	۸/۵۰	۵/۲۴	۵/۴۶	۶/۳۹
هند	نرخ تورم	۳/۸۱	۳/۷۷	۴/۲۵	۵/۸۰	۶/۳۷	۸/۳۵	۱۰/۸۸	۱۱/۹۹	۸/۹۱	۹/۴۸	۱۰/۰۲
هند	ضریب جینی	..	۳۴/۴۰	..	..	..	..	۳۵/۴۰	..	۳۵/۷۰	..	..
هند	نرخ بیکاری	۸/۳۶	۸/۵۳	۸/۷۰	۸/۶۳	۸/۵۴	۸/۳۵	۸/۳۸	۸/۳۲	۸/۱۷	۸/۱۰	۸/۰۴
عربستان	نرخ رشد اقتصادی	۱۱/۲۴	۷/۹۶	۵/۵۷	۲/۷۹	۱/۸۵	۶/۲۵	-۲/۰۶	۵/۰۴	۱۰/۹۹	۵/۴۳	۲/۸۵
عربستان	نرخ تورم	۰/۶۱	۰/۵۲	۰/۴۸	۲/۲۱	۴/۱۷	۹/۸۷	۵/۰۶	۵/۳۴	۵/۸۳	۲/۸۷	۳/۵۳
عربستان	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
عربستان	نرخ بیکاری	۵/۵۶	۵/۸۲	۶/۰۵	۶/۲۵	۵/۷۳	۵/۰۸	۵/۳۸	۵/۵۵	۵/۷۷	۵/۵۲	۵/۶۰
امارات	نرخ رشد اقتصادی	۸/۸۰	۹/۵۷	۴/۸۶	۹/۸۴	۳/۱۸	۳/۱۹	-۵/۲۴	۱/۶۰	۶/۹۳	۴/۷۸	۵/۰۶
امارات	نرخ تورم	..	..	..	..	..	۱۲/۲۵	۱/۵۶	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۶۶	۱/۱۰
امارات	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	۳۲/۵۰
امارات	نرخ بیکاری	۲/۷۵	۲/۹۰	۳/۱۲	۲/۹۳	۲/۸۶	۲/۷۲	۲/۶۷	۲/۴۶	۲/۲۸	۲/۱۷	۲/۰۳
قطر	نرخ رشد اقتصادی	۳/۷۲	۱۹/۲۲	۷/۴۹	۲۶/۱۷	۱۷/۹۹	۱۷/۶۶	۱۱/۹۶	۱۹/۵۹	۱۳/۳۸	۴/۷۳	۵/۵۶
قطر	نرخ تورم	۲/۲۶	۶/۸۰	۸/۸۱	۱۱/۸۴	۱۳/۷۶	۱۵/۰۵	-۴/۸۶	-۲/۴۳	۱/۱۴	۲/۳۲	۳/۲۲
قطر	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
قطر	نرخ بیکاری	۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۵۲	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۴۵	۰/۵۶	۰/۴۸	۰/۲۸
قطر	نرخ بیکاری	..	۱/۴۸	..	۰/۸۷	۰/۵۲	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۴۵	۰/۵۶	۰/۴۸	۰/۲۸

سری زمان چند متغیر اقتصادی برای کشورهای منتخب (۱۹۸۰-۲۰۲۲) (ادامه)

کشور	متغیر	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
چین	نرخ رشد اقتصادی	۷,۴۳	۷,۰۴	۶,۸۵	۶,۹۵	۶,۷۵	۵,۹۵	۲,۲۴	۸,۴۵	۲,۹۹
چین	نرخ تورم	۱,۹۲	۱,۴۴	۲,۰۰	۱,۵۹	۲,۰۷	۲,۹۰	۲,۴۲	۰,۹۸	۱,۹۷
چین	ضریب جینی	۳۹,۲۰	۳۸,۶۰	۳۸,۵۰	۳۹,۱۰	۳۸,۵۰	۳۸,۲۰	..	..	..
چین	نرخ بیکاری	۴,۶۳	۴,۶۵	۴,۵۶	۴,۴۷	۴,۳۱	۴,۵۶	۵,۰۰	۴,۵۵	۴,۸۹
ایران	نرخ رشد اقتصادی	۴,۹۸	-۱,۴۲	۸,۸۲	۲,۷۶	-۲,۲۵	-۲,۶۶	۳,۳۳	۴,۷۲	۲,۷۵
ایران	نرخ تورم	۱۶,۶۱	۱۲,۴۸	۷,۲۵	۸,۰۴	۱۸,۰۱	۳۹,۹۱	۳۰,۵۹	۴۳,۳۹	..
ایران	ضریب جینی	۳۸,۱۸۰	۳۹,۵۰	۴۰,۰۰	۴۰,۸۰	۴۲,۰۰	۴۰,۹۰	..	..	..
ایران	نرخ بیکاری	۱۰,۶۸	۱۱,۱۷	۱۲,۶۲	۱۲,۲۳	۱۲,۱۹	۱۰,۷۴	۹,۶۹	۱۰,۸۲	۱۰,۹۶
هند	نرخ رشد اقتصادی	۷,۴۱	۸,۰۰	۸,۲۶	۶,۸۰	۶,۴۵	۳,۸۷	-۵,۸۳	۹,۰۵	۷,۰۰
هند	نرخ تورم	۶,۶۷	۴,۹۱	۴,۹۵	۳,۳۳	۳,۹۴	۳,۷۳	۶,۶۲	۵,۱۳	۶,۷۰
هند	ضریب جینی	..	۳۴,۷۰	۳۴,۸۰	۳۵,۹۰	۳۴,۶۰	۳۵,۷۰	..	..	..
هند	نرخ بیکاری	۷,۹۸	۷,۹۲	۷,۸۴	۷,۷۳	۷,۶۵	۶,۵۱	۱۰,۲۰	۷,۷۱	۷,۳۳
عربستان	نرخ رشد اقتصادی	۴,۰۳	۴,۶۹	۲,۳۶	-۰,۰۷	۲,۷۶	۰,۸۳	-۴,۳۴	۳,۹۲	۸,۷۴
عربستان	نرخ تورم	۲,۲۴	۱,۲۱	۲,۰۷	-۰,۸۴	۲,۴۶	-۲,۰۹	۳,۴۵	۳,۰۶	۲,۴۷
عربستان	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..
عربستان	نرخ بیکاری	۵,۷۲	۵,۶۰	۵,۶۰	۵,۸۹	۶,۰۳	۵,۶۴	۷,۴۵	۶,۶۹	۵,۶۴
امارات	نرخ رشد اقتصادی	۴,۱۷	۶,۷۹	۵,۵۶	۰,۷۴	۱,۳۱	۱,۱۱	-۴,۹۶	۳,۹۲	۷,۴۱
امارات	نرخ تورم	۲,۳۵	۴,۰۷	۱,۶۲	۱,۹۷	۳,۰۷	-۱,۹۳	-۲,۰۸	-۰,۰۱	۴,۸۳
امارات	ضریب جینی	..	..	..	..	۲۶,۰۰	..	..	..	..
امارات	نرخ بیکاری	۱,۹۰	۱,۷۶	۱,۶۴	۲,۴۶	۲,۲۴	۲,۳۳	۴,۲۹	۳,۱۱	۲,۷۵
قطر	نرخ رشد اقتصادی	۵,۳۳	۴,۷۵	۳,۰۶	-۱,۵۰	۱,۲۳	۰,۷۷	-۳,۶۴	۱,۵۹	۴,۸۳
قطر	نرخ تورم	۳,۳۵	۱,۸۱	۲,۶۸	۰,۳۹	۰,۲۶	-۰,۶۷	-۲,۵۴	۲,۳۰	۵,۰۰
قطر	ضریب جینی	..	..	..	..	..	..	..	..	..
قطر	نرخ بیکاری	۰,۲۰	۰,۱۷	۰,۱۵	۰,۱۴	۰,۱۱	۰,۱۰	۰,۱۴	۰,۱۴	..



گفت‌وگو با دکتر «حسن فروزان فرد» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون حکمرانی سازمانی اتاق تهران و نایب‌رییس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق ایران

## ریشه‌های ناترازی شبکه بانکی کشور

دکتر حسن فروزان فرد، عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون حکمرانی سازمانی اتاق تهران و نایب‌رییس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق ایران در گفت‌وگو با ما می‌گوید که وضعیت ناترازی کسری بودجه و دست‌اندازی دولت به روش‌های مختلف برای تأمین این کسری، عامل اصلی آشفتنگی در بازارهاست. دولت کسری منابع موردنیاز خود را یا باید با استقراض از سیستم بانکی و یا از فروش اوراق بدهی دولتی از بازار مالی و بازار بدهی تأمین کند که با موظف شدن بانک به خرید این اوراق باز هم مسئله به بدهی بانکی دولت ختم می‌شود. در موضوع بانک‌ها، عواملی چون تسهیلات تکلیفی، مکانیزم‌های غیرشفاف و فسادآلود حاکم بر نظام بانکی، عقب‌افتادگی خدمات و کاهش درآمدهای بانکی، افزایش شعب غیربهره‌ور، افزایش تعداد نیروی انسانی و مسائل مختلف مدیریتی از عوامل ایجاد ناترازی در شبکه بانکی هستند. بانکداری در کشور ما دچار مشکلات فراوانی است. دوره‌های تورمی سخت در اقتصاد ایران، بانک‌ها را دچار آسیب نموده است. در شرایطی که نرخ تورم بیشتر از نرخ بهره وام است، واضح است که بانک‌ها در زمینه تأمین اعتبارهای بلندمدت برای فعالان اقتصادی، دچار زیان اقتصادی می‌شوند؛ زیرا که ارزش پول به شدت در حال کاهش است و نرخ بهره تسویه وام‌ها در کشور زیان بانک‌ها را پوشش نمی‌دهد. بانک‌ها کوشش می‌کنند که منابع خود را در برابر کاهش ارزش پول ملی حفاظت کنند و لذا سعی می‌کنند تا منابع را به شکل گسترده در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار ندهند و آن‌ها را یا در زیرمجموعه‌های خودشان سرمایه‌گذاری کنند و یا در قالب خرید دارایی‌هایی که ارزش پول در آن‌ها حفظ می‌شود، به کار گیرند که در شرایط تورمی بالا با توجه به نرخ بهره کنترل شده که به صورت چشم‌گیری توسط بانک مرکزی پایین‌تر از واقعیت تورم تصویب می‌شود، امری کاملاً طبیعی است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانیم.



بانک مرکزی، بازار و دولت، یک خواسته و نظر واحد به صورت هماهنگ ندارند.

### ♦♦ پایان سلطه دلار چگونه و در چه شرایطی ممکن می‌شود؟

موضوع پایان سلطه دلار نه تنها برای کشور ما، بلکه برای خیلی از کشورهای دنیا و بویژه آن‌هایی که در مسیر توسعه هستند، یک چشم‌انداز جذاب و خوشایند است. اگر از زاویه دید کشور چین به اقتصاد دنیا نگاه کنیم، قطعاً برای آن‌ها نیز پایان این سلطه جذاب و شیرین است و می‌تواند اثرگذار باشد؛ اما باید در این زمینه واقع‌بین بود، باید به حجم دلاری که در سطح بین‌المللی وجود دارد، قدرت بانک مرکزی آمریکا، قدرت سیاسی و نظامی آمریکا توجه کنیم، همه این موارد پشت دلار ایستاده‌اند و اگر دلار تضعیف شود، تمام این قدرت‌ها آسیب می‌بینند و همین موارد باعث پایداری و استحکام بیشتر دلار گردیده است.

لذا به اعتقاد من پایان سلطه دلار ممکن است تحقق‌پذیر باشد، اما تحقق این چشم‌انداز به بازه زمانی نسبتاً طولانی نیاز دارد و باید چندین چین دیگر در اقتصاد جهانی ظهور و بروز کرده و با انگیزه تغییر نظام مالی و اقتصادی بین‌المللی حرکت کنند تا حضور و بازیگری آن‌ها و تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها در سطح بین‌المللی کم‌کم زمینه‌های تغییر این سلطه یا حداقل تبدیل آن به یک چهارچوب

### ♦♦ به نظر شما دولت، بانک مرکزی و بازار چگونه می‌توانند به یک نظر و عملکرد و به عبارتی به یک خواست واحد در کاهش نرخ ارز برسند؟

به اعتقاد من موضوعی که باید به آن توجه کنیم، کاهش نرخ ارز نیست، بلکه دستیابی به یک نرخ تعادلی قابل قبول و نسبتاً پایدار است. دولت فکر می‌کند با کاهش قیمت ارز می‌تواند زمینه کاهش تورم را فراهم کند؛ لذا این موضوع را به عنوان هدف‌گذاری خود اعلام می‌کند و بانک مرکزی هم به آن مشغول می‌شود، در صورتی که حتی اگر قیمت ارز را کاهش دهیم، سایر قیمت‌ها به این راحتی به نرخ قبلی خود برنمی‌گردند؛ چون قیمت‌ها اغلب چسبندگی دارند و به این راحتی زمینه برای بازگشت به قیمت‌های پایین‌تر در بازار و کنترل تورم فراهم نخواهد شد. علاوه بر این، ظرفیت‌های صادراتی هم دچار اختلال بسیار می‌شوند؛ بنابراین، اصولاً هدف‌گذاری برای کاهش قیمت ارز در شرایط تورمی که ما با آن مواجه هستیم، هدف‌گذاری مناسبی نیست. راه حل و هدف‌گذاری مناسب، حرکت به سمت یک قیمت تعادلی پایدار که حاصل از واقعیت‌های اقتصادی کشور در حوزه صادرات و واردات است، می‌باشد. این نوع هدف‌گذاری زمینه را برای رسیدن به آرامش پایدار در فضای اقتصادی فراهم خواهد کرد. در کل به اعتقاد من برای کاهش نرخ ارز

در نظام بانکداری ما بین ریسک افراد و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که دریافت‌کننده اعتبارات هستند با نرخ بهره‌ای که باید پرداخت کنند، نسبتی وجود ندارد. در کشور ما یک نرخ بهره دست‌کاری شده و اعلامی از سوی بانک مرکزی وجود دارد که در مقابل آن معتبرترین شرکت‌ها و تازه‌کارترین افراد یک جایگاه دارند؛ بنابراین نظام بانکی نمی‌تواند با مدیریت درست بر روی ریسک خود زمینه آثار منفی را کاهش دهد و در نهایت باید به همه افرادی که به بانک مراجعه می‌کنند با یک نرخ، تسهیلات ارائه دهد که این موضوع خود یکی از گرفتاری‌های نظام بانکی محسوب می‌شود.

### ♦♦ آشفتگی در بازارها و حرکت پول در اقتصاد ایران را چگونه توضیح می‌دهید؟

عامل ثبات و آرامش در بازارها، مکانیزم‌های تعیین قیمت هستند. زمانی که این مکانیزم‌ها منطقی و اقتصادی بوده و شفافیت لازم در بازار وجود داشته باشد، زمینه آرامش و دستیابی به تعادل فراهم می‌شود. بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری در کشور ما دچار دخالت گسترده حاکمیت و دولت در امر قیمت‌گذاری هستند؛ قیمت‌گذاری در تمامی موارد و به صورت تکرار شونده.

به طور مرتب در رابطه با تعیین نرخ جدید خدمات، خوراک، تغییر قیمت ارز، قوانین صادراتی، موضوع عوارض جدید برای صادرات و مواردی از این دست خبرهایی منتشر می‌شود. هرکدام از این تغییرات و مداخلات دولتی زمینه‌ای از تحولات در بازارها و جابه‌جایی نقدینگی بین بازارها را فراهم می‌کند؛ برای مثال عمده تحولاتی که در بازار بورس در طول چند ماه اخیر رخ داده، حاصل تغییر و تحولاتی است که در نحوه قیمت‌گذاری خوراک پتروشیمی‌ها، تغییر قیمت برق برای شرکت‌های فولاد و مس، تعیین عوارض گمرکی جدید برای صادرات شرکت‌های معدنی و مواردی از این دست بوده است. بازار بورس کار خود را درست انجام می‌دهد، اما وقتی با خطری مواجه شود، در آن تحولاتی ایجاد می‌شود و جابه‌جایی‌های نقدینگی صورت می‌گیرد و این در حالی است که بازار بورس باید به نوعی دماسنج اقتصادی کشور در زمینه تخصیص منابع ریالی باشد.

موضوع کسری بودجه و ناتوانی دولت در تأمین منابع موردنیاز، علت تحرکات و مداخلات دولت در بازار بورس است که در تعامل با مجلس و یا به صورت فردی مجبور به ارائه راهکارهای جدیدی برای درآمدزایی در شرایط جدید می‌شود. در مورد کسری بودجه همین بس که چندین ماه از سال گذشته و ما هنوز بودجه مصوب سال ۱۴۰۲ را در دست نداریم و گفتگوها در مجلس در این زمینه هنوز ادامه دارد.

در مجموع به اعتقاد من عامل اصلی آشفتگی بویژه در یکی دو سال اخیر، وضعیت ناترازی و کسری جدی بودجه و دست‌اندازی دولت به روش‌های مختلف برای تأمین آن است.



چندقطبی را فراهم کند. این چشم‌انداز، چشم‌انداز کوتاه‌مدتی نیست، اما روندی که در فضای توسعه اقتصاد بین‌المللی فراهم شده و پیش می‌رود می‌تواند زمینه‌ساز باشد؛ به عبارتی خروج فضای اقتصادی و سیاسی دنیا از نظام تک‌قطبی و رسیدن به فرم‌های چندقطبی می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات در سلطه دلار باشد.

### ◆ ریشه‌های ناترازی شبکه بانکی کشور چیست و حل این مسئله چگونه میسر می‌شود؟

ابتدا مواردی از عواملی که باعث ناترازی در شبکه بانکی شده‌اند را مرور کرده و سپس چند نکته را یادآوری می‌کنم:

۱. در طول چند دهه اخیر بانک‌های تجاری ما بویژه آن‌هایی که دولتی بودند و به عبارتی تحت نظر دولت قرار گرفته‌اند، ملزم به ارائه مجموعه‌ای از تسهیلات تکلیفی شده‌اند که اولین زمینه ناترازی شبکه بانکی کشور ناشی از همین موضوع تسهیلات تکلیفی است. تسهیلات تکلیفی برای بانک‌ها معمولاً بازگشت مناسبی نداشته یا بخش زیادی از آن سوخت شده و زمینه ناترازی را فراهم کرده است، ۲. مکانیزم‌های غیر شفاف و فسادآلود حاکم بر نظام بانکی که به اندازه کافی در آن مکانیزم‌های کنترلی و خودکنترلی فعال نبوده‌اند، باعث پرداخت‌های غیرمعقول در اندازه‌های غیر مربوط به افراد غیر مربوط شده و سبب تأخیرهای فراوان و سوخت شدن اعتبارات شده و به ناترازی کمک نموده‌اند،

۳. عقب‌افتادگی در عرصه ارائه خدمات بانکی و اساساً دور شدن از درآمدزایی از مسیر ارائه خدمات بانکی نیز یکی از زمینه‌های کاهش درآمدهای مؤثر بانکی و شکل‌گیری ناترازی‌ها بوده است، ۴. افزایش تعداد نیروی انسانی، افزایش تعدادی شعب غیرمؤثر و غیربهره‌ور و عوامل مختلف مدیریتی دیگر از جمله موضوعات مهم دیگری است که زمینه‌ساز ناترازی شده‌اند.

نکته اول: عدم تنظیم نرخ بهره بانکی با توجه به ریسک بانک

از دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی که حوزه بانکداری غیردولتی به‌طور جدی فعالیتش را آغاز کرد، انتظار می‌رفت که این نوع از بانکداری با خیلی از ناکارآمدی‌هایی که در بالا اشاره شد، مواجه نشود، اما کم‌کم فضای

در دوره‌هایی که نرخ تورم تحت کنترل و نرخ بهره بانکی معنادار و چیزی بیشتر از نرخ تورم بوده می‌توان در مورد رباخواری صحبت کرد. به اعتقاد من با شرایطی که وجود دارد، این‌که دریافت بهره از پول را به رباخواری تشبیه و رباخواری بدانیم و از اساس آن را تکیه کنیم، با واقعیت‌ها توری جامعه ایران نمی‌خواند و یا اینکه مرتب در سخنرانی‌ها، برخی افراد غیرمتخصص این موضوع را به نام ربا تعریف می‌کنند، درک نادرستی از واقعیت‌هاست. ۲۵ درصد بهره بانکی عدد بزرگی است، اما برای مقایسه آن با بهره‌های بانکی در کشورهای دیگر ابتدا باید به مقایسه وضعیت نرخ تورم در آن کشورها نگاه کنیم.

تورمی کشور و افت‌وخیزی‌هایی که در بازارهای مالی کشور به دلایل سیاسی و اجتماعی اتفاق افتاد، زمینه را برای تغییر مسیر یا تغییر هدف‌گذاری در بانک‌های بخش خصوصی فراهم نمود.

در نظام بانکداری ما بین ریسک افراد و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که دریافت‌کننده اعتبارات هستند با نرخ بهره‌ای که باید پرداخت کنند، نسبتی وجود ندارد. در کشور ما یک نرخ بهره دست‌کاری شده و اعلامی از سوی بانک مرکزی وجود دارد که در مقابل آن معتبرترین شرکت‌ها و تازه‌کارترین افراد یک جایگاه دارند؛ بنابراین نظام بانکی نمی‌تواند با مدیریت درست بر روی ریسک خود زمینه آثار منفی را کاهش دهد و در نهایت باید به همه افرادی که به بانک مراجعه می‌کنند با یک نرخ، تسهیلات ارائه دهد که این موضوع خود یکی از گرفتاری‌های نظام بانکی محسوب می‌شود، در حقیقت در چنین شرایطی باید بانک ظرفیت این را داشته باشد که متناسب با ریسکی که متوجه خود می‌داند نرخ بهره را به‌گونه‌ای تنظیم کند که بتواند جلوی سوختی‌ها و ناترازی‌ها را بگیرد. لذا در بانک‌های خصوصی هم حتی این ظرفیت وجود نداشته و این موضوع توسط مدیران بانک‌های غیردولتی هم قابل مدیریت نبوده است.

نکته دوم: تورم؛ مشوقی برای سرمایه‌گذاری بانک‌ها در زیرمجموعه‌های خود شده است

درست است که بانک‌های خصوصی با تسهیلات تکلیفی به‌طور جدی مواجه نبوده‌اند، اما زمینه‌های تورمی که در جامعه موجود است، مشوقی جدی برای بانکداران و صاحبان بانک‌های خصوصی است که بخش عمده‌ای از منابع خود را به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در زیرمجموعه‌های خود سرمایه‌گذاری و استفاده کنند. لذا خطرات یا خطاهایی که در زیرمجموعه‌ها اتفاق می‌افتاده مستقیماً متوجه بانک شده و زمینه‌هایی را برای اشتباهات بعدی فراهم کرده است.

نکته سوم: استفاده از ظرفیت‌های تورمی با اخذ وام

امکان استفاده از ظرفیت‌های تورمی در بازار برای همه متقاضیان فراهم بوده، به‌طوری‌که اگر فرد حتی یک ظن قوی هم برای شروع کسب‌وکار و یا توسعه آن نداشت، اما انگیزه اخذ وام از بانک‌های خصوصی را داشت و به هر نحوی که این وام را دریافت می‌کرد، برنده بود؛ چون نرخ بهره واقعی پرداختی آن‌ها در مواجهه با نرخ تسهیلاتی که دریافت می‌کردند، منفی بوده است؛ بنابراین حجم درخواست‌ها بالا رفته و به همین ترتیب خطرات حاصل از این درخواست‌ها برای بانک نیز افزایش یافته است. به عبارتی اگر افت‌وخیزی در فضای کسب‌وکار اتفاق افتاده، پیش‌بینی بالا رفتن تورم به دلایل مختلف محقق نشده، سیاست‌های کنترل تورم دوره‌ای در کشور حاکم و باعث شده که افرادی که این وام‌ها را دریافت کرده بودند دچار گرفتاری شده و در بازپرداخت ناتوان شوند.

در مجموع عوامل متعددی باعث ناترازی شبکه بانکی کشور شده‌اند، اما مهم‌ترین عامل، عدم شفافیت در اداره نظام بانکی کشور است؛ در واقع افشاگری لازم در اطلاعاتی که نزد بانک‌ها است، وجود ندارد و نظام‌های کنترلی و خودکنترلی توان ارائه واقعیت‌ها را ندارند و به همین ترتیب همان جایی که در عرصه شفافیت توقف داریم، زمینه‌های مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی هم کاهش و لذا امکان بروز خطا افزایش پیدا می‌کند.

### ◆ در مورد چگونگی رباخواری در سیستم بانکی ایران

#### و نتایج مترتب بر آنچه توضیحاتی ارائه می‌نمایید؟

در این زمینه باید افراد متخصص، صاحب سبک و دانا صحبت کنند. من خودم را خیلی آماده صحبت



برای بانک‌های دولتی و همچنین دولتی نمودن بانک‌های خصوصی و اداره آن‌ها در نظر گرفته شد، زمینه را برای استفاده هوشمندانه و اقتصادی از این منابع در جامعه محدود کرد. در کنار این تحولات، مجموعه‌ای از تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز در سطح جامعه اتفاق افتاد که آن‌ها هم آثار منفی خود را بر جای گذاشتند. در طول ۴۰ سال گذشته زمینه تورمی پیشرفته و دوره‌های تورمی سخت در اقتصاد ایران، بانک‌ها را دچار آسیب کرده و همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، در شرایطی که نرخ تورم بیشتر از نرخ بهره وام است، اعلام نرخ بهره نهایی وام‌های بانکی باعث می‌گردد اولاً زمینه علاقه‌مندی بانک‌ها برای مشارکت در تأمین منابع موردنیاز بویژه منابع از جنس سرمایه‌گذاری افزایش یابد و ثانیاً دوره‌های تسویه وام‌های ۳ تا ۵ ساله یا بلندمدت، محدود و کوتاه شوند. هر فردی که کمترین اطلاعات اقتصادی داشته باشد، متوجه می‌شود که بانک‌ها در زمینه تأمین اعتبارهای بلندمدت برای فعالان اقتصادی دچار زیان اقتصادی شفاف می‌شوند؛ زیرا که ارزش پول به‌شدت در حال کاهش است و نرخ بهره تسویه

من رفتار مطلوبی نیست، چون اگر او این موضوع را رباخواری می‌دانست، می‌توانست از ظرفیت‌های بانکی برای توسعه کسب‌وکار خودش استفاده نکند.

♦♦ **به نظر شما سپرده‌گذاری در بانک‌های کشور چه میزان در تولید و ایجاد اشتغال مؤثر بوده است، با نگاه به عملکرد کشورهای دیگر و تجربه موفق آن‌ها، چگونه می‌توان زمینه لازم برای کمک به سرمایه‌گذاری بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور از طریق سیستم بانکی کشور که امروزه حاضر نیستند و یا نمی‌توانند در تأمین منابع مالی این بنگاه‌ها وارد شوند، فراهم ساخت؟**

در کشور ما موضوع بانکداری اساساً دچار مشکلات فراوانی شده است، بویژه پس از انقلاب اسلامی برداشت‌هایی که از بانک و نحوه فعالیتش بوده زمینه‌هایی را برای این خُسران و عدم موفقیت فراهم کرده است.

از نظر فقهی بانک یک امر مستحذته (جدید و نوظهور) است و یک موضوعی است که برای دوره معاصر است و نحوه فعالیت و پیشرفت آن نیازمند مطالعه دقیق و فهم درست است. سازوکارهایی که

در این زمینه نمی‌بینم، اما با توجه به وضعیت نرخ تورم در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم و در اغلب مواقع و در دوره‌های مختلف اقتصادی که پشت سر گذاشته‌ایم، عملاً نرخ بهره‌ای که بانک‌ها از دریافت‌کنندگان تسهیلات طلب می‌کردند، بسیار بسیار کمتر از نرخ تورمی است که در جامعه جاری و ساری بوده است. همین الان که با هم صحبت می‌کنیم نرخ تورم نزدیک به ۵۰ درصد در جامعه ما به صورت جدی وجود دارد، درحالی‌که بالاترین نرخ بهره بانکی برای تسهیلات گیرندگان بیست و چند درصد است. بنابراین ما با یک نرخ بهره منفی ۲۵ درصدی مواجه هستیم؛ به عبارتی در خیلی از موارد بویژه در لحظات تورمی و دوره‌هایی که نرخ تورم از نرخ تسهیلات بیشتر بوده، مسئله رباخواری بی‌معناست و در واقع اگر بانک‌ها در این دوره‌ها هم فعالیتی انجام بدهند، عملاً در زیان قرار می‌گیرند.

در دوره‌هایی که نرخ تورم تحت کنترل و نرخ بهره بانکی معنادار و چیزی بیشتر از نرخ تورم بوده می‌توان در مورد رباخواری صحبت کرد. به اعتقاد من با شرایطی که وجود دارد، این‌که دریافت بهره از پول را به رباخواری تشبیه و رباخواری بدانیم و از اساس آن را تقبیح کنیم، با واقعیت‌ها تورمی جامعه ایران نمی‌خواند و یا اینکه مرتب در سخنرانی‌ها، برخی افراد غیرمتخصص این موضوع را به نام ربا تعریف می‌کنند، درک نادرستی از واقعیت‌هاست. ۲۵ درصد بهره بانکی عدد بزرگی است، اما برای مقایسه آن با بهره‌های بانکی در کشورهای دیگر ابتدا باید به مقایسه وضعیت نرخ تورم در آن کشورها نگاه کنیم. در حال حاضر و در دوره‌های تورمی پشت سر گذاشته، همواره تسهیلات گیرندگان از بانک‌ها از یک رانت خیلی بزرگی در کشور بهره‌مند بوده‌اند و توانسته‌اند ثروت‌اندوزی کنند، حال اگر در این بین تعدادی به دلایل مختلفی از جمله رفتار غیرحرفه‌ای مدیریتی، وضعیت واحد اقتصادی در زمان دریافت تسهیلات و قرارگیری در دوره‌های نامتناسب اقتصادی شکست خورده و آسیب‌دیده‌اند، نشان از رباخواری بانکی نیست؛ یعنی اگر فردی بهره تسهیلاتی را ۲۵ یا ۲۰ درصد زیر نرخ تورم پرداخت می‌کند و به هر علتی موفق نشده، نمی‌تواند از ربوی بودن این رابطه با بانک ابراز نارضایتی کند و به اعتقاد



نرخ ارز ثابت، زمینه‌های اختلال در فضای تعاملات بانکی ایجاد شد و بعد از انقلاب اسلامی نیز توقف فعالیت‌های بانکداری خصوصی باعث شد که همه آن ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و ترتیباتی که برای توسعه در نظر گرفته شده بود، دچار اختلال شود و عملاً بانک‌ها قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را به صورت جدی از دست بدهند. با توجه به نحوه نگاه و اصلاح قوانین بر اساس بانکداری اسلامی زمینه ارائه خدمات بانکی متنوعی که در نظر گرفته شده بود، کاملاً متوقف شد و تحولی در زمینه فعالیت‌های بانکی در کشور به وجود آمد که اساساً تعریف بانکداری تغییر کرد.

دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی که دوران تولد دوباره بانکداری خصوصی بود، مجموعه حاکمیت به این جمع‌بندی رسید که برای رسیدن به توسعه، نیاز به سرمایه‌گذاری جدی جهت ورود به عرصه بخش خصوصی بویژه ورود بنگاه‌های کوچک و متوسط است که در توان بانک‌های دولتی نیست و این بخش آمادگی لازم برای پشتیبانی را ندارد، لذا زمینه شکل‌گیری بانکداری خصوصی آغاز شد.

با توجه به سابقه درخشان بانک‌های بزرگ خصوصی در زمان پیش از انقلاب، امیدهای فراوانی به این نوع بانکداری بود که مجدد بازسازی شده یا نمونه‌هایی شبیه به پیش از انقلاب متولد شوند، اما در همان گام اول، انتخاب سرمایه‌گذاران بانک‌های خصوصی اولین محل ایراد بود. چون سرمایه‌گذاران این بخش، فعالان اقتصادی واقعی بخش خصوصی نبودند و همین موضوع زمینه را برای وقوع اتفاقات ارزنده در زمینه بانک‌های خصوصی در کشور فراهم نکرد. در گام دوم موضوع نحوه اداره بانک، قوانین بانکی و از آن مهم‌تر نحوه تعیین نرخ بهره در نظام بانکی کشور بود. کشوری که دچار تنش‌های مهم تورمی بوده و هست، دارای نظام تعیین نرخ بهره متمرکز در بانک مرکزی است که معمولاً این نظام هماهنگی و همراهی لازم با واقعیت‌های اقتصاد را ندارد و نرخ بهره‌ای را تعیین می‌کند که این نرخ بهره با کاهش ارزش پول هماهنگی ندارد و معمولاً نرخ بهره مؤثر بانکی برای وام‌های پرداختی بانک‌ها، منفی است. البته تثبیت این نرخ بهره زمینه ثبات سپرده‌های بانکی را هم



کنند؛ از این طریق که یا منابع خودشان را به صورت گسترده در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار ندهند یا در زیرمجموعه خودشان سرمایه‌گذاری کنند و یا در دارایی‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که آن دارایی‌ها ارزش ریال را بهتر حفاظت کنند که به اعتقاد من این شیوه برخورد، در شرایط تورمی بالا با توجه به نرخ بهره کنترل شده‌ای که به صورت چشمگیری توسط بانک مرکزی پایین‌تر از واقعیت تورم تصویب می‌شود، امری کاملاً طبیعی است.

### ♦♦ جنابعالی چه ارزیابی از چگونگی بانکداری خصوصی در ایران دارید؟

بانکداری خصوصی در ایران در شرایطی شروع به کار کرد که اقتصاد ایران در مسیر گام‌های توسعه قرار گرفته بود و فعالان بخش خصوصی پرچمدار توسعه اقتصادی در ایران بودند. بانکداری خصوصی ایران قبل از انقلاب با درک این واقعیت و با هدف پشتیبانی از سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در زمان مناسبی متولد شد و فعالیت‌های خیلی ارزنده‌ای از جمله پشتیبانی از بنگاه‌های کوچک و متوسط و پشتیبانی از طرح‌های توسعه‌ای بخش خصوصی انجام داد. به اعتقاد من در زمینه توسعه صنعتی کشور در دهه ۳۰ و ۴۰ و همین‌طور اوایل دهه ۵۰ شمسی، دستاوردهای آن از خطاهای آن بسیار بسیار بیشتر بود. در اواسط دهه ۵۰ با افزایش نرخ تورم و همچنین باقی ماندن نرخ ارز روی قیمت ۷۰۰۰ تومان و یک

وام‌ها در کشور به گونه‌ای نیست که زیان بانک‌ها را پوشش دهد. لذا در چنین شرایطی عقل اقتصادی حکم می‌کند که حجم این نوع از وام‌ها کاهش پیدا کند و بانک‌ها در تعامل با زیرمجموعه‌های خودشان یا وابستگان، منابع ریالی‌شان را در حوزه‌های خاصی (برای مثال نوعی از فعالیت‌های کوتاه‌مدت تجاری و یا سرمایه‌گذاری در زمین، ملک، ملک‌های اداری و ساخت مجتمع‌های تجاری) سرمایه‌گذاری کنند که ارزش نهایی آن‌ها در بلندمدت در قالب تورم حفظ شود.

در مجموع در فضای اقتصادی تورمی شدید نمی‌توان ایرادی مهمی به نظام بانکی گرفت که چرا علاقه بیشتر و جدی به تأمین نیازهای مالی و تعامل با بنگاه‌های تازه تأسیس یا بنگاه‌های جوان در زمینه سرمایه‌گذاری ندارند یا حتی چرا منابع مالی خود را در تعامل و پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های بزرگ و با سابقه جیره‌بندی می‌کنند. دلیل آن صرفاً ریسک بازگشت وام‌ها نیست و اتفاقاً در شرایط تورمی ریسک بازگشت وام‌ها کاهش می‌یابد، اما آنچه به شدت افزایش پیدا می‌کند زیان حاصل از کاهش ارزش ریال برای بانک است. به این ترتیب به اعتقاد من تا زمانی که مکانیزم‌های تورمی در جامعه حل و فصل نشود و زمینه دستیابی به یک تعادل در عرصه افزایش قیمت‌ها فراهم نشود و فرایند قابل فهمی در این موضوع به وجود نیاید، بانک‌ها سعی می‌کنند خودشان را در برابر کاهش ارزش پول ملی و کاهش ریال حفاظت

فراهم می‌کند و در واقع شبیه یک تیغ دو لبه است و بانک‌ها می‌توانند با نرخ بهره پایین‌تری سپرده‌ها را جمع‌آوری کنند.

از آنجایی که امکان دسترسی به منابع ارزان‌قیمت‌تر از طریق سپرده‌گذاری عمومی وجود دارد، بانک مرکزی نرخ بهره نهایی را هم تحت کنترل خود قرار می‌دهد و انتظار دارد که بانک‌های خصوصی به این موضوع پایبند باشند که در نهایت این امر باعث ایجاد مشکل می‌شود؛ یعنی ما برای بانک‌های خصوصی امکان در اختیار گرفتن سپرده‌های عمومی را با نرخ بهره پایین‌تر از نرخ تورم فراهم کرده‌ایم، اما نتوانسته‌ایم به اندازه کافی بانک‌ها را تشویق کنیم یا زمینه‌های کنترلی مناسبی برای آن‌ها در نظر بگیریم تا بتوانند در جهت رشد، توسعه و شکل‌گیری بنگاه‌های کوچک و متوسط تمامی منابع موردنظر را در فضای عمومی به بهترین شکل در اختیار فعالان اقتصادی قرار دهند. در عمل اتفاقی که رخ داد، باعث شد که بانک‌های خصوصی با استفاده از ظرفیتی که در نحوه به‌کارگیری منابع بانکی باقیمت پایین وجود داشت، تشویق به بزرگ‌تر کردن خود و زیرمجموعه‌هایشان شوند و در برخی موارد که نمونه‌های موفق آن را می‌توان نام برد، بانک‌های خصوصی توانسته‌اند به جای بانک تجاری، تبدیل به یک بانک سرمایه‌گذاری شوند و مرتب پروژه‌های سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای خودشان را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأمین مالی کنند.

در نمونه‌های ناموفق بانک‌های خصوصی هم که زمینه کنترل مناسب نبوده، مدیریت متغیری در بانک وجود داشته، دست‌اندازی‌هایی در سهام بانک شده و یا گروه‌های عمومی غیردولتی به آن‌ها ورود پیدا کرده‌اند، زمینه پرداخت‌های نامناسب بدون بازگشت، سوختی‌های فراوان و مشکلات فساد که در این شبکه‌ها به وجود آمده زمینه زبان‌های بانکی را فراهم نموده و آن‌ها را ناکارآمد کرده است.

در مجموع در یک نگاه کوتاه به وضعیت بانک‌های خصوصی در دوره ۲۰ و ۳۰ ساله اخیر در مقایسه با دوره ۲۰ ساله دهه ۳۰ و ۴۰ به این نتیجه می‌رسیم که مواردی از جمله ترتیبات نامناسب تأسیس

بانک‌ها، این‌که صاحبان این بانک‌ها چه رزومه‌ای داشته‌اند، در چه حوزه اقتصادی فعالیت کرده‌اند و دیدگاهشان در زمینه توسعه اقتصادی چه بوده است، گرفتاری‌های قانون‌گذاری دولتی در زمینه بانک‌ها و قیمت‌های غیرواقعی برای سپرده‌ها و وام‌ها، زمینه‌هایی را برای ناکارآمدی شبکه بانکی خصوصی کشور فراهم کرده است. به اعتقاد من در طول ۲۰ سال گذشته شبکه بانکی خصوصی کشور نتوانسته به چشم‌اندازی که برای آن ترسیم شده، برسد و یا به آن نزدیک شود و ناکارآمدی‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. البته نمونه‌های استثنایی و خاص نیز وجود دارد که با ترکیب سهامداران بهتر، رعایت قانون‌گذاری‌های دولتی بین‌المللی، تعیین قواعد کنترل داخلی قوی، پاسخگویی، شفافیت و رعایت یک سری اصول حرفه‌ای بانکداری موفق شده‌اند و در واقع رفتارهای طبیعی بانکی از آن‌ها دیده می‌شود، اما در بسیاری از موارد، بانک‌ها دیگر به‌عنوان بانک‌های تجاری فعالیت نمی‌کنند و عمده منابعشان در زیرمجموعه‌هایشان سرمایه‌گذاری می‌شود و خودشان به‌عنوان یک فعال اقتصادی عملاً وارد عرصه کسب‌وکار شده‌اند که این موضوع با نظام بانکداری که قرار بوده در کشور فعالیت کند، هیچ همخوانی ندارد.

### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

کشور در شرایطی قرار دارد که باید تصمیمات مهمی برای اداره امور و ادامه امور حاکمیتی خود بگیرد. به اعتقاد من، ما دچار شرایط حکمرانی بد هستیم، در سطح ملی شفافیت لازم در رابطه با درآمدها و هزینه‌هایمان را نداریم، علی‌رغم اینکه سعی شده از ابزارهای جدیدی برای تأمین کسری بودجه دولت استفاده شود، اما روش مناسب برای تأمین منابع موردنیاز در مورد هزینه‌هایی که دولت می‌خواهد انجام دهد، اتفاق نمی‌افتد، بودجه از وجهه توسعه‌ای خود خارج شده؛ به‌طوری‌که کاهش درآمدهای حاصل از فروش نفت، کاهش درآمدهای حاصل از مالیات به نرخ واقعی اقتصاد، به دلیل کندی رشد اقتصادی کشور سبب تعمیق مفهوم کسری بودجه دولت شده است و سال‌به‌سال که جلوتر می‌رویم این کسری بودجه

بزرگ‌تر شده و امکان جبران آن کمتر می‌شود. نظام بانکی و بازارهای مالی از ناترازی‌های فراوانی که به دلیل توسعه‌نیافتگی و متوقف شدن روند توسعه در حوزه صندوق‌های بازنشتی در کشور به وجود آمده و گرفتاری‌های فراوان بین‌المللی که زمینه را برای تعاملات معمول در جهت توسعه کشور متوقف کرده است، آسیب‌پذیرند. دولت بالاخره باید منابع موردنیاز خود را یا از نظام بانکی به صورت مستقیم و در قالب استقراض از بانک‌ها یا با فروش اوراق بدهی دولتی از بازار مالی و بازار بدهی تأمین کند که این امر با هم بانک‌ها را موظف به خرید اوراق بدهی خود می‌کند و دوباره همان مسئله بدهی بانکی دولت ایجاد می‌شود.

فضای اقتصادی ما در محدودیت‌های مهمی قرار گرفته و این محدودیت‌ها از جنبه‌های مختلف به این فضا فشار وارد می‌کند و نمود آن‌ها در نظام بانکی، بازارهای مالی و در نهایت رفتار دولت دیده می‌شود. اصولاً بخش عمده‌ای از بودجه در راستای تأمین هزینه‌های جاری کشور مصرف می‌شود و زمینه‌های بازگشت این هزینه‌ها با توجه به‌جایی که استفاده می‌شود، مناسب نیست و در واقع همراه با توسعه و افزایش درآمدهای دولت نیست؛ به عبارتی چون عمده هزینه‌ها جاری است، بازگشتی در آینده وجود ندارد.

در عوض هزینه‌های عمرانی، سرمایه‌ای و هزینه‌هایی که می‌تواند در آینده زمینه افزایش درآمدزایی را برای بخش خصوصی و دولت فراهم کند سهم بسیار کمی در بودجه دارد. همه این موارد باعث کندی روند توسعه ملی می‌شوند و کشوری که در روند توسعه کند یا متوقف می‌گردد، حتماً بازارهایش دچار آسیب می‌شود. از مهم‌ترین بازارهایی که به‌سرعت این آسیب را نمایش می‌دهند، بازارهای مالی و بازارهای پولی هستند.

امیدوارم که با تصمیمات مناسب در عرصه سیاسی و اقتصادی و در واقع با تلاش در چپتی که اقتصاد کشور در یک فضای متعادل قرار گیرد و تعاملات بین‌المللی خود را به‌درستی پیدا کند، بتوان از فرصت‌هایی که در سطح بین‌المللی برای تأمین مالی، پیشرفت و توسعه ایران وجود دارد بهتر از گذشته استفاده نمود. ◆◆

# چشم انداز سرمایه‌گذاری در ایران

♦ دکتر علی سامانی‌فرد

کارشناس بازار سرمایه



سرمایه‌گذار خارجی به دلیل ترس از عواقب ناشی از تحریم، هزینه‌های بسیار بالای نقل و انتقال پول (در صورت انجام صادرات یا واردات) و عدم دسترسی به منابع ارزی بلوکه شده در خارج از کشور به‌عنوان سرمایه‌های ملی تنها بخش‌هایی از ابر چالش تحریم برای توسعه اقتصادی ایران است. شاید به همین دلیل است که اقتصاددانان امروز معتقدند، حل ابر چالش توسعه‌نیافتگی اقتصادی ایران، راهکاری نه اقتصادی که سیاسی دارد. مادامی‌که مشکل تحریم پابرجاست، تصویر آینده از توسعه اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد داشت.

دومین چالش فراروی سرمایه‌گذاری اعم از داخلی و خارجی در کشور، تورم افسارگسیخته اقتصاد امروز است. عموماً

نخستین و البته مهم‌ترین چالش فراروی سرمایه‌گذاری در ایران، بحث تحریم‌های بین‌المللی است که علیه اقتصاد ایران اعمال شده است. این تحریم‌ها تبعات سنگینی برای توسعه سرمایه‌گذاری در اقتصاد ما ایجاد کرده که عدم ثبات اقتصادی، عدم امکان تجارت در عرصه بین‌الملل، عدم امکان برقراری روابط مالی و پولی با دنیا، عدم امکان ایجاد بستر مناسب برای ورود سرمایه‌گذار خارجی به دلیل ترس از عواقب ناشی از تحریم، هزینه‌های بسیار بالای نقل و انتقال پول (در صورت انجام صادرات یا واردات) و عدم دسترسی به منابع ارزی بلوکه شده در خارج از کشور به‌عنوان سرمایه‌های ملی تنها بخش‌هایی از ابر چالش تحریم برای توسعه اقتصادی ایران است.

سرمایه‌گذاری مفهومی عام به معنای درگیر کردن پول یا دارایی در بخش‌های اقتصادی به‌منظور تولید درآمد و سود است. سرمایه‌گذاری می‌تواند در قالب ورود سرمایه به شرکت‌ها باهدف کسب درآمد، خرید دارایی‌های فیزیکی مانند طلا، نقره، خودرو، املاک و مستغلات باهدف ایجاد ارزش افزوده طی زمان ناشی از وقوع تورم، یا سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار نظیر سهام شرکت‌ها، اوراق مشارکت، اوراق بدهی و یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری باهدف کسب سود باشد. همچنین سرمایه‌گذاری در علم اقتصاد از دو جنبه مهم تشکیل شده است: سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری غیرمستقیم. سرمایه‌گذاری مستقیم به معنای سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و کسب و کارهاست، درحالی‌که سرمایه‌گذاری غیرمستقیم به شکل سرمایه‌گذاری در بورس و بازار سرمایه است. همچنین از یک منظر دیگر، سرمایه‌گذاری به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌گردد. در این یادداشت تلاش شده است چالش‌های اساسی فراروی سرمایه‌گذاری در ایران مورد بررسی قرار گیرد.

نخستین و البته مهم‌ترین چالش فراروی سرمایه‌گذاری در ایران، بحث تحریم‌های بین‌المللی است که علیه اقتصاد ایران اعمال شده است. این تحریم‌ها تبعات سنگینی برای توسعه سرمایه‌گذاری در اقتصاد ما ایجاد کرده که عدم ثبات اقتصادی، عدم امکان تجارت در عرصه بین‌الملل، عدم امکان برقراری روابط مالی و پولی با دنیا، عدم امکان ایجاد بستر مناسب برای ورود

بانک‌های مرکزی در کشورهای توسعه‌یافته با اتخاذ سیاست‌های انقباضی یا انبساطی، تلاش می‌کنند کشور را در موقعیتی مناسب حداقل دو سرطیف تورم و رکود نگه دارند، اما از آنجایی‌که کشور ما طی سال‌های اخیر به دلایل متعدد (که از چارچوب این بحث خارج است) دچار شرایط تورم شدید (Hyperinflation) است، اتکا صرف به سیاست‌های پولی (سیاست‌های انقباضی) برای کنترل تورم به‌سرعت می‌تواند با تشدید شرایط رکود، منجر به بدتر شدن اوضاع گردد. پدیده تورم افسارگسیخته، تبعات ناخوشایندی برای توسعه اقتصادی از طریق افزایش بی‌ثباتی ارزش پول ملی به همراه خواهد داشت که این امر به‌نوبه خود یکی از مهم‌ترین ترمزهای ورود سرمایه به اقتصاد اعم از سرمایه‌های داخلی و خارجی است.

سومین چالشی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود بحث قوانین دست و پاگیری است که در Legal framework

و صندوق‌های سرمایه‌گذاری موجود در بازار سرمایه برای مشارکت در سرمایه‌گذاری بر روی طرح‌های پربازده تولیدی توسط دولت تقویت گردد، می‌توان به توسعه سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اقتصادی امید بیشتری داشت.

چالش پنجم عدم اطمینان از وجود تقاضای اثبات است. در شرایطی که در کشور تورم افسارگسیخته وجود دارد، طبیعتاً اولین اثر خود را بر روی کاهش چشم‌گیر تقاضا می‌گذارد. مراجعه به آمارهای شامخ (PMI) نشان از همین موضوع مخصوصاً طی چند سال گذشته دارد. زمانی که سرمایه‌گذار از وجود تقاضای کافی در بازار برای محصولات تولیدی و یا خدمات ارائه شده توسط خود اطمینان نداشته باشد، در محاسبه ریسک به ریسک‌های سرمایه‌گذاری خود دچار تردید می‌شود. پرواضح است که تحت این شرایط، ممکن است برای سرمایه خود جایگزین مناسب‌تری به جای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اقتصادی بیابد.

ششمین چالش در بخش سرمایه‌گذاری و

سرمایه‌گذاری به آن اشاره کرد، نظام تأمین مالی است. در حال حاضر شبکه بانکی کشور دیگر قادر به تأمین منابع مالی برای گردش در کسب‌وکارها و توسعه سرمایه‌گذاری نیست. از سوی دیگر بستری که در کشورهای توسعه‌یافته دنیا، در کنار نظام بانکی به کمک سرمایه‌گذاران می‌آید تا بخشی از کمبود سرمایه را تأمین نماید بازار سرمایه است که در ایران این بستر نیز هنوز ناشناخته است. بستر بازار سرمایه دارای ظرفیتهای وسیعی برای تأمین مالی است، اما متأسفانه سیاست‌گذاری‌های اشتباه از سوی ریگولاتور این بازار و نیز عدم انجام فرهنگ‌سازی‌های لازم از سوی دولت برای بخش خصوصی در جهت استفاده از ظرفیتهای مغفول این بازار، باعث شده عملاً اقبال سرمایه‌گذاران به این بستر بسیار کم‌رنگ باشد. اگر ظرفیتهای این بازار شامل امکان انتشار اوراق بدهی توسط بخش خصوصی، امکان استفاده سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی از بستر کراودفاندینگ - Crowdfunding یا تأمین مالی جمعی و سکوهای پروژه، ایجاد بستر ارتباطی مناسب بین فعالان اقتصادی

of the economy مورد بحث قرار می‌گیرد. هرگاه سرمایه در شرایط عدم ثبات محیطی قرار بگیرد، تلاش خواهد کرد ریسک‌های سیستماتیک مترتب بر فضای موجود را محاسبه کند، اما عدم شفافیت در تدوین قوانین، دستورالعمل‌ها و مقررات دولتی و ایجاد رانت برای عدهای معدود در استفاده از اطلاعات نهانی باعث می‌گردد سرمایه‌گذار در محاسبه ریسک به ریسک چهار ابهام و یا اختلال شده و همین امر زمینه‌ساز فرار سرمایه را فراهم می‌آورد. در واقع مادامی که فضای عدم شفافیت در اقتصاد حاکم باشد و تصمیمات مهم اقتصادی که بخش‌های صنعتی و تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در بخش تاریکخانه اقتصاد گرفته شود، فضای عمومی سرمایه‌گذاری را با پدیده پیش‌بینی‌ناپذیری مواجه خواهد ساخت. طبیعتاً ماهیت سرمایه ریسک‌گریزی است و در شرایطی که فضای عمومی اقتصاد کشور دارای درجات بالایی از نااطمینانی باشد، تصویر آینده سرمایه‌گذاری در کشور در هاله‌ای از تاریکی فرو خواهد رفت. چهارمین چالشی که می‌توان در بحث



مخصوصاً ورود سرمایه‌های خارجی به کشور، عدم توجه واقعی به بخش خصوصی در اقتصاد و دولتی‌نگه‌داشتن اقتصاد است. طی سالیان گذشته مکرراً در کشور صحبت از خصوصی‌سازی به میان می‌آید، اما آنچه در واقعیت ماجرا قابل رصد است در واقع نشان می‌دهد هنوز بخش‌های عمده‌ای از اقتصاد کشور یا به‌طور مستقیم در اختیار دولت است و یا توسط خصولتی‌ها اداره می‌شود. این موضوع حتی به بازار سرمایه نیز تسری پیدا کرده، به‌طوری‌که امروز می‌توان گفت مالکیت بیش از ۸۰ درصد سهام بازار بورس ایران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار دولت است. این حد از دولتی‌زده کردن اقتصاد طبیعتاً انگیزه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که مجبورند در آن با دولت رقابت کرده و یا توسط قوانین و مقررات دولتی محدود شوند کم‌رنگ و آنان را راهی مسیرهای جذب سرمایه در خارج از کشور می‌نماید. کوچ سرمایه طی چندساله گذشته به مقصد کشورهای همسایه به‌خصوص در حوزه ملک در کشور ترکیه گواه همین موضوع است. فلذا برای دستیابی به توسعه پایدار، لازم است سیاست‌گذاران اقتصادی کشور به این شش چالش مهم توجه ویژه داشته باشند. نخست لازم است نظام حکمرانی اقتصادی

کشور بپذیرد که تحریم فرصت نیست، بلکه به معنای واقعی کلمه تهدید است. در دنیای امروز باید بپذیریم که فعالیت اقتصادی در محیط ایزوله و به‌دوراز تعاملات بین‌المللی، هزینه فرصت ازدست‌رفته هنگامی بر اقتصاد کشور تحمیل می‌نماید؛ بنابراین لازم است پیش از هر موضوعی، تلاش گردد معضل تحریم‌ها با انجام مذاکرات حل‌وفصل گردد. یقیناً باز شدن فضای سیاسی اقتصادی کشور، افق‌های گسترده‌ای فراروی سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی برای حضور در بازار بکر ایران فراهم خواهد کرد. از سوی دیگر، برداشته شدن تحریم‌ها باعث تقویت ارزش پول ملی کشور خواهد شد و همین امر دومین چالش مطرح‌شده فراروی سرمایه‌گذاری در کشور را کم‌رنگ خواهد نمود. پر واضح است که تورم شدید، باعث افت میزان تقاضا در اقتصاد می‌گردد و افت تقاضا، سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و صنعتی دلسرد خواهد کرد؛ بنابراین لازم است نظام حکمرانی اقتصادی، همان‌گونه که از شعار سال جاری نیز برمی‌آید، تلاش خود را مصروف کنترل تورم برای افق‌گشایی در حوزه سرمایه‌گذاری نماید. به‌عنوان سومین چالش، موضوع قوانین دست و پاگیر باعث می‌گردد سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری،

مسیرهای کم‌دردسرتی را نسبت به حوزه تولید انتخاب نمایند. کوچ سرمایه‌ها اعم از سرمایه خرد تا کلان از حوزه تولید به سمت حوزه‌های سوداگرایانه نظیر سرمایه‌گذاری بر روی ارز در طی سال‌های گذشته زنگ هشدار است که می‌تواند در آینده نه‌چندان دور، تبعات ناخوشایندی برای اقتصاد کشور ایجاد نماید. در ادامه و در راستای توجه به چهارمین چالش، سیاست‌گذاران حوزه اقتصاد در کشور باید توجه ویژه‌ای صرف حل معضل تأمین سرمایه در کشور نمایند. پر واضح است که هدایت سرمایه‌های خرد به سمت بازار سرمایه و تسهیل دسترسی بخش خصوصی به حضور در این بازار به جهت انتشار اوراق بدهی، در شرایطی که بازار پول تقریباً از تأمین مالی ناتوان شده است، می‌تواند سیاستی مناسب در زمینه توسعه فضای سرمایه‌گذاری در کشور باشد. برای از میان برداشتن ششمین چالش نیز توصیه می‌شود دولت، همان‌گونه که بارها در فرمایشات رهبری نیز به آن اشاره شده است، به معنای واقعی کلمه به سمت خصوصی‌سازی حرکت کند. وجود جو دولتی در اقتصاد کشور، سرمایه‌گذاران را از حضور در این فضا دل‌زده خواهد کرد و مادامی‌که توسعه اقتصادی به بخش واقعی خود یعنی بخش خصوصی واگذار نشود، نمی‌توان به ورود سرمایه‌های جدید به اقتصاد کشور دل‌خوش بود.

به‌عنوان کلام پایانی، لازم است اشاره گردد مادامی‌که برای از میان برداشتن این چالش‌ها برنامه‌ریزی واقعی و عملیاتی در کشور انجام نشود، شاهد فرصت‌سوزی‌های جبران‌ناپذیری در فضای اقتصادی کشور خواهیم بود. یقیناً پتانسیل‌های بی‌بدیلی نظیر حضور در پیمان‌شانگهای و با دسترسی به بازارهای بزرگی مانند بازار منطقه اوراسیا، نیازمند عزم جدی برای حذف چالش‌های فراروی حوزه سرمایه‌گذاری در فضای اقتصادی کشور است. امید که نظام حکمرانی اقتصادی کشور با درک این مهم، گام‌های مؤثری در این راه بردارد. ♦♦



# راه رفاه اقتصادی

♦ دکتر مهرداد مقصدلو  
پژوهشگر اقتصادی



بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در موارد بسیاری به مسئله فقر و مبارزه با آن اشاره شده است.

## سیاست‌های مبارزه با فقر در ایران

با توجه به تأکیدات قانون اساسی، سیاست‌گذاران اقتصادی کشور همواره تلاش کرده‌اند تا مسئله فقر را در برنامه‌ریزی‌های خود مدنظر داشته باشند. در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در موارد مختلف، سیاست‌های مبارزه با فقر و محرومیت در اولویت قرار داشته است.

پس از انقلاب یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها، اعطای تسهیلات خرد به‌منظور اشتغال‌زایی و به‌تبع آن رفع فقر بوده است. این سیاست اگرچه در مواردی سبب اشتغال‌زایی، تثبیت اشتغال موجود، بهبود وضع معیشت روستائیان و غیره شده، اما به نسبت حجم تسهیلات پرداختی و بودجه صرف شده نتوانسته است از روند فزاینده بیکاری و فقر در جامعه جلوگیری کند.

**وجود فساد سیستماتیک در ایران سبب عدم تخصیص مناسب منابع درآمدی شده است؛ فساد که در برخی موارد نهادهای حمایتی را که برای مبارزه با فقر پدید آمده‌اند را هم در بر گرفته است. باید گفت که فساد در ایران سیستماتیک شده است و به‌طور عمیقی سیستم اقتصادی و اداری آن را درنوردیده است و دیگر نمی‌توان آن را به گروه‌های کوچک و خاصی نسبت داد. این فساد سیستماتیک و چرخه ناکارایی نهادهای اقتصادی و سیاسی رانتیر یکی از علل مهم شکست سیاست‌های فقرزدایی در ایران است.**

در تمامی برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه، دولت‌ها تلاش داشته‌اند تا با ابزار یارانه به مقابله با فقر بپردازند و سهم بیشتری از منابع کشور را به دهک‌های کم‌درآمد برسانند. به این منظور، یارانه‌های مختلفی را در بخش‌های تولیدی (نهادهای کشاورزی، برق صنایع) و یا مصرفی (نان، آب، برق، انرژی و ...) به‌صورت آشکار و پنهان در نظر گرفته‌اند. با این وجود، تجربه نشان داده است که با روند فزاینده تورم، توزیع این یارانه‌ها نه‌تنها نتوانسته است تغییر محسوس در بهبود معیشت قشر فقیر جامعه داشته باشد، بلکه فشار مضاعفی را بر بودجه‌های سالانه دولت وارد آورده است که خود از علل اصلی بروز تورم‌های بالا در ایران است. بر اساس گزارش‌های رسمی، میزان یارانه پنهان در سال ۱۳۹۹ برابر ۱۶۰۳ هزار میلیارد تومان بوده است که معادل ۲,۵ برابر بودجه عمومی و ۴۶ درصد از حجم نقدینگی کشور بوده است. از طرفی، به نظر می‌رسد توزیع این یارانه‌ها

بر اساس تعریف بانک جهانی، فقر علاوه بر محرومیت مادی، محرومیت از آموزش و بهداشت، آسیب‌پذیری و در معرض خطر بودن و نداشتن سرپناه را نیز در برمی‌گیرد. فقر دارای استانداردهای مختلف ملی و بین‌المللی است؛ از جمله داشتن درآمد کمتر از دو دلار، خط فقر غذایی، خط فقر مطلق و غیره. بر مبنای گزارش پایش فقر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۴۰۰، نرخ فقر از ۱۹ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۹ و در سال ۱۴۰۰ با اندکی کاهش به ۳۰ درصد جمعیت رسید که به عبارتی در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۵ میلیون و ۵۶۰ هزار نفر از جمعیت در زیر خط فقر بودند. همچنین، گزارش نشان می‌دهد خط فقر در سال ۱۴۰۰ در حدود ۵۰ درصد نسبت به سال ۱۳۹۹ رشد داشته و به عدد ۱ میلیون و ۶۸۲ هزار تومان رسیده است. برای سال ۱۴۰۱ نیز خط فقر سرانه در حدود ۲ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان برآورد شده است. در این میان، ۸ استان نرخ فقری بالاتر از ۴۰ درصد دارند که سیستان و بلوچستان با نرخ ۶۲ درصد تنها استانی است که بیش از نیمی از مردم آن فقیر هستند. شکاف فقر بین استان‌ها نیز به ۴۶ درصد می‌رسد؛ از یزد با ۱۶ درصد تا سیستان و بلوچستان. این مسئله نشان‌دهنده توزیع نامتناسب جغرافیایی فقر در ایران و عدم تخصیص مناسب و عادلانه منابع بین استان‌هاست. هر چند اغلب استان‌ها نیز در شرایط فعلی اقتصاد ایران نرخ فقر بالای ۲۰ درصد را تجربه می‌کنند. این در حالی است که یکی از شعارهای مهم در دوران انقلاب در ایران، تحقق عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت از چهره کشور



سبب پدید آمدن گروه‌های رانتیر شده است که بعضاً نقشی تأثیرگذار در نهادهای سیاست‌گذار کشور دارند. چنین گروه‌هایی معمولاً از اعمال اصلاحات در سیستم اقتصادی و سیاست‌های باز توزیعی مناسب جلوگیری می‌کنند. در واقع، وجود فساد سیستماتیک در ایران سبب عدم تخصیص مناسب منابع درآمدی شده است؛ فساد که در برخی موارد نهادهای حمایتی را که برای مبارزه با فقر پدید آمده‌اند را هم در بر گرفته است. باید گفت که فساد در ایران سیستماتیک شده است و به‌طور عمیقی سیستم اقتصادی و اداری آن را درنور دیده است و دیگر نمی‌توان آن را به گروه‌های کوچک و خاصی نسبت داد. این فساد سیستماتیک و چرخه ناکارایی نهادهای اقتصادی و سیاسی رانتیر یکی از علل مهم شکست سیاست‌های فقرزدایی در ایران است.

#### نهادهای مسئول مبارزه با فقر در ایران

پس از انقلاب برای اجرای طرح‌های محرومیت‌زدایی و رفع فقر نهادهای متعددی به وجود آمده است. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: سازمان بهزیستی کشور (۱۳۵۹) که از ادغام ۱۶ سازمان، نهاد، موسسه و انجمن خیریه تشکیل شد، کمیته امداد امام خمینی (۱۳۵۷)، بنیاد مستضعفان (۱۳۵۷)، بنیاد علوی (۱۳۸۴)، بنیاد برکت (۱۳۸۶)، بنیاد کرامت رضوی (۱۳۹۵)، بنیاد ۱۵ خرداد، بسیج

سازندگی و ... اشاره کرد.

از مهم‌ترین فعالیت‌های این نهادها در جهت مبارزه با فقر پرداخت مستمری، ایجاد اشتغال، پرداخت وام‌های با نرخ سود پایین، بهبود زیرساخت‌های مناطق محروم مانند: مدرسه، درمانگاه، مسجد و ... است. بسیاری از وام‌های اشتغال‌زایی و تسهیلات تکلیفی که در بودجه‌های سالانه مصوب می‌شوند در اختیار این نهادهای حمایتی قرار می‌گیرند تا در جهت اشتغال‌زایی و رفع فقر هزینه شود. این نهادها نیز گام‌های خوبی در چهار دهه گذشته در راستای تحقق این اهداف و بویژه در زمینه محرومیت‌زدایی از روستاها برداشته‌اند. با این وجود، به نظر می‌رسد ناکارآمدی در هزینه کرد بودجه‌ها مانعی در راه انجام مأموریت این نهادها می‌باشد.

یکی از مشکلات مهم در اثرگذاری سیاست‌های مبارزه با فقر، موازی‌کاری و هم‌پوشانی زمینه‌های فعالیت این نهادها می‌باشد. نهادهای دولتی مانند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نهادهای عمومی غیردولتی مانند کمیته امداد و بنیادها وظایف مشترکی را در راستای کمک‌های نقدی و فعالیت‌های اشتغال‌زایی اقشار آسیب‌پذیر بر عهده دارند، درحالی‌که دولت تلاش داشته است تا با تشکیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بتواند نهادی فراگیر برای نظام رفاه اجتماعی کشور و مبارزه با فقر ایجاد کند که این امر محقق نشده است. تعدد

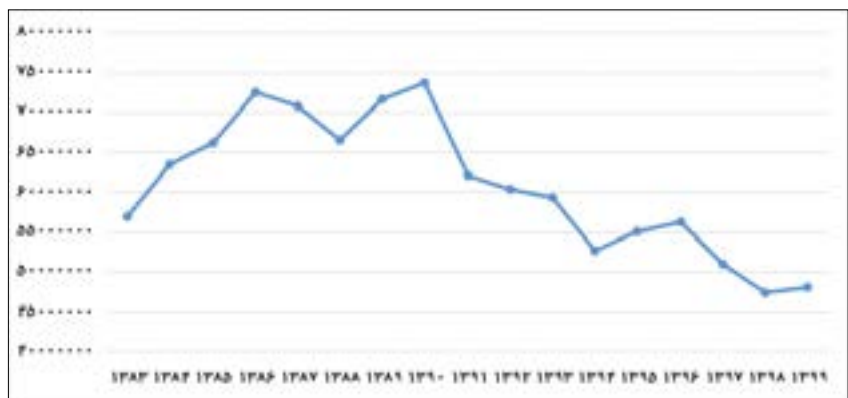
نهادهای تصمیم‌گیر در رابطه مبارزه با فقر در ایران و نبود نظام آماری مناسب در زمینه جمعیت فقیر، سبب شکل‌گیری پایگاه رفاه ایرانیان در دولت حسن روحانی شد تا بتواند به یکپارچگی آمار درآمد و هزینه خانوارها کمک کند، اما اینکه این پایگاه داده در دولت جدید و دولت‌های بعدی نیز به‌روز شود و بتواند کارایی خود را حفظ کند مسئله‌ای مهم و البته مبهم است.

#### عوامل مؤثر بر گسترش فقر در ایران

##### \* اثر تحریم‌ها

هر چند در سال‌های پس از انقلاب، تحریم‌های ایالات متحده سبب در تنگنا قرار گرفتن اقتصاد ایران شده است، اما با گسترده شدن کشورهای حامی تحریم - بویژه از اوایل دهه ۹۰ - هزینه‌های تحریم بر اقتصاد ایران نیز بیشتر شده است. در این دهه، رشد اقتصادی پایین و شوک‌های متناوب ارزی سبب کوچک شدن اقتصاد و فشارهای تورمی فزاینده شد که بیشترین فشار آن دهک‌های پایین درآمدی را تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر، با اعمال تحریم علیه یک کشور هزینه‌های تأمین مالی دولت نیز افزایش خواهد یافت. در واقع، دولت برای جبران کسری بودجه گزینه‌های کمتری پیش رو داشته و به افزایش مالیات‌ها، انتشار اوراق بدهی و استقراض از شبکه بانکی روی می‌آورد که مجموع این شرایط نیز به شرایط تورمی دامن می‌زند.

همان‌طور که از نمودار شماره (۱) مشخص است، درآمد سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ از سال ۱۳۸۳ تا ابتدای دهه ۹۰ روندی افزایشی داشت، اما از سال ۱۳۹۰ به بعد با افزایش تحریم‌های بین‌المللی با شیب نسبتاً تندی کاهش پیدا کرد؛ به طوری که میزان آن در سال ۱۳۹۴ به کمتر از ۵۲ میلیون ریال رسید که از ارقام یک دهه قبل خود هم پایین‌تر بود. تنها در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ بهبود نسبی در افزایش درآمد سرانه مشاهده می‌شود که به نظر می‌رسد به علت امضای توافق برجام باشد. با این



نمودار شماره (۱): تغییرات درآمد سرانه ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۹ - داده‌های بانک مرکزی ایران



از علل مهم شکست سیاست‌ها در مقابله با فقر، می‌توان به متغیرهای اثرگذار بر روند فقرزایی اشاره کرد. از مهم‌ترین این متغیرها نرخ بالای تورم است که کمک‌ها و یارانه‌های آشکار و پنهان دولتی را کم اثر می‌کند. با افزایش تورم، دولت میزان یارانه‌ها را افزایش می‌دهد و پس از مدتی به علت افزایش مجدد نرخ تورم، دوباره اثر یارانه‌ها در زندگی و معیشت مردم کم می‌شود. از طرف دیگر، فشار یارانه‌ها بر بودجه سالانه سبب کسری مستمر بودجه دولت و تأمین آن از بانک مرکزی می‌شود که خود از مهم‌ترین عوامل تورم در ایران است. علت مهم دیگر در روند فقرزایی، تحریم‌های آمریکا و متحدان اوست که تقریباً در همه عرصه‌ها از سرمایه‌گذاری خارجی گرفته تا مباحث پولی و بانکی اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده است. به همه این‌ها می‌توان فساد سیستماتیک در ارگان‌های دولتی و فرادولتی را نیز اضافه کرد. از جانب دیگر، حتی توزیع بودجه نیز در کشور بیشتر از آنکه بر حسب نیاز استان‌ها صورت گیرد، بر اساس نفوذ سیاسی استان‌ها و قدرت چانه‌زنی بیشتر آن‌ها صورت می‌گیرد. همه این عوامل سبب می‌شود که نه تنها روند فقرزایی بر روند فقرزدایی در جامعه غلبه کند، بلکه حتی توزیع جغرافیایی فقر نیز به تدریج ناهمگون‌تر شده و شکاف بین استان‌های برخوردار و کم برخوردار بیشتر شود. ♦♦

می‌دهد تورم گروه کالایی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌هاست. پس از حذف ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۱، اقتصاد ایران شاهد افزایش چند برابری قیمت مواد غذایی و کالاهای اساسی به علت افزایش قیمت نهاده‌ها بود. برخی از خانوارهای کم‌درآمد جامعه مجبور شدند مصرف برخی اقلام مانند فرآورده‌های گوشتی و لبنیات را کاهش داده و یا حتی به صفر برسانند.

### راه‌کارهای مقابله با فقر

یکی از شعارهای مهم در دوران انقلاب در ایران، تحقق عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت از چهره کشور بود؛ هدفی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تأکید شده است. پس از انقلاب ۱۹۷۹، دولت‌ها تلاش کردند از ابزارها و سیاست‌های مختلف در جهت کاهش فقر و محرومیت استفاده کنند. در شش برنامه توسعه پس از انقلاب، سیاست‌های بسیاری برای مبارزه با فقر و محرومیت‌زدایی تدوین و بسیاری از آن‌ها نیز اجرایی شد. اجرای این سیاست‌ها گرچه تا حدی توانست سبب کاهش محرومیت در بعضی از مناطق کشور و یا حداقل تثبیت اشتغال و جلوگیری از افزایش نرخ بیکاری شود، اما نتوانست از روند فزاینده فقر و افزایش جمعیت زیر خط فقر جلوگیری کند. روندی که در طی ۴ دهه گذشته تقریباً به‌طور مداوم وجود داشته است.

وجود، پس از خروج آمریکا از برجام در زمان دونالد ترامپ و بازگشت تحریم‌ها دوباره روند کاهشی درآمد سرانه آغاز می‌شود. در واقع، ارقام نشان می‌دهند که بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ درآمد سرانه ایرانیان حدود ۲۹ درصد رشد داشته است، اما در طول دهه ۹۰ با کاهشی ۳۴ درصدی روبه‌رو بوده است. این نوسانات درآمد سرانه نشان‌دهنده تأثیر قابل‌توجه تحریم‌ها بر شاخص‌های درآمدی کلان اقتصاد ایران است.

### \* اثر تورم

با توجه به عدم رشد اقتصادی مناسب در یک دهه گذشته در اقتصاد ایران و افزایش جمعیت، میزان جمعیت زیر خط فقر افزایش پیدا کرد. از مهم‌ترین سیاست‌های مبارزه با فقر، سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها بود که در سال ۱۳۸۹ اجرایی شد و هدف آن توزیع عادلانه‌تر یارانه‌های پرداختی دولت و افزایش سهم دهک‌های کم‌درآمد جامعه از یارانه‌ها بود. با اجرای این طرح و پرداخت یارانه‌های ۴۵ هزار تومانی، در ابتدا انتظار می‌رفت که وضعیت معیشتی بخش مهمی از فقرا بهبود پیدا کند، اما با ادامه روند تورمی قیمت‌ها، به تدریج این یارانه‌ها اثرات رفاهی خود را از دست دادند. در اردیبهشت ۱۴۰۱ با اعمال سیاست حذف ارز ترجیحی و تغییر ساختار پرداخت یارانه‌ها، به‌جز دهک دهم به نه دهک دیگر ماهانه به‌طور سرانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان یارانه پرداخت می‌شود، اما به نظر می‌رسد در اقتصادی که همواره با نرخ تورم‌های بالا روبه‌روست، اعمال سیاست‌های پرداخت نقدی کمکی به حل مشکل فقر در بلندمدت نمی‌کند. در واقع، در شرایط تورمی پرداخته‌ای نقدی نمی‌تواند به‌طور پایدار سبب بهبود وضع معیشتی قشر ضعیف جامعه باشد و پس از جهش قیمت‌ها دوباره فاصله طبقاتی در جامعه افزایش می‌یابد. ضمن آن‌که در نهایت بیشترین ضرر از تورم نیز متوجه دهک‌های کم‌درآمد جامعه می‌شود. علاوه بر نرخ تورم، مسئله مهمی که زندگی دهک کم‌درآمد جامعه را تحت تأثیر قرار



نمودار شماره (۲): تغییرات نرخ تورم بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ (داده‌های مرکز آمار ایران)

# سیستم مدیریت هوشمند اقتصادی

## ♦ دکتر مهدی نجاتی

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان



به عنوان مثال گاهی اوقات پیش آمده است که فعال اقتصادی از تسهیلات بانکی استفاده کرده و در حال حاضر می تواند اصل و فرع تسهیلات را پرداخت کند، اما بانک وثیقه را آزاد نمی کند، در این حالت سیستم هوشمند می تواند به افراد کمک کند؛ به این صورت که اگر یک سامانه الکترونیکی قراردادها و تسهیلاتی وجود داشته باشد که فعال اقتصادی نیز بتواند به آن دسترسی داشته باشد، در این صورت افراد در زمان مشاهده تخلف از سوی بانک می توانند به مرجعی شکایت کنند.

### تعریف اقتصاد هوشمند

در واقع اقتصاد هوشمند یک اقتصاد یادگیرنده و خود تطبیق است که مبتنی بر عوامل هوشمند شکل می گیرد؛ مواردی مانند گمرک هوشمند، بورس هوشمند، خزانه داری هوشمند تقویت کننده اقتصاد هوشمند هستند. جوامع هوشمند در به کارگیری فناوری های هوشمند، پیشتاز هستند. پویایی در اقتصاد، فرصت های شغلی را برای افراد جامعه فراهم می آورد. فراموش نکنیم که هوشمندی در یک زیست بوم شکل می گیرد و طبیعی است

برای حل معضلات اقتصادی باید چاره ای اندیشیده شود، باید درهای اقتصاد بیشتر از قبل بر روی سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی باز شود و از کار آن ها گره گشایی شود؛ به گونه ای که هزینه فعالیت های اقتصادی و تولیدی کاهش یابد، مدیریت هوشمند اقتصادی می تواند تولید را به صرفه و واردات بی رویه یا سوداگری کاذب را پرهزینه کند.

مشکلات فعلی اقتصاد نشان دهنده آن است که اقتصاد به صورت هوشمند مدیریت نشده است، اطلاعات اقتصادی فعالان اقتصادی که نیازمند کمک و حمایت دولت هستند، فرآیندهای مالیاتی که باید از آن ها جلوگیری شود و اصلاحاتی که باید در نظام مالی و مالیاتی کشور صورت پذیرد، دچار درهم ریختگی و بی فواری است که ثمره این بی فواری این است که بازارهای خرید روزمره مردم دست خوش آشفتگی است. زمانی که در یک کشور از فرار مالیاتی صحبت می شود؛ یعنی آن کشور بر اطلاعات اقتصادی سوار نیست و الگوریتم درستی برای ورود و خروج پول به حساب افراد وجود ندارد.

برای حل معضلات اقتصادی باید چاره ای اندیشیده شود، باید درهای اقتصاد بیشتر از قبل بر روی سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی باز شود و از کار آن ها گره گشایی شود؛ به گونه ای که هزینه فعالیت های اقتصادی و تولیدی کاهش یابد، مدیریت هوشمند اقتصادی می تواند تولید را به صرفه و واردات بی رویه یا سوداگری کاذب را پرهزینه کند. از طرف دیگر بایستی به بازگشت اعتماد مردم به فعالان اقتصادی کمک شود؛ به این صورت که بانک ها و شرکت های دولتی و بیمه ای دولتی و... در مقابل سوء عملکرد و یا حسن عملکرد زحماتشان پاسخگو باشند. یکی از ابزارها برای دستیابی به این مهم، شفافیت عملکرد شرکت ها و بنگاه های اقتصادی اعم از بانک ها، بیمه ها و... است. لازمه این شفافیت هوشمندسازی اقتصاد است؛

که توسعه و موفقیت آن در گرو همراهی و همدلی بخش های دولتی و خصوصی و مصرف کنندگان است. در بیان اهمیت و چرایی حرکت به سمت «اقتصاد هوشمند» و اهتمام آن در دولت باید به چند نکته اشاره داشت:

- در حوزه اقتصادی با نگاه سه گانه مردم، دولت و حاکمیت نیازمند ایجاد و تزریق روح تازه ای هستیم که بتواند ضمن تحرک چرخ های اقتصادی، به تقویت پارادایم های توسعه پذیری کمک کرده و به افزایش برخی مؤلفه ها همچون شفافیت کمک کند، - مدیریت منابع، توسعه صنعت، نیروی انسانی و تمرکز اهداف اقتصادی از مهم ترین نیازمندی های امروز و شرایط اقتصادی جدید است که بایستی به صورت هماهنگ مدل شوند،

- از جمله استراتژی ها و راه کارهای لازم برای توسعه اقتصادی و رسیدن به اقتصادی پایدار در هر کشور، توسعه بر مبنای هوشمندی است. اقتصاد پایدار مبتنی بر هوشمندی

یوپا و پرشتاب، فراهم‌کننده فرصت‌های متنوع و عادلانه اقتصادی، شکل‌دهنده نهادهای کارآفرین و یادگیرنده، مشوق سرمایه‌گذاری‌های نوآورانه و مبتنی بر فناوری روز و متکی بر هویت اسلامی-ایرانی است.

#### اهداف کلان اقتصاد هوشمند

- اصلاح و بهینه‌سازی نظام اقتصادی کشور با استفاده از فناوری‌های هوشمندساز،
- افزایش سهم کسب‌وکارهای هوشمند از تولید ناخالص داخلی،
- افزایش رفاه و عدالت جامعه،
- افزایش فرصت‌های متنوع و جدید اقتصادی،
- افزایش قدرت اقتصادی،
- ارتقاء سطح شفافیت و کاهش فساد،
- توسعه مدل‌های کسب‌وکاری نوآورانه،
- افزایش سطح تعامل‌پذیری و جریان آزاد اطلاعات و داده‌ها.

بنگاه مشخص کند. این راهبردها می‌تواند مواردی همچون بهینه‌سازی، افزایش بهره‌وری، توسعه زیرساخت‌ها، راه‌حل‌ها و ارتباطات، توسعه کارآفرینی و روحیه نوآوری، انعطاف‌پذیری بازار و سهولت دسترسی، ایجاد اطمینان، پایداری و امنیت باشد. از دیدگاه دولت، «توسعه اقتصادی هوشمند» ابزار مهمی برای استفاده فعالانه از فرصت‌ها و فراهم کردن شرایطی است که از ایجاد و رشد مشاغل و همچنین مشاغل جدید حمایت می‌کند. اقتصاد هوشمند مدبر است و از منابع (دارایی‌ها) خود حداکثر استفاده را می‌کند. تحلیل‌گران خبره اقتصادی از اقتصاد هوشمند (اقتصاد یادگیرنده) برای نوآوری و کارآفرینی استفاده می‌کنند.

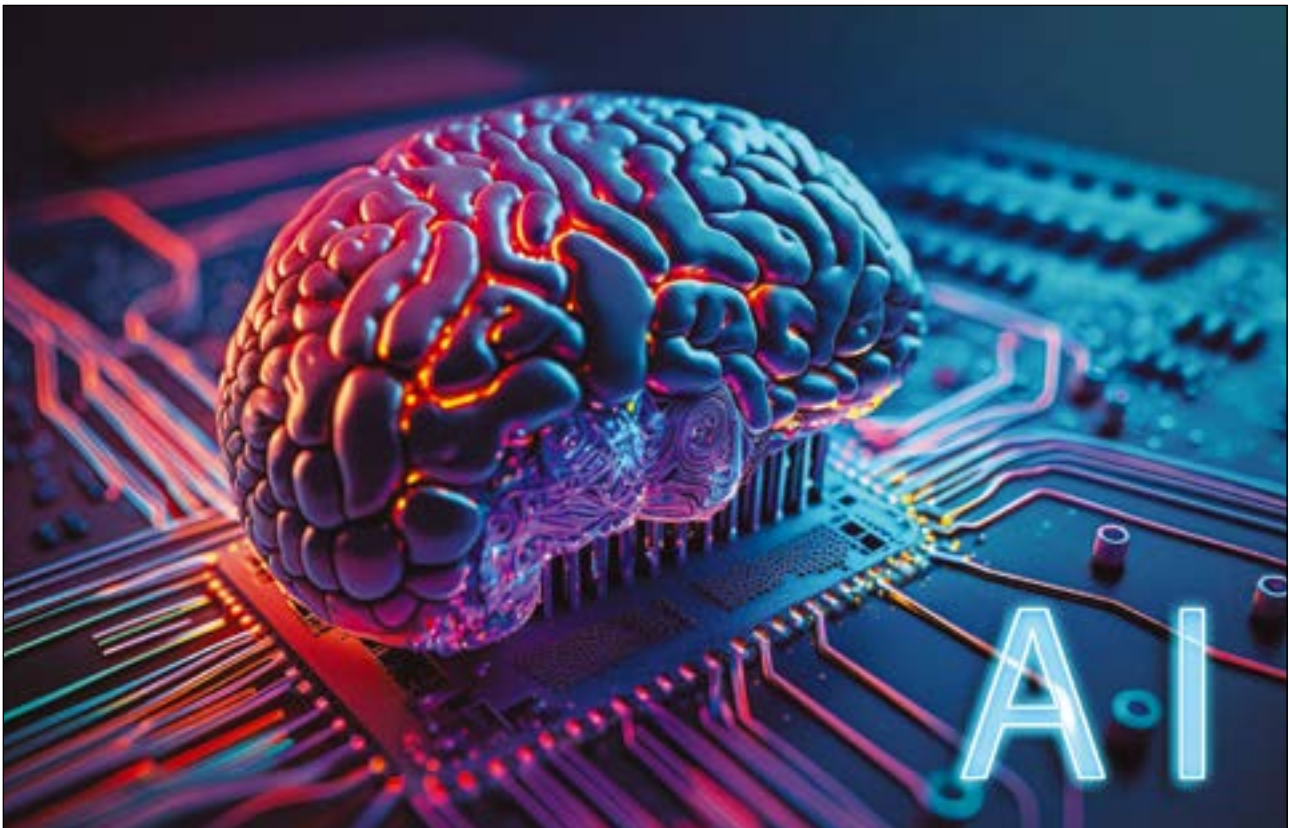
#### چشم‌انداز اقتصاد هوشمند

اقتصاد هوشمند، پیش‌بینان توسعه پایدار و بالنده کشور، زمینه‌ساز رشد اقتصادی

و توسعه در بخش‌های مختلفی و از جمله اقتصاد، حمل‌ونقل شهری، انرژی، دولت، امنیت، سلامت، کسب‌وکار و مردم می‌تواند تبلور یابد. کلید رونق این اقتصاد استفاده از سرمایه انسانی، دانش، مهارت‌ها و خلاقیت مردم و توانایی در اثربخش کردن ایده‌ها و تبدیل آن‌ها به محصولات و خدمات باارزش است.

- تغییر ماهیت در ایجاد کسب‌وکارها و شکل‌گیری کسب‌وکارهای نوین و از سوی دیگر پیش‌بینان‌های فناوری نیازمند پارادایم‌های اقتصادی جدید می‌باشد که بتواند ضمن افزایش هم‌نوایی به توسعه و پایداری آن کمک کند و این پارادایم با توسعه هوشمندی در اقتصاد و نه صرفاً اتوماسیون سیستم‌ها یا دیجیتال‌سازی آن محقق خواهد شد.

- دولت باید چند راهبرد مشخص را در اولویت قرار داده و مبتنی بر آن اقدامات را در سه بخش مردم، حاکمیت (دولت) و





برخی پروژه‌های مرتبط با هوشمندسازی حوزه‌های اقتصادی

بازرگانی و تجارت و	خزانه‌داری	گمرک	بورس	بیمه	بانکداری	مالیات	
DocQMiner بررسی قراردادهای بین‌المللی برای کسب‌وکارهای بین‌المللی با سرعت و دقت بسیار بالا.	---	HARPIA برزیل اقدام به پیاده‌سازی پروژه‌ای با عنوان HARPIA با همکاری دانشگاه‌های خود کرده است. هدف این پروژه تشخیص صادرات و واردات موارد غیرقانونی از قبیل مواد مخدر است.	Nasdaq نزدک از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای تشخیص فعالیت‌های معاملاتی غیرعادی استفاده می‌کند.	---	Bank of Canada اقدام به به‌کارگیری هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در پیدا کردن روش‌های نوین تشخیص تراکنش‌های کاله برداری کرده است.	TAX تجزیه و تحلیل هزاران پرونده مالیاتی دیوان عدالت اروپا و پیش‌بینی اینکه دادگاه چگونه رأی خواهد داد.	هوش مصنوعی
فراهم کردن امکان کشف تقلبی بودن کالاهای لوکس.	پروژه به‌کارگیری بلاک چین در خزانه‌داری در فرانسه.	Korean Customs Service همکاری با شرکت Malltail در جهت ایجاد پلتفرم گمرکی برای به اشتراک‌گذاری داده‌ها و صدور خودکار اظهارنامه‌های گمرکی.	Nasdaq نزدک به همراه شرکت Chain اقدام به طراحی و به‌کارگیری پلتفرم صدور و معامله سهام کرده است.	---	KYC Platform بانک مرکزی سریلانکا اقدام به طراحی و پیاده‌سازی سیستم شناسایی مشتری مبتنی بر بلاک چین کرده است.	لهستان و برزیل بروی سیستم‌های صدور فاکتور و گزارش‌گیری آنی با استفاده از بلاک چین کار می‌کنند	بلاک چین
---	---	NTP (Network Trade Platform) سنگاپور در سپتامبر ۲۰۱۸ اقدام به راه اندازی پلتفرم معاملاتی کرده است که از طریق اینترنت اشیا داده‌های را جمع‌آوری کرده و همچنین ارتباط بین گمرک و شرکای کسب‌وکار را فراهم می‌کند.	---	Progressive با استفاده از داده‌های ارسال شده توسط خودروها و تحلیل رفتاری راننده قیمت بیمه متناسب را ارائه می‌دهد.	---	---	اینترنت اشیا



### مزایای سیستم‌های هوشمند

در دنیای امروز هوشمندسازی اهمیت بسیاری دارد و تقریباً تمام مدیران به دنبال ترویج آن در جامعه هدف خود هستند. افزایش هزینه نیروی کار، بازدهی پایین و احتمال بروز خطاهای انسانی جبران‌ناپذیر از مشکلاتی هستند که با به‌کارگیری سیستم‌های هوشمند حل می‌شوند. از مزایای اصلی این فناوری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بهبود کارایی و بهره‌وری،
- صرفه‌جویی در هزینه‌ها،
- افزایش امنیت،
- کاهش میزان خطرات و اتفاقات غیرمنتظره،
- شناسایی مواردی که باعث اتلاف انرژی می‌شود،
- کاهش آلودگی.

### چالش‌ها

- دیجیتالی نشدن برخی حوزه‌ها،
- عدم توسعه بر مبنای چهارچوب‌های معماری و رویکردهای مدیریت پروژه،
- قدیمی بودن فناوری‌های مورداستفاده،
- توسعه جزیره‌ای،
- محدودیت منابع انسانی و مالی،
- مقاومت کاربران برای تغییر،
- تعامل‌پذیری و یکپارچگی،
- شکننده بودن مدل‌های کسب‌وکاری؛
- ساختاری و پشتیبانی سامانه‌ها.

### اسناد، قوانین و مقررات مرتبط

- قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بندهای مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات،
- سند راهبردی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات،
- قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات (مصوب ۱۳۸۹/۸/۱۹ مجلس شورای اسلامی)،
- آیین‌نامه برنامه طرح ملی آینده‌نگاری

- علم و فناوری، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری،
- سند اقتصاد پلتفرمی، مرکز ملی فضای مجازی کشور،
- سند ملی چارچوب تعامل‌پذیری دولت، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات،
- سند اینترنت اشیا، مرکز ملی فضای مجازی کشور،
- سند هویت معتبر در فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی کشور.

### آیا هزینه‌ی بالای هوشمندسازی ارزش استفاده از این فناوری را دارد؟

یکی از دلایلی که سبب شده این تکنولوژی تا به امروز در اختیار افراد خاصی باشد، هزینه‌های بالای اجرای آن است. برای تأسیس یک شرکت مبتنی بر اصول هوشمندسازی و اتوماسیون صنعتی باید هزینه‌های گزاف آن را در نظر گرفت. با

تغییر ماهیت در ایجاد کسب‌وکارها و شکل‌گیری کسب‌وکارهای نوین و از سوی دیگر پیش‌رانی‌های فناوری نیازمند پارادایم‌های اقتصادی جدید می‌باشد که بتواند ضمن افزایش هم‌نوایی به توسعه و پایداری آن کمک کند و این پارادایم با توسعه هوشمندی در اقتصاد و نه صرفاً اتوماسیون سیستم‌ها یا دیجیتالی‌سازی آن محقق خواهد شد.

این وجود بسیاری از کسب‌وکارها به سمت استفاده از سیستم‌های هوشمند رفته‌اند؛ چرا که در نهایت هزینه صرف شده در مقابل سود و صرفه‌جویی که در آینده می‌شود، مقرون به‌صرفه خواهد بود.

هزینه اجرای چنین سیستم‌هایی در محیط‌های مسکونی نیز به همین صورت است و افراد بسیاری توان استفاده از آن‌ها را نخواهد داشت. این موضوع بیش‌تر به دلیل محدود بودن شرکت‌های فعال در این حوزه و قیمت بالای تجهیزات است. در آینده‌ای نزدیک شاهد خواهیم بود که تمام خانه‌ها به این سیستم مجهز می‌شوند و سطح رفاه و آسایش رشد بسیاری خواهد داشت.

### نتیجه‌گیری

هوشمند سازی به کارها سرعت می‌بخشد و بهینه‌سازی مصرف انرژی را به دنبال دارد. این تکنولوژی یک سیستم مبتنی بر سخت‌افزار و نرم‌افزارهای هوشمند است که تجهیزات مختلف وظایف را به‌طور خودکار انجام می‌دهند و به عبارتی یک سیستم اتوماسیون را پیاده‌سازی می‌کنند. هوشمندسازی در طیف گسترده‌ای از صنایع مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد و کاربردهای زیادی به همراه دارد. هزینه هوشمند کردن سیستم‌های مختلف کمی بالاست ولی بدون شک کاهش هزینه‌های آینده باعث صرفه اقتصادی این کار خواهد شد. ♦♦

# دروس اجباری توسعه

## درس‌هایی از کشورهای توسعه‌یافته برای نقش‌آز دست‌رفته ایران در توسعه صنعتی جهان



**درس اول:** نقش‌آفرینی دولت در توسعه صنعتی ناگزیر است، ولی این نقش‌آفرینی وقتی نتیجه خوبی به بار می‌آورد که حکومت انسجام درونی داشته و همچنین دولت روابط خوبی با بخش خصوصی برقرار کرده باشد. روابط تنش‌آمیز بین دولت و بخش خصوصی و یا روابط پرتنش بین بخش‌های مختلف حکومت مثل تنش بین بروکرات‌ها و نظامی‌ها در برزیل و یا نامنجم بودن بروکراسی در هند، ضد تحول صنعتی و نقش‌آفرینی دولتی در تحول صنعتی شدن می‌باشد. مسنجم بودن هم به معنای یکدست بودن یا یک کاسه کردن قدرت در دست یک گروه خاص نیست. مسنجم بودن بروکراسی از تخصصی بودن، از هدف مشخص داشتن، از گزینش‌های سخت‌گیرانه و شایسته‌گزینی بروکرات‌ها و تعهد بروکراسی به توسعه اقتصادی و از مصون بودن نسبی بروکراسی در مقابل مداخله سیاسی به دست می‌آید. رفتار غارت‌گرانه دولت و بروکرات‌ها هم در غیاب انسجام دولت شکل می‌گیرد و دائم تشدید می‌شود. بروکراسی هر مقدار نامنجم‌تر شود، غارتگری آن نیز بیشتر می‌شود.

**درس دوم:** دولت‌ها با اتکا به متولی‌گری؛

محمدامین عبدالله نژاد ماهانی  
کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان

توسعه اقتصادی و سیاسی منجر به دموکراتیک شدن واقعی و مؤثر، به شدت پیچیده است و اندیشه‌های ساده و تقلیدگرانه که به دنبال کپی کردن ایده‌ها، نادیده گرفتن اثرات تاریخ، صرف‌نظر کردن از اثرات نهادها و فرمول‌های یک‌خطی است تنها توسعه‌نیافتگی بیشتر به بار می‌آورد. توانمندسازی حکومت و جامعه برای توسعه ضروری است. توسعه و دموکراتیک بودن وقتی محقق می‌شود که جامعه قدرتمند و حکومت با ظرفیت باهم وجود داشته باشند. توسعه به داشتن نقش مناسب در جهان هم احتیاج دارد. بدون ایجاد نقش مناسبی برای ایران در بازی جهانی و دسترسی به منابع مالی، فناوری و بازارها توسعه صرفاً با اتکای به داخل کشور ناممکن است. همچنین بدون برخورداری از جامعه قدرتمند، حکومت با ظرفیت و جایگاه و نقشی مناسب در جهان، توسعه‌یافتگی رویای ممکن نخواهد بود. توسعه‌نیافتگی اقتصادی و سیاسی هم در نهایت باعث فقر، فساد، تبعیض و جامعه ناراضی می‌شود.

مطلب پیش رو چکیده‌ای از ایده‌های مطرح‌شده در کتاب‌های «توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی» نوشته پیتر اونز، کتاب «توسعه به‌مثابه توانمندسازی حکومت» اثر لنت پریچت و مایکل وولکاک و همچنین کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» اثر دارون عجم اوغلو، به‌صورت جمع‌بندی شده در قالب بیست درس با نگاه ویژه به نقش‌آز دست‌رفته ایران در توسعه صنعتی جهانی می‌باشد.

یعنی دائم قانون و قاعده گذاشتن و یا از آن بدتر با اتکا به تصدی‌گری که به معنای ورود به فرایند تولید محصول می‌باشد، نمی‌توانند نقش خوبی در توسعه صنعتی ایفا نمایند. بهترین حالت وقتی به دست خواهد آمد که دولت نقش پرورش‌گری داشته باشد؛ مثل کره جنوبی. دولت‌ها ظرفیت کافی برای این‌که متولی یا متصدی خوبی در توسعه صنعتی باشند را ندارند و بهتر است منابع کمیابی را که در اختیار دارند صرف پرورش‌گری کنند. منابع دولت کمتر از توسعه فناوری داخلی در کنار تولید است. پس در نتیجه بهتر است دولت‌ها مکمل شرکت‌های داخلی باشند نه این‌که جایگزین آن‌ها شوند و یا با آن‌ها رقابت کنند.

**درس سوم:** دولت‌ها می‌توانند از طریق تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری مناسب در توسعه مهارت‌های نیروی انسانی و ترغیب شرکت‌ها به تولید کالاهای پیچیده و پیشرفته‌تر مثل کاری که کره جنوبی با

دولت‌ها با اتکا به متولی‌گری؛ یعنی دائم قانون و قاعده گذاشتن و یا از آن بدتر با اتکا به تصدی‌گری که به معنای ورود به فرایند تولید محصول می‌باشد، نمی‌توانند نقش خوبی در توسعه صنعتی ایفا نمایند. بهترین حالت وقتی به دست خواهد آمد که دولت نقش پرورش‌گری داشته باشد؛ مثل کره جنوبی.

کشور از مزیت‌های عقبماندگی و توسعه دیرآیند، منابع انسانی فراوان اما فاقد توانایی‌های لازم فنی، در روند توسعه سنگاپور بسیار مؤثر بوده است.

**درس پنجم:** سرمایه انسانی برای توسعه ضروری است، اما توسعه انسانی بدون ایجاد ظرفیت صنعتی فقط باعث افزایش مهاجرت نخبگان و سرمایه انسانی می‌شود و در اصل نوعی بارانه دادن اقتصادهای ضعیف به کشورهای صنعتی است. سرمایه انسانی بالاخره باید جایی مشغول به کار شود و ظرفیت نوآوری و خلاقیت را به ظهور برساند. سرمایه انسانی بدون سیاستی برای صنعتی شدن نمی‌تواند این قابلیت را نشان دهد و تنها در جامعه سرخورده و در نهایت مهاجرت خواهد کرد.

**درس ششم:** بین‌المللی شدن و سیاست ملی‌گرایی الزاماً در تعارض با یکدیگر نمی‌باشد. کشوری مثل کره جنوبی در عین ملی‌گرایی و تلاش برای افزایش قدرت ملی، سیاست سطح بین‌المللی را دنبال کرده و به موفقیت نیز رسیده است. مهم

نرم‌افزار را پیش برد که اتفاقاً این حوزه به نیروی متخصص احتیاج دارد نه کارگر ساده. در نتیجه هندوستان هم در این عرصه به موفقیت‌های زیادی رسید. نقش آفرینی دولت‌ها باعث شد تا مزیت‌ها را خلق بکنند نه اینکه دنبال همان مزیت‌های کم سود و غیرپیشرفته گذشته بروند. کشور سوم، کشور سنگاپور می‌باشد. سنگاپور الگوی مناسبی برای کشورهایی است که به دنبال گسست از کمتر توسعه‌یافتگی و ورود به ساحت مدرنیزاسیون می‌باشند. این کشور با وجود محدودیت‌های زیاد اعم از کمبود منابع معدنی قابل استخراج، کمبود آب آشامیدنی و فقر زیرساختی، توانست در طول چهار دهه خود را به‌عنوان یک کشور کاملاً توسعه‌یافته مطرح نماید و الهام‌بخش توسعه‌گراهایی چون «دنگ شیائوپنگ در چین» و «نارسیما رائو» از هندوستان باشد. نگاهی به سیاست‌های اجرایی این کشور نشان می‌دهد، سنگاپور برخلاف سایر کشورهای جهان سوم، گام در مسیری متفاوت گذاشته است. راز موفقیت سنگاپور را می‌توان در استفاده مناسب این

تراشه چهار مگابیتی کرد، پرورش گری و زمینه را برای تحول صنعتی فراهم سازند. دولت‌ها با این اقدامات باید حس اطمینان از سرمایه‌گذاری در صنایع پیشرفته را به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی انتقال دهند. **درس چهارم:** این که سه کشور بدون سابقه جدی در صنعت فناوری اطلاعات توانسته‌اند دستاوردهای قابل‌توجهی در این صنعت به دست آورند و بین آن‌ها کره جنوبی از سرآمدان جهان در این صنعت شود. از نظر اقتصاددان مشهور پیتر اونز نشان‌دهنده این است که نگرش‌های سنتی به مزیت نسبی اعتبار چندانی ندارد. این کشورها حتی در این عرصه هم سراغ مزیت نسبی خود نرفته‌اند. کره جنوبی در تولید کامپیوترهای کوچک مزیت داشت، اما سراغ نیمه رسانه‌ها که مزیتی در آن وجود نداشت رفته و سرمایه‌گذاری انجام داده است که اتفاقاً در این عرصه بسیار پیشرفت کرد. هندوستان هم دارای مزیت نسبی در کارگر و نیروی انسانی زیاد و غیرمتخصص بوده است، اما توسعه فناوری اطلاعات بویژه در زمینه توسعه





تحول آفرینی، خطرپذیر هم هستند، بهترین انگیزه کار، امنیت شغلی نیست. این افراد دنبال جایگاه دولتی با امنیت شغلی نمی‌گردند. این‌گونه آدم‌ها می‌دانند بیرون از دولت بیشتر می‌توانند درآمد داشته باشند و حتی به واسطه درآمد بیشتر، منزلت اجتماعی بیشتری نیز خواهند داشت. این‌گونه آدم‌ها با رسیدن به آرزوهایشان برای ایجاد تحول، رضایت کسب می‌کنند. اگر دولت محلی برای ایجاد تحول، نوآوری سیاستی و تلاش کردن و رسیدن به اهداف ملی این آدم‌ها نباشد، طبیعی است که ترجیح می‌دهند، بیرون دولت فعالیت داشته باشند؛ در این صورت دولت از نیروی انسانی کارآمد تخلیه شده و دست آخر همان دولت ناکارآمدی باقی می‌ماند که جامعه از خودش می‌پرسد پس دولت به چه درد می‌خورد؟!

**درس یازدهم:** شرکت‌های خصوصی بعد از اینکه تحت سیاست‌های دولت، بزرگ و قوی شدند دیگر الزاماً از دولت و سیاست‌های آن پیروی نمی‌کنند. اصولاً شرکت‌های بخش خصوصی بعد از بین‌المللی شدن قدرت بیشتری برای بازیگری در مقابل دولت پیدا می‌کنند؛ بنابراین همواره لازم است که دولت‌ها ظرفیت خودشان را برای مواجه شدن با این چالش‌های جدید تقویت کنند. آن‌ها باید تفاوت‌های ایجاد شده را درک کنند و کماکان بتوانند از طریق تعامل با بخش خصوصی در خدمت توسعه ملی باشند. زمانی که بخش خصوصی قدرتمند شود مسلماً به دنبال منافع خودش می‌رود که ممکن است باعث تغییر در روابط بین دولت و بخش خصوصی و صنعت شود و حتی شاید دولت مقهور بخش خصوصی شود.

**درس دوازدهم:** دولت‌ها برای این‌که بتوانند کماکان نقشی در تحول صنعتی ایفا کنند و مقهور بخش خصوصی قوی شده نباشند، باید روابط قوی‌تری با گروه‌ها و طبقات اجتماعی ایجاد کنند و در اصل مفهوم جامعه باید گسترش پیدا کند و از تنها بخش خصوصی فراتر رود. اینجاست که از نظر اونس جامعه صرفاً بخش خصوصی نمی‌باشد، بلکه

از طریق محدود کردن واردات، دادن وام به شرکت‌های خصوصی و فراهم کردن بازار برای این شرکت‌ها اعمال کرد، رانتی مولد بود. رانتی که تایوان برای توسعه صنایع نساجی ارائه کرد، رانت مولدی بود. مهم این است که رانت در مقابل چه چیزی داده می‌شود و به چه شکلی ارائه می‌شود. آیا رانت ناشی از رابطه خویشاوندی، سیاسی یا ایدئولوژیک توزیع می‌شود و یا بر اساس کارآمدی و نقش در اقتصاد ملی و قدرت فناورانه که شرکت‌ها ایجاد می‌کنند، می‌باشد. اینجا هم ظرفیت دولت تعیین‌کننده است.

**درس نهم:** دولت‌ها تا زمانی مشروعیت دارند که بتوانند در راستای تحقق اهداف ملی حرکت کنند و مردم آن‌ها را حرکت‌کننده در مسیر تحقق اهداف ملی بدانند. دولت‌ها در برزیل و هند تا اندازه‌ای موفق شدند در این مسیر قدم بردارند، ولی کره‌جنوبی آن را به نحو عالی انجام داد. اگر دولت‌ها نتوانند این امر را انجام دهند به تدریج نمی‌توانند برای آدم‌های نخبه و متخصص انگیزه ایجاد کنند که نتیجه آن خالی شدن دولت از آدم‌های توانمند می‌باشد.

**درس دهم:** برای آدم‌هایی که قادرند پروژه‌های مهم و تحول‌آفرین اجرا کنند، کسانی که جزء بهترین‌ها و بااستعدادترین‌ها هستند و به دلیل روحیه آن‌ها برای

این نکته است که دولت چه نقشی در تلفیق ملی‌گرایی و بین‌المللی شدن ایفا می‌نماید. در ضمن باید همیشه به یادداشت که بدون ارتباطات بین‌المللی دست یافتن به قدرت ملی و ملی‌گرایی اقتصادی هم تقریباً ناممکن است.

**درس هفتم:** بروکرات کارآفرین الزاماً مفهوم متناقضی نیست. دولت در کره جنوبی بویژه در پروژه‌هایی مثل ساخت تراشه ۴ مگابیتی و یا سیستم‌های سویچینگ مخابرات نشان داده است که می‌شود بروکرات کارآفرین هم داشت. بروکرات‌هایی که دستور کارهایی برای همکاری بروکراسی و بخش خصوصی تعریف و اجرا می‌کنند و سبب می‌شوند که کارآفرینی مؤثر در بخش خصوصی پدیدار شود و پیشرفت کند، بروکرات‌هایی کارآفرین نامیده می‌شوند که برخلاف تصورات پیشین الزاماً فاسد نیستند، بلکه بعضی از آن‌ها ملی‌گرایانی هستند که بدون آنکه دولت‌ها متصدی و یا نقش متولی‌گری پررنگی داشته باشند، برنامه‌های صنعتی شدن را در کشورها پیش می‌برند.

**درس هشتم:** هر رانتی مخرب و زیان‌بار نیست. دولت‌ها رانت‌های مولد هم در اقتصاد توزیع می‌کنند که در توسعه اقتصادی و صنعتی شدن تأثیر مثبت دارد. رانتی که دولت کره جنوبی در حوزه نیمه‌رسانه‌ها



دولت باید با کارگران و طبقه متوسط جامعه و سایر گروه‌های اجتماعی رابطه برقرار کند که بر اساس آن بتواند کماکان شریک توانمندی برای بخش خصوصی باشد و الا یک بخش خصوصی قدرتمند می‌تواند گورکن دولت هم باشد. راه‌حل این موضوع این است که دولت از طریق تقویت پیوندها با سایر گروه‌های اجتماعی نیز جایگاه خودش را مستحکم کند. این امر نیازمند دموکراتیک شدن است تا پیوند حکومت و جامعه ممکن شود و گرنه شرکت‌ها و منافع صنعتی آن قدر قدرت می‌گیرند که دولت را تسخیر می‌کنند و از این لحظه به بعد همه سیاست‌های عمومی در راستای منافع شرکت‌ها شکل می‌گیرد و نه الزاماً منافع ملی و همه شهروندان.

**درس سیزدهم:** دولت لازم نیست از بخش خصوصی بترسد و فکر کند شرکت‌های بزرگ و قوی گورکن دولت خواهند شد. دولت‌ها به‌جای این‌که از شرکت‌های بخش خصوصی واهمه داشته باشند و آن‌ها را سرکوب کنند و یا تلاش کنند که بخش خصوصی را ضعیف نگه دارند و یا به‌اصطلاح یک جامعه شمشادی بسازند و یا یک توسعه مسقف را برای بخش خصوصی تعریف کنند که برای هر شرکت و هر آدمی سقف معینی تعیین کند، باید خودشان را از طریق پیوند با جامعه قوی کنند. بعضاً دولت‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته و یا درحال توسعه از صنعتی شدن می‌ترسند و بر این باورند که زمانی تعداد کارگران زیاد می‌شود و یا یک طبقه کارگر انبوه در کشور به وجود می‌آید، این موضوع خطری برای قدرت دولت محسوب می‌شود. این‌گونه دولت‌ها باید از طریق فرایندهای دموکراتیک، مشروعیت خود را نزد طبقه کارگران و جامعه بالا برده و به‌جای ایجاد محدودیت در بخش خصوصی، زمینه مناسب برای رشد بخش خصوصی که خود نیز همراه آن هستند، فراهم آورند.

**درس چهاردهم:** این درس را می‌توانیم بر اساس تجربه ایالت کرالا در هند صورت‌بندی کنیم. در میانه دهه، ۱۹۹۰ وقتی که کتاب اونز منتشر شد، ایالت کرالا بر اساس شاخص

رشد اقتصادی قطعاً صاحب یک دولت توسعه‌گرا نبود حتی آن زمان درآمد سرانه در این ایالت، یک‌سوم کمتر از میانگین درآمد سرانه هندوستان بود، اما شاخص‌هایی مثل باسوادی بویژه باسوادی زنان، نرخ زادوولد پایین، امید به زندگی و نرخ مرگ‌ومیر کودکان، همگی به اندازه استانداردهای کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا خوب بودند. چگونه یک ایالت نسبتاً فقیر در هند به چنین دستاوردهایی رسیده بود؟ محققان بر این باورند که موفقیت کرالا ناشی از بسیج اجتماعی قوی جامعه آن ایالت بوده است. اونز از قول دو محقق دیگر نقل می‌کند که مردمان سازمان‌یافته و فعال کرالا که رهبرانی معنوی هم داشته‌اند از مبارزه ابایی نداشته و برای پیشرفت اجتماعی در کرالا به‌صورت مستمر مطالبه‌گر بوده‌اند. مردم کرالا به کمک سازمان‌دهی بی‌نظیر خود توانسته‌اند دولت را برای بالا بردن سطح استانداردهای خدمات تحت‌فشار قرار دهند، اما این درس بدون توجه به درس پانزدهم کارایی لازم را ندارد.

**درس پانزدهم:** به عقیده اونز، دستاوردهای کرالا فقط به پشتوانه بسیج اجتماعی و سازمان‌دهی به دست نمی‌آمد. اونز می‌گوید که بسیج مردمی به‌خودی‌خود نمی‌تواند اصلاحات و خدماتی را که برایش مبارزه می‌کنند فراهم آورد و مردم هر قدر

بین‌المللی شدن و سیاست ملی‌گرایی الزاماً در تعارض با یکدیگر نمی‌باشد. کشوری مثل کره جنوبی در عین ملی‌گرایی و تلاش برای افزایش قدرت ملی، سیاست سطح بین‌المللی را دنبال کرده و به موفقیت نیز رسیده است. مهم این نکته است که دولت چه نقشی در توفیق ملی‌گرایی و بین‌المللی شدن ایفا می‌نماید. در ضمن باید همیشه به یادداشت که بدون ارتباطات بین‌المللی دست یافتن به قدرت ملی و ملی‌گرایی اقتصادی هم تقریباً ناممکن است.

هم که مبارز باشند، اثری ندارد که وجود دستگاه اداری کارآمد ضروری است. اگر دستگاه دولتی کارآمد وجود نداشته باشد، هر قدر هم مردم بسیج شوند و مبارزه کنند، نتیجه دلخواه حاصل نمی‌شود. اگر بسیج اجتماعی در کرالا باعث پیشرفت شده، دلیل آن وجود شبکه فروشگاه‌های دولتی توانمند تأمین‌کننده تغذیه مادران و کودکان بوده است. از دیگر دلایل این موفقیت می‌توان به تأمین ناهار دانش‌آموزان توسط دولت در جهت ارتقا سطح سلامت، مدیریت موفق شیرخوارگاه‌ها با هدف حفظ سلامت کودکان و همچنین مدیریت کارآمد در لجستیک منطقه کرالا در مقایسه با دیگر نقاط هندوستان اشاره کرد. پس نکته مهم این است که در کنار بسیج مردمی قوی، دولت محلی قوی نیز در کرالا وجود داشته که تلاش کرده است تا در راستای مطالبه‌گری جامعه، خدمات به‌بترین نحو ممکن به جامعه ارائه گردد؛ به‌عنوان مثال اگر یک مرکز بهداشت چند روز بدون کارکنان می‌بود، فوراً تظاهرات مردمی با شهروندانی که از حقوق خودشان اطلاع داشتند، دولت را وادار می‌کرد که کار درست را انجام دهد.

**درس شانزدهم:** درست است که دولت نسبتاً با ظرفیت و با بسیج اجتماعی قوی پیشرفت در کرالا را ممکن کرده است، اما نباید از نقش رقابت سیاسی صرف‌نظر کرد. رقابتی سیاسی در کرالا می‌دانستند که اگر قصد دارند در قدرت باقی بمانند، نباید از مخالفان سیاسی خودشان غافل شوند. می‌دانستند که مخالفان سیاسی می‌توانند مردم را بسیج کرده و کار را به سطح ملی گسترش دهند و اگر فساد هم رخ دهد، دولت مرکزی را وادار به مداخله کند. پس ترکیبی از دولتی نسبتاً باکفایت، بسیج اجتماعی مردمی نسبتاً آگاه و رقابت سیاسی باعث پیشرفت در کرالا شده است. جامعه قوی، حکومت قوی و رقابت سیاسی فرمول ساده‌ای است اما اجرای آن بسیار پیچیده است.

**درس هفدهم:** به این درس بر اساس مفهوم گسترده‌تر جامعه و تجربه کرالا دست پیدا



کرده‌ایم. دولت باید بروکراسی مستقل و خودگردان داشته باشد، اما نباید تنها متکی به بخش خصوصی اقتصاد باشد. جامعه فراتر از بخش خصوصی است و در هر تحلیلی در زمینه توسعه باید ظرفیت جامعه برای بسیج اجتماعی و متوازن کردن قدرت دولت و بخش خصوصی را به حساب آورد. اگر گروه‌های خاصی در جامعه قدرتمند شوند که بر نظام تقسیم منافع و نظام سیاست‌گذاری تسلط پیدا کنند و آن را تسخیر کنند، این گروه با مرور زمان، نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی را به سمتی پیش می‌برد که جز منافع خودشان تأمین نشود که نتیجه آن قربانی شدن منافع جامعه می‌باشد. فقط یک جامعه سازمان‌یافته که بتواند قدرت این گروه‌ها با این اهداف خاص را به چالش بکشد، قادر است توازن را ایجاد کند که نتیجه آن توسعه باشد.

**درس هجدهم:** این درس براساس تجربه اتریش است. زمانی که جنگ جهانی دوم پایان یافت، اتریش اشغال شده توسط ارتش نازی‌ها، صاحب کارخانجاتی شد که متعلق به اشغال‌گران یعنی آلمان نازی و اتحادیه شوروی بودند. درست مثل کره‌ها که صاحب کارخانجات باقی‌مانده از دوره استعمار توسط ژاپن شده بودند. جالب است در آن زمان در اتریش، بانک‌های دولتی و سازمان‌های فدرال منطقه‌ای روی هم دوسوم کل شرکت‌های سهامی مشترک را تشکیل داده بودند که فقط ۱۳ درصد در اختیار سرمایه‌گذاران خصوصی داخلی بود، اما در طرف مقابل، جامعه هم قوی بود و کارگرهای صنایع دارای تشکل بوده و فدراسیون صنعتگران ۶۰ درصد نیروی کار اتریش را نمایندگی می‌کرد. دستگاه دولتی اتریش نیز منسجم و کارآمد بود و یک مالکیت دولتی عظیم از صنعت کشور هم در اختیار داشت، اما جامعه هم قدرت مطالبه‌گری قوی داشت. دولت اتریش آن زمان با تمام نقش‌آفرینان عمده جامعه ارتباط برقرار کرده که این موضوع باعث جلوگیری از دخالت دیوان‌سالاران و تعریف پروژه‌هایی برای خودشان و تحمیل

آن‌ها به جامعه شد. به همین ترتیب تصور آن‌که پروژه تحول مستقل از دستگاه دولت شکل بگیرد نیز غیرقابل قبول خواهد شد. از آنجا که تدوین هرگونه استراتژی باید بر اساس مصالحه منافع متعارض انجام گیرد، ضرورت یک نهاد میانجی قوی باهدف تأثیرگذاری در توازن قدرت در جامعه مدنی آشکار است. به‌طور دقیق‌تر این موضوع به این معناست که جامعه قوی حتی به دولت مالک و منسجمی مثل اتریش هم اجازه نمی‌دهد خودسرانه هر پروژه را تعریف کند و آن را پیش ببرد و به منافع جامعه بی‌توجه باشد. از طرف دیگر هم جامعه قوی نمی‌تواند بدون دولت، پروژه تحول تعریف کند. منافع جامعه و دولت باید باهم مصالحه کند و منافع متعارض درون جامعه هم باهم کنار بیایند تا امکان ایجاد تحول فراهم آید. اینجاست که یک نهاد واسط لازم است که زمینه‌ساز این مصالحه‌ها باشد. این نهاد جامعه مدنی نام دارد، جایی که توازن قوا در آن، نوع تأثیرگذاری دولت را تعیین می‌کند. به همین دلیل است که دولت‌های یغماگر دائم به دنبال سرکوب جامعه مدنی و هرگونه قدرت سازمان‌دهی شده در جامعه هستند. این‌گونه دولت‌ها حتی ظهور کارآفرینان علاقه‌مند به تحول صنعتی هم تهدید تلقی می‌کنند، چون تشکل‌های صنعتی هم می‌تواند به یک قدرت در برابر قدرت خودسر

همه دولت‌ها آن قدر بی‌خاصیت نیستند که اگر یک شیر از باغ وحش فرار کند و در اداره‌ای مخفی شود و هر روز یکی از بروکرات‌ها را بخورد آب از آب تکان نخورد. از دیدگاه پیتر اونز بعضی دولت‌ها می‌توانند در توسعه نقش‌آفرینی کنند؛ بنابراین دولت ستیزی و ترس از دولت، راهکار توسعه نیست. مسئله، بودن یا نبودن دولت یا میزان مداخله آن نیست. مسئله، کیفیت دولت و کیفیت نقش‌آفرینی و ارتباطی است که با جامعه برقرار می‌کند.

و یغماگر دولت تبدیل شود. دولت توسعه‌گرا برخلاف دولتی یغماگر نه فقط جامعه مدنی را سرکوب نمی‌کند، بلکه به سازمان‌یافتگی جامعه هم کمک می‌کند.

**درس نوزدهم:** دولت‌ها باید با استخدام مبتنی بر شایسته‌گزینی، نظام‌مند کردن رویه‌های اداری را دنبال کنند. کارکنان دولت باید بدانند فقط با نشان دادن شایستگی‌ها می‌توانند ارتقا بگیرند و در درازمدت دنبال منافع خودشان باشند و باید ظرفیت‌سازی در دولت را دنبال کنند. حتی با استخدام بهترین استعدادها در نظام اداری که رویه‌های ارتقا و شایسته‌سالاری به‌درستی اجرا نشود، این نظام اداری به جایگاهی دست پیدا نمی‌کند. به عقیده اونز حتی وقتی پرسنل از میان بهترین‌ها و بااستعدادترین‌ها انتخاب شوند، کارآمدسازی دستگاه دیوان‌سالاری کار دشواری است. بنابراین اگر پرسنل از میان عمه‌زاده‌ها و برادرزاده‌ها انتخاب شوند که لیاقت لازم را ندارند، چنین کاری ناممکن است. بدون دولت با ظرفیت و منسجم، تصمیمات و مقررات سیاسی و اقتصادی چنان غیرقابل‌پیش‌بینی و غیرمترقبه می‌شوند که هر فردی در درازمدت به این نتیجه می‌رسد که سرمایه‌گذاری و کار مولد کار احمقانه‌ای است. در دولت بی‌ظرفیت، قدرت دولت صرف و لخرجی‌های هوس‌بازانه می‌شود که در نهایت ظرفیت تولید بخش خصوصی هم کاهش می‌یابد و بدبختی برای جامعه به بار می‌آورد.

**و در نهایت درس بیستم:** همه دولت‌ها آن قدر بی‌خاصیت نیستند که اگر یک شیر از باغ وحش فرار کند و در اداره‌ای مخفی شود و هر روز یکی از بروکرات‌ها را بخورد آب از آب تکان نخورد. از دیدگاه پیتر اونز بعضی دولت‌ها می‌توانند در توسعه نقش‌آفرینی کنند؛ بنابراین دولت ستیزی و ترس از دولت، راهکار توسعه نیست. مسئله، بودن یا نبودن دولت یا میزان مداخله آن نیست. مسئله، کیفیت دولت و کیفیت نقش‌آفرینی و ارتباطی است که با جامعه برقرار می‌کند. ♦♦

# تولید



- + ما را با دنیا هم‌وزن کنید
- + بخش معدن و عقب‌افتادگی از دنیا
- + پیشران‌های صنعتی در استان کرمان
- + نوآوری در فضای رقابتی شکل می‌گیرد
- + چالش‌های پیش روی صنعت نساجی
- + ارزیابی سیاست‌های صنعتی‌سازی در کشور
- + بهره‌وری کشاورزی؛ از حرف تا عمل
- + از رؤیا تا اقدام؛ افزایش نرخ نفوذ دانش و فناوری «بخش کشاورزی و غذای ایران»
- + سهم ناچیز علم در کشاورزی ایران
- + آینده مشخص انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا
- + ناترازی برق و دلایل آن
- + مدیریت منابع انرژی در ایران



گفت‌وگو با دکتر «بهرام شکوری» رییس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران

## ما را با دنیا هم وزن کنید

در حوزه معادن، ۹۵ درصد خاک کشور در دست سازمان‌هایی چون محیط‌زیست، انرژی اتمی و منابع طبیعی است که اگر اجازه اکتشافات ژئوفیزیک هوایی و اکتشافات تکمیلی در این مساحت از کشور داده شود، می‌توان انقلاب صنعتی ایجاد کرد؛ تعامل با دنیا، حمایت از فعالان اقتصادی نوآور، پذیرش پروانه‌های بهره‌برداری معادن به‌عنوان وثیقه در بانک‌ها، کاهش نرخ مالیاتی، عدم قیمت‌گذاری دستوری، ایجاد پنجره واحد بخش معدن و به‌طور کلی رفع موانع از سر راه اکتشاف، استخراج، فرآوری و صادرات معدنی و اعمال مشوق‌های لازم برای جذب فعالان و صاحبان سرمایه در بخش معدن بویژه حوزه مس، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری خواهد شد.

یکی از مطالبات جدی معدن‌کاران این است که برای محاسبه حقوق دولتی از «نرم‌افزار حقوق دولتی» که به‌صورت پایلوت در چند استان اجرا شده است، استفاده شود که به نظر می‌رسد اجرای آن بتواند در حقوق دولتی عدالت را ایجاد نماید. بنا به قانون مقرر است که از تکمیل زنجیره مواد معدنی حمایت شود تا معدن‌کاران به کانه‌آرایی یا فرآوری مواد معدنی اقدام کنند، اما نه تنها حمایتی نمی‌شود بلکه برخلاف قانون معدن، حقوق دولتی بیشتری از آنان دریافت می‌شود که انگیزه برای سرمایه‌گذاری را از آن‌ها می‌گیرد. همچنین دولت باید حمایت کند تا به سمت هوشمندسازی معادن برویم؛ تا زمانی که بستر لازم برای این نوع معدن‌کاری فراهم نشود، ورود تکنولوژی‌های نوین هیچ فایده‌ای ندارد.

دکتر بهرام شکوری رییس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق ایران همچنین توضیح می‌دهد که در صورت عدم دخالت در زمینه‌هایی چون قیمت‌گذاری، نحوه عرضه و غیره نیاز به یارانه‌ای نیست، مثلاً این سوخت ارزان چه مزیتی برای تولیدکننده داشته است؟! ما می‌گوییم اگر می‌خواهیم با دنیا رقابت کنیم باید هم وزن آن باشیم. امروز ۶ هزار معدن غیرفعال در کشور است که در چرخه تولید قرار ندارند، عارضه‌یابی شده‌اند، اما مشکل همچنان پابرجاست. امروز در دنیا بین ۳ تا ۵ درصد از ذخایر کشورها را استخراج می‌کنند، اما برای ایران این عدد کمتر از نیم درصد است. مفصل این گفت‌وگو در ادامه آمده است.



به‌عنوان وثیقه قبول کنند نیز عملی نشد. وضع تعرفه برای کالاهای مشابه وارداتی، وام‌های کم‌بهره، معافیت‌های مالیاتی، کمک‌های فنی و مالی، بسترسازی برای استفاده از آخرین تکنولوژی‌های روز دنیا از جمله مسائلی هستند که باید عملیاتی شوند، اما متأسفانه تاکنون اتفاقی نیفتاده است.

♦♦ **ارزیابی شما از چگونگی دیدگاه سازمان‌ها و دستگاه‌های ذینفع در حفاظت از محیط‌زیست و مردم به حوزه معدن چیست؟ اجازه برداشت محدود از معدن از چه منطقی پیروی می‌کند و چه تأثیری در ذخایر معدنی کشور دارد؟**

مشکل اساسی ما این است که بیش از ۱۶ درصد مساحت کشور در اختیار سازمان انرژی اتمی قرار دارد و بیش از ۱۱ درصد مساحت کشور هم تحت عنوان مناطق ممنوعه در اختیار سازمان محیط‌زیست قرار دارد که اصلاً اجازه اکتشاف را در این مناطق نمی‌دهد. جالب اینجاست سازمان انرژی اتمی خودش معدن را در اختیار گرفته است و با استخراج آن درآمد کسب می‌کند، مابقی مساحت کشور هم در اختیار منابع طبیعی قرار دارد. اگر در کشور به دنبال این هستیم که بخش معدن و صنایع معدنی

معدن به‌عنوان وثیقه در بانک‌ها و در نهایت کاهش نرخ مالیاتی برای فعالان اقتصادی، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش معدن بویژه حوزه مس خواهد شد.

مشوق در بخش صادرات نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. تبدیل مواد معدنی به محصولات ارزشمند با ارزش‌افزوده بالا، عزم و اراده جدی فعالان این حوزه و حاکمیت را می‌طلبد که البته تاکنون هم این اتفاق تا حدودی افتاده است. در مقابل فرآوری بخشی از ذخایر معدنی، صادرات بخشی از این مواد معدنی به‌صورت فرآوری نشده؛ به‌طور مثال در حوزه سنگ‌های تزئینی می‌تواند برای کشور ارزش‌افزوده پایینی داشته باشد و این ارز می‌تواند در بخش‌های دیگر کشور سرمایه‌گذاری شود اما به جای ارائه مشوق گاهی شاهد مانع‌تراشی و تنبیه هستیم. همه فعالان معدنی در کل زنجیره تولید و عرضه با مشکلاتی مواجه هستند لذا اگر محصولشان ارزش‌افزوده پایینی دارد نباید آن‌ها را تنبیه کرد و برعکس باید مشوق‌هایی را به آن‌ها پرداخت. بهتر است به‌جای بستن عوارض، اجازه ندهیم که تولیدکننده بیشتر از نیاز، تولید کند و اگر هم تولید کرد محصولش را با قیمت جهانی خریداری کنیم و یا اجازه ندهیم که زنجیره بعدی تکمیل شود. متأسفانه هیچ یک از برنامه‌های حمایتی از جمله مشوق‌های صادراتی و حمایت از نمایشگاه‌ها و تسهیلات ارزان‌قیمت عملیاتی نشده‌اند و پروانه بهره‌برداری هم که قرار بود

اگر در کشور به دنبال این هستیم که بخش معدن و صنایع معدنی درآمد ارزی بیش از درآمد نفت را برای کشور داشته باشد، نیاز به انقلاب معدنی داریم که این امر با ۲,۵ درصد سهم مساحت کشور که در اختیار معدن‌کاران است محقق نخواهد شد بلکه باید ۹۵ درصد مساحت کشور را از حبس خارج کنیم نه اینکه متمرکز به رفع حبس نیم درصد معدن کشور باشیم.

♦♦ **در حال حاضر مشوق‌ها و موارد انگیزشی برای ایجاد و توسعه زنجیره ارزش مواد معدنی چیست؟ محدودیت‌هایی که جذابیت فعالیت فعالان حوزه معدن را تقلیل داده و در بی‌انگیزگی بهره‌برداران مؤثر است کدامند؟**

تدوین استراتژی توسعه صنعتی و معدنی کشور می‌تواند به توسعه سرمایه‌گذاری‌های معدنی و استقبال سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی منجر شود که بر این اساس باید اهمیت ویژه‌ای به حوزه اکتشافات بویژه اکتشافات مس که آینده روشنی دارد داده شود. حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌تواند در این راستا کمک‌حال باشد، زیرا بخش عمده‌ای از ذخایر کشور ذخایر کوچک‌مقیاس است و باید حمایت شود و شرکت‌های بزرگی مثل شرکت ملی مس ایران با ایجاد تورهای حمایتی می‌تواند معدن غیرفعال را به چرخه تولید بازگرداند و از آنجایی که معدن کوچک ذخیره پایین دارند، برای راه‌اندازی این معدن دولت باید تسهیلاتی ایجاد کند. ایجاد پنجره واحد بخش معدن اقدام دیگری است که با ایجاد این پنجره، موانع از سر راه اکتشاف، استخراج، فرآوری و صادرات محصولات معدنی برداشته شود و مشوق‌های لازم برای جذب فعالان و صاحبان سرمایه در بخش معدن بویژه در حوزه مس ایجاد شود. استفاده از نوآوری‌ها و فناوری‌های جدید، عدم دخالت دولت در قیمت‌گذاری‌ها و تعامل با سازمان‌های محیط‌زیست، انرژی اتمی و منابع طبیعی نیز برای افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت مس ایران راهگشا خواهد بود. در حوزه معدن ۹۵ درصد مساحت کشور در ید این سازمان‌ها است، اما اگر اجازه اکتشافات ژئوفیزیک هوایی و اکتشافات تکمیلی در این ۹۵ درصد مساحت کشور داده شود، با توجه به قرار داشتن در کمربند مس می‌توان انقلاب معدنی ایجاد کرده و حتی درآمدهای بیشتری از نفت برای کشور ایجاد کرد. تعامل با دنیا و ایجاد ارتباطات سیاسی و تجاری با کشورهای پیشرفته صنعتی، حمایت از فعالان اقتصادی که از نوآوری‌های جدید در حوزه معدن استفاده می‌کنند، پذیرفته شدن پروانه‌های بهره‌برداری



درآمد ارزی بیش از درآمد نفت را برای کشور داشته باشد، نیاز به انقلاب معدنی داریم که این امر با ۲,۵ درصد سهم مساحت کشور که در اختیار معدنکاران است محقق نخواهد شد بلکه باید ۹۵ درصد مساحت کشور را از حبس خارج کنیم نه اینکه متمرکز به رفع حبس نیم درصد معادن کشور باشیم.

یکی از مواردی که مجلس هم ورود کرده و به دنبال تعیین ساختار مناسبی برای آن است محدوده‌هایی است که توسط سازمان انرژی اتمی تحت عنوان مواد پرتوزا بلوکه شده و امکان فعالیت به معدنکاران را نمی‌دهد.

اول اینکه، باید ثابت شود آیا در یک منطقه مواد پرتو زا وجود دارد یا خیر! دوم اینکه باید مشخص شود حد اقتصادی این مواد چقدر است و حد اقتصادی نیز می‌بایست توسط شورای عالی معادن تأیید و مبنای بلوکه شدن آن شود.

ضمناً با سازمان محیط‌زیست هم تعاملاتی انجام شود تا معدنکاران ضمن رعایت محیط‌زیست روند بهره‌برداری خود را در سایر مناطق یا غیر از مناطق ممنوعه بدون مشکل انجام دهند.

یکی دیگر از چالش‌هایی که معدنکاران با آن مواجه هستند، معارضین محلی از دولتی و مردم محلی است که متأسفانه نگاه منفی به معدن و معدنکار دارند و هر روز مانع فعالیت در معادن می‌شوند و دولت علیرغم قانون معادن همکاری لازم را ندارد. برخی از معادن به مرحله اکتشاف و استخراج می‌رسند، اما دچار وقفه در بهره‌برداری می‌شوند؛ زیرا در فضای مجازی موجی به وجود می‌آید که آن معدن اجرام سمی وارد آب کرده است یا اینکه باعث اختلال زیست‌محیطی شده است. اگر معدن خاصی تحت این سوءظن قرار بگیرد، دیگر به‌سختی می‌توان افراد را متوجه کرد که روند تولید در معادن، رویکردهای ضد محیط‌زیست ندارد. در دنیا هم صاحبان معادن با همین روش‌ها، معدنکاری می‌کنند؛ در واقع در قالب لیست تجهیزات و ماشین‌آلاتی که استاندارد محیط‌زیست را دارا هستند و در لیست دولت

نیز قرار دارند این تولید انجام می‌گیرد. سپس به‌طور شفاف توضیح می‌دهد که تجهیزات موردنیاز برای کار در آن معدن را از کجا خریداری می‌کند و اگر شرکت ارائه‌دهنده تجهیزات استاندارد باشد، تأیید می‌شود.

### ◆◆ نظر شما در مورد میزان و چگونگی محاسبه و دریافت حقوق دولتی معادن چیست؟

فعالان معدنی با توجه به انفعال بودن معادن و در چارچوب قانون معادن قائل به پرداخت حقوق دولتی هستند، ولی معتقدند که باید عدالت در پرداخت حقوق دولتی رعایت شده و جلوی فرار از پرداخت آن گرفته شود، اما باید یک بستری فراهم شود تا نظارت دقیق بر عملیات معدنکاری توسط نظام مهندسی معدن و وزارت صمت صورت گیرد و با حمایت همه‌جانبه، معادن بیشتری در مدار تولید قرار گرفته و میزان استخراج و صادرات بیشتر شود و به‌تبع آن حقوق دولتی بیشتری نیز وصول گردیده و در جهت توسعه معدن، محیط‌زیست، منابع طبیعی، رفاه مردم منطقه طبق قانون معادن هزینه شود. درخواست معدنکاران این است که معادن کوچک و متوسط که هزینه در تولید آن‌ها نسبت به معادن بزرگ بیشتر است مورد حمایت قرار گیرند و حقوق دولتی بایستی در قالب نرم‌افزار

**درصد حقوق دولتی زمانی تغییر می‌یابد که عوامل تأثیرگذار تغییر کرده باشند؛ مثلاً عیار، تغییر یافته باشد یا تولید بیشتر شده باشد، معادن جدید وارد مدار تولید شده باشند، قیمت محصولات افزایش یافته یا صادرات توسعه یافته شده باشد. پس یکی از مطالبات جدی معدنکاران این است که برای محاسبه حقوق دولتی از یک نرم‌افزار حقوق دولتی استفاده شود که عوامل تأثیرگذار که در قانون معادن نیز آمده است در آن در نظر گرفته شده باشد.**

حقوق دولتی که عوامل تأثیرگذار در آن لحاظ می‌گردد و درصد حقوق دولتی هر معدن بر آن مبنا تعیین می‌گردد، محاسبه شود. درصد حقوق دولتی زمانی تغییر می‌یابد که عوامل تأثیرگذار تغییر کرده باشند؛ مثلاً عیار، تغییر یافته باشد یا تولید بیشتر شده باشد، معادن جدید وارد مدار تولید شده باشند، قیمت محصولات افزایش یافته یا صادرات توسعه یافته شده باشد. پس یکی از مطالبات جدی معدنکاران این است که برای محاسبه حقوق دولتی از یک نرم‌افزار حقوق دولتی استفاده شود که عوامل تأثیرگذار که در قانون معادن نیز آمده است در آن در نظر گرفته شده باشد.

این نرم‌افزار حقوق دولتی در حال حاضر تقریباً از سوی نظام مهندسی معدن آماده و در چند استان هم به‌صورت پایلوت اجرا شده است و به نظر می‌رسد که اجرای آن بتواند عدالت در دریافت حقوق دولتی را ایجاد نماید.

حقوق دولتی معادن مصارف خاص خود را دارد و باید در جای خود هزینه شود، آنچه از این محل به خزانه واریز می‌شود، باید ۶۵ درصد آن به وزارت صمت در راستای توسعه بخش معدن کشور هزینه شود، ۱۵ درصد آن صرف فعالیت‌های عمرانی در شهرها و روستاهایی گردد که در کنار معادن قرار گرفته‌اند که باعث افزایش سطح رفاه افراد این مناطق گردد تا آن‌ها را از معارضین محلی به مدافعین محلی تبدیل نماید، ۱۲ درصد آن در اختیار سازمان منابع طبیعی به‌منظور بازسازی و احیا معادن که فعالیت آن‌ها پایان یافته قرار گیرد، پنج درصد آن به صندوق بیمه فعالیت‌های معدنی به‌منظور ارائه تسهیلات به واحدهای معدنی تخصیص داده شود و سه درصد دیگر نیز به سازمان نظام مهندسی معدن برای انجام وظایف قانونی و نظارت بر فعالیت‌های معدنی تعلق گیرد. وقتی سهم ۱۵ درصدی حقوق دولتی معادن به شهرها و روستاهای اطراف معادن پرداخت نشود، افراد ساکن در این مناطق به معارضین محلی تبدیل می‌شوند و مانع

یک‌بخش به شیوه عمل اپراتورهای این حوزه مثل ایرنسل و همراه اول و بخش دیگر به دولت و مسائل امنیتی مدنظر این نهاد اجرایی برمی‌گردد. امروز دولت و اپراتورها هر لحظه می‌توانند اینترنت را قطع کنند؛ درحالی‌که تحت هیچ شرایطی نباید این اتفاق بیفتد، چون سیستم به هم می‌ریزد. در حال حاضر در استرالیا ۲۰ میلیون تن مواد معدنی را با ماشین‌آلات بدون راننده حمل می‌کنند؛ حال تصور کنید اینترنت قطع شود؛ چه اتفاقی می‌افتد؟ در این بین بحث حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای و دریایی و توسعه بنادر هم نکته مهم دیگری است. ناوگان‌های حمل‌ونقل ما هنوز از موج دوم تکنولوژی استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که دنیا

ضعف نبود مدیران عملیاتی را در مسیر معدن‌کاری هوشمند به‌سرعت و دقت پوشش دهیم و به همراه ورود تکنولوژی در جریان آموزش افرادی که واجد شرایط کار در معدن هستند، حرکت کنیم. درعین‌حال در خصوص معدن‌کاری دیجیتال دولت نیز ورود کند؛ چراکه بدون حمایت دولت نمی‌توان کاری از پیش برد. زیرساخت اینترنت نیز مسئله بسیار مهمی در معدن‌کاری دیجیتال به شمار می‌آید. اگر بخواهیم در این حوزه وارد شویم باید بستر اینترنت قوی داشته باشیم. امروز نیازمند اینترنت فایو جی (۵G) هستیم. در غیراین صورت نمی‌توانیم به معدن‌کاری دیجیتال ورود کنیم. موضوع تأمین اینترنت پرسرعت البته دو وجه دارد؛

فعالیت‌های معدنی می‌گردند. یکی از اهداف قانون‌گذار در قانون معادن، حمایت از تکمیل زنجیره مواد معدنی است و مقرر شده تا معدن‌کارانی که اقدام به کانه‌آرایی یا فرآوری مواد معدنی می‌نمایند مورد تشویق قرارگیرند در صورتی‌که نه‌تنها این اتفاق نمی‌افتد بلکه برخلاف قانون معادن حقوق دولتی بیشتری از آنان دریافت و انگیزه برای فرآوری و سرمایه‌گذاری را از آن‌ها می‌گیرند.

### ♦♦ دولت چه کمک‌های مهمی به شرکت‌های معدنی کند تا بتواند تکنولوژی خود را ارتقا دهند و از خام فروشی فاصله بگیرند؟ «عبور از خام فروشی مواد معدنی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

در سؤال یک پاسخ داده شده است. دولت باید حمایت کند تا به سمت هوشمندسازی معادن حرکت کنیم. مبحث هوشمندسازی معادن دامنه وسیعی دارد که از برهم‌کنش مسائل و نهادهای مختلف، اعم از آموزش و نیروی انسانی، دولت و زیرساخت‌ها، ارتباط با جهان و زنجیره تأمین جهانی، فناوری و سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود؛ بنابراین در بحث بهره‌گیری از فناوری دیجیتال باید چند موضوع موردتوجه قرار گیرد. یکی از این مباحث آموزش است. ما در کنار ورود فناوری‌های نو باید در خصوص آموزش نیروی کار به‌صورت جدی وارد عمل شویم. اگر امروز فناوری را وارد کنیم ولی نیروی ما قادر به بهره‌برداری از دستگاه‌های جدید نباشد، از بخشی از آن استفاده نمی‌کند، پس در این شرایط بودنی‌بود فناوری فرقی نمی‌کند. به یاد دارم چند سال پیش یک‌سری ماشین‌آلات آوردیم، تکنولوژی این ماشین‌آلات آن زمان بسیار بالا بود. اپراتور چون نمی‌توانست از این ماشین‌آلات استفاده کند، بخشی از سنسورها را قطع می‌کرد. این اتفاق مثل این است که ما از ماشین‌حساب مهندسی صرفاً برای جمع و تفریق استفاده کنیم و بقیه ویژگی‌های این دستگاه بلااستفاده بماند؛ بنابراین باید



● معدن سنگ آهن سامارکو آگریای برزیل

پیش آماده نباشیم، اتفاق مشابهی که در جریان توسعه فولاد افتاد، تکرار می‌شود.

♦♦ **رابطه بین یارانه بویژه آب و انرژی و بهره‌وری در شرکت‌های صنعتی و معدنی را چگونه می‌بینید و چه پیشنهادهایی مطرح می‌کنید؟ به نظر شما چرا قرار دادن مواد اولیه معدنی و انرژی بسیار ارزان در اختیار صنایع پایین‌دستی در قبال قیمت‌گذاری دولتی موردنقد بویژه فعالان بخش خصوصی است؟**

در صورت عدم دخالت دولت در دیگر زمینه‌ها؛ همچون قیمت‌گذاری و نحوه عرضه و ... به یارانه هم نیازی نیست. گاهی عنوان می‌شود در دیگر کشورها این یارانه‌ها تعلق نمی‌گیرد ولی مطرح نمی‌شود که بقیه شرایط آن فعال اقتصادی در کشور به چه شکل است. ما فعالان اقتصادی معتقدیم دولت هر میزان یارانه پرداخت کرده است از ما بگیرد. ما می‌خواهیم در عرصه تجارت جهانی حضور داشته باشیم ما را با دنیا

در صورت عدم دخالت دولت در دیگر زمینه‌ها؛ همچون قیمت‌گذاری و نحوه عرضه و ... به یارانه هم نیازی نیست. گاهی عنوان می‌شود در دیگر کشورها این یارانه‌ها تعلق نمی‌گیرد ولی مطرح نمی‌شود که بقیه شرایط آن فعال اقتصادی در کشور به چه شکل است. ما فعالان اقتصادی معتقدیم دولت هر میزان یارانه پرداخت کرده است از ما بگیرد. ما می‌خواهیم در عرصه تجارت جهانی حضور داشته باشیم ما را با دنیا هم‌وزن کنید.

اگر دولت همراه نشود، صرف اینکه من به‌عنوان معدن‌کار یا شرکت صنایع معدنی خود را مجهز به آخرین تکنولوژی‌ها کنم، کارها و اهدافمان پیش نمی‌رود. اگر اپراتورها خودشان را تقویت نکنند و سایر سازمان‌های مرتبط به‌موازات، همراه نشوند، ورود صرف تکنولوژی هیچ ارزشی ندارد. در واقع اگر از

با موج چهارم تکنولوژی کار می‌کند. موضوع دیگر، ارتباط ایران با دنیاست. در حال حاضر با سه واسطه یا چهار واسطه با شرکت اصلی در ارتباط هستیم این واسطه‌ها عملاً بخشی از منابع مالی را هدر می‌دهد. چندی پیش قرار بود با یک شرکت استرالیایی ارتباط بگیریم؛ آن هم با سه واسطه. این موضوع عملاً ۵۰ درصد هزینه‌های ما را در این حوزه بالاتر برد. بنابراین اگر هر چه زودتر با دنیا ارتباط برقرار کنیم، شرایط بهتری را تجربه خواهیم کرد. باید از تجربیات ملموس جهان برای معدن‌کاری دیجیتال استفاده کنیم. تا زمانی که بستر لازم برای این نوع معدن‌کاری فراهم نشود، ورود تکنولوژی‌های نوین هیچ فایده‌ای ندارد؛ چراکه تا بسترها فراهم نشود، نمی‌توان از تکنولوژی وارد شده استفاده کرد و عملاً منابع مالی هدر می‌رود. بنابراین معتقدم اگر بخواهیم از نسل دوم به نسل چهارم حرکت کنیم باید تغییرات اساسی را رقم بزنیم. این تغییرات باید در حوزه معدن و حوزه دولت اتفاق بیفتد.



● معدن مس اسکوندیدا - شیلی ●



هم‌وزن کنید.

در زمان حاضر می‌گویند، سوخت ارزان است پس باید هزینه‌های حمل‌ونقل هم ارزان باشد، اما این‌گونه نیست. در دنیا سیستم حمل‌ونقل به‌سمت فن‌آوری نسل چهارم رفته است، اما ما هنوز در نسل دوم فن‌آوری حمل‌ونقل قرار داریم. در نتیجه هزینه‌های حمل‌ما علی‌رغم گازوئیل ارزان، گران‌تر است. همچنین بنادر ما مانند بنادر دنیا نیست، در بنادر توسعه‌یافته کشتی‌های ۴۰۰ هزارتنی و ۶۰۰ هزارتنی پهلو می‌گیرند و به‌راحتی نقل‌وانتقال بار صورت می‌گیرد؛ در این شرایط کرایه‌ها برای فعالان اقتصادی ماکزیمم ۵ دلار به ازای هر تن تمام می‌شود، اما در ایران کشتی‌های بیشتر از ۸۰ هزارتنی پهلو نمی‌گیرند و هزینه بار برای ما به ۲۵ دلار هم می‌رسد، باید بگویند این سوخت ارزان چه‌مزیتی برای تولیدکننده داشته است! تولیدکنندگان در برخی از بخش‌ها چندین برابر سوخت ارزان هزینه پرداخت می‌کنند. ما می‌گوییم اگر می‌خواهیم با دنیا رقابت کنیم باید هم وزن آن‌ها باشیم؛ در دنیا نرخ بهره بانکی زیر ۵ درصد است در صورتی‌که در کشور ما بالای ۲۰ درصد است.

در ایران تولیدکننده باید وثیقه ملکی بدهد تا بتواند وامی را دریافت کند. فرض کنید تمام دارایی یک تولیدکننده در بخش تولید هزینه شده است، اما وقتی به بانک مراجعه می‌کند، باید برای دریافت تسهیلات وثیقه ملکی بدهد، درنهایت این موضوع سبب می‌شود تولیدکننده به‌جای اینکه سرمایه خود را صرف تولید کند، مجبور به خرید ملک می‌شود، آن هم ملکی که سریع به پول برسد تا به‌واسطه آن بتواند از تسهیلات بانکی استفاده کند. با این‌گونه اقدامات تولید را متوقف یا توسعه آن را کند می‌کنیم. چراکه همه دارایی تولیدکننده و معدن کار، ذخیره معدنی، تجهیزات و ماشین‌آلات بوده و غیر از منزل مسکونی خود، ملک دیگری ندارد که وثیقه قرار دهد و متأسفانه از گرفتن تسهیلات بی‌بهره می‌ماند.

### ◆◆ در کل مشکلات ساختاری بخش معدن را

#### چطور توضیح می‌دهید و چه پیشنهادهایی برای برون‌رفت از آن‌ها را ارائه می‌نمایید؟

امروز ۶ هزار معدن غیرفعال در کشور داریم که در چرخه تولید قرار ندارند. متأسفانه بخشی از این معادن تا چندی پیش در مدار تولید قرار داشتند، اما به دلایلی از این چرخه خارج شده‌اند. عارضه‌یابی درمورد تعطیلی این معادن را از چند سال قبل آغاز کردیم. در این عارضه‌یابی مشخص شد یکی از دلایل مهم برای توقف فعالیت این معادن، نبود نقدینگی است. فراموش نکنیم ۹۸،۳ درصد معادن ما را معدن کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند و این تعطیلی در بین این معادن صورت گرفته است. دلیل دیگر برای توقف این فعالیت‌ها این است که علی‌رغم آنکه همه مسئولان بخشنامه صادر کرده‌اند و در قانون نیز به‌صراحت ذکر شده، اما پروانه بهره‌برداری به‌عنوان وثیقه از سوی بانک‌ها پذیرفته نمی‌شود. این موضوع باعث شده تا این معادن نتوانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند؛ هرچند بهره این تسهیلات هم بالا است. در نتیجه استفاده از صندوق بیمه فعالیت‌های معدنی در دستور کار قرار گرفته است که سرمایه صندوق نیز محدود است. هرچند مدیران ایمیدرو چه امروز و چه در سنوات گذشته تلاش کرده‌اند تا

تولیدکننده به‌جای اینکه سرمایه خود را صرف تولید کند، مجبور به خرید ملک می‌شود، آن هم ملکی که سریع به پول برسد تا به‌واسطه آن بتواند از تسهیلات بانکی استفاده کند. با این‌گونه اقدامات تولید را متوقف یا توسعه آن را کند می‌کنیم. چراکه همه دارایی تولیدکننده و معدن کار، ذخیره معدنی، تجهیزات و ماشین‌آلات بوده و غیر از منزل مسکونی خود، ملک دیگری ندارد که وثیقه قرار دهد و متأسفانه از گرفتن تسهیلات بی‌بهره می‌ماند.

این سرمایه افزایش پیدا کند، اما در قانون تعریف شده و این ترک فعل‌ها باعث می‌شود امروز صندوق نتواند تسهیلات خوبی را به فعالان معدنی بدهد. نکته مهم آن است که ۵ درصد از حقوق دولتی دریافتی باید به صندوق بیمه فعالیت‌های معدنی واریز شود و صندوق ۵ برابر این رقم را از بانک‌ها تسهیلات دریافت کند که متأسفانه در سنوات گذشته این اتفاق رخ نداده است.

ماشین‌آلات معدنی و تجهیزات یکی دیگر از دلایل تعطیلی معادن است. امروز در معادن با بحث تعطیلی پنهان هم مواجه هستیم، به این معنا که معادن با ظرفیت کامل فعالیت ندارند. در دنیا بین ۳ تا ۵ درصد از ذخایر کشور را استخراج می‌کنند، اما برای ایران این عدد کمتر از نیم درصد است که یکی از دلایل آن ماشین‌آلات فرسوده است. امروز ۴۵۰ میلیون تن ماده معدنی با ماشین‌آلات فرسوده تولید می‌شود که برای حفظ این تولید به ۱۱ هزار دستگاه ماشین‌آلات جدید و برای تولید ۷۰۰ میلیون تن در افق ۱۴۰۴ به ۲۵ هزار دستگاه دیگر نیازمند هستیم و به همین منظور نیاز به سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری در این بخش وجود دارد، اما علی‌رغم بخشنامه‌های جدید همچنان این مشکل پابرجاست. ممنوعیت واردات ماشین‌آلات بویژه ماشین‌آلات دست‌دوم باعث شده ماشینی که در خارج از کشور ۲۰۰ هزار دلار است را باید در ایران چندین برابر قیمت خریداری کرد. گفته می‌شود این موضوع در راستای حمایت از تولید داخل است، اما در محاسباتی که انجام داده‌ایم مشخص شد، کل تولید داخلی کشور در این بخش به ۵۰ میلیون دلار نمی‌رسد؛ درحالی‌که برای معدن به ۲ میلیارد دلار انواع ماشین‌آلات نیازمندیم که بهره‌برداری از ذخایر را افزایش و بسیاری از این معادن تعطیل شده را به چرخه تولید بازگرداند. اگر این محدودیت برداشته شود بدون شک قیمت ماشین‌آلات در ایران نیز متعادل می‌شود. ◆◆

## بخش معدن و عقب‌افتادگی از دنیا



### ♦ دکتر کیوان جعفری طهرانی

کارشناس ارشد بازرگانی بین‌المللی معدن و صنایع معدنی

آن‌ها همزمان ورود تکنولوژی جدید و ماشین‌آلات پیشرفته هم وارد می‌شوند که خود این موضوع، یکی از مسائل مهمی است که بارها کارشناسان از جمله خود بنده به آن پرداخته‌ایم؛ چون ماشین‌آلاتی که در این صنعت وجود دارد عمر متوسط بالای ۲۰ سال دارند و این موضوع خودبه‌خود باعث می‌شود که راندمان و بازدهی لازم را نداشته باشند.

بنابراین بخش معدن در کشور ما اول با مشکل کمبود نقدینگی، دوم با مشکل عدم دسترسی به تکنولوژی‌های روز دنیا و سوم عدم دسترسی به ماشین‌آلات روز دنیا روبه‌رو است که این موارد باعث

در مورد موضوع عقب‌افتادگی بخش معدن از دنیا واقعیتی وجود دارد که نباید آن را فراموش کرد؛ در تمامی موضوعات تجاری و اقتصادی یک پروژه در صورتی موفق است و پیشرفت می‌کند که از نظر جریان نقدینگی (Cash Flow) با مشکلی روبه‌رو نباشد. لذا در وهله اول مشکل اساسی عقب‌افتادگی در این صنعت به کمبود نقدینگی برمی‌گردد. کشور ما در طول حداقل ۱۵ سال گذشته به‌جز در دوره کوتاهی در سال ۲۰۱۷ همیشه درگیر تحریم بوده، حتی در همان بازه زمانی کوتاه در سال ۲۰۱۷ نیز موضوع گشایش اعتبار اسنادی به‌طور کامل مطرح نبوده و محدودیت‌هایی برای گشایش LC برای برخی از بانک‌ها و کشورها وجود داشته است. از طرفی بخش معدن و فعالیت‌های معدنکاری جزو فعالیت‌های اقتصادی دیربازده محسوب می‌شوند و بزرگان این صنعت در صورتی در کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند که سرمایه‌شان مورد تضمین قرار گرفته و ریسکی نداشته باشند. لذا موضوع تحریم باعث می‌شود که هیچ سرمایه‌گذار خارجی نتواند و نه بخواهد در ایران سرمایه‌گذاری کند.

در وهله دوم مشکل اساسی عقب‌افتادگی در این صنعت، به عدم دسترسی به تکنولوژی‌های روز دنیا برمی‌گردد. انتقال تکنولوژی توسط شرکت‌های سرمایه‌گذار بزرگ در این زمینه اتفاق می‌افتد و با ورود آن‌ها به کشور تا حد زیادی به‌روزرسانی در این صنعت انجام می‌شود. طبیعتاً با حضور شرکت‌های خارجی و سرمایه‌گذاری

تکرار این موضوعات که ما چقدر ذخایر داریم و رتبه چندم دنیا هستیم، به نظر بنده هیچ کمکی نمی‌کند. معمولاً ارزیابی توسعه صنعتی هر کشوری در حوزه معدن بر اساس ذخایر کشف و برداشت‌شده انجام می‌شود نه بر اساس ذخایر دست‌نخورده‌ای که زیرزمین است. چون در این صورت می‌بایست از کشور افغانستان به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر بکر معدنی در آسیا و حتی در دنیا که مقام اول را دارد، نام برد. در حالی که این کشور تاکنون نتوانسته است در رابطه با توسعه بخش معدن حرکت طولانی و ماندگاری انجام دهد. بدیهی است چون این کشور در طول ۴۰ سال گذشته بارها و بارها تحت شرایط جنگ بوده، این عدم اطمینان و ریسک بالا باعث شده که سرمایه‌گذاران علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در این منطقه و در این زمینه پیدا نکنند و اگر هم سرمایه‌گذاری انجام شده، در برهه زمانی کوتاهی آغاز شده و پایان یافته است.

شده که صنعت معدن کشور ما با وجود ذخایر بالایی که دارد، از دنیا عقب بماند. هر چند بحث واردات ماشین‌آلات به‌روز و پیشرفته نیز با وجود مشکل سوخت سولفور بالا در کشور خود مقوله دیگری است که باعث می‌شود به فکر واردات ماشین‌آلات دست دوم با یک نسل تکنولوژی عقب‌تر بیفتیم تا قابلیت کارکرد با سوخت تولید داخل را داشته باشند. از طرفی تکرار این موضوعات که ما چقدر ذخایر داریم و رتبه چندم دنیا هستیم، به نظر بنده هیچ کمکی نمی‌کند. معمولاً ارزیابی توسعه صنعتی هر کشوری در حوزه معدن بر اساس ذخایر کشف و برداشت‌شده انجام می‌شود نه بر اساس ذخایر دست‌نخورده‌ای که زیرزمین است. چون در این صورت می‌بایست از کشور افغانستان به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر بکر معدنی در آسیا و حتی در دنیا که مقام اول را دارد، نام برد. در حالی که این کشور تاکنون نتوانسته است در

دسترسی نداریم و با دسترسی ما محدود است را مرتفع کنیم، در ادامه به چند نکته مهم دیگر نیز اشاره می‌گردد:

♦ موضوع جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری بویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بسیار دشوار است. در حال حاضر رتبه ریسک‌پذیری ایران در زمینه معدن و سایر زمینه‌ها CCC است که رتبه پایینی است. این رتبه‌بندی توسط مؤسسات بین‌المللی در بازه‌های زمانی سالانه، ماهانه یا چند ماه یکبار انجام می‌شود که بر طبق آن، کشورها را بر اساس ضریب ریسک با در نظر گرفتن کلیه عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، بانکی، اجتماعی و غیره رتبه‌بندی می‌کنند؛ بنابراین در شرایطی که رتبه کشور ما این است، نباید انتظار داشت که جذب سرمایه‌گذاری خارجی به راحتی اتفاق بیفتد و شرکت‌های بین‌المللی علاقه‌مند به حضور در ایران باشند. مگر اینکه شرکت‌ها یا کشورهایی باشند که

از دنیا عقب هستیم، طبیعتاً نه من می‌توانم در این زمینه داوری کرده و عدد دقیقی بگویم و نه کار ساده‌ای است که توسط سایر کارشناسان به آن پرداخته شود، اما اگر بخواهیم مقایسه‌ای با کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان که موضوع جایگزینی معدن را به جای نفت زودتر از ما شروع کرده‌اند، انجام دهیم، مشخص می‌شود که ما حداقل ۲۰ سال از عربستان سعودی عقب‌تر هستیم. در حال حاضر بخش معدن و صنایع معدنی عربستان سعودی ۱۰ درصد و چه‌بسا بیشتر از تولید ناخالص داخلی این کشور را شامل می‌شود که توجه به ظرفیت بزرگ عربستان در تولید نفت نشان می‌دهد که این عدد ۱۰ درصد هم عدد خیلی بزرگی است.

در ادامه با تأکید بر اینکه راهکار خروج از این شرایط و عقب‌افتادگی این است که مواردی که در بالا اشاره شد و ما به آن

رابطه با توسعه بخش معدن حرکت طولانی و ماندگاری انجام دهد. بدیهی است چون این کشور در طول ۴۰ سال گذشته بارها و بارها تحت شرایط جنگ بوده، این عدم اطمینان و ریسک بالا باعث شده که سرمایه‌گذاران علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در این منطقه و در این زمینه پیدا نکنند و اگر هم سرمایه‌گذاری انجام شده، در برهه زمانی کوتاهی آغاز شده و پایان یافته است. ذخایر بسیار بالای کشور افغانستان که به گواه اعداد و ارقام بالغ بر یک تریلیون دلار در فاز اول است و اگر ذخایر لیتیوم و خاک‌های نادر را اضافه کنیم، حتماً چندین برابر بزرگ‌تر خواهد شد، همچنان بکر و دست‌نخورده باقی‌مانده است. در رابطه با ایران نیز، نه به شدت کشور افغانستان ولی به علت وجود مسائلی که در بالا اشاره شد، این موضوع تا حدی صدق می‌کند.

اما اینکه بخواهیم بگوییم ما چند سال



● معدن سنگ آهن - پرزیل ●



حتی در شرایط تحریم هم با ایران رابطه اقتصادی دارند؛ از جمله کشورهای مثل هند، چین و در برخی موارد کشورهای حاشیه خلیج فارس. در غیر این صورت نمی‌توان انتظار داشت که شرکت‌های اروپایی و غربی علاقه‌ای جهت حضور در ایران داشته باشند.

♦ در شرایط فعلی باید راه‌حلی برای توسعه بخش معدن ترسیم شود که وجود تحریم‌ها چه به صورت دائم و چه به صورت موقت بر آن تأثیر نداشته باشد. چون به فرض اگر تحریم‌ها تمام شوند هیچ تضمینی وجود ندارد که دوباره برنگردند؛ تجربه سابق نشان داده با عوض شدن دولت آمریکا، تحریم‌ها نیز شروع شدند؛ بنابراین باید خودمان را با شرایط متغیری که رخ خواهد داد منطبق کنیم و تمامی نیازهایمان را در یک سبد قرار ندهیم و به فکر انتخاب‌های بعدی نیز باشیم تا ضربات سنگین دفعه قبل که در برخی از موارد غیرقابل جبران بودند را متحمل نشویم.

♦ یکی از راه‌حل‌های جبران عقب‌ماندگی‌ها توجه به بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و توجه به شرکت‌های بزرگ دولتی بویژه شرکت‌های بورسی است. فراموش نکنیم که مردم هم در شرکت‌های بورسی دخیلند و اگر این سرمایه‌گذاری‌ها سوددهی مناسبی داشته باشند مردم نیز در این منفعت شریک می‌شوند.

• دولت و حاکمیت باید در شرایط فعلی با امکانات موجود تمرکز خود را بر حمایت از فعالیت‌های معدنکاری معطوف نماید. طبیعتاً ارزآوری که بخش معدن و صنایع معدنی از محل صادرات دارد به صنعت برمی‌گردد؛ توجه به صادرات و توسعه صادرات در شرایط فعلی که کشور بیش از هر زمان دیگری به ارز نیاز دارد، ضروری است. لذا دولت باید تمهیدات لازم را حتی‌الامکان برای حفظ حضور در بازارهای جهانی برای صادرات معدن و صنایع معدنی انجام دهد و از دست زدن به حرکاتی که

باعث توقف و کاهش صادرات و حتی خود تحریمی (مشابه عوارض صادراتی) می‌شود، بپرهیزد. تمامی دست‌اندرکاران در این زمینه به فکر توسعه و رسیدن به مرحله پایین‌دستی زنجیره (تولید محصولات با ارزش‌افزوده بالا) هستند، رسیدن به این مرحله نیاز به زمان و البته سرمایه دارد که می‌تواند از محل صادرات تأمین شود. در نتیجه رونق صادرات موجب شکوفایی اقتصادی، رشد معادن و پروژه‌های وابسته، رشد و توسعه محل‌هایی که معادن آنجا وجود دارند، کاهش درصد بیکاری و غیره می‌شود.

♦ همچنین در موضوع صادرات هم محدودیت‌های تحریم وجود دارد، اما هستند تجاری که در این زمینه فعالند و طی سالیان گذشته شرکای تجاری را در کشورهای مختلف پیدا کرده‌اند و علاقه‌مندند حتی در این شرایط از کشور ما خرید کنند. البته باید به این نکته مهم توجه کنیم که در شرایط تحریم، موضوع سرمایه‌گذاری در ایران بسیار سخت‌گیرانه‌تر از موضوع صادرات و تجارت خارجی است. در مقوله صادرات درست است که ما به علت تحریم دسترسی به اعتبار اسنادی نداریم و حتی مجبوریم

**دولت و حاکمیت باید در شرایط فعلی با امکانات موجود تمرکز خود را بر حمایت از فعالیت‌های معدنکاری معطوف نماید. طبیعتاً ارزآوری که بخش معدن و صنایع معدنی از محل صادرات دارد به صنعت برمی‌گردد؛ توجه به صادرات و توسعه صادرات در شرایط فعلی که کشور بیش از هر زمان دیگری به ارز نیاز دارد، ضروری است. لذا دولت باید تمهیدات لازم را حتی‌الامکان برای حفظ حضور در بازارهای جهانی برای صادرات معدن و صنایع معدنی انجام دهد و از دست زدن به حرکاتی که باعث توقف و کاهش صادرات و حتی خود تحریمی (مشابه عوارض صادراتی) می‌شود، بپرهیزد.**

اسنادمان را به صورتی صادر کنیم که امکان معامله حتی خارج از سیستم بانکی در کشور هدف را داشته باشد، ولی این موضوع خیلی ساده‌تر و قابل‌اجراتر از جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، بویژه وقتی که یک محموله صادراتی صادر و ترخیص می‌شود و مورد مصرف قرار می‌گیرد کمتر مورد ممیزی مجدد واقع می‌شود. نمی‌توان به‌طور قاطع گفت که همه کالاهایی که از ایران به کشورهای هدف صادر می‌شود مورد بررسی مجدد قرار می‌گیرند یا مشمول تحریم واقع می‌شوند؛ برای مثال بعد از سال ۲۰۱۷ که تحریم‌ها مجدد برگشت در رابطه با صادرات فولاد به اروپا که توسط چند شرکت ایرانی انجام شد، اتحادیه اروپا بعضی از این محموله‌های صادراتی را ممیزی کرد و متوجه شد این کالاها که اسماً به کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر شده‌اند، مقصد اصلی‌شان کشورهای دیگر بوده است و با تغییر اسناد حتی به کشورهای اروپایی رسیده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این موارد بسیار خاص هستند که یک یا دو بار اتفاق افتاده و مطمئن هستیم که در این زمینه یک شاکی خصوصی وجود داشته که اتحادیه اروپا به این قضیه ورود کرده و گرنه حجم صادرات در بخش معدن و صنایع معدنی آن‌قدر متنوع است که نمی‌توان تمامی محموله‌های صادراتی را مورد به مورد بررسی و پیگیری کرد. شاید تمامی کشتی‌هایی که در دنیا محموله‌ای را بارگیری و حمل می‌کنند، بر اساس انجمن جهانی دریانوردی از طریق سیستم ناوبری که کشتی‌ها دارند به راحتی قابل رصد و ردیابی باشند، ولی اینکه تمامی محموله‌های صادراتی ایران به‌طور جامع و کامل ممیزی شوند، طبیعتاً از نظر زمانی میسر نیست و حتی ارزش محموله‌های صادراتی (ارزش معنوی از نظر نوع کالا) این قدر با اهمیت نیست که بخواهند مورد به مورد آن را بررسی کنند. ♦♦

# پیشران‌های صنعتی در استان کرمان



## ♦ دکتر جعفر رودری

رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان

جذب فناوری‌های نوین،  
 ♦ توسعه، تکمیل و تجهیز زنجیره تولید (صنایع پایین‌دستی و وابسته به صنایع بزرگ)،  
 ♦ توسعه، تجهیز و تکمیل زیرساخت‌ها، فضاها و تسهیلات مرتبط با صنایع،  
 ♦ توسعه گسترش خدمات پشتیبان صنعتی و معدنی،  
 ♦ افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس و تجمیع،  
 ♦ افزایش مزیت رقابتی استان در بخش صنعت،  
 ♦ توسعه صنایع دانش‌بنیان،  
 ♦ صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی.  
 فارغ از تحلیل و ارزیابی سرفصل‌های عمده ذکر شده در سند همایش استان از منظر پیشران‌های مؤثر صنعتی و معدنی آنچه به‌عنوان یک عامل محرک اساسی و زیربنایی دارای وجه اشتراک

واژه پیشران در متون آینده‌پژوهشی استراتژیک، به نیروهای عمده شکل‌دهنده آینده اشاره دارد؛ به عبارت دیگر پیشران‌ها نیروهای محرکی هستند که باعث حرکت و تغییر در متغیرها و پارامترهای مختلف شده و زمینه خروج از شرایط موجود برای رسیدن به شرایط مطلوب‌تر را فراهم می‌نمایند؛ یعنی زمینه تحول و جابه‌جایی از سطح متعادل اولیه را به سطوح تعادلی بالاتر و مترقی‌تر فراهم می‌سازند.  
 در سند آمایش استان کرمان، پیشران‌های صنعتی استان را چنین برشمرده‌اند:  
 ♦ افزایش بهره‌وری در بخش صنعت، معدن و

و مؤثر در تمامی ابعاد فوق‌الذکر است، «قدرت رقابت‌پذیری» صنایع استان است.

به نظر می‌رسد برای تحقق‌پذیری این واژه، اتفاقات گسترده‌ای در ساختار صنعتی استان ضرورت پیدا می‌کند که از نظر اینجانب شاید به‌عنوان بهترین ضرورت در حوزه پیشران‌های صنعتی استان محسوب شود. برای تبیین جایگاه و اهمیت ارتقاء رقابت‌پذیری صنایع استان، اگر به لیست اقلام صادراتی استان مراجعه شود، ابعاد زیادی از ساختار سنتی و عقبمانده استان روشن می‌شود. در این ارتباط لازم به ذکر است که به‌طور کلی ساختار بازرگانی خارجی یک کشور و یا استان اطلاعات زیادی در حوزه درجه پیشرفت صنعتی، قدرت رقابت‌پذیری، سطح دانش و توسعه‌یافتگی و نهایتاً درجه بلوغ و تکامل صنعتی ارائه می‌دهد؛ به‌طوری که در ادبیات توسعه اقتصادی یکی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی را همین شاخص ترکیب و ساختار بازرگانی و بالاخص صادراتی آن کشور در نظر می‌گیرند. کشورهای پیشرفته عمدتاً واردکننده مواد اولیه، محصولات خام و طبیعی هستند و





در مقابل صادرکننده محصولات صنعتی و باارزش افزوده بالا می‌باشند، این پدیده در کشورهای غیر توسعه‌یافته برعکس می‌شود و عمده صادرات آن‌ها را محصولات خام، کشاورزی، مواد اولیه و غیر مصنوع (صنعتی پیشرفته) تشکیل می‌دهد. این موضوع مختص استان کرمان نبوده و چنان‌که بیان گردید در کل ساختار صنعتی استان‌ها مصداق پیدا می‌کند.

با توضیح فوق اگر لیست اقلام صادراتی استان کرمان بررسی شود، مشخص می‌گردد که تقریباً نزدیک به ۹۹ درصد اقلام صادراتی استان سنتی و متکی به محصولات طبیعی و خدادادی است که خود حکایت از ساختار صنعتی غیرمدرن و یا غیررقابتی در سطح جهانی دارد. این در حالی است که صنایع ما از مزیت‌های جدی نسبت به رقبای خارجی خود در حوزه انرژی و نیروی انسانی برخوردارند و علی‌رغم این مزیت‌ها، محصولات تولیدی آن‌ها هم از بُعد کیفی و هم از بُعد قیمت قابل‌رقابت نبوده و حرفی برای گفتن ندارند. بر این اساس به نظر می‌رسد از دو منظر به شکل جدی نیاز به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک است:

۱) از منظر مقیاس تولید؛ بررسی شماری از واحدهای تولیدی استان حکایت از آن دارد که قریب به اتفاق واحدهای صنعتی استان در رده واحدهای تولیدی خرد و کوچک مقیاس هستند که اساساً شکل و ماهیت سنتی دارند و با توجه به حضور تعدادی از صنایع بزرگ در استان، خلأ صنایع متوسط (SME ها) همواره مورد بحث قرار گرفته و در اسناد توسعه‌ای استان نیز تکمیل حلقه مفقوده میانی صنایع، مورد تأکید واقع گردیده است.

۲) از منظر سطح دانش فنی (تکنولوژی)؛ عمده دانش فنی مورد استفاده در صنایع استان با سطح روز فناوری دنیا فاصله دارد و در این فاصله در سال‌های اخیر به دنبال تحریم‌ها علیه کشور شدیدتر شده است. متأسفانه فضای بسته اقتصادی کشور و استان و تحریم‌های بین‌المللی موجب گردیده است که نه تنها امکان به روزرسانی سطح دانش فنی صنایع استان به شکل سیستماتیک و منطقی وجود نداشته باشد، بلکه به دلیل فقدان فضای رقابت در درون کشور

در بسیاری موارد احساس نیاز واقعی به ارتقاء سطح دانش فنی و افزایش بهره‌وری نیز وجود نداشته باشد که در این ارتباط می‌توان به صنایع خودروسازی به‌عنوان نمونه اشاره نمود.

این در حالی است که توزیع سوبسیدهای غیرمنطقی و غیرهدفمند در حوزه‌های مختلف و از جمله انرژی موجب گردیده که قیمت تمام شده اغلب کالاهای تولیدی و صنعتی استان و کشور واقعی نبوده و در مواردی که احساس «مزیت رقابتی» نیز وجود دارد بعضاً این مزیت یک مزیت کاذب رقابتی محسوب شود که با رفع سوبسیدهای دولت و باز شدن بازارهای داخلی به روی کالاهای خارجی این مزیت کاذب، رنگ خواهد باخت و آن‌وقت است که چهره واقعی مزیت‌ها خود را نشان خواهد داد.

متأسفانه سوبسیدهای غیرمنطقی به این شکل موجب انحراف قیمت‌های نسبی نیز گردیده و چه‌بسا اصل تخصیص منابع را نیز مخدوش می‌نماید. وقتی قیمت‌ها واقعی نیستند، اصل سرمایه‌گذاری‌ها به لحاظ منطق قیمت‌های نسبی زیر سؤال است. این شرایط بسیار پیچیده است، تداوم آن موجب تعمیق مسئله و عمیق شدن دامنه پیامدهای آن می‌شود. از سوی دیگر نیز رفع دفعی آن، چه در حوزه هدفمندی سوبسیدها و چه در حوزه ارتباط آزاد با اقتصادهای خارجی، بسیار مخاطره‌آمیز است؛ بنابراین دوراهی بسیار پیچیده‌ای برای انتخاب است، بالاخص زمانی که فضای اجتماعی و سیاسی ملاحظات

**اگر لیست اقلام صادراتی استان کرمان بررسی شود، مشخص می‌گردد که تقریباً نزدیک به ۹۹ درصد اقلام صادراتی استان سنتی و متکی به محصولات طبیعی و خدادادی هستند که خود حکایت از ساختار صنعتی غیرمدرن و یا غیررقابتی در سطح جهانی دارد. این در حالی است که صنایع ما از مزیت‌های جدی نسبت به رقبای خارجی خود در حوزه انرژی و نیروی انسانی برخوردارند و علی‌رغم این مزیت‌ها، محصولات تولیدی آن‌ها هم از بُعد کیفی و هم از بُعد قیمت قابل‌رقابت نبوده و حرفی برای گفتن ندارند.**

جدی را الزام می‌نماید.

در این نوشتار هدف بر پرداختن به موضوع سوبسیدها و بازسازی مرزها نیست بلکه به‌عنوان مسئله محاط بر موضوع رقابت‌پذیری نیازمند توجه و سیاست‌گذاری کلان است.

در اقتصاد صنعتی استان عمده ارزش افزوده مربوط به تعداد محدود و انگشت‌شمار صنایع استان است و بیشتر از ۹۵ درصد واحدهای تولیدی استان به لحاظ تعداد، سهم بسیار ناچیزی در ارزش افزوده دارا می‌باشند. متأسفانه بررسی کارشناسی حکایت از آن دارد که حتی در سطح بنگاه‌های بزرگ اقتصادی استان نیز شکاف تکنولوژی زیادی با سطح فناوری موجود در صنایع مشابه دنیا و حتی کشورهایی که روزی به‌پای اقتصاد کشور ما نمی‌رسیدند، وجود دارد.

در حالی که امروز بحث انقلاب صنعتی چهارم مطرح است و صنایع عمدتاً وارد نسل ۴ تکنولوژی شده‌اند، بعضاً تعداد زیادی از صنایع ما هنوز در نسل دوم قرار دارند و نسبت شکاف تکنولوژی از حوزه یک نسل هم فراتر می‌رود؛ در شرایطی که رشد تکنولوژیکی امروزه با سرعت باورنکردنی در حال تحول است؛ بنابراین دور ماندن صنایع استان و کشور از این قطار، روز به روز مسئله‌ای حادث‌تر می‌شود.

گفته می‌شود با وقوع انقلاب صنعتی چهارم، بسیاری از روش‌های تولید متحول می‌گردد، کسب‌وکارهای جدید شکل می‌گیرند و کسب‌وکارهای قبلی محدودتر می‌شوند و فضای کسب‌وکار به‌طور جدی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

در چنین شرایطی چگونه می‌توانیم هم صنعتی رقابتی با قدرت حضور در بازارهای جهانی داشته باشیم و هم این‌که فاصله‌ای بیش از یک نسل با تکنولوژی‌های روز دنیا داشته باشیم؟ چگونه؟ شاید اکنون روشن‌تر شده باشد که چرا سبب صادراتی ما محدود به کالاهای خام، مواد اولیه و مواد طبیعی است که مزیت آن‌ها، مزیت طبیعی و خدادادی است و مزیت‌های مصنوع و برنامه‌ریزی شده دست صنعتگران عملاً برای حضور در میدان رقابت حرفی برای گفتن ندارند. با توجه به آنچه بیان گردید، هرگونه اقدامی در این ارتباط چه در زمینه سیاست‌گذاری فضای کسب‌وکار و چه در حوزه‌های فنی و تکنولوژیک،

به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین پیش‌شرایح صنعتی تلقی می‌شود.

یکی از راهکارهای مهم و بنیادین برای پاسخگویی به معضل و کاهش شکاف تکنولوژیکی، استفاده از ظرفیت قانون جهش تولید دانش‌بنیان به‌عنوان قانونی با ظرفیت فوق‌العاده و مترقی است. به نظر می‌رسد این قانون فرصتی را که برای صنایع و واحدهای تولیدی استان فراهم نموده است، واقعاً فرصت بی‌نظیر و چیزی در قد و اندازه سیاست‌گذاری و یا خدمات پشتیبان مربوط در کشورهای توسعه‌یافته باشد. اهمیت دانش و فناوری در دنیای امروز بر کسی پوشیده نیست. در این زمینه موضوع نوآوری و نقش واحدهای R&D، شرکت‌های دانش‌بنیان، واحدهای فناوری و ارتباط واقعی و مؤثر بین صنعت و دانشگاه بسیار حائز اهمیت است. اهمیت نوآوری در مبانی نظری و دانشگاهی نیز در پیشرفت صنعتی مورد تأکید است که از آن جمله می‌توان به نظریات «شومپیتر» به‌عنوان یکی از اقتصاددانان بزرگ اشاره نمود. در دیدگاه شومپیتر، نوآوری تکنولوژیکی به دو مقوله تولید و فناوری نوآورانه توجه بیشتری دارد. در مباحث ابتدایی شومپیتر بر نقش کارآفرینی عمدتاً در هدایت فعالیت‌های سودمحور در بخش خصوصی اقتصاد تأکید شده، اما در آثار جدید شومپیتر «فرایندهای کارآفرینانه» به‌مثابه منبع اصلی رشد اقتصادی معرفی می‌شوند.

زیربنای اصلی الگوی رشد شومپیتر براساس سه محور زیر قرار گرفته است:

- ۱) رشد در درجه اول تحت تأثیر نوآوری‌های فناورانه است (Technological innovation)،
  - ۲) نوآوری توسط کارآفرینانی انجام می‌شود که به دنبال کسب سود اقتصادی هستند،
  - ۳) فناوری‌های جدید فناوری‌های قدیمی را از بین می‌برند (انهدام خلاق Creative Destruction).
- نظریه رشد شومپیتری برخاسته از نظریه سازمان صنعتی مدرن است.

برای پیاده‌سازی مدل فوق در استان کرمان و تجاری‌سازی ایده‌های نوآورانه و تبدیل آن‌ها به فناوری‌های کاربردی، در گذشته یکی از مهم‌ترین موانع پیش رو، ریسک بالا و در نتیجه عدم اطمینان از به نتیجه رسیدن این طرح‌ها بوده است. قانون جهش تولید و اصلاحات جدید

آن با تبیین مقررات لازم، ریسک این موضوع را کاهش داده و با لحاظ نمودن هزینه‌های مذکور به‌عنوان هزینه‌های مالیاتی، درجه ریسک سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر را کاهش داده است. پایه و اساس سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر با شکل‌گیری ایده‌های فناورانه و نوآوری‌ها بنا شده است. یکی از راه‌های مهم و مؤثر برای حمایت از این نوع سرمایه‌گذاری‌ها و کمک به استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان تازه تأسیس، استفاده از سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک بنگاه‌های بزرگ اقتصادی است. در سرمایه‌گذاری استراتژیک از سوی شرکت‌های بزرگ تولیدی استان، توسعه کسب‌وکارهای نوین و انجام سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای دانش‌بنیان که می‌تواند ارزش افزوده بالایی را برای شرکت‌ها فراهم نماید و تکمیل زنجیره تولید، چه در حوزه صنایع پایین‌دست و چه در حوزه تولید ماشین‌آلات، تجهیزات، قطعات، مواد اولیه و دیگر نیازهای فناورانه این شرکت‌ها نیز از جمله زمینه‌های سرمایه‌گذاری استراتژیک محسوب می‌شوند.

به‌طور کلی شرکت‌ها انجام سرمایه‌گذاری را با دو هدف اساسی زیر دنبال می‌نمایند:

الف) سرمایه‌گذاری صرفاً با اهداف مالی،

ب) سرمایه‌گذاری با اهداف استراتژیک.

بررسی نوع سرمایه‌گذاری‌ها توسط شرکت‌های بزرگ در اروپا حکایت از آن دارد که ۵۴ درصد سرمایه‌گذاری‌های انجام شده با نگاه به

در اقتصاد صنعتی استان عمده ارزش افزوده مربوط به تعداد محدود و انگشت‌شمار صنایع استان است و بیشتر از ۹۵ درصد واحدهای تولیدی استان به لحاظ تعداد، سهم بسیار ناچیزی در ارزش افزوده دارا می‌باشند. متأسفانه بررسی کارشناسی حکایت از آن دارد که حتی در سطح بنگاه‌های بزرگ اقتصادی استان نیز شکاف تکنولوژی زیادی با سطح فناوری موجود در صنایع مشابه دنیا و حتی کشورهایی که روزی به پای اقتصاد کشور ما نمی‌رسیدند، وجود دارد.

سرمایه‌گذاری با اهداف استراتژیک و در نظر داشتن اهداف مالی نیز به‌تبع آن انجام شده است. این رقم در سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ آمریکایی به حدود ۵۰ درصد می‌رسد که حکایت از این دارد که این شرکت‌ها برای بقا و باقی‌ماندن در بازارهای رقابت، همواره سرمایه‌گذاری با نگاه استراتژیک را مد نظر دارند. در کشور ما به دلایل مختلف متأسفانه سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک بویژه در واحدهای تولیدی و بزرگ استان که تغییرات مدیریتی آن‌ها معمولاً باعث محدود شدن نگاه‌های بلندمدت می‌شود، کمتر دیده می‌شود و رویکرد سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً با رویکرد الف (سرمایه‌گذاری صرفاً با اهداف مالی) دنبال می‌شود.

یکی از بسترهای نهادی برای انجام سرمایه‌گذاری استراتژیک و بلندمدت با نگاه و اولویت‌های چندبعدی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه شرکتی (CVCها) می‌باشند؛ به عبارت دیگر CVCها مدل سرمایه‌گذاری استراتژیک از سوی شرکت‌های بزرگ هستند که با تحت پوشش قرار دادن استارت‌آپ‌ها، ایده‌های دانش‌بنیان و فناورانه و پرورش آن‌ها، آن‌ها را تبدیل به کسب‌وکارهای تکامل‌یافته و پیشرفته می‌نمایند که ضمن تکمیل فرایندهای فناورانه در استان، رشد و تکامل فناورانه شرکت‌های موجود را با انجام سرمایه‌گذاری‌های فناورانه و استراتژیک فراهم نمایند و از طرفی رشد و توسعه صنعتی را در کلیت آن دنبال می‌کنند.

CVCها در استان رقیب شرکت‌های مختلف و بزرگ صنعتی و معدنی استان و هلدینگ‌های چند فعالیتی محسوب نمی‌شوند، بلکه با مدیریت و ساماندهی درست می‌توانند تقویت‌کننده خود شرکت‌ها و فضای کلی رشد صنعتی استان باشند. از آنجایی که CVCها صندوق‌های خطرپذیر شرکتی هستند، بنابراین دامنه فعالیت و سرمایه‌گذاری آن‌ها برخلاف VCها محدود به حوزه‌های فعالیتی و اهداف شرکتی بوده و بنابراین می‌توانند با برنامه‌ریزی درست و ایجاد هم‌افزایی در صنایع مختلف و تکمیل زنجیره‌های تولید، زمینه رشد صنعتی و اقتصادی استان را فراهم نمایند. ♦♦



گفت‌وگو با «سیدسعید زمان زاده» نایب‌رئیس انجمن ملی صنایع پلیمر ایران و عضو هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت آوند پلاست کرمان

## نوآوری در فضای رقابتی شکل می‌گیرد

تحریم‌ها دسترسی به دانش فنی و تکنولوژی روز دنیا را مشکل کرده است. توسعه، بیشتر در صنایع با تکنولوژی متوسط انجام شده است که رانت قیمت ارزان خوراک و انرژی عامل بقای آن‌ها در بازارهای منطقه‌ای است.

تحقیق و توسعه در صنایع مغفول مانده و رابطه صنعت و دانشگاه نیز خوب تبیین نشده است؛ لذا بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی در راستای نیاز صنعت نیست و بلااستفاده مانده است. به‌روزرسانی و به‌هنگام‌سازی صنایع فرآیندی است که در بستر یک اقتصاد رقابتی شکل می‌گیرد و برای به‌هنگام‌سازی صنایع، بایستی از تمام ظرفیت‌ها استفاده شود.

شرح کامل گفت‌وگو با سیدسعید زمان‌زاده نایب‌رئیس انجمن ملی صنایع پلیمر ایران و عضو هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت آوند پلاست کرمان در ادامه قابل مطالعه است.





نگرش نادرست بسیاری از مدیران بخش خصوصی و دولتی به آن هزینه‌ای بوده و کمتر موردتوجه قرار گرفته است. در صنایع بزرگ دولتی چرخش مدیریت، فرصت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت را نداده و مدیران، بیشتر توجه به عملکردهای زودبازده داشته‌اند تا در نتیجه در دوران مدیریت کوتاه خودشان تحقق یابد. بخش خصوصی هم درک و آگاهی لازم را از اهمیت تحقیق و توسعه نداشته، لذا سرمایه‌گذاری در این زمینه به فراخور اهمیت و نیاز صورت نگرفته است، البته در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان واقعی، باور و اعتقاد مدیران آن‌ها تحولاتی را به وجود آورده که باید گسترش و ادامه یابد. بهره‌وری از پروژه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها کم‌وبیش وجود دارد. رابطه صنعت و دانشگاه خوب تبیین نشده و این امر موجب گردیده بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی در راستای نیاز صنعت نباشد و بلااستفاده بماند.

◆ عوامل ساختاری، رفتاری و عملکردی بازار چه تأثیری بر تمرکز صنایع و بر نوآوری و به‌روزرسانی صنایع کشور دارد؟ ابتدا تعریفی از نوآوری داشته باشیم تا در ادامه اثرات مثبت و منفی ساختار و رفتار بازار را بررسی کنیم. ماهیت نوآوری ایجاد

یارانه مواد اولیه، سرمایه‌گذاری و توسعه این حوزه را جذاب کرده؛ لذا ملاک درستی برای محک توسعه‌یافتگی در این حوزه‌ها نیست.

#### ◆ بومی‌سازی تجهیزات و قطعات وارداتی را چگونه می‌توان ترویج و تقویت کرد؟

بومی‌سازی تجهیزات و قطعات وارداتی مسیری درست و عقلانی است. تجربه برخی کشورها در این امر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به‌طور مثال کشور همسایه ترکیه در این حوزه توفیق خوبی داشته است. این فرآیند نیاز به یک برنامه‌ریزی جامع و اصولی دارد که لازمه آن ورود تکنولوژی روز است. برخی از صنایع نظامی و استراتژیک به‌درستی از این فرصت استفاده کرده‌اند و با کپی‌برداری توانسته‌اند به پیشرفت‌های ارزشمندی دست یابند. لذا گسترش این دیدگاه به سایر صنایع لازم و حیاتی است.

#### ◆ حضور واحدهای تحقیق و توسعه در صنایع کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید و تأثیرپذیری بهره‌وری از تحقیقات دانشگاهی و نیز تحقیقات درون بنگاهی را چطور توضیح می‌دهید؟

تحقیق و توسعه در صنایع بسیار مغفول مانده؛ از آنجایی‌که سرمایه‌گذاری در این حوزه زمان‌بر و تأثیرات آن آنی نیست

تحقیق و توسعه در صنایع بسیار مغفول مانده؛ از آنجایی‌که سرمایه‌گذاری در این حوزه زمان‌بر و تأثیرات آن آنی نیست نگرش نادرست بسیاری از مدیران بخش خصوصی و دولتی به آن هزینه‌ای بوده و کمتر موردتوجه قرار گرفته است. در صنایع بزرگ دولتی چرخش مدیریت، فرصت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت را نداده و مدیران، بیشتر توجه به عملکردهای زودبازده داشته‌اند تا در نتیجه در دوران مدیریت کوتاه خودشان تحقق یابد.

#### ◆ ارزیابی شما از زیرساخت توسعه فناوری و پیشرفت صنعتی کشور چیست؟

پرواضح است که اگر بخواهیم ارزیابی درستی از پیشرفت زیرساخت فناوری و مسیر پیشرفت کشور داشته باشیم، بایستی این مقایسه با میزان پیشرفت رقبای منطقه‌ای و دیگر رقبای که با آن‌ها در نقطه‌ای هم‌سطح و هم‌تراز بوده‌ایم، انجام شود؛ اینجاست که از پیشرفت موجود نباید رضایت داشته باشیم، اما در بیشتر ارزیابی‌ها این قیاس، درون ساختاری و با کم‌کاری‌ها و بی‌برنامگی‌های سال‌های گذشته صورت می‌گیرد که موجب توهم و رضایت در توسعه و پیشرفت می‌شود. البته در حوزه‌هایی، پیشرفت‌های چشمگیری صورت گرفته؛ آنجا که بخش‌های خصوصی فعال و دانش‌بنیان در مسیرهای درستی قرار گرفته‌اند، اما این اندازه نمی‌تواند موجب توسعه‌یافتگی و پیشرفت مستمر و پایدار گردد.

#### ◆ صنایع کشور چقدر با فناوری روز هماهنگ هستند؛ در کدام صنایع شرایط بهتر است و در کجا بیشتر محدودیت وجود دارد تا به سطح استاندارد جهانی برسند؟

یکی از شاخص‌های مهم برای تطبیق فناوری در صنایع با سطح استانداردهای جهانی، کیفیت محصول نهایی است که مصرف‌کننده یا مشتریان میانی دریافت می‌کنند. تفاوت بسیار واضحی در صنایع مختلف وجود دارد. در صنایع تک، پیشرفت و توسعه کمتر اتفاق افتاده، نیاز و وابستگی به دانش فنی و تکنولوژی روز دنیا چالش جدی این بخش بوده که تحریم‌های بین‌المللی دستیابی به آن را دشوار و حتی مختل نموده است و توسعه بیشتر در صنایع با تکنولوژی متوسط اتفاق افتاده، صنایع پتروشیمی مصداق آن است؛ مزیت‌های این بخش عمدتاً به دلیل قیمت ارزان مواد اولیه، رانت خوراک و انرژی است که عامل بقای این‌گونه صنایع در بازارهای منطقه‌ای است. نمونه دیگر صنایع غذایی است که

سیاست‌ها، تصمیمات خلق‌الساعه، موازی و غیرعقلایی، موانع ساختاری موجود، مانع بزرگی برای بهره‌مندی از تمامی ظرفیت‌های توسعه و صنعتی کشور است.

### ◆ چه عوامل و شرایطی موجب ایجاد یک بستر نهادی برای تقویت فعالیت‌های تحقیق و توسعه در بخش صنعت را فراهم می‌کند؟

اندیشه مدیران، ثبات، رقابت‌پذیری، آموزش و تعامل، بسترهای نهادی برای تقویت فعالیت‌های تحقیق و توسعه در هر سازمانی هستند.

### ◆ راهبردهای پیشنهادی برای به‌روزرسانی و به‌هنگام‌سازی صنایع چیست و برای تحقق آن‌ها از چه ظرفیت‌هایی باید استفاده شود؟

این سؤال بسیار مهمی است که همواره مطرح بوده و برنامه‌ریزی‌های زیادی برای آن تدوین شده است. به نظر بنده بایستی از تمام ظرفیت‌ها برای به‌روزرسانی و به‌هنگام‌سازی صنایع استفاده کرد.

اهداف افزایش سهم صنعت در توسعه اقتصادی کشور در برنامه‌های پنجم و ششم محقق نشده و متأسفانه در لایحه برنامه هفتم توسعه، سهم صنعت دیده نشده است. توجه به طرح‌های کلان و ابر پروژه‌های تکمیل زنجیره ارزش بیشتر به خام‌فروشی منجر خواهد شد.

در پایان، در شرایطی که برای جبران کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها، باید تمام ظرفیت کشور بسیج و به کار گرفته شود، اما متأسفانه شاهد سیاست زدگی و انسداد تعامل و گفتار هستیم. امروز تنش‌های وارده به پارلمان بخش خصوصی، بخشی از تمرکز این بخش را درگیر پاسخگویی و تنش‌زدایی کرده است. طرح ایجاد وزارت بازرگانی نمونه دیگری است که اقتصاد دولتی و دستوری را تقویت و فاصله از اقتصاد آزاد را بیشتر می‌کند. این واپس‌گرایی‌ها اولویت ملی را به حاشیه می‌رانند. ◆◆

به‌روزرسانی و به‌هنگام‌سازی صنایع، فرآیندی است که در بستر یک اقتصاد رقابتی شکل می‌گیرد؛ این فرآیند تئوری و دستوری نیست. ایجاد تعامل با اقتصاد دنیا، رفع محدودیت‌ها و موانع تجارت خارجی، حضور مؤثر و دائمی در بازارهای جهانی بر اساس مزیت‌ها و توانمندی‌ها، افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط، تولید کالای باارزش رقابتی، توجه ویژه به تمامی زنجیره ارزش خصوصاً انتهای زنجیره که ارزش افزوده ایجاد می‌نماید، از جمله اقداماتی هستند که می‌تواند شرایط استفاده بهتر از ظرفیت‌های به کار گرفته نشده را فراهم نمایند.

افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط، تولید کالای باارزش رقابتی، توجه ویژه به تمامی زنجیره ارزش خصوصاً انتهای زنجیره که ارزش افزوده ایجاد می‌نماید، از جمله اقداماتی هستند که می‌تواند شرایط استفاده بهتر از ظرفیت‌های به کار گرفته نشده را فراهم نمایند.

به هر روی نقش دولت و ساختار تصمیم‌ساز بسیار مهم است؛ بی‌ثباتی و بلا تکلیفی در

تغییر در محصولات یا خدمات و یا روش خلق و عرضه آن‌ها با هدف پاسخگویی به بازارهای جدید و نیازهای متغیر مشتریان است. نوآوری پیوندی تنگاتنگ با مفاهیمی مانند خلاقیت، فناوری، اختراع و اقتصاد دانش‌بنیان دارد.

وقتی بازار رفتار منطقی خود را دارد، نیازهای جدید به فراخور تغییر و گسترش تکنولوژی نمایان می‌شود و چرخه شناسایی نیازها و نوآوری همواره در حال حرکت است، اما بازاری که بر اساس انحصار شکل گرفته باشد، پاسخی برای نیازهای آتی مشتریان ندارد. در بازاری با رفتار پرنوسان و بی‌ثبات، نوآوری و خلاقیت کمرنگ می‌شود و تلاش‌ها فقط معطوف به وضعیت موجود خواهد بود. در صورتی که نوآوری در فضای رقابتی فارغ از رانت و تبعیض شکل می‌گیرد و مفهوم دارد.

به‌روزرسانی و به‌هنگام‌سازی صنایع، فرآیندی است که در بستر یک اقتصاد رقابتی شکل می‌گیرد؛ این فرآیند تئوری و دستوری نیست. ایجاد تعامل با اقتصاد دنیا، رفع محدودیت‌ها و موانع تجارت خارجی، حضور مؤثر و دائمی در بازارهای جهانی بر اساس مزیت‌ها و توانمندی‌ها،



# چالش‌های پیش روی صنعت نساجی

♦ مریم انجم‌شعاع

مدیر فروش کارخانجات فاستونی آسیا



کشور عبارتند از:

۱- ماشین‌آلات فرسوده؛ ۹۰ درصد ماشین‌آلات صنعت نساجی به‌روز نمی‌باشد که تداوم این موضوع بسیاری از فعالان صنعت پوشاک و نساجی کشور را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. مهم‌ترین مسئله کنونی صنعت نساجی نوسازی خطوط تولید است تا بتواند کالاهای تولیدی را به لحاظ کمی و کیفی قابل‌رقابت با کالاهای خارجی کند. در حوزه نوسازی ماشین‌آلات صنعت نساجی استانداردهایی در سطح جهانی تعریف شده است که متأسفانه ۹۹ درصد واحدهای مرتبط با حوزه نساجی در ایران از این قاعده تبعیت نمی‌کنند. در اروپا و بسیاری از کشورهایی که در صنعت نساجی پیشرو هستند هر ۵ تا ۸

صنعت نساجی بالاترین درصد اشتغال‌زایی کشور را در اختیار دارد و زنجیره گسترده‌ای از مشاغل مختلف را کنار یکدیگر تشکیل می‌دهد و ارزش‌افزوده بالایی برای سطوح مختلف جامعه از جمله تولیدکنندگان دارد، به طوری که همه کشورها از آن به‌عنوان صنعت مادر یاد می‌کنند.

صنعت نساجی شامل انواع پوشاک، چرم، فرش، کفپوش، کالای خواب، چمن مصنوعی، روکش اتومبیل، ملزومات پزشکی و غیره است.

چالش‌های مهم پیش‌روی صنعت نساجی

سال ماشین‌آلات نوسازی می‌شود، اما در برخی از کارخانجات داخلی ما، ماشین‌آلات عمر ۳۵ ساله دارد.

تعویض ماشین‌آلات فرسوده با نو، نیازمند بسته‌های حمایتی خاص از سوی دولت است. در حال حاضر برای نوسازی خطوط تولید، ماشین‌آلات با کارکرد ۱۰ تا ۱۵ سال را از کشورهای همسایه مانند ترکیه وارد کشور می‌کنند. راه‌حل معضل بازسازی و نوسازی کارخانجات، تداوم معافیت حقوق ورودی ماشین‌آلات واحدهای تولیدی و پرداخت تسهیلات ریالی یا ارزی با دوره تنفس حداقل شش‌ماهه و دوره بازپرداخت حداقل سه‌ساله برای واردات ماشین‌آلات و تجهیزات تولید، نوسازی تجهیزات موجود و کاهش نرخ تسهیلات بانکی برای خرید ماشین‌آلات جدید، نوسازی ماشین‌آلات موجود و حمایت مستقیم از تولیدکنندگان داخلی ماشین‌آلات و قطعات برای تأمین نیاز داخلی است.

۲- بحران کمبود مواد اولیه در صنعت نساجی؛ مواد اولیه برای صنعت نساجی مثل مواد



مقابله با واردات بی‌رویه منسوجات و پوشاک و تشدید مبارزه با قاچاق منسوجات و بویژه پوشاک در مبادی ورودی، گمرکات و مناطق آزاد و در شبکه فروش فیزیکی و آنلاین و برخورد با برندهای پوشاک خارجی بدون مجوز و تسهیل واردات منسوجات و پوشاکی که کمبود آن در کشور وجود دارد، مقابله با تجارت غیررسمی و قاچاق است.

۴- افزایش نرخ حامل‌های انرژی و سوخت؛ افزایش هزینه‌های سوخت و انرژی از مشکلات عمده این صنعت است. قطعی گاز و برق در زمستان و تابستان باعث ضرر و زیان شدید به واحدهای تولیدی می‌گردد.

۵- کمبود نیروی انسانی؛ کمبود نیروی انسانی توانمند و متخصص و حرفه‌ای از دغدغه‌های اصلی واحدهای تولیدی صنعت نساجی است. فارغ‌التحصیلان مورد نیاز صنعت نساجی توانمندی لازم برای جذب کار را نداشته و مجبورند برای فهم مطالب اولیه کار، مدت زیادی را صرف نمایند که در نهایت باعث سرخوردگی و کاهش سطح درآمدی آن‌ها می‌شود و اثر نامطلوبی را بر روی نسل‌های آینده و نیز دانشجویان دیگر می‌گذارد؛ بنابراین آموزش صحیح، دقیق و تربیت نیروی کار بر اساس استانداردهای روز دنیا از نیازهای صنعت نساجی است. اگر میزان درآمد مهندسان نساجی در کارخانجات را با سایر زمینه‌ها مانند صنعت نفت، خودرو و ساختمان و غیره مقایسه کنیم، خواهیم دید که علی‌رغم وجود زحمت زیاد و مشقت‌های فراوان و همچنین اهمیت این صنعت، مهندسان و تحصیل‌کردگان این صنعت عموماً از سطح درآمدی مطلوبی برخوردار نمی‌باشند. مدیران کارخانجات و صاحبان صنایع فراموش نکنند که افزایش بهره‌وری و کیفیت وابسته به حضور متخصصان و پرسنل کارآمدی است که دغدغه معیشتی نداشته باشند.

۶- عدم بهره‌وری و دانش سازمانی در واحدهای تولیدی؛ در این شرایط فقط با بهره‌وری در سازمان می‌توانیم افزایش حقوق و دستمزد و بیمه‌های تأمین اجتماعی و مالیات‌ها و غیره را تحمل کنیم، بنابراین



چپیس و گرانول از طریق ایجاد ظرفیت‌های تولیدی جدید و تخصیص خط اعتباری ویژه برای واردات مواد اولیه واحدها از محل منابع حاصل از حذف ارز ترجیحی لازم است.

۳- قاچاق و واردات در صنعت نساجی؛ یکی از اقدامات دولت برای حمایت از صنایع نساجی، ممنوعیت ورود تولیدات نساجی به کشور و ضرورت تشدید مبارزه با قاچاق پوشاک است. با وجود این فعالان این حوزه با اشاره به غیرشفاف بودن و ابهام در آمار واردات این محصولات می‌گویند که نمی‌توان آمار درستی از ورود این گروه از کالاها به کشور ارائه کرد؛ زیرا وقتی به آمار گمرک مراجعه می‌شود، رقم ثبت شده برای کالاهای نساجی وارداتی به ایران با میزان صادرات کشورهای مبدأ صادرات به ایران اختلاف آماری فاحشی دارد. این اختلاف ارقام نشان‌دهنده آن است که اجناسی به صورت غیرقانونی و قاچاق وارد کشور می‌شود. آخرین برآوردها تنها در بخش پوشاک نشان می‌دهد که ۷۰۰ میلیون دلار کالای قاچاق به بازار ایران وارد شده است. اجناس قاچاق به راحتی و با قیمت‌های غیرواقعی، اما با سود چند برابری برای فروشندگان وارد کشور می‌شود. ۴۰ تا ۵۰ درصد پوشاک موجود در بازار را کالاهای قاچاقی تشکیل می‌دهد که به صورت مسافری وارد می‌شود.

غذایی و مایحتاج روزانه مردم است. صنعت نساجی به‌عنوان حلقه بالادستی صنعت پوشاک، مواد اولیه این صنعت را تأمین کرده و از این‌رو نقش جدی در توسعه و بهبود حوزه پوشاک در تولید و بازار دارد. فعالان صنعت پوشاک نسبت به کمبود مواد اولیه گلایه داشته و صنعت نساجی امروزه با چالش‌های جدی در بحث مواد اولیه روبه‌رو می‌باشد که این موضوع باعث افزایش قیمت تمام‌شده می‌باشد.

میزان برداشت پنبه در ایران سالانه در حدود ۵۰ الی ۶۰ تن است، اما نیاز فعلی صنعت با توجه به ماشین‌آلات نصب شده در کارخانجات بالغ بر ۲۰۰ هزار تن پنبه در سال است. همچنین جهت تولید انواع پارچه‌های فاستونی نیاز به وارد کردن پشم مرغوب (مرینوس) می‌باشد. حمایت از پنبه‌کاران داخلی از طریق پرداخت یارانه بذر، کود، سم و غیره و ارتقای راندمان مزارع پنبه از طریق ماشین‌آلات برداشت و توسعه مکانیزاسیون و فراهم کردن امکان واردات پنبه با تعرفه صفر از دورترین نقاط دنیا به میزانی که در کشور کمبود وجود دارد، حذف رقابت در بورس برای عرضه مواد پتروشیمی واحدهای نساجی بر مبنای نیازهای اعلام شده از سوی تولیدکنندگان نساجی و افزایش تولید مواد پتروشیمی مورد نیاز صنایع نساجی شامل:

جلوگیری از اخذ مالیات چندباره از واحدهای تولیدی در تعدیل این چالش تا حدودی کارساز است.

۱۰- کمبود سرمایه‌گذاری؛ با توجه به وضعیت فعلی صنعت نساجی میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران بسیار کم است. با اعطای معافیت‌ها و مشوق‌های مختلف به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در حوزه قوانین و مقررات، مالیات‌ها، تسهیلات بانکی، بیمه، مجوزهای کسب‌وکار، استخدام نیروی انسانی و ... جهت سرمایه‌گذاری در کارخانجات جدید یا کارخانجات موجود می‌توان سرمایه‌گذاری در این صنعت را افزایش داد.

۱۱- ضعف مدیریت کلان در صنعت نساجی؛ ایجاد یک سازمان مستقل دولتی با مدیریت تخصصی و یکپارچه که منحصراً به مسائل و مشکلات صنایع نساجی و پوشاک رسیدگی نماید، یا تقویت بدنه دفتر صنایع نساجی و پوشاک وزارت صمت متناسب با نیاز فعلی صنایع نساجی کشور مورد پیشنهاد است.

۱۲- کاهش قدرت خرید جامعه و بازار مصرف.

### جایگاه استان کرمان در صنعت نساجی

استان کرمان با داشتن سابقه طولانی در صنعت نساجی شامل: پارچه‌بافی، شال‌بافی، قالی، گلیم‌بافی در حال حاضر نسبت به شهرهایی مانند اصفهان، یزد، کاشان و غیره پیشرفت قابل‌توجهی نداشته است و به عبارتی از قافله صنعت نساجی بسیار عقب‌مانده است، درحالی‌که این صنعت بسیار اشتغال‌زا با بهره‌وری بالایی می‌باشد. متأسفانه کارخانه‌های نساجی انگشت‌شمار موجود در استان کرمان با عدم همکاری مسئولان مواجه بوده و با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند.

شرکت نساجی بافته‌های کرمان که در سال ۱۳۸۷ تعطیل گردید از جمله کارخانه‌هایی بوده که اشتغال‌زایی خوبی در استان داشته و با بهترین کیفیت، نخی تولید می‌کرده که پتانسیل صادراتی و مصرف داخلی قابل‌توجهی داشته است. شرکت پشم‌بافی آسیا پس از چند دوره رکود، توسط بنیاد

ماورای بنفش، مقاومت در مقابل آب‌وتانش می‌باشد. تولیدات محصولات متشکل از نانو الیاف برای دسته وسیعی از کاربردها بویژه در حوزه‌های پزشکی، دارویی و بهداشتی (مهندسی بافت، ماسک‌ها، فیلترهای پزشکی و پوشش‌های زخم) صنایع رنگ و البسه می‌شود.

شناسایی و همکاری با دانشگاه‌های صنعتی و مراکز علمی پیشرو و اعمال مشوق‌ها و حمایت از شرکت‌های فعال در حوزه صنعت نساجی مدرن برای حضور در نمایشگاه‌ها و رویدادهای ملی و بین‌المللی، گسترش هدفمند همکاری‌های علمی و فناورانه نخبگان فعال کشور در حوزه صنعت نساجی با مراکز علمی و تحقیقاتی معتبر دنیا، حمایت از مشارکت بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان در تولید و تجاری‌سازی منسوجات مدرن، سیاست‌گذاری و تدوین و اصلاح قوانین و مقررات در راستای تسهیل صادرات و حمایت بیشتر از تولیدکنندگان صنایع نساجی است.

۸- تعطیلی واحدهای تولیدی به دلیل بدهی با نکی

۹- افزایش حداقل دستمزدها؛ تعدیل افزایش حداقل دستمزد از طریق کاهش سهم حق بیمه کارفرمایان و تعدیل جرائم کارفرمایان در ارتباط با سازمان تأمین اجتماعی، تخصیص ردیف اعتباری به واحدهایی که تعدیل نیرو نداشته یا نیروی جدید استخدام نمودند، بخشودگی جرائم مالیاتی بخش خصوصی و

در حوزه نوسازی ماشین‌آلات صنعت نساجی استانداردهایی در سطح جهانی تعریف شده است که متأسفانه ۹۹ درصد واحدهای مرتبط با حوزه نساجی در ایران بسیاری از کشورهای اروپا و آسیا پیشرو هستند هر ۵ تا ۸ سال ماشین‌آلات نوسازی می‌شود، اما در برخی از کارخانجات داخلی ما، ماشین‌آلات عمر ۳۵ ساله دارد.

باید بعضی از پست‌ها در کارخانجات حذف شود و یا در شرح وظایف دیگر نیروهای کار قرار گیرد. راهکار نجات صنعت نساجی این است که باید دانش سازمانی را در تمام حوزه‌ها از منابع انسانی گرفته تا مسائل مالی بالا ببریم. باید از نیروهای حرفه‌ای و توانمند استفاده کنیم و نقاط مثبت و منفی استراتژی تعریف شده سازمان را شناسایی کرده و در رفع مشکلات سازمانی کوشا باشیم. امروز باید در کنار برندسازی، ارزش و کیفیت ایجاد کنیم و از عرضه کالاهای بی‌کیفیت و یک‌بارمصرف دوری کنیم. البته که رقابت در شرایط مشابه ممکن می‌شود. متأسفانه هنوز مسئله تابلوهای برندهای خارجی در ایران حل نشده است.

چرا باید فلان برند که تولیداتش در ایران انجام می‌شود، عرضه آن با نام برند خارجی باشد تا مزایای رقابتی بهتری نسبت به برندهای ایرانی داشته باشد و مشتریان را فریب دهد؟

۷- استفاده از فن‌آوری‌های جدید در روند تولید؛ در روزگار فعلی و قطعاً آینده پیش روی، صنعت نساجی با فن‌آوری ارتباط تنگاتنگی خواهد داشت، در پوشش روزمره مردم نیز شاهد پیوند این دو خواهیم بود. می‌توان به یقین گفت که آینده صنعت نساجی بر پایه تکنولوژی خواهد بود و هر جزئی از این صنعت مانند صنعت پوشاک از طراحی و پیش‌بینی ترندها گرفته تا تولید و عرضه محصولات، تحت تأثیر فن‌آوری قرار خواهد داشت. حکمرانی ربات‌ها و دیجیتال سازی در صنعت نساجی باعث کاهش هزینه‌ها خواهد گردید.

بنابراین روند کلی صنعت نساجی دنیا در حال حرکت به سمت تولید محصولات با تکنولوژی پیشرفته بوده که پارامترهای طراحی آن‌ها منحصر به زیبایی ظاهری نبوده و هدف از تولید آن‌ها به دست آوردن محصولاتی با عملکرد ویژه است که عموماً تحت عنوان الیاف و منسوجات پیشرفته شناخته می‌شود. فن‌آوری نانو شامل تکمیل‌های ضد باکتری، خود تمیز شوئنگی، محافظت در برابر نور

تعاون ناجا خریداری گردیده و در حال حاضر فعال است.

سایر کارخانجات نساجی کرمان شامل: کارخانه‌های تولید نخ پنبه‌ای مانند شرکت سریر بافت، ماهوت بهپوش، احمدیه، شرکت آسای چمن (تولیدکننده انواع چمن مصنوعی و موکت)، شرکت موکت ترمه، شرکت رضویه (رنگرزی نخ اکریلیک جهت فرش)، شرکت‌های تولیدکننده فرش ماشینی مانند الماس کویر و آزدی، شرکت رنگدانه سیرجان، شرکت استریچ بافت (تولید روکش انواع بندلی) و شرکت جمیل کرک بافت می‌باشند.

مشکلات عمده کارخانجات نساجی استان کرمان شامل موارد زیر است:

- ۱- بُعد مسافت از تهران و سایر شهرها مانند اصفهان، یزد و کاشان که مراکز نساجی هستند، باعث شده است که تأمین قطعات، مواد اولیه و سایر اقلام موردنیاز و همچنین دستیابی به متخصصین موردنیاز با هزینه بالا و به‌سختی انجام گیرد و بهای تمام شده کالاهای تولیدی بالاتر از سایر شهرها باشد،
- ۲- به دلیل عدم وجود رشته نساجی در دانشگاه‌های استان کرمان، جذب مهندسان نساجی باید از سایر شهرها صورت گیرد که با هزینه زیاد انجام می‌شود،
- ۳- به دلیل وجود کارخانجات مس، فولاد، لاستیک و صنایع وابسته که میزان حقوق و مزایای پرسنل آن‌ها در مقایسه با حقوق کارشناسان و مهندسان با سابقه کار بالا در

**آخرین برآوردها تنها در بخش پوشاک نشان می‌دهد که ۷۰۰ میلیون دلار کالای قاچاق به بازار ایران وارد شده است. اجناس قاچاق به‌راحتی و با قیمت‌های غیرواقعی، اما با سود چند برابری برای فروشندگان وارد کشور می‌شود. ۴۰ تا ۵۰ درصد پوشاک موجود در بازار را کالاهای قاچاقی تشکیل می‌دهد که به‌صورت مسافری وارد می‌شود.**

کارخانه‌های نساجی، بسیار زیادتر می‌باشد، این موضوع باعث دلسردی آنان شده و بسیاری از نیروهای فنی، برق و سایر متخصصین پس از آموزش و کسب سابقه کار در سایر صنایع با حقوق و مزایای بالا جذب می‌شوند،

۴- عدم وجود صنف و سندیکای نساجی و گردهمایی صنایع نساجی استان جهت بررسی مشکلات این صنعت در استان کرمان،

۵- عدم توجه مسئولان استان به این صنعت و عدم تأمین بودجه لازم جهت نو سازی دستگاه‌های کارخانه‌های استان بدون در نظر گرفتن این موضوع که این صنعت بسیار اشتغال‌زا بوده و سودآوری بالایی دارد،

۶- عدم سفارش کالاهای موردنیاز ارگان‌ها و نهادهای استان از قبیل پارچه، نخ و فرش و غیره به صنایع نساجی کرمان،

۷- کرک و موی نژاد بز منطقه بافت کرمان از نظر ظرفیت و طول الیاف و انعطاف‌پذیری

و رنگرزی بهترین کرک در تمام دنیا می‌باشد، اما این کرک در شرکت جمیل کرک بافت تنها شستشو و موکشی شده و صادر می‌گردد و سود حاصل از تولید نخ و پارچه‌های کرکی نصیب کشورهای اروپایی می‌گردد. در صورتی‌که برای تولید نخ و پارچه‌های کرکی می‌توان با احداث کارخانه در آن منطقه محروم اشتغال‌زایی کرده و لباس‌های تولیدی را به سایر کشورها صادر کرد. لازم به ذکر است که پارچه‌های کرک تولیدشده برای تولید انواع پالتو، دستکش، شال گردن، کت و لباس‌های گرم و بسیار ظریف زمستانی کاربرد دارد.

۸- عدم توجه به صنعت فرش دستبافت کرمان که زبان زد خاص و عام است، باعث کاهش تولید و نابودی تدریجی این صنعت شده است؛ در صورتی‌که این هنر و صنعت دستی تاریخی می‌توانست برای عده زیادی از جمله قشر آسیب‌پذیر اشتغال‌زایی نماید. در حال حاضر جریان این صنعت به دلیل عدم رونق و ورشکستگی مراکز قالی‌بافی به نسل جدید انتقال نیافته است و نسل جدید در استان تمایلی به یادگیری این هنر ارزشمند ندارد. مکانیزه کردن و توسعه صنعت فرش می‌تواند منجر به توسعه واحدهای ریسندگی جهت تولید نخ فرش گردد.

۹- پشم گوسفند کرمان بهترین پشم ایرانی است و ایجاد مراکز اصلاح نژاد گوسفندان در استان جهت تولید پشم ظریف‌تر که قابلیت رقابت با پشم غیرایرانی را داشته باشد مهم است. در حال حاضر برای خرید پشم خارجی جهت تولید پارچه‌های فاستونی مبلغ زیادی ارز از کشور خارج می‌شود،

۱۰- با وجود شرایط سختی کار و آلاینده‌گی محیط کارخانجات نساجی برای کارگران و مسئولان خط تولید، سختی کار آن‌ها از ابتدای شروع به کار پرداخت نمی‌گردد و هنگام بازنشستگی نیز دچار مشکلات و عدم پرداخت حقوق و مزایای مربوط به سختی کار و مزایای مربوط به سختی کار از سوی کارفرما یا عدم تأیید حقوق و مزایای سختی کار توسط اداره کار و تأمین اجتماعی هستند. ♦♦



# ارزیابی سیاست‌های صنعتی‌سازی در کشور



♦ مصطفی محمدی

مدیر گروه پژوهش‌های صنعت موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

ظاهر می‌شدند و مدافعان در باب اهمیت نقش‌آفرینی دولت در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کردند. در این دوران طیفی از دیدگاه‌ها به صورت نظریات رشد متوازن و رشد غیرمتوازن مورد توجه قرار گرفت و طی آن به این سؤال کلیدی پرداخته می‌شد که آیا برای رسیدن به سطوح بالاتر رشد و توسعه اقتصادی می‌بایست با ایجاد زیرساخت‌های عمرانی، فشاری همه‌جانبه به سمت بالا ایجاد شود؟ یا آنکه اساساً توسعه اقتصادی بدون توسعه صنعتی بی‌معناست؟ در واقع، با طرح گزینه دوم نظریه‌پردازان درصدد بودند تا اهمیت پرداختن به نظریات رشد غیرمتوازن را مورد تأکید قرار دهند. این نظریات که

حضور دولت در فرایند صنعتی شدن همواره محل مناقشه بوده و دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص آن مطرح شده است؛ به طوری که طی ادوار مختلف تاریخی و به تناسب فضای اقتصادی حاکم در هر دوران (همچون مواجهه با شرایط بحران یا رونق اقتصادی) جایگاه متفاوتی برای دولت تصویر شده است. این امر باعث شده تا در رابطه با طراحی الگوی توسعه صنعتی کشورها، راهبردهای مختلفی طراحی شود.

در ابتدا و طی دوران بازسازی‌های جنگ جهانی دوم، دولت‌ها فعالانه در اقتصاد

اولین بار در اواخر دهه پنجاه میلادی مطرح شد، تأکید خود را بر ضرورت تمرکز بر توسعه صنعتی به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی بالاتر قرار داد، اما در مسیر دستیابی به توسعه صنعتی چه رویکردی می‌بایست اتخاذ می‌شد؟ جایگزینی واردات مجموعه‌ای از صنایع هدف، به ویژه صنایع دارای بیشترین تعداد پیوندهای پسین و پیشین (هیرشمن و سایرین) / رفع وابستگی وارداتی در مجموعه کالاهای صنعتی (گوند فرانک) / حمایت از صنعتی سازی صادرات (پربیش و سایرین) یا اساساً اتکا به سازوکارهای بازاری (کروگر) و ظرفیت‌سازی‌های مقتضی در بخش نیروی انسانی و کارآفرینان (لوکاس، رومر، مایسز و غیره)؟ ملاحظات فوق مسائل مهمی مقابل سیاست‌گذاران قرار می‌دهد، چرا که کیفیت اجرای سیاست‌های صنعتی به طور کامل متأثر از نوع رویکرد حاکم بر آن است.

در ایران عملاً تا اوایل دهه ۱۳۸۰ استراتژی مدون و مشخصی در حوزه‌های صنعت، معدن و تجارت وجود نداشت. وزارت صنعت، معدن و





برنامه‌های راهبردی ناظر بر توسعه بخش صنعت، معدن و تجارت ایران (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶)

سال	عنوان برنامه	راهبرد اصلی برنامه
۱۳۸۲	استراتژی توسعه صنعتی	• تبدیل «صنعت درون‌گرای سنتی انحصاری» به «صنعت برون‌گرای خصوصی رقابتی» با تقویت سازوکار بازار و اجتناب از اولویت‌گذاری میان صنایع • پیگیری برنامه‌های «توسعه صادرات» و «هم‌پیوندی با زنجیره تولید جهانی»
۱۳۸۵	راهبرد توسعه صنعتی کشور	• بازمهندسی ساختار صنایع از دولت - بازار به سمت بازار - دولت و اولویت‌گذاری صنایع پیشرفته، ماشین‌آلات و تجهیزات، خودرو و نیرومحرکه، صنایع انرژی بر (شیمیایی و پتروشیمی)، صنایع تبدیلی کشاورزی، تولید مواد معدنی فلزی و غیرفلزی، صنایع تبدیل ذغال کک و پالایشگاه‌های نفت، صنایع مواد غذایی، صنایع نساجی و صنایع چوب، کاغذ و مقوا.
۱۳۹۲	برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت	• اولویت‌گذاری توسعه صادراتی تجهیزات الکترونیکی و الکتریکی، تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، تجهیزات حمل‌ونقل، محصولات شیمیایی، حامل‌های انرژی، خدمات مهندسی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تجهیزات و محتوای آموزشی و سرگرمی، گردشگری و خدمات بیمه‌ای و مالی، خودکفایی وارداتی در تولید فرآورده‌های غذایی (خوراک دام پروتئین‌پایه، خوراک دام انرژی پایه، شکر و سایر قندها)، تجهیزات حمل‌ونقل و فلزات (آلومینا).
۱۳۹۴	برنامه راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت	• اولویت‌گذاری صنایع منتخب به صورت خودرو، فولاد، نساجی و پوشاک، سیمان، تایر و تیوب، لوازم خانگی، کاشی و سرامیک.
۱۳۹۶	برنامه راهبردی توسعه صنایع رقابتی و صادراتی	• اولویت‌بندی رشته فعالیت‌های صنعتی با الهام از الگوی مرکز تجارت جهانی (ITC) جهت شناسایی پتانسیل‌های صادراتی استخراج شده است، صنایع محصولات شیمیایی، فلزات اساسی، غذایی و آشامیدنی، وسایل نقلیه موتوری، ماشین‌آلات طبقه‌بندی نشده، لاستیک و پلاستیک، ماشین‌آلات مولد برق و ابزار پزشکی به‌عنوان صنایع اولویت‌دار انتخاب شدند.
۱۴۰۰	تدوین سند سیاست‌های صنعتی، معدنی و تجارتی وزارت صنعت، معدن و تجارت	• این سند مجموعه کاملی از الزامات، اهداف، ابزارها و نیازمندی‌های سیاستی بخش صنعت، معدن و تجارت کشور را در برمی‌گیرد. گزارش‌های پشتیبان این سند در سه سطح کلان، بین بخشی و بخشی و براساس مدل محتوای تدوین و پردازش شده است، رشته فعالیت‌های اولویت‌دار شامل پتروشیمی، خودرو، پوشاک، تجهیزات برقی و نیروگاهی، فولاد، تجهیزات پزشکی، داروهای پیشرفته و صنایع غذایی.

تجارت به‌عنوان متولی دولتی در بخش صنعت، معدن و تجارت بر اساس اسناد بالادستی موظف به تدوین برنامه توسعه صنعتی برای کشور بوده است. اقدامات صورت گرفته توسط وزارت صنایع و معادن پیشین و وزارت صنعت، معدن و تجارت فعلی، در قالب حداقل شش سند زیر قابل طبقه‌بندی است:

♦ سند اول - استراتژی توسعه صنعتی کشور (۱۳۸۲).

♦ سند دوم - برنامه راهبردی توسعه صنعتی کشور (۱۳۸۵).

♦ سند سوم - برنامه راهبردی بخش صنعت، معدن و تجارت (۱۳۹۲).

♦ سند چهارم - برنامه راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۳۹۴).

♦ سند پنجم - برنامه راهبردی توسعه صنایع رقابتی و صادراتی (۱۳۹۶).

♦ سند ششم - سند سیاست‌های صنعتی، معدنی و تجارتی وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۴۰۰).

**اهم نکات اسناد فوق‌الاشاره به شرح جدول روبه‌رو ارائه شده است.**

بررسی، تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه صنعتی، حاکی از آن است که اگرچه که اجرای این برنامه‌ها نتایج مثبتی هم به همراه داشته است، با این وجود آنچه در نهایت حاصل شد، جایگاه نه‌چندان مناسب اما رو به بهبود ایران به‌لحاظ عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی است. دامنه مشکلات حاصله در حوزه بخش توسعه صنعتی کشور تنها محدود به سهم ناچیز این اقتصاد از شاخص‌های جهانی عملکرد صنعتی نمی‌شود، بلکه در داخل اقتصاد نیز علاوه بر کاهش سهم تولید صنعتی از کل اقتصاد، چالش‌های مهمی به شرح ذیل وجود دارد.

• محرک‌های رشد صنعتی کشور محدود و عمدتاً متکی به تعدادی محدود صنعت منبع محور است،

• محرک‌های رشد اشتغال صنعتی کشور محدود و عمدتاً متکی به تعدادی محدود



۱. صنایع برخوردار از مزیت نسبی منابع طبیعی: مانند کد ۲۴ (صنایع شیمیایی و پتروشیمی)،  
 ۲. صنایع فاقد مزیت نسبی منابع طبیعی و دارای قابلیت‌های دستیابی به مزیت رقابتی؛ مانند کد ۱۵ (صنایع غذایی)،  
 ۳. صنایع فاقد مزیت نسبی منابع طبیعی و متکی به حمایت‌های دولتی؛ مانند کد ۳۴ (وسایل نقلیه موتوری)،  
 ۴. صنایع فاقد مزیت نسبی و در معرض مخاطره افول؛ مانند کد ۱۷ (تولید منسوجات). باید مشخص شود که:

- \* چه ترکیبی از صنایع فوق باید در سبد صنایع مشمول هدف‌گذاری گنجانده شود؟
- \* چه نوع ابزارهای سیاستی، حمایتی و نظارتی در رابطه با هر یک از صنایع هدف اعمال شود؟

#### جمع‌بندی

یکی از مشکلات اساسی بخش صنعت و معدن کشور، فقدان نقشه راه و استراتژی توسعه صنعتی و معدنی برای حرکت هماهنگ این بخش‌ها در چارچوب مشخص برای دستیابی به اهداف موردنظر است. طی سال‌های اخیر اولویت‌ها و راهبردهای متعددی توسط وزارت صمت تهیه و رونمایی شده، اما هیچ‌کدام به تصویب هیئت‌وزیران یا مجلس شورای اسلامی نرسیده است تا علاوه بر داشتن ضمانت اجرا و ابلاغ الزام‌آور در سطح درون دستگاهی، مورد تأیید و وفاق سایر دستگاه‌های مرتبط در کل زنجیره تولید قرار گیرد. فقدان استراتژی توسعه صنعتی کشور موجب اتلاف منابع و توسعه نامتوازن بدون توجه به آمایش سرزمین و مزیت‌های کشور شده و بخشی‌نگری بر رویکرد در نظر گرفتن منافع ملی کشور غلبه کرده است. عدم هدایت هدفمند منابع کشور به دلیل مشخص نبودن بخش‌های اولویت‌داری که باید در آن‌ها خلق مزیت شود، از آثار نبود یک سیاست صنعتی هدفمند، جامع و مورد وفاق سایر دستگاه‌های مرتبط در کل زنجیره تولید در کشور است. ♦♦

توسعه صنعتی به‌شمار می‌رود. ثانیاً بنا به دلیل همان محدودیت‌های بودجه‌ای نمی‌توان به‌طور همزمان تمامی صنایع را مشمول حمایت قرار داد، بلکه باید نسبت به اولویت‌گذاری و ارتقای رقابت‌پذیری صنایعی که می‌توانند به‌عنوان پیشران‌های رشد صنعتی در اقتصاد و روند، اقدام گردد. بر این اساس ضرورت پرداختن جدی به موضوع تدوین و اجرای سیاست‌های صنعتی، معدنی و تجاری مبتنی بر اتخاذ یک رویکرد بلندمدت راهبردی و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رشد و توسعه صنعتی به‌منظور رشد اقتصادی کشور، بیش از پیش ضروری است. همچنین اگر بناست توسعه اقتصادی کشور از مسیر توسعه صنعتی و تجاری عبور کند، در وهله نخست باید مشخص شود که مبنای حرکت چگونه می‌بایست باشد. آیا باید اولویت را به صنایعی داد که از دیرباز به‌واسطه مواجهه با قیمت‌های رقابتی در بازار عوامل، نقطه اتکای صادرات صنعتی کشور بوده‌اند یا آنکه صنایع کم‌اهمیت‌تر (به‌لحاظ سهم از درآمدهای صادراتی) که به‌دلیل عدم حمایت و بی‌توجهی بخش دولتی تاکنون سهم ناچیزی از صادرات صنعتی را به‌خود اختصاص داده‌اند؟ اما ظرفیت‌های توسعه قابل‌توجهی دارند، باید مورد شناسایی و حمایت سرمایه‌گذاری قرار گیرند؟ به‌طور دقیق‌تر، اگر صنایع کشور به چهار گروه زیر طبقه‌بندی شوند:

این حمایت‌ها به‌واسطه عدم برخوردار از ماهیت راهبردی و هدفمند، نه تنها رقابت‌پذیری صادراتی در حوزه تولیدات صنعتی را در کشور تأمین نکرد، بلکه در رابطه با سایر اهداف مبتنی بر توسعه صنعتی همچون رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی نیز با نقایص متعددی همراه بود؛ همچنین اجرای سیاست‌های صنعتی نیز نمی‌تواند در یک قالب غیریکپارچه و غیرراهبردی صورت پذیرد.

صنعت با ظرفیت پایین صادراتی است، محرک‌های رشد صادرات صنعتی کشور محدود و عمدتاً متکی به تعدادی محدود صنعت منبع‌محور با اشتغال‌زایی پایین است. چالش‌های برشمرده نیز باوجود حمایت‌های گسترده دولت از صنایع به وجود آمده است. مطالعات اخیر در خصوص مشکلات عدم حصول توفیق حمایت‌های دولتی، واقعیت‌های قابل مشاهده از شرایط تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران را به‌طور خلاصه بیان نموده است:

- ۱- ارزیابی‌های نامطلوب داخلی و خارجی از محیط کسب‌وکار و رقابت‌پذیری در ایران،
- ۲- بی‌ثباتی و غیرقابل پیش‌بینی بودن مقررات ناظر به تولید و ضعف حاکمیت قانون،
- ۳- وجود گسترده حمایت‌های رانتی محل (گاهی باعث فعالیت بنگاه در منطقه غیربهبه تولیدشده)،
- ۴- رویه‌های اجرایی اخلاک‌گر در تولد، اداره و رشد بنگاه‌ها (بیمه، جرائم بانکی، مالیات و غیره)،
- ۵- فقدان توان رقابت از نظر کیفیت و قیمت در بازارهای جهانی،
- ۶- انحصار و محدودیت در ورود رقبای جدید به کسب‌وکار (مجوزهای کسب‌وکار)،
- ۷- وابستگی و عقب‌ماندگی فناورانه نسبت به رقبای جهانی.

سایر چالش‌هایی همچون عدم توجه به تکمیل زنجیره ارزش و رقابت‌پذیری پایین صنایع کشور نیز مزید بر علت بوده است. در واقع، این حمایت‌ها به‌واسطه عدم برخوردار از ماهیت راهبردی و هدفمند، نه تنها رقابت‌پذیری صادراتی در حوزه تولیدات صنعتی را در کشور تأمین نکرد، بلکه در رابطه با سایر اهداف مبتنی بر توسعه صنعتی همچون رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی نیز با نقایص متعددی همراه بود؛ همچنین اجرای سیاست‌های صنعتی نیز نمی‌تواند در یک قالب غیریکپارچه و غیرراهبردی صورت پذیرد. چرا که اولاً محدودیت‌های بودجه‌ای دولت مانعی در برابر اجرای غیرراهبردی برنامه‌های

# بهره‌وری کشاورزی؛ از حرف تا عمل



## ♦ دکتر حسین مهربانی بشرآبادی

عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر  
کرمان

می‌تواند اولین حلقه از این فرآیند را با مشکل زیادی مواجه سازد و یا منجر به تولید و ارسال سیگنال‌های اشتباه گردد. دوم این‌که مؤسسات تحقیقاتی دولتی با بودجه و امکانات کم و عموماً عرضه محور، عمدتاً از دریافت صحیح این سیگنال‌ها عاجز هستند. سوم این‌که ظرفیت بخش صنعت (به مفهوم عام آن) کفاف ظرفیت استفاده از خروجی تغییرات فنی و تکنولوژیک مرحله قبل، برای مقاصد تجاری‌سازی آن را ندارد و یا ریسک‌پذیری کافی در این زمینه وجود ندارد. چهارم این‌که تکنولوژی‌های ارائه شده در مرحله قبل به دلیل خرده‌پا، معیشتی و ریسک‌گریز بودن کشاورزان، عوامل خارج از کنترل کشاورز و غیره به‌راحتی موردپذیرش قرار نمی‌گیرد و پنجم حسب چهار مورد فوق، این فرآیند بسیار طولانی خواهد شد؛ درحالی‌که کمیابی نسبی عوامل تولید و در نتیجه تغییر در قیمت‌های نسبی، یک امر پویا و دائماً در حال تغییر است، لذا ممکن است تغییرات فنی و تکنولوژیک، روش‌ها و ... مرده به دنیا بیایند. از این‌رو نیاز است تمام حلقه‌های این مسیر به‌صورت زنجیره

افزایش بهره‌وری و استفاده بیشتر از منابع پایه، دو راه اصلی برای رشد بخش کشاورزی و نیل به امنیت غذایی پایدار، به حساب می‌آیند. بر مبنای تئوری توسعه انگیزه‌ای «هیکس» و به تبع آن مدل توسعه انگیزه‌ای تکنولوژیک و نهادی ارائه شده برای بخش کشاورزی توسط «هیامی و روتن»، کمیابی نسبی عوامل تولید، منجر به تغییر در قیمت نسبی آن‌ها شده و این موضوع از طریق سیگنال‌های بازار به بنگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی منتقل می‌گردد. بنگاه‌ها، محققین و مؤسسات تحقیقاتی جهت تسهیل جایگزینی عوامل تولید نسبتاً فراوان‌تر (نسبتاً ارزان‌تر شده) به جای عوامل تولید نسبتاً کمیاب‌تر (نسبتاً گران‌تر شده) به پژوهش و آزمون و خطا پرداخته و درصد ایجاد تغییرات فنی و تکنولوژیک و یافتن روش‌های متفاوت برای این جایگزینی هستند. بعد از این‌که تغییرات فنی و تکنولوژیک (مثل اصلاح بذر، نهال و دام، ژنتیک، هوشمند سازی، روش‌های آبیاری و غیره) در سطح آزمایشگاهی و یا محدود، به وجود آمد؛ بخش صنعت اقدام به انبوه‌سازی و تجاری‌سازی آن می‌نماید به نحوی که کاربرد آن برای بنگاه‌ها دارای توجیه اقتصادی باشد. در مرحله بعد بنگاه‌ها (بویژه بنگاه‌های پیشرو) اقدام به پذیرش آن تکنولوژی کرده و درصد افزایش سودآوری و بهره‌وری (نسبت ارزش خروجی به ارزش ورودی) خود برمی‌آیند. اندکی توجه به این فرآیند مشخص می‌سازد: اول این‌که مکانیزم بازار، دارای نقش مهمی در تولید و ارسال قیمت‌های نسبی است و مداخله غیرمنطقی و بیش از حد در بازار،

کامل موردتوجه قرار گیرند و برای رفع معایب مختلف آن در بعد زمان، توجه نمود. اگر به کمی از مطالب و پیشنهادهای ارائه شده در مورد بهره‌وری در مجامع دانشگاهی و مقالات علمی، قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، عمل می‌شد، امروزه سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور نزدیک به صفر نبود. اندکی بررسی نشان می‌دهد که مطالعات بسیار زیادی در حوزه بهره‌وری و زمینه‌های مرتبط با آن همانند کارایی، کارآمدی، اثربخشی، راندمان، عملکرد، دستاورد و غیره انجام شده و ادبیات تئوریک و مطالعات تجربی نسبتاً قوی در این زمینه وجود دارد. بر اساس جستجوی به عمل آمده در منابع تحقیقاتی طی سه دهه گذشته، مشخص شد که بیش از سیصد مقاله، پایان‌نامه، رساله دکتری، گزارش تحقیقاتی و غیره در ایران وجود دارد که در حوزه بهره‌وری و زمینه‌های مرتبط با آن در سطح کلان، بخشی یا خرد و مزرعه و نیز برای محصولات مختلف کشاورزی و در مناطق

در بخش کشاورزی و در سایر بخش‌های اقتصادی در ایران و نیز در سایر کشورها و بویژه کشورهای توسعه‌یافته، ادبیات تئوریک و مطالعات تجربی و راهکارهای ارائه شده خیلی خوبی وجود دارد، اما ممکن است در اجرا با محدودیت‌هایی از جمله مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و غیره مواجه باشند، لذا مراکز تصمیم‌سازی باید یک آشتی بین این‌ها به وجود آورند و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی‌تری را ارائه و ترویج نمایند.

تحریریه مجلات مختلف، همکاری در تیم تحقیقاتی، مشاوره پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری، دوره فرصت مطالعاتی (که صرفاً بر روی شکاف تکنولوژیک بود) و غیره از نزدیک با نتایج و پیشنهادات، آن‌ها آشنا هستم. این‌ها را مثال زدم که به این نتیجه برسم که در بخش کشاورزی و در سایر بخش‌های اقتصادی در ایران و نیز در سایر کشورها و بویژه کشورهای توسعه‌یافته، ادبیات تئوریک و مطالعات تجربی و راهکارهای ارائه شده خیلی خوبی وجود دارد، اما ممکن است در اجرا با محدودیت‌هایی از جمله مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و غیره مواجه باشند، لذا مراکز تصمیم‌سازی باید یک آشتی بین این‌ها به وجود آورند و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی‌تری را ارائه و ترویج نمایند. در قوانین برنامه‌های توسعه، قوانین سنواتی بودجه و سایر قوانین، هم موارد خوبی وجود دارد، گرچه از انسجام و هماهنگی خوبی

منطقه به نقطه بسیار نگران‌کننده‌ای رسیده است. همچنین در یک طرح تحقیقاتی که حدود دو دهه قبل برای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان انجام دادم، تخصیص بهینه منابع پایه در بخش کشاورزی برای ۱۹ محصول زراعی و ۵ محصول باغی در کلیه شهرستان‌های استان کرمان (آن زمان ۱۲ شهرستان) بر مبنای تئوری ارزش بهره‌وری نهایی، موردبررسی قرار گرفت و پیشنهاداتی هم ارائه شد، اما اقدامات در خور توجهی برای عملیاتی شدن آن‌ها انجام نشد؛ که نیاز به بررسی و آسیب‌شناسی دارد. همچنین بیش از ده مقاله علمی در حوزه بهره‌وری، کارایی، شکاف تکنولوژیک و زمینه‌های مرتبط با آن، از اینجانب در مجلات و کنفرانس‌های معتبر علمی وجود دارد. تعداد زیادی محققین برجسته‌تر و پرتلاش‌تر از اینجانب، در این عرصه وجود دارند که مقالات و تحقیقات زیادی دارند و بنده به دلیل داوری یا عضویت در هیئت

مختلف به پژوهش پرداخته‌اند. اکثر این تحقیقات از مبانی تئوریک خوبی برخوردار بوده و متدلوژی و داده‌های مناسبی برای به دست آوردن نتایج داشته‌اند و در پایان هم معمولاً پیشنهادها کاربردی و یا توصیه‌های سیاستی در خور تحقیق را دارا بوده‌اند. نزدیک به سه دهه گذشته در تحقیقی که اینجانب برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود داشتم با استفاده از داده‌های میدانی مربوط به پسته کاران شهرستان رفسنجان، نمونه‌برداری از آب‌وخاک آزمایش آن‌ها، عمق چاه، دبی، حجم برداشت و غیره بر اساس متدلوژی مربوط به آن زمان و با تخمین تابع تولید چندجمله‌ای این نتیجه به دست آمد که با افزایش بهره‌وری آب تا مرز کشاورزان برتر منطقه، امکان افزایش تولید تا بیش از ۵۰ درصد با استفاده از آب موجود، وجود دارد؛ اما به‌جای حرکت در آن مسیر، اقدام به افزایش پروانه‌ها و حجم بهره‌برداری، سطح زیر کشت و غیره شد و امروزه مسئله آب در این





قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، «مصوبه ۸۰۷۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، «ماده ۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن»، «ماده ۷۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن»، «ماده ۵ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و راهنمای بند الف ماده ۵ آن»، «سیاست‌های کلی برنامه ششم و هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، «آیین‌نامه اجرایی بند و تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کشور» و غیره اشاره کرد. همچنین مهم این است که مقام معظم رهبری در خصوص بهره‌وری، در بیش از ۳۰ تا از سیاست‌های کلی ابلاغی، اشاره مستقیم و یا غیرمستقیم خیلی نزدیک به بهره‌وری داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به «سیاست‌های کلی برنامه‌های مختلف توسعه بعد از انقلاب اسلامی»، «سیاست‌های کلی محیط‌زیست، ۱۳۹۴»، «سیاست‌های کلی علم و فناوری، ۱۳۹۳»، «سیاست‌های کلی جمعیت، ۱۳۹۳»، «سیاست‌های کلی سلامت، ۱۳۹۳»، «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲»، «سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور، ۱۳۹۲»، «سیاست‌های کلی حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ۱۳۹۱»، «سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی، ۱۳۹۱»، «سیاست‌های کلی صنعت، ۱۳۹۱»، «سیاست‌های کلی آمایش سرزمین، ۱۳۹۰»، «سیاست‌های کلی اشتغال، ۱۳۹۰»، «سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری، ۱۳۸۹»، «سیاست‌های کلی نظام برای ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد، ۱۳۸۹»، «سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹»، «سیاست‌های کلی نظام اداری، ۱۳۸۹»، «سیاست‌های کلی نظام

برسد. کوتاهی از طرف چه فرد یا نهادی بوده است؟ گزارش نهادهای نظارتی؟ برخورد قانونی با کوتاهی کنندگان؟ و غیره. به‌وفور می‌توان به این دست از قوانین، سیاست‌ها، آئین‌نامه‌ها و امثالهم اشاره کرد که از آن جمله می‌توان به «قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان بهره‌وری آسیایی، ۱۳۶۷»، «آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳۵

برای اجرا، برخوردار نیست و گاهی در مسیر تدوین، به‌صورت جزیره‌ای و سلیقه‌ای، به موضوعات و مسائل مربوط به بهره‌وری نگاه شده است؛ به‌عنوان مثال در قانون افزایش بهره‌وری کشاورزی و منابع طبیعی، مصوب سال ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی، موارد نسبتاً خوبی برای بهبود بهره‌وری در بخش‌های آب و کشاورزی دیده شده است که اگر بعد از حدود ۱۳ سال مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد؛ مشخص می‌گردد که بخش‌های زیادی از این قانون یا اجرا نشده و یا به‌درستی اجرا نشده است. به نحوی که آیین‌نامه اجرایی برخی از مواد و بندهای مختلف این قانون، بسیار با تأخیر به تصویب رسیده است؛ به‌عنوان مثال، آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) این قانون، بعد از حدود چهار سال و نیم و آیین‌نامه اجرایی بند (ب) ماده (۱۲) این قانون بعد از سه سال و اندی تصویب شده است و بر اساس بررسی‌های به عمل آمده از میزان اجرای آن اطلاعاتی به دست نیامد. همچنین آیین‌نامه اجرایی ماده (۳۳) آن بعد از دو سال و چند ماه، تصویب گردید؛ درحالی‌که بر طبق سطر آخر ماده (۳۳) همین قانون، آیین‌نامه اجرایی این ماده، بایستی حداکثر شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیئت‌وزیران

بعد از سی و چند سال بایستی یک نهادی بررسی و آسیب‌شناسی نماید که به چه بخش‌هایی از فرمایشات مقام معظم رهبری، قوانین و آیین‌نامه‌ها در سیاست‌های کلی ابلاغی و غیره عمل شده است؟ و آن بخش‌هایی که عمل نشده، مشکل از کجاست؟ بنا بر بیان رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران، کشور ما در تدوین بسته کلان سیاستی در مقایسه با دنیا عقب نیست، اما در جاری‌سازی سیاست دچار ضعف جدی بوده و متأسفانه سیاست‌ها به خوبی اجرا نمی‌شوند. مطالعه دقیق موارد مذکور، مشخص می‌کند که باید چاره‌ای نو در حوزه بهره‌وری اندیشید تا دو حوزه حرف (مبانی علمی، قوانین و ...) و عمل (افزایش واقعی بهره‌وری) را به هم نزدیک کند.

در بخش منابع آب، ۱۳۷۹»، «سیاست‌های کلی نظام در بخش منابع طبیعی، ۱۳۷۹» و غیره اشاره کرد؛ و بعد از سی و چند سال بایستی یک نهادی بررسی و آسیب‌شناسی نماید که به چه بخش‌هایی از فرمایشات مقام معظم رهبری، قوانین و آیین‌نامه‌ها در سیاست‌های کلی ابلاغی و غیره عمل شده است؟ و آن بخش‌هایی که عمل نشده، مشکل از کجاست؟ بنا بر بیان رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران، کشور ما در تدوین بسته کلان سیاستی در مقایسه با دنیا عقب نیست، اما در جاری‌سازی سیاست چهار ضعف جدی بوده و متأسفانه سیاست‌ها به خوبی اجرا نمی‌شوند. مطالعه دقیق موارد مذکور، مشخص می‌کند که باید چاره‌ای نو در حوزه بهره‌وری اندیشید تا دو حوزه حرف (مبانی علمی، قوانین و...) و عمل (افزایش واقعی بهره‌وری) را به هم نزدیک کند.

روش‌های اندازه‌گیری بهره‌وری متعدد و متنوع هستند و از دیدگاه گروه‌های مختلف (سیاست‌گذاران، برنامه ریزان، مدیران، کشاورزان، مصرف‌کنندگان و...)، معانی و کاربردهای متفاوتی دارند که در این نوشتار، فرصت پرداختن به تمام ابعاد آن وجود ندارد. فرآیند بهبود بهره‌وری از اندازه‌گیری کمی آن شروع می‌شود و هرگونه صحبت کردن بدون ذکر اعداد و ارقام، کلی‌گویی به حساب می‌آید. از این‌رو نیاز است که با استفاده از روش‌های علمی به این موضوع پرداخته شود. این امر نیازمند مطالعات دقیق به تفکیک محصول، منطقه جغرافیایی تا سطوح بسیار پایین (مثلاً تا سطح آبادی)، عوامل تولید (آب، خاک، انرژی، بذر، نیروی کار، ماشین‌آلات کشاورزی، کود، سم و...) و... است و سازمان نظام‌مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آن داشته باشد که نیاز به اختیارات و منابع مالی بیشتر و سازوکار اجرایی قوی‌تر از وضع کنونی دارد. در نظام‌نامه کمیته بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی به‌خوبی به چرخه بهره‌وری و شاخص‌های بهره‌وری اشاره شده است، اما در عمل نیازمند

توجه بیشتری به جزئیات بویژه در بخش کشاورزی است. کمیته بهره‌وری وزارت جهاد کشاورزی با همکاری سازمان ملی بهره‌وری ایران نیز اقدامات خوبی در تدوین «برنامه ارتقاء بهره‌وری ۱۴۰۱»، «سند ارتقاء بهره‌وری کشاورزی ۱۴۰۰»، «برنامه ارتقاء بهره‌وری کشاورزی ۱۴۰۰ (با بیش از یک‌صد برنامه عملیاتی به تفکیک معاونت‌ها، سازمان‌های وابسته، ادارات استان‌ها و...)»، «برش استانی بهره‌وری ۱۴۰۰ وزارت جهادکشاورزی»، «آیین‌نامه حمایت از تولید دانش بنیان و اشتغال‌زایی بخش کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۴۰۱» و ... نموده است که مطالعه دقیق و بویژه اجرای دقیق آن‌ها می‌تواند بر بهره‌وری کشاورزی مؤثر باشد، اما با همه این قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و غیره بنا بر گزارش تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در تیرماه ۱۴۰۰ در خصوص سند ارتقاء بهره‌وری کشاورزی، به رشد منفی ۰٫۷ درصدی بهره‌وری کل عوامل تولید طی سال‌های برنامه ششم توسعه، اشاره شده است. این امر در حالی است که در ابتدای این برنامه، رشد ۳٫۲ درصدی از بهره‌وری کل عوامل در بخش کشاورزی، مدنظر بوده است. جواب‌هایی مانند مقصر بودن گذشتگان، خشکسالی، تغییر اقلیم، عوامل غیرقابل کنترل و غیره نه‌تنها دردی را دوا نخواهد کرد، بلکه بر توجیه همان راه طی شده قبلی خواهد افزود. در برخی از موارد هم گزارش‌هایی ارائه می‌شود که حالت نمایشی داشته و روند بلندمدت بهبود بهره‌وری را در پی ندارد. ادامه روند رشد منفی بهره‌وری کل عوامل در بخش کشاورزی از یکسو، پایان‌پذیری منابع پایه از سوی دیگر، رشد تقاضای غذا و توجه به مسائلی مانند امنیت، استقلال و اقتدار غذایی، از سوی سوم، مسئله توجه به بهره‌وری در بخش کشاورزی را مشخص می‌کند.

در سند ارتقاء بهره‌وری کشاورزی، (محصول مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان ملی بهره‌وری) مسائل اصلی بهره‌وری بخش کشاورزی شامل ۱۳ مورد تشخیص داده شده است که علی‌رغم تلاش‌هایی که در این

زمینه شده است، اما به نظر می‌رسد اول این‌که خیلی کلی‌گویی شده است، دوم این‌که به مسائل ریشه‌ای‌تر همانند خرده‌پا بودن کشاورزان، مسائل اجتماعی، یارانه انرژی، حکمرانی آب، معافیت‌های مالیاتی بخش کشاورزی، حضور نیروهای کار افغانی و غیره اشاره نشده است. سوم این‌که اگر به آسیب‌شناسی دقیق آن‌ها پرداخته شود، عمدتاً به خود دولت‌ها برمی‌گردد، واقعاً مقصر اصلی کیست؟ در این سند به بیش از ۴۰ اولویت سیاستی در بخش کشاورزی اشاره شده است و عملیاتی شدن آن تا سال ۱۴۰۵ را در برنامه ارتقاء بهره‌وری کشاورزی (شامل ۳۸ صفحه و با بیش از یک‌صد راهبرد؛ ۱۲۰ سیاست، حدود ۱۳۰ اقدام اساسی و با بیش از یک‌صد نام‌آورد عملکرد (KPI) و مجری اقدامات) آمده است (گرچه خود این امر با تأخیر حدود پنج‌ساله انجام شده چون مربوط بند الف ماده ۵ برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ بوده و سند مذکور مربوط به تیر سال ۱۴۰۰ است). لازم به ذکر است که مشابه همین اسناد و برنامه‌ها برای هشت بخش تولیدی دیگر در اقتصاد (صنعت، حمل‌ونقل، ارتباطات، آب، برق و گاز، ساختمان، نفت، معدن و سایر خدمات) نیز آماده شده است. نگاهی به مطالب و جداول برنامه ارتقاء بهره‌وری کشاورزی، مبین تلاش‌های زیاد متولیان امر برای بهبود بهره‌وری در بخش کشاورزی، بویژه در طرح مشکل و بیان مسئله است، اما چند نکته انتقادی و تکمیلی در مورد آن وجود دارد: اول این‌که مسئله، راهبرد و اقدام اساسی ارائه شده دارای مقادیر کمی نیست؛ مثلاً در ردیف اول «شکاف عملکردی بین مزارع گندم با مزارع نمونه و پیشرو» به‌عنوان مسئله بهره‌وری ذکر شده و مشخص نیست که در کدام اقلیم در کدام منطقه، کدام وارپته، چه اندازه‌ای از مزرعه و غیره عملکرد چقدر است و با مزارع نمونه و پیشرو، چقدر فاصله دارد؟ آیا فقط عملکرد در واحد سطح، کافی است؟ یا عواملی مانند حجم آب مورد استفاده برای تولید یک تن گندم (آب مجازی) یا نیروی کار مورد استفاده برای تولید یک تن گندم (نیروی کار مجازی) یا ... هم باید موردتوجه قرار گیرد؟



اگر کشاورزی با ۶۵۰۰ مترمکعب آب و ۳۲ روز نفر نیروی کار و ۶۰۰ کیلوگرم کود شیمیایی، با کیفیت خاک فلان و کیفیت آب فلان در مازندران در یک هکتار، ۴۸۰۰ کیلوگرم گندم تولید کرد، بهره‌وری بیشتری دارد یا کشاورزی که با ۵۵۰۰ مترمکعب آب و ۴۰ روز نفر نیروی کار و ۳۸۷ کیلوگرم کود شیمیایی، با کیفیت خاک فلان و کیفیت آب فلان، در سمنان و در یک هکتار، ۴۲۰۰ کیلوگرم گندم تولید می‌کند؟ اندازه‌گیری بهره‌وری نیاز به شاخص‌ها و متدولوژی خاص خود را داشته و نباید با معیارهایی همچون عملکرد در واحد سطح، سود ناخالص بازاری (نه سود اجتماعی)، یا امثالهم، اشتباه شود. متأسفانه تلقی‌های نادرست از اندازه‌گیری و بهبود بهره‌وری در حال افزایش است. همچنین در ستون راهبرد مربوط به سطر اول، ارتقای کمی تولید، ذکر شده است؛ از چقدر به چقدر؟ و برنامه زمان‌بندی آن چیست؟ در کجا؟ همچنین در ستون اقدام اساسی، جایگزینی ارقام قدیمی با ارقام جدید (احتمالاً بالعکس است، یعنی جایگزینی ارقام جدید با ارقام قدیمی!!!) که بسیار بحث‌انگیز بوده و نیاز به ارائه جزئیات با برنامه زمان‌بندی دقیق را دارد؟ تصمیم‌گیر اصلی و نهایی، کشاورزان سنتی، خرده‌پا و ریسک‌گریز هستند که تصمیم می‌گیرند که چی بکارند؟ کی بکارند؟ چگونه آبیاری کنند؟ کی آبیاری کنند؟ چقدر کود بدهند؟ و؟؟؟ باید انگیزه‌های قیمتی و غیر قیمتی، ترویج و غیره چاشنی کار شوند تا به کمک بهره‌وری (به معنای واقعی کلمه) بیایند. در ستون نماگر عملکرد (KPI) منظور از افزایش حجم عملیات (هکتار) گنگ به نظر می‌رسد و با حجم عملیاتی (هکتار) در ستون دوم چه تفاوتی دارد؟ همچنین در ستون مجری اقدامات برای ردیف اول، مؤسسات تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر و تحقیقات دیم‌کشور و معاونت امور زراعت ذکر شده است، آیا بودجه، امکانات، توان فنی و تخصصی و اختیارات این نهادها برای رسیدن به اهداف کمی و زمان‌دار و ... کافی بوده و تناسب کافی دارد؟ آیا تداخل کاری بین آن‌ها وجود ندارد؟ به نظر می‌رسد بهتر است یک نهاد (دستگاه) که برتری سازمانی دارد،

با همه این قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و غیره بنا بر گزارش تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در تیرماه ۱۴۰۰ در خصوص سند ارتقاء بهره‌وری کشاورزی، به رشد منفی ۰٫۷ درصدی بهره‌وری کل عوامل تولید طی سال‌های برنامه ششم توسعه، اشاره شده است. این امر در حالی است که در ابتدای این برنامه، رشد ۳٫۲ درصدی از بهره‌وری کل عوامل در بخش کشاورزی، مدنظر بوده است. جواب‌هایی مانند مقصر بودن گذشتگان، خشکسالی، تغییر اقلیم، عوامل غیرقابل کنترل و غیره نه تنها دردی را دوا نخواهد کرد، بلکه بر توجیه همان راه طی شده قبلی خواهد افزود. در برخی از موارد هم گزارش‌هایی ارائه می‌شود که حالت نمایشی داشته و روند بلندمدت بهبود بهره‌وری را در پی ندارد. ادامه روند رشد منفی بهره‌وری کل عوامل در بخش کشاورزی از یکسو، پایان‌پذیری منابع پایه از سوی دیگر، رشد تقاضای غذا و توجه به مسائلی مانند امنیت، استقلال و اقتدار غذایی، از سوی سوم، مسئله توجه به بهره‌وری در بخش کشاورزی را مشخص می‌کند.

به‌عنوان مجری اصلی و بقیه به‌عنوان همکار (با برنامه منسجم و مشخص و بدون موازی و دوباره‌کاری و ...) تعریف شوند. همچنین در سطرهای ۲، ۹ و ۱۱ به ترتیب به مصرف بالای آب در مزارع ذرت، سیب‌زمینی و گوجه‌فرنگی اشاره شده است و بقیه ستون‌های آن کاملاً مشابه است؛ آیا این‌ها واقعاً به‌عنوان یک مسئله شناخته شوند (حتی با اضافه کردن سایر محصولات به آن) یا سه مسئله جداگانه؟ همین موضوع در خصوص سایر موضوعات ارائه شده در جدول نیز وجود دارد. دوم این‌که بهره‌وری معمولاً در شرایط رقابتی، رشد بهتری خواهد داشت، در حالی که این برنامه عمدتاً به افزایش مداخله دولت (با نگاهی به ستون مجری اقدامات) تأکید دارد (آن‌هم صرفاً با تأکید بر وزارت جهاد کشاورزی و بدون در نظر گرفتن موضوعات بین وزارتخانه‌ای؛ مثل

وزارت نیرو، وزارت صنعت، معدن و تجارت و ...) و مشارکت بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها، تشکل‌های کشاورزان و ... به‌اندازه شایسته مدنظر قرار نگرفته است. سوم این‌که این برنامه حاوی همه مطالب قانون افزایش بهره‌وری کشاورزی و منابع طبیعی مصوب سال ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، نبوده و به نظر می‌رسد در برخی از جاها با قانون و آیین‌نامه‌های مذکور مغایرت هم دارد. چهارم این‌که، ضمانت اجرایی، زمان‌بندی و نظارت بر این برنامه مشخص نشده است و الان که بیش از دو سال از تصویب‌نامه هیئت‌وزیران (تیر ۱۴۰۰) گذشته است قاعدتاً باید به ۴۰ درصد (دو سال از ۵ سال) اهداف کمی برنامه رسیده باشد؛ درحالی‌که در این مدت، وزارت جهاد کشاورزی، سه وزیر و یک سرپرست را به خود دیده است. پنجم این‌که، به مسائل اصلی بخش کشاورزی ایران که شامل معیشتی بودن، خرده‌پا بودن، پراکنده بودن، ریسک‌گریز بودن کشاورزان، سنتی بودن، پائین بودن ضریب نفوذ دانش، سوبسیدهای انرژتی، جاده‌های نامناسب روستایی، ضعف در ترویج و غیره هستند، به‌اندازه کافی توجه نشده است و ششم بودجه عملیاتی برنامه، طی سال‌های برنامه، مشخص نشده است. علاوه بر بودجه، باید اختیارات، ساختار و متولی اصلی و در نهایت پاسخگو در رسیدن به اهداف کمی هم مشخص شود؛ مثل شرکت‌های خصوصی (به معنی واقعی) که باید بودجه، امکانات و اختیارات به مدیرعامل داده شود و در پایان سال مالی (دوره هدف)، وی پاسخگوی سهامداران باشد. در پایان و بر اساس مطالب پیش‌گفته، مشخص می‌گردد که بهره‌وری در کشاورزی یک موضوع چندبعدی به‌هم‌پیوسته، بسیار پیچیده، غامض، علمی و فنی بوده و با مسائل اقتصادی (قیمت نسبی محصولات، قیمت نسبی عوامل تولید، نرخ‌های مالیات، سوبسیدها، اندازه مزرعه، فقر و غیره)، فنی (تکنولوژیکی، ژنتیکی، شیمیایی، مکانیکی و غیره)، محیطی (زیست‌محیطی، خشکسالی،



آب، تغییر اقلیم، گازهای گلخانه‌ای، آفات و غیره)، اجتماعی و فرهنگی (خرده‌فرهنگ‌های دهقانی، نابرابری، فقر، مشارکت‌پذیری، سواد، اعتماد و غیره)، حکمرانی (قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، شفافیت، نظارت؛ پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت و غیره) و ... سر و کار دارد و رشد بلند مدت (نه مقطعی و کوتاه‌مدت) آن مد نظر و معنی‌دار است و به‌طور اتفاقی و شانسی هم به وجود نمی‌آید. به همین خاطر هم باید در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آن چندبعدی فکر کرد و اول این‌که از نظرات و ظرفیت‌های محلی (نظام‌مهندسی کشاورزی، شوراهای اسلامی روستا، بسیج مهندسين کشاورزی، خبرگان محلی، بنیاد برکت، کمیسیون‌های کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان‌ها، تشکل‌های کشاورزی و غیره) با محوریت و پاسخگویی سازمان‌های جهاد کشاورزی، استفاده کرد. این امر نیازمند تقویت ساختارهای موجود در این زمینه و انعقاد یک توافق‌نامه و قرارداد چندجانبه کشوری با ضمانت اجرایی و ابلاغ به همه دستگاه‌های ذیربط و قابلیت پیگیری کمی است. ثانیاً، از ابزارهای بودجه‌ای، انگیزشی، (به ویژه قیمت)، سیاست‌های تشویقی و تنبیهی استفاده کرد. دوم، تجربه سایر کشورها، بویژه کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی قرار گیرد، کارآ کردن کشاورزان به مفهوم خارج شدن از گردونه بهره‌برداری و تولید و یا زیان دیدن کشاورزان ناکارآ است (کشاورزی صرفاً برای حفظ مالکیت اراضی، شغل دوم، مهاجرت و غیره) که طبیعتاً پیامدهای اجتماعی و سیاسی خاص خود را دارد (درد و خونریزی خاص خود را دارد همانند بیکاری، اعتراض و غیره) و بایستی از قبل برای آن چاره‌اندیشی کرد. سخن آخر این‌که به‌اندازه کافی حرف‌های خوب در مورد بهره‌وری زده شده است و اکنون وقت آن است که جمع‌بندی و به آن عمل شود. ♦♦

#### منابع:

خوانندگان عزیز برای دسترسی به هریک از موارد ذکر شده در متن مقاله، شامل قوانین،

آئین‌نامه‌ها، برنامه‌ها، سیاست‌های کلی و غیره اقدام به جستجو در سایت گوگل یا سایت مربوطه نموده و به متن آن دسترسی یابند، زیرا به دلیل تعداد زیاد آن‌ها از یکسو و محدودیت صفحات مقاله از سوی دیگر، امکان درج همه آن‌ها نبوده و به مهم‌ترین آن‌ها در زیر اشاره می‌گردد. - آرشبو دفتر هیئت دولت به آدرس:

<https://cabinetoffice.ir/fa/news/8739>

- پیشوائی، م. (۱۴۰۲)، ماهنامه سازمان ملی بهره‌وری ایران، سال سوم شماره ۳۹، تیر ۱۴۰۲ صفحه ۲.

- مهرابی بشرآبادی، ح. و موسی نژاد، م. (۱۳۷۴)، بررسی بهره‌وری عوامل تولید پسته در شهرستان رفسنجان، مجله علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

- مهرابی بشرآبادی، ح. (۱۳۸۵)، بررسی تخصیص بهینه منابع در بخش کشاورزی استان کرمان، طرح پژوهشی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان.

- سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1667664>

- سایت سازمان ملی بهره‌وری ایران به آدرس <https://www.npo.gov.ir>

- سایت کمیته بهره‌وری وزارت جهاد کشاورزی به آدرس <https://bahrevari.areeo.ac.ir>

-Rashidi Sharifabadi,A. and Hossein Mehrabi Boshrabadi (2011). Decomposition of Total Factor Productivity Growth of Pistachio Production in Rafsanjan Region of Iran. *International Journal of Nuts and Related Sciences* 2(1):01-10.

-Mehrabi Boshrabadi, H., Renato Villano and Euan Fleming. (2008). Technical Efficiency and Environmental-Technological Gaps in Wheat Production in Kerman Province of Iran: A Meta-Frontier Analysis. *Agricultural Economics*. 38:1 pp 67-76.

-Mehrabi Boshrabadi, H. Renato Villano and Euan Fleming. (2007). Production Relations and Technical Inefficiency in Pistachio Farming Systems in Kerman Province of Iran. *Forests, Trees and Livelihoods*. 17:2: pp 141- 156.

-Moradi, E. Mosayeb Pahlavani, Ahmad Akbari and Hossein Mehrabi Boshrabadi (2013). Comparative Analysis of Stochastic Frontier Partially non-parametric and Stochastic Frontier Parametric Methods Case Study: Measuring Cost Efficiency in Wheat Production in Iran. *Journal of Agricultural Management & Development*, 3(2): 123-130.

# از رؤیا تا اقدام

## افزایش نرخ نفوذ دانش و فناوری «بخش کشاورزی و غذای ایران»

♦ دکتر فاطمه پاسبان

مدرس و محقق حوزه کشاورزی



مشکلات و چالش‌های اساسی همانند خشکسالی، تغییرات آب و هوایی، کافی نبودن سرمایه‌گذاری، پایین بودن بهره‌وری، مدیریت ناکارآمد بازار و تولید، کمبود دانش و فناوری روزآمد و مدیریت دانش، کمبود تحقیق و توسعه کاربردی، کمبود ترویج و آموزش بهره‌ور، تاب آور نبودن سیستم کشاورزی و غذایی، مشکل آب‌وخاک، کاهش سرمایه اجتماعی، ناطمینانی، از دست دادن مزیت رقابتی بخش، ضعف اقتصادی بهره‌برداران بخش، رانت و فساد و قاچاق، بی‌انگیزگی کارکنان، اداری کردن بخش تحقیق و توسعه کاربردی و غیره روبه‌روست و ضرورت حیاتی برای تدوین برنامه کارآمد بر اساس واقعیت‌های موجود و پیش‌بینی‌های آینده را صدچندان پرهامیت می‌سازد. از طرف دیگر این واقعیتی است که فعالیت‌های بخش کشاورزی اعم از زراعت، باغداری، دام و طیور، شیلات، جنگل و مرتع و صنایع و کسب‌وکارهای مرتبط با آن از عوامل درون و برون بخشی گوناگونی تأثیرپذیری دارند و هر موضوع مرتبط با هر فعالیت مدیریت خاص خود را می‌طلبد. به‌عنوان نمونه موضوع مدیریت دانش و فناوری در فعالیت‌های دام و طیور متفاوت از فعالیت‌های زراعی است و برای مدیریت بهینه دانش ضرورت دارد، الگو و شیوه مدیریت خاص هر فعالیت طراحی، تدوین و اجرایی گردد، نمی‌توان یک الگو یا روش مدیریتی را برای همه فعالیت‌های بخش کشاورزی و همه موضوعات مختلف ارائه داد. علاوه بر این تفاوت‌های منطقه‌ای برحسب شرایط اقلیمی و جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی الگو و نظام مدیریت خاص خودش را می‌طلبد. از این‌رو برنامه‌های تدوین شده در بخش

همواره به یاد داریم که از زبان برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و راهبران نظام اقتصادی و سیاست‌گذاری کشور شنیده شده و خواهد شد که بخش کشاورزی؛ بخش استراتژیک اقتصاد، تأمین‌کننده غذا برای جمعیت کشور و مواد اولیه برای سایر فعالیت‌های اقتصادی کشور و تأمین معیشت فعالان اقتصادی زنجیره ارزش محصولات و فعالیت‌های بخش کشاورزی و غذا است و بارها شنیده و در خبرها و تجربیات جهانی دیده‌ایم که «غذا» دیگر یک مقوله تولیدی، اقتصادی و اجتماعی در جهان نیست و فراتر از آن به یک مقوله «سیاسی» و «امنیت سیاسی» تبدیل شده است و این تغییر نگاه به‌منزله اهمیت «غذا» و «تأمین امنیت و ایمنی غذایی» در جهان است چرا که گرسنگی، سوءتغذیه، فقر غذایی و سالم نبودن غذا به دنبال خود، پیامدهای نامطلوبی برای مردم جامعه دارد؛ از بیماری، کاهش سطح سلامت مردم، بهره‌هوشی نسل‌های آتی، افزایش هزینه‌های درمان، فشار بر بودجه خانوار و کاهش بهره‌وری نیروی انسانی گرفته تا شورش نان. بنابراین همین اهمیت، بخش کشاورزی که تأمین‌کننده بخش عمده غذای مردم (محصولات خام و فرآوری شده) و معیشت کسب‌وکارهای مرتبط با آن است، نیازمند راهبرد، نقشه راه و برنامه اقدام و عمل با رویکردهای تاب‌آوری، فناوری، بهره‌ور، حکمرانی خوب و دانش‌محور است تا بهره‌وری، کارآمدی و پایداری اتفاق بیفتد. این موضوع برای بخش کشاورزی ایران یک موضوع حیاتی است چرا که با انباشت

کشاورزی به هر شکل و رویکردی، نیازمند الگو و نظام مدیریت بهینه و مناسب بر حسب فعالیت، موضوع و منطقه است. این واقعیت هم قابل‌تأمل است که «توسعه پایدار بخش کشاورزی و غذا» و رونق فعالیت‌های آن‌هم با یک ابزار سیاستی میسر نمی‌شود، چون به دلایل مختلف از قبیل ریسک زیاد تولید و درآمد، نیاز به فن‌آوری‌های جدید برای افزایش بهره‌وری و کارایی، کوچک بودن اراضی و پایین بودن سطح درآمدی و پس‌انداز بهره‌برداران، تغییر کاربری اراضی، تغییرات آب و هوایی و اقلیم؛ نیازمند سیاست‌های منطقی و هدفمند است. در این میان افزایش تولید محصولات کشاورزی در واحد سطح و بهبود کیفیت محصولات و جلب اعتماد بازار، افزایش بهره‌وری و کارایی عوامل تولید و منابع پایه با مجهز شدن به وسایل و امکانات پیشرفته، فناوری، به‌کارگیری نهاده‌های استاندارد و به‌موازات آن تقویت مدیریت‌ها



جدید آبیاری استفاده کنیم، سموم و کودها کیفیت ندارند، فقط هزینه می‌کنیم، آب نداریم، محصولمان را به قیمت نمی‌خرند، قوانین دست و پاگیر مثل طناب دست و پای ما را بسته است و ... به داد ما برسید ...، صداها زیاد است اگر گوش شنوایی باشد. برای اجابت به مشکلات و مسائل موجود، راهکار نفوذ نرخ فناوری در بخش کشاورزی و غذا است و این مهم نیازمند «انقلاب سرمایه‌گذاری، فناوری و ترویج» در بخش است. آیا می‌شود بهره‌وری آب را افزایش داد، بدون اینکه سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، مادی اجتماعی و زیرساختی ایجاد شود؟ سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی مهم‌ترین و مؤثرترین عنصر برای ارتقا بهره‌وری و راندمان تولید و پایداری بخش کشاورزی است. سرمایه‌گذاری محدود در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه در ۳۰ سال گذشته منجر به کاهش بهره‌وری و تولید شده است، به نحوی که بسیاری معتقدند یکی از دلایل بحران اخیر مواد غذایی کاهش فزاینده سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و کاهش در بهره‌وری تولید غذا و افزایش قیمت مواد غذایی است. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با محدودیت‌ها و موانع متعددی

آموزش، انتقال و به‌کارگیری و ترویج فناوری‌های نوین نیازمند ارتباطات سازنده و مستمر و پایدار با مراکز تحقیقاتی و تولیدکننده دانش و فناوری در خارج کشور است. «درب‌های قفل شده» و نبود ارتباطات مؤثر و کارآمد با محققان و دانشمندان و خبرگان فناوری و دانش داخل و خارج، همانند سدهای است که جلوی توسعه پایدار را خواهد گرفت و عقب‌ماندگی فناوری را با سرعت بالای تحول و تغییر فناوری در جهان برای ایران سرعت بیشتری خواهد داد و شکاف فناوری هر روز بزرگ‌تر خواهد شد. به نظر می‌رسد صداها (در هر قالب حقوقی و حقیقی) در «بخش کشاورزی و غذا» که نمود آشکار شکاف فناوری است، به گوش دو ضلع «حکمرانی توسعه پایدار بخش کشاورزی و غذا» یعنی حاکمیت و دولت نمی‌رسد، صداها را گوش کنیم: آب نیست محصولاتمان را آفت‌زده، عملکرد پایین آمده، برق چاه‌ها هر روز ۳ تا ۵ ساعت قطع می‌شود؛ در فصلی که قرار است محصول به بار بنشیند، ما را ناتوان کردید خاموشی چاه‌ها میلیاردها به ما خرده مالکین زیان وارد کرده، دیگر نمی‌توانیم قد راست کنیم، برق خانه‌هایمان را خاموش کنید به‌جای چاهمان، به ما وام نمی‌دهند تا از روش‌های

امکان‌پذیر است. به همین دلیل کاربرد فناوری‌های نوین ضمن افزایش تولید محصولات کشاورزی در واحد سطح، موجب کاهش هزینه‌های تولید و متعاقب آن منجر به کاهش قیمت تمام شده این محصولات و از سوی دیگر افزایش کیفیت و استاندارد آن خواهد شد و امکان رقابت‌پذیری با کالاهای مشابه خارجی را فراهم ساخته و از سوی دیگر غذای سالم را برای مصرف انسان فراهم می‌سازد و از هدررفت نهاده‌ها و خصوصاً منابع آبی جلوگیری خواهد کرد. به عبارت دیگر می‌توان گفت بخش کشاورزی برای تأمین غذای سالم و امنیت غذایی، توسعه پایدار کشاورزی و حفظ و صیانت از منابع پایه و تاب‌آوری در مقابل تهدیدهای تغییرات اقلیم به «انقلاب فناوری» نیاز دارد. در حقیقت فناوری، دانش کاربردی است که این اجازه را می‌دهد تا به‌عنوان نمونه با کشت‌های بدون خاک، انواع روش‌های آبیاری و کشت گلخانه‌ای، استفاده از انواع سموم و کودهای دوست دار محیط‌زیست و سلامت انسان، کمیت، کیفیت، تنوع‌پذیری، خلق ارزش و ثروت را فراهم ساخته که به دنبال آن کارایی، بهره‌وری، غذای سالم و حفاظت و صیانت از محیط‌زیست و منابع را به همراه دارد.





برای پر کردن شکاف سرمایه‌گذاری روبه‌رو است. شاید مهم‌ترین عامل در رکود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، سوددهی محدود آن و عدم انباشت سرمایه در میان کشاورزان و تولیدکنندگان این بخش است. کنترل و فشار دولت‌ها بر قیمت مواد غذایی و تلاش آن‌ها برای پایین نگه‌داشتن مواد غذایی از یکسو و افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی عملاً باعث می‌گردد که فعالیت‌های کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از سود متناسب با دیگر کسب‌وکارها برخوردار نبوده و عدم سودآوری باعث عدم انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری از سوی بهره‌برداران و کشاورزان خرد می‌گردد. بازارهای مالی سنتی نیز به دلیل مخاطراتی که بخش کشاورزی با آن روبه‌رو هستند تمایلی چندانی به سرمایه‌گذاری در این بخش ندارند. سیستم‌های مالی و بانکی نوین نیز تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ندارند و روند وام دهی بانک‌های تجاری به بخش کشاورزی به دلیل سهم پایین، متناسب با نیاز برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیست. از این‌رو با توجه به محدودیت‌های منابع جایگزین داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند شکاف سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی را در کشورهای در حال توسعه پر کند. سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم دولتی و همچنین تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور بالقوه می‌تواند باعث ایجاد اشتغال، انتقال فن‌آوری و دسترسی بهتر به سرمایه و بازارها شود. در ایران نیز شکاف عرضه و تقاضا در سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی قابل ملاحظه است. در بخش کشاورزی به دلیل وجود تنگناهای ساختاری و کمبود امکانات مالی اکثر بهره‌برداران، مشکلات مربوط به سرمایه‌گذاری نمود بیشتری داشته است. به‌رغم اینکه این بخش نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی و اشتغال دارد و از طرفی تأمین‌کننده نیازهای ضروری جمعیتی است، ولی رشد سرمایه‌گذاری در

آن در دهه‌های گذشته مطلوب نبوده و سهم آن از تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی طی پنج‌ساله (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹) ۳٫۴ درصد بوده است. اگرچه اساساً نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در دوره مذکور در کل اقتصاد پایین بوده، اما این نسبت در بخش کشاورزی به‌طور متوسط ۷ درصد بوده است؛ به عبارت دیگر فقط ۷ درصد از مجموعه ارزش‌افزوده بخش کشاورزی دوباره به‌صورت سرمایه‌گذاری به بخش بازگردانده می‌شود؛ یعنی انباشت سرمایه در بخش پایین است. با توجه به وضعیت موجود و الزام توسعه پایدار بخش کشاورزی که خود نیازمند سرمایه‌گذاری و تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های مختلف است و با توجه به محدودیت‌های منابع مالی کشور، بسترسازی مناسب برای دسترسی به منابع تأمین مالی خارجی که در جهان تجربه شده، می‌تواند راهکاری برای سرعت بخشیدن به دستیابی به اهداف توسعه بخش کشاورزی و روستایی باشد.

اما چرا جذب سرمایه و انباشت سرمایه (داخلی و خارجی) برای افزایش نرخ نفوذ دانش و فناوری در بخش کشاورزی و غذای ایران اتفاق نمی‌افتد؟ دلایل متعددی بر حسب نوع فعالیت و محصول می‌توان برشمرد، اما به نظر نگارنده مهم‌ترین عامل نبود «ایمان قلبی» به اهمیت بخش کشاورزی در امنیت غذایی و ملی کشور است که نوع رفتار با بازیگران بخش کشاورزی و

به نظر می‌رسد صداهای مردم (در هر قالب حقوقی و حقیقی) در «بخش کشاورزی و غذا» که نمود آشکار شکاف فناوری است، به گوش دو ضلع «حکمرانی توسعه پایدار بخش کشاورزی و غذا» یعنی حاکمیت و دولت نمی‌رسد، صداها را گوش کنیم: آب نیست، محصول‌آستان را آفت‌زده، عملکرد پایین آمده، برق چاه‌ها هر روز ۳ تا ۵ ساعت قطع می‌شود؛ در فصلی که قرار است محصول به بار بنشیند، ما را ناتوان کردید...

غذا از بالا به پایین (اجبار، بایدها و نبایدها) به‌جای مدیریت مشارکتی است که باعث شکل‌گیری حکمروایی خوب در بخش کشاورزی و غذا نشده است. در کنار آن وجود رانتهای بزرگ در موضوعات مختلف بازار، فروش و تجارت باعث شده که «دست‌های نامرئی آلوده و پلشت» نگذارند رقابت و کارآمدی حاصل فناوری، نوآوری و خلاقیت شکل گیرد. فساد و قاچاق هم دو ضلع دیگر ناکارآمدی و پلشتی سیستم موجود «فعالیت‌های بخش کشاورزی و غذا» است که هر نوع خلاقیت و نوآوری را در نقطه خفه می‌کنند و نمی‌گذارند شبکه نظام فناوری و نوآوری در بخش کشاورزی و غذا رشد یابد و تنومند شود. به جرات می‌توان گفت که «نااطمینانی و گل‌آلوده کردن آب» بزرگ‌ترین دشمن توسعه فناوری و افزایش نرخ نفوذ آن است؛ چرا که قدرت تصمیم‌سازی، آینده‌نگری و مدیریت هوشمند هر کسب‌وکاری به‌خصوص کسب‌وکار بخش کشاورزی و غذا را می‌گیرد و خلع سلاح می‌کند که نداند چه تولید کند، به چه میزان، برای چه کسانی و به چه قیمتی؟ شاید همان دست نامرئی آلوده و پلشت که در سایه، فرمان این کار را در دست دارد و نمی‌گذارد خانواده بزرگ «کشاورزی و غذا» مجهز به علم و دانش و فناوری و آینده‌نگری شود و روزمرگی بر فضای بازیگران حکمروایی (حاکمیت، دولت و مردم) حاکم باشد که روز خود را به شب برسانند...

تا حکمروایی خوب نباشد نمی‌توان انتظار داشت نرخ نفوذ دانش و فناوری در «زنجیره ارزش و عرضه فعالیت‌های بخش کشاورزی و غذا» تقویت و افزایش یابد و این نیازمند تغییر و اصلاح سیستم موجود در بخش دولتی و حاکمیت و تغییر رویکرد مدیریت از پایین به بالا و تقویت، بالندگی و اقتدار بخش مردمی یعنی همان بخش سوم اقتصاد (اعم از تعاونی، انجمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی و غیره) است که دولت و حاکمیت مقتدر، نیازمند بخش سوم اقتصاد بالنده هستند. ♦♦

گفت‌وگو با «ناصر مرادی» رییس هیئت‌مدیره شورای ملی نخود ایران و نایب‌رییس و رییس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی کرمانشاه

## سهم ناچیز علم در کشاورزی ایران



بخش کشاورزی در حدود ۸۰ میلیارد مترمکعب آب کشور را مصرف می‌کند که با کسر ۱۵ میلیارد مترمکعب به عنوان سهم زیست محیطی باید با ۶۵ میلیارد مترمکعب آب حداقل دو برابر میزان تولیدات فعلی کشاورزی کشور عایدات داشته باشیم. مهم افزایش بهره‌وری است. میزان تولید محصولات کشاورزی در دیم‌زارها به ازای هر مترمکعب بارندگی به طور متوسط ۲۶۹ گرم و در کشت آبی به ازای هر متر مکعب آب آبیاری ۱,۲ کیلوگرم است؛ در حالی که در همین شرایط کشاورزانی هستند که در کشت دیم ۸۰۰ گرم و در آبی ۳,۵ تا ۴ کیلوگرم به ازای هر مترمکعب آبیاری محصول برداشت می‌کنند. یکی از اشتباهاتی بزرگ در رابطه با آب، صرفاً پرداختن به تامین بودجه برای انجام کارهای فیزیکی و ساختمانی مانند سدها و آبیاری‌های تحت فشار و امثال اینها بوده است و کمتر و یا اصلاً به رابطه آب، خاک و گیاه توجه نکرده و نمی‌کنند. ناپایداری کشاورزی کشور ناشی از تاثیر عوامل طبیعی چون بارندگی و مسائل اقلیمی و دیگر عوامل تسریعی به مفهوم تصمیمات و عملکردهای سیاستگذاران، کشاورزان، پژوهشگران و مجریان و مدیران در کلیه سطوح است که این عامل تاثیر ۸۰ درصدی در این ناپایداری دارد. پویایی همه جانبه بخش کشاورزی از طریق افزایش بهره‌وری با به کارگیری علم و دانش مطابق و سازگار با شرایط اقلیمی و استعداد هر منطقه تحت عنوان آمایش سرزمین یا آگروکولوژی است. متأسفانه در کشاورزی ایران علی‌رغم فراوانی کارشناسان کشاورزی، محققین و هیئت‌های علمی کشاورزی و چند میلیون کشاورز سهم علم در تولید محصولات کشاورزی کمتر از ۲۰ درصد است. افزایش تولید محصولات کشاورزی در ایران صرفاً بر اساس اتکا به منابع آب و خاک و نهاده‌ها بوده است. بد نیست اشاره شود که در کل در تولید علم رتبه ۱۶ و در تعداد کارشناس رتبه ۱۵ جهانی را داریم، اما در انتقال علم به عرصه های تولیدی رتبه ۱۰۳ جهان را داریم که ناشی از سیاست‌های غلط و وجود مجریان ناتوان است. در آشفته بازار محصولات کشاورزی تنها کسانی سود می‌برند که کاری نکرده‌اند. نابسامانی بازار محصولات کشاورزی درد مزمن تولیدکنندگان است. متوسط قیمت محصولات کشاورزی بجز گندم در بازار و برای مصرف‌کننده بین ۲,۵ تا سه برابر قیمت فروش تولیدکننده است، تولیدکننده ارزان می‌فروشد و مصرف‌کننده گران می‌خرد.

مشروح گفت‌وگوی ما با ناصر مرادی، رییس هیئت‌مدیره شورای ملی نخود ایران و نایب‌رییس و رییس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی کرمانشاه در ادامه آمده است.

مرطوب، جمع‌آوری و ذخیره آب باران را داشته و سرآمد جهانیان بوده‌اند. از این‌که برخی کارشناسان اعتقاد دارند که کشاورزی آب‌بر است و توجیه اقتصادی ندارد، جای اشکال نیست و اصولاً کارشناس باید تجزیه، تحلیل و حرف و اظهارنظر کارشناسی داشته باشد، اما بجز تعداد اندک و انگشت‌شماری از کارشناسان، بیشتر آنان فقط ایراد می‌گیرند و راه‌حل مفید، مؤثر و کاربردی ارائه نمی‌دهند؛ لذا خیلی راحت و بدون دغدغه اعلام می‌کنند که کشاورزی باید تعطیل شود و یا اقتصادی نیست و متأسفانه این حرف‌ها، بیشتر خریدار و طرفدار دارد.

کارشناس و یا هر کسی که دلش برای مردم، مملکت و آب‌و‌خاک می‌سوزد، می‌بایست ضمن برشمردن مشکلات و تنگناهای انسانی و محیطی ارائه طریق نماید که چگونه از امکانات کشور به وجه احسن در تولید محصولات کشاورزی و غذایی با حفظ و حتی بهبود منابع طبیعی و محیط‌زیست

طبیعتاً کم آب می‌باشد. منتهی از قدیم‌الایام در همین کشور کم آب به علت تنوع اقلیمی، زیستی، ژنتیکی، موقعیت جغرافیایی، وجود انسان‌های باهوش صاحب دانش اصیل بومی و سازگار با شرایط آب و هوایی و اقلیم هر منطقه، بهترین و پایدارترین روش‌های تولید محصولات کشاورزی و مدیریت استفاده بهینه از آب‌و‌خاک همانند قنات در مناطق خشک و کویری و آب‌بندها در مناطق

♦♦ برخی کارشناسان معتقدند ایران کشور کم‌آبی است و کشاورزی در آن توجیه اقتصادی ندارد، نظر شما چیست؟ برای توقف کشاورزی در شرایط خشک‌سالی چه باید کرد؟

بسیار بدیهی و آشکار است که ایران با داشتن متوسط سالانه ۲۴۰ میلی‌متر بارندگی (یک‌سوم جهان) و تبخیر ۲۱۰۰ میلی‌متری (۳ برابر جهان) کشوری خشک، نیمه‌خشک و

بهره‌وری است. متوسط عملکرد کلیه محصولات کشاورزی اعم از زراعی، باغی (دیم و آبی) و دامی در هر منطقه به نسبت استعداد خودش بین یک‌سوم تا یک‌دهم عملکرد همان محصول در همان منطقه توسط کشاورزان پیشرو و آگاه است. میزان تولید محصولات کشاورزی در دیم‌زارها به ازای هر مترمکعب بارندگی متوسط ۲۶۹ گرم و در کشت آبی به ازای هر مترمکعب آب آبیاری ۱,۲ کیلوگرم است، درحالی‌که در همین شرایط کشاورزانی هستند که در دیم ۸۰۰ گرم (به ازای یک مترمکعب بارندگی) و در آبی ۳,۵ تا ۴ کیلوگرم به ازای هر مترمکعب آبیاری برداشت می‌کنند.

مطابق اقدامات خاکشناسی و اعلام مراکز تحقیقاتی نزدیک به ۵۰ میلیون هکتار از خاک‌های ایران به‌شرط تأمین آب، قابلیت و استعداد کشت و کار را دارا هستند. وسعت دیم‌زارهای کشور زیاد و توان تولید چند برابری فعلی را دارند و تولید یک‌میلیون تن گندم کردستان در سال ۱۴۰۲ فقط از دیم‌زارهای استان بوده است و قطره‌ای آب دستی (آبیاری) استفاده نشده است. اگر بنیان کشاورزی و فعالیت‌های تولیدی محصولات غذایی بر مبنای علم و تجربه و کار و مهارت باشد، کاملاً اقتصادی، بهره‌ور، درآمدزا، کارآفرین و تکمیل‌کننده زنجیره‌های بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی کشور خواهد بود، ولی کشاورزی غیرعلمی و غیرفنی و فاقد سرمایه برای فعالیت‌های ذی‌ربط اقتصادی نیست و قابلیت جذب سرمایه‌گذاری را هم نخواهد داشت.

کشاورزانی که از علم، آگاهی، مهارت و تجربه کافی برخوردار و سرمایه لازم و به‌موقع را در اختیار دارند، در هر زمینه‌ای از کارهای کشاورزی همانند گاوداری، گوسفندداری، زنبورداری، مرغداری، باغداری، زراعت و صنایع ذی‌ربط موفق و سربلند و با درآمد مکفی خواهند بود. کشور هلند نمونه بارز موفق در امر کشاورزی است که با استفاده از دانش، علم، مهارت و تکنولوژی علی‌رغم کوچک بودن (یک سی و هفتم ایران)، دومین



تا ۲۰۰ میلیارد مترمکعب زمین‌گیر و در اختیار داشته باشیم.

حتی در شرایط فعلی که بنا به اظهار متولیان آب (هر چند آمار دقیقی در دسترس نیست)، بخش کشاورزی حدود ۸۰ میلیارد مترمکعب آب کشور را مصرف می‌کند و اگر به خاطر رعایت مسائل زیست‌محیطی و حبابه آن، احیای تالاب‌ها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌ها، ۱۵ میلیارد مترمکعب به‌عنوان سهم زیست‌محیطی از ۸۰ میلیارد مترمکعب کسر و ۶۵ میلیارد مترمکعب آب به کشاورزی تخصیص و سهمیه داده شود، باید با این مقدار حداقل دو برابر میزان تولیدات فعلی کشاورزی کشور عایدات داشته باشیم.

سنگ زیربنای کشاورزی کشور افزایش

استفاده شود.

سهم کشور ایران از نزولات آسمانی سالیانه نزدیک به ۴۰۰ میلیارد مترمکعب است که ۷۱ درصد یعنی ۲۸۴ میلیارد مترمکعب آن تبخیر و فقط ۱۱۶ میلیارد مترمکعب زمین‌گیر، نفوذ، جاری و ساری می‌شود. هرچند تبخیر لازمه حیات و جزء لاینفک چرخه آب است، اما خبرگان و کارشناسان متخصص و بوم‌شناس معتقدند که حداقل ۳۰ درصد از این میزان تبخیر می‌شود؛ یعنی حدود ۸۵ (و حتی ۱۰۰) میلیارد مترمکعب قابل نگهداری، جمع‌آوری، هدایت در آبخیزها، آبخوان‌ها، رودخانه‌ها و پیشگیری از تبخیر می‌باشد. به عبارتی می‌توانیم از ۴۰۰ میلیارد مترمکعب نزولات آسمانی به‌جای ۱۱۶ میلیارد مترمکعب فعلی

صادرکننده محصولات کشاورزی دنیا به مبلغ ۱۱۰ میلیارد دلار در سال می‌باشد. امکان و حتی تصور توقف فعالیت‌های کشاورزی کشور میسر و فراهم نیست. ایران از قدیم خشک و کم باران بوده و هست. اگرچه با شرایط حادث شده برای جهان و ایران برگشت به سنت‌های اصیل قرن‌ها قبل برای کشاورزی منطقی و ممکن نیست، اما با استفاده از دانش و تکنولوژی روز و سازگار با شرایط کشور و تلفیق با دانش بومی و پرهیز از تقلید محض و کورکورانه تکنولوژی‌های وارداتی و دانش‌بنیان کردن عملیات کشاورزی به جای منابع محور می‌توانیم به اهداف مقدس حفظ سرزمین و تولید محصولات کشاورزی به همراه اشتغال، درآمد و ارزآوری دست پیدا کرده و نائل شویم. یکی از اشتباهات بزرگ مسئولان در رابطه با آب و مدیریت آن صرفاً پرداختن و تأمین بودجه برای انجام کارهای فیزیکی و ساختمانی مانند سدها و آبیاری‌های تحت فشار و امثالهم بوده و هست و کمتر و یا اصلاً به رابطه آب، خاک و گیاه توجه نکرده‌اند و نمی‌کنند.

چون در تدوین برنامه و ترسیم راهکار و تأمین اعتبار و صرف بودجه فقط و فقط به سیستم‌های آبیاری، تجهیزات و واردات آن توجه کرده‌ایم و به اصل مدیریت آب در داخل زمین و عرصه‌های تولید نپرداخته‌ایم که این همه مشکل به وجود آورده است. تأثیر آبیاری تحت فشار (اگر درست اجرا شده باشد) در افزایش راندمان و کارایی آب حداکثر ۱۰ درصد است، ۹۰ درصد باقی‌مانده به سایر عملیات اصیل و ضروری تولید همانند خاک‌ورزی، مواد عالی و حاصل‌خیزی خاک، تنوع و تناوب و آیش، مکانیزاسیون، میزان و نوع ارقام و بذور و نژادها، زمان و نحوه درست هر اقدامی، مدیریت تغذیه، مدیریت آفات و امراض و علف‌های هرز، فیزیولوژی و بیولوژی و اکولوژی گیاه، نحوه درست آبیاری و عملیات برداشت و بویژه آموزش آگاهی کارگران و کشاورزان مشغول کشاورزی می‌باشد.

## ◆ ناپایداری کشاورزی کشور چه میزان متأثر از چگونگی محتوای سیاست‌ها و چه

### میزان ناشی از مدیریت اجرایی است؟

کشاورزی کاری تلفیقی و سیستمی با مجموعه عظیم متشکل از فعالیت‌های گوناگون، تخصصی و توان‌فرسا در پهنه‌ای به وسعت بیش از یک و نیم میلیون کیلومترمربع با تنوع اقلیمی، فرهنگی، قومی به همراه ویژگی‌های پیرامونی، فنی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و از علوم انسانی است که بر پیچیدگی مسائلیش می‌افزاید.

ناپایداری کشاورزی کشور تحت تأثیر دو عامل طبیعی و تسریعی است؛ عامل طبیعی مانند نوسانات بارندگی‌ها، خشک‌سالی‌ها کمبود آب، دما و تبخیر حداکثر ۲۰ درصد و اما عامل تسریعی که توسط انسان به معنی اعم کلمه از سیاستگذاران، مجریان، کشاورزان، برنامه ریزان، پژوهشگران و مدیران در کلیه سطوح صورت می‌گیرد که ۸۰ درصد از سهم ناپایداری را به عهده دارند.

کم‌توجهی به معیارهای علمی و منطقی،

چون در تدوین برنامه و ترسیم راهکار و تأمین اعتبار و صرف بودجه فقط و فقط به سیستم‌های آبیاری، تجهیزات و واردات آن توجه کرده‌ایم و به اصل مدیریت آب در داخل زمین و عرصه‌های تولید نپرداخته‌ایم که این همه مشکل به وجود آورده است. تأثیر آبیاری تحت فشار (اگر درست اجرا شده باشد) در افزایش راندمان و کارایی آب حداکثر ۱۰ درصد است، ۹۰ درصد باقی‌مانده به سایر عملیات اصیل و ضروری تولید همانند خاک‌ورزی، مواد عالی و حاصل‌خیزی خاک، تنوع و تناوب و آیش، مکانیزاسیون، میزان و نوع ارقام و بذور و نژادها، زمان و نحوه درست هر اقدامی، مدیریت تغذیه، مدیریت آفات و امراض و علف‌های هرز، فیزیولوژی و بیولوژی و اکولوژی گیاه، نحوه درست آبیاری و عملیات برداشت و بویژه آموزش آگاهی کارگران و کشاورزان مشغول کشاورزی می‌باشد.

نداشتن استراتژی، هدف و برنامه مشخص، گم‌شدن مهم‌ترین هدف کشاورزی ایران؛ یعنی کمی تولید به همراه سایر اهداف از جمله استقلال اقتصادی، خودکفایی در محصولات غذایی ضروری، بهبودی وضع کشاورزان، عدالت اجتماعی، صادرات، بی‌نیازی از واردات، جلوگیری از خروج ارز، چرایی مهاجرت کشاورزان به شهرها، حفظ محیط‌زیست و پایداری منابع می‌باشد که به اقتصاد ایران بویژه بخش کشاورزی زبان‌های غیرقابل جبرانی را تحمیل کرده است.

تدوین قوانین، برنامه، سیاست‌گذاری و اجرای دقیق آن توسط مجریان لازم و ملزوم و مکمل همدیگرند. متأسفانه کشور ایران و بخش کشاورزی در هر دو موضوع مهم مشکل اساسی و بنیادی دارد، اصلاحات ارضی قبل و واگذاری اراضی بعد از انقلاب، تعطیلی و رکود صنایع و جرف روستایی، واردات مواد غذایی با پول نفت، تخصیص و پرداخت یارانه‌های بسیار هنگفت و نامرئی به شهرنشین‌ها و سیل مهاجرت روستاییان به شهر، ناامنی تولید و بازار و سوداگری و دلالی، قوانین ضدونقیض، دستورالعمل‌های روزمره، سیستم اداری ناکارآمد و مدیران کار نابلد، مجریان ناتوان و غیرمتخصص و کارشناسان بی‌انگیزه و عدم انتخاب مدیران و مجریان شایسته و ورزیده و ماهر، سرمایه‌گذاری بسیار اندک، سخت‌گیری بیش‌ازحد بانک‌ها در تأمین سرمایه و دادن وام‌های شرافتمندانه، اثرات ناگوار محیطی و نقص تسویه بیمه‌های کشاورزی، تورم و گرانی، هزینه‌های زندگی و دخالت بیش‌ازحد و غیرمجاز و غیرقانونی دولت در تولید و فروش و بازار محصولات کشاورزی و ایجاد جو بدبینی، نارضایتی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، قابل ندانستن بخش خصوصی اعم از حقیقی و حقوقی و تشکل‌ها در مشارکت و تعیین سرنوشت خودشان، بی‌ثباتی در تشکیلات و مدیریت‌های وزارت جهاد کشاورزی و عدم نظارت مجلس در وظایف، از قانونی که خودشان وصل کرده‌اند، دخالت نهادهای نظارتی، امنیتی و قضایی در دستگاه‌های



اجرایی به‌جای حمایت از تولید و مدیران لایق و غیره همه با هم موجبات این ناپایداری سیاسی و اجرایی را فراهم آورده است.

### ♦♦ ایران براساس آمار FAO در تولید ۶۸ محصول کشاورزی رتبه اول تا ۱۵ را دارد، چگونه می‌توان شاهد پویایی همه‌جانبه در بخش کشاورزی کشور بوده و به پایداری در این بخش رسید؟

مسلماً کارشناسان خبره و دنیادیده (FAO) با علم و شناخت از پتانسیل کشاورزی ایران اعلام نظر کرده‌اند. چیزی که کارشناسان داخلی ما کمتر به آن می‌پردازند و بیشتر بر نقاط منفی و نمی‌شود و نمی‌توانیم تکیه می‌کنند. بسیاری از کشورهای دنیا آرزو دارند که شرایطی مثل ایران برای فعالیت‌های کشاورزی داشته باشد؛ ایران دومین کشور متنوع اقلیمی دنیا برای کشاورزی است. تمامی محصولات کشاورزی که در کل دنیا پرورش و تولید می‌شود در ایران در شرایط باز و طبیعی قابلیت تولید دارند. آفتاب، انرژی، آب، خاک، تنوع زیستی و ژنتیکی فون و فلور، توپوگرافی، جنگل، کوه و دریا، دشت‌ها، کویر و بیابان، چهارفصل بودن، ۱۱ اقلیم مشخص کشاورزی، سابقه درخشان کشاورزی، زمان و مکان جملگی منابع و مواهب خدادادی بر این کشور هستند که ضمن برخورداری از گونه‌ها و ارقام و نژادهای اصیل و سازگار طبیعی، در بیشتر محصولات نیز رتبه‌های بسیار خوبی دارند.

پویایی همه‌جانبه بخش کشاورزی از طریق افزایش بهره‌وری با به‌کارگیری علم و دانش مطابق و سازگار با شرایط اقلیمی و استعداد هر منطقه تحت عنوان آمایش سرزمین یا آگرواکولوژی است. عوامل مهم و مؤثر در تولید محصولات کشاورزی شامل خاک یا زمین، آب، نهاده‌ها، مکانیزاسیون، سرمایه و مدیریت می‌باشد. اگرچه وجود تمامی عوامل ذکر شده لازم و ضروری است، اما با توجه به شرایط امروز و افزایش جمعیت سال‌به‌سال و کاهش منابع از طرف دیگر، رشد و توسعه تکنولوژی، نقش علم و آگاهی و دانایی در

افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها و تولید مطلوب و سالم و پایدار حداقل ۶۰ درصدی و در کشورهای توسعه‌یافته همانند آمریکا، هلند و فرانسه تا ۷۵ و ۸۰ درصد را به عهده دارد.

تولید ۱۵۰ تن چغندر قند در هکتار به‌جای ۵۰ تن متوسط، ۴۵ لیتر شیر هر رأس گاو شبانه‌روز به‌جای ۲۸ لیتر متوسط، ۲۸۰ کیلوگرم گوشت مرغ از هر مترمربع فضای مرغداری به‌جای ۸۰ کیلوگرم متوسط، گندم دیم ۴ تنی به‌جای یک‌تن متوسط در هکتار، ۶۰۰ تن گوجه‌فرنگی هر هکتار گلخانه به‌جای ۱۸۰ تن متوسط، تولید عسل ۵۰ کیلو از هر کندو به‌جای ۱۰ کیلو متوسط، برنج هفت و نیم تن به‌جای دو و نیم تن متوسط هر هکتار، زعفران ۳۳ کیلوگرمی به‌جای سه و نیم کیلوگرم متوسط هر هکتار و صدها مورد دیگر فقط و فقط منوط و مرتبط به‌کارگیری علم و دانش و درک پیچیدگی‌های تولید در بروز و ظهور پتانسیل محصولات کشاورزی است. متأسفانه و به‌جرات و یقین می‌توان گفت که در شرایط کشاورزی ایران علی‌رغم وجود فراوانی کارشناسان کشاورزی، محققین و هیئت‌های علمی کشاورزی و چندین میلیون کشاورز، سهم علم در تولید محصولات کشاورزی کمتر از ۲۰ درصد و حتی گاهی منفی است. افزایش تولید محصولات کشاورزی در ایران صرفاً بر اساس اتکا به منابع آب‌وخاک و نهاده‌ها بوده است.

کشاورزی که با دانش زمین کاشت ز هر بذری هزاران دانه برداشت

متأسفانه و به‌جرات و یقین می‌توان گفت که در شرایط کشاورزی ایران علی‌رغم وجود و فراوانی کارشناسان کشاورزی، محققینی و هیئت‌های علمی کشاورزی و چندین میلیون کشاورز، سهم علم در تولید محصولات کشاورزی کمتر از ۲۰ درصد و حتی گاهی منفی است. افزایش تولید محصولات کشاورزی در ایران صرفاً بر اساس اتکا به منابع آب‌وخاک و نهاده‌ها بوده است.

اگر از علم و عالم، دانش و دانشمند، مهارت و ماهر در کلیه بخش‌های اجرایی، اداری، تحقیقی، سیاست‌گذاری، تدوین قوانین، دستورالعمل‌ها، تشخیص استعداد مناطق و تولید محصولات کشاورزی استفاده و آنان را حمایت و دلگرم نماییم، کشاورزی ایران رونق می‌گیرد، پویا می‌شود، مهاجرت معکوس می‌گردد، درآمد، اشتغال و مواد غذایی افزایش می‌یابد، آب هدر نمی‌رود، بخش کشاورزی از سرمایه و انسان باسواد خالی نمی‌گردد و هر چیزی و کسی سر جای خویش قرار می‌گیرد و دقیقاً عدالت برقرار می‌شود.

بد نیست اشاره شود در تولید علم رتبه ۱۶ و در تعداد کارشناس رتبه ۱۵ جهانی را داریم، اما در انتقال علم به عرصه‌های تولیدی رتبه ۱۰۳ جهان را داریم که ناشی از سیاست‌های غلط و مجریان ناتوان است.

### ♦♦ با توجه به گزارش وزارت جهاد کشاورزی، ضایعات سالانه مواد غذایی، بهبودی مصرف ۱۸ درصد از آب مصرفی بخش کشاورزی را رقم می‌زند، اگر همین وزارت جهاد کشاورزی، متولی امور کشاورزی و چاره‌جویی جلوگیری از تلف شدن مواد غذایی و محصولات کشاورزی است، چرا برای ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات کشاورزی در مورد این مهم برنامه‌ریزی و اقدام تعیین‌کننده انجام نمی‌دهد؟ بخش خصوصی چرا به‌طور جدی در این عرصه ورود نمی‌کند، واقعاً چاره کار چیست؟

بد نیست در این موضوع بسیار مهم قدری بیشتر توضیح داده و ریشه‌یابی شود که ضایعات و هدر دادن منابع و عدم صرفه‌جویی و قناعت و مصرف درست، اسراف و تبذیر تنها در کشاورزی و توسط بخش کشاورزی اتفاق نمی‌افتد، بلکه اساس و بنیان جامعه گرفتار این موضوع بوده و در تمامی اقشار و اصناف ریشه دوانده است. تا از اساس این مصیبت حل نشود، ترکش آن به همه اعضای جامعه و کشور اصابت خواهد کرد. چقدر انواع انرژی هدر می‌رود و می‌سوزد؟ از «وقت» که گران‌ترین و عزیزترین

مترمکعب به غیر از آب باران است. به عبارتی میزان آب هدررفته ناشی از ضایعات بخش کشاورزی بیش از استفاده غیرمجاز آب‌های کشور در هر سال می‌باشد.

\* سوم؛ ضایعات دیگری به غیر از دو مورد اشاره شده در بخش کشاورزی داریم و آن تحت عنوان بقایای تولیدات کشاورزی همانند کاه و گیش، ساقه برگ و ریشه، چوب، پوست، پسماندها و کودهای دامی (جامد و مایع) که به محصولات فرعی کشاورزی هم معروف هستند. برای این مواد نیز همانند فرآورده‌های اصلی و اقتصادی آب، کود و سم، انرژی، کار و سرمایه به‌کاررفته و مصرف شده است. مجموع بقایای محصولات و تولیدات کشاورزی از دامی و زراعی و باغی حدود ۴۸,۵

چون به این مهم دست نمی‌یابیم، لذا این ضایعات (مادر همه ضایعات کشاورزی) را فرصت از دست‌رفته می‌دانیم.

\* دوم، ضایعات و تلفاتی است که علی‌رغم همه تلاش‌ها و ندانم‌کاری‌ها از محصولات تولیدشده حادث می‌شود که از زمین تا سفره و منابع دیگر مانند دامداری‌ها، شیلات، زنبورداری و غیره اتفاق می‌افتد. هر چند آمارها در این مورد زیاد دقیق نیست، اما حداقل میزان این نوع ضایعات را در حد ۲۰ درصد همه قبول دارند که در کل محصولات تولیدی معادل ۲۴ میلیون تن در هر سال است که برای این مقدار نیز آب باران و آبیاری استفاده شده که در حدود ۱۸ درصد کل آب مصرفی بین ۱۵ تا ۱۷ میلیارد

منبع است در طول عمر چگونه استفاده می‌کنیم؟ بهترین ایام و اوقات آدم‌ها در ادارات، دادگستری‌ها، شهرداری‌ها مطب‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، ترافیک و خیابان و اتوبوس‌ها، تلویزیون، مهمانی‌ها، جلسات، منازل، تعطیلات، شادی و عزاه‌ها، بانک‌ها، پروژه‌های نیمه‌تمام، باران‌های غیرضروری و صدها مورد دیگر صرف می‌شود. همچنین با ذخایر ژنتیکی (فلور و فون) کشور چه کرده‌ایم؟ از دوره‌های مختلف سنین انسان (طفولیت، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و بزرگ‌سالی) چگونه بهره‌برداری می‌شود؟ برای دانش آموزان در سیر آموزشی خویش چه مقدار از دروس علوم انسانی برای ارتقای علمی، اخلاقی، معنوی، عقیدتی، مآل‌اندیشی، اقتصادی، زیست‌محیطی و هنر کار کردن که فرزندان این مملکت و عامل اصلی توسعه هستند برنامه‌ریزی، تدریس و آموزش داده می‌شود تا متدین، متخصص، متعهد و وطن‌پرست شوند؟ چه مقدار و چه چیزهایی از کتب ترجمه‌شده خارجی در کلاس‌های خصوصی و عمومی به خورد این جوانان عزیز می‌دهند و ذهن و روح آن‌ها از این مطالب پر می‌کنیم. چه تعداد انسان‌های توانمند و دانشمند را ضایع و منفعل می‌کنیم و یا فراری می‌دهیم؟ مطابق برآورد مسئولان موظف، سالیانه معادل ۱۶۰ میلیارد دلار از بهترین فرزندان این آب‌و‌خاک را برای همیشه به‌عنوان فرار مغزها خارج می‌کنیم.

حال برگردیم به موضوع سؤال و ضایعات و هدر دادن مواد غذایی، باید گفته شود که در بخش کشاورزی چند نوع ضایعات قابل توجه داریم:

\* اول، ضایعات حاصل از فرصت‌های از دست‌رفته؛ یعنی اگر از علم، دانش و مهارت با افزایش بهره‌وری تولید محصولات کشاورزی با همین مقدار آب مصرفی ۷۵ (تا ۸۰ میلیارد مترمکعب) به دو برابر میزان فعلی و یا معادل نصف عملکرد تولیدکنندگان برتر هر محصول ارتقا و افزایش دهیم، یعنی راندمان و کارایی آب و تولید دو برابر می‌شود.





تحت فشار و تحریم هستیم و از همه مهم‌تر مشمول مواخذه خداوند تبارک تعالی که «مصرفین همانا برداران شیطان هستند» قرار خواهیم گرفت و اسراف همانند نزول و ربای بانک‌ها دودمان یک ملت را بر باد می‌دهد. چه کاری اولی‌تر، باصرفه‌تر، زودبازده‌تر، ارزان‌تر، پایدارتر، انسانی و خداپسندانه‌تر از این است که جلوی ضایعات را بگیریم؟ کدام طرح اقتصادی در شرایط موجود مناسب‌تر از این می‌تواند در چهارچوب اقتصاد مقاومتی و از بهترین‌ها در اصلاح الگوی مصرف بویژه در آب باشد؟ کاهش ضایعات بخش کشاورزی در حد صفر غیرممکن است، اما با تدبیر و درایت و برنامه‌ریزی‌های علمی و عملی، مادی و معنوی و به‌کارگیری کلیه ظرفیت‌های موجود در حوزه‌های مختلف و مشارکت کلیه آحاد ملت و مسئولان تقلیل ۲۰ درصد به ۵ درصد در یک دوره زمانی ۱۰ ساله (سال یک و نیم درصد) مقدور و میسر است. حاصل این اقدام اصولی، انسانی، عقیدتی، علمی، سرنوشت‌ساز و خداپسندانه، حفظ و بازیابی ۱۷,۵ میلیون تن از بارزش‌ترین مواد غذایی که برای آن حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیارد مترمکعب آب مصرف شده و می‌تواند غذای ۱۸ میلیون نفر را تأمین کند و ارزش اقتصادی آن به قیمت محصول مادر یعنی گندم (۱۵ هزار تومان هر کیلو) برابر با ۲۶۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان (با دلار آزاد ۵/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار) و پرهیز از خروج ارز برای واردات مواد غذایی و ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم برای ۴۰۰ هزار نفر و از همه مهم‌تر عدم کفران نعمت‌های الهی است.

برای دستیابی به این اهداف اصیل و مقدس مادی، معنوی، اعتقادی و شرعی، زیست‌محیطی، امنیت غذایی، صرفه‌جویی ارزی، درآمد اقتصادی و اشتغال‌زایی لازم است به میزان دو درصد ارزش فوق یعنی حدود ۵۰۰۰ میلیارد تومان (صد میلیون دلار) بودجه تخصیص داده شود که در طی ده سال ادامه و استمرار داشته باشد. البته منظور این نیست که بودجه تعیین شده بین استان‌ها مثل گوشت قربانی تقسیم شود و سرانجام‌کننده‌کار مشخص و کسی هم



و تبدیلی، عدم کیفیت، عدم دلسوزی، لاقیدی، بی‌تفاوتی، ضعف مدیریت، سستی اعتقادات، پول‌های بادآورده و با کار نکردن پول درآوردن، اشرافی‌گری، نوسانات قیمت محصولات، اسراف، مذهب مصرف‌گرایی، علمی نبودن کارها، نارضایتی از رفتار مسئولان، عدم توجه و شناخت به گرفتاری‌های کشور و نادانی است. اگر آب نداریم، تولید کم است، غذا گران است، بیکاری، فقر، گرسنگی، گرانی و تورم بیداد می‌کند، مهاجرت از روستا به شهر ادامه دارد، منابع آبی یکی پس از دیگری خشک می‌شود، میلیاردها دلار صرف واردات غذایی می‌کنیم،

**ضایعات حاصل از فرصت‌های ازدست‌رفته؛ یعنی اگر از علم، دانش و مهارت با افزایش بهره‌وری تولید محصولات کشاورزی با همین مقدار آب مصرفی ۷۵ (تا ۸۰ میلیارد مترمکعب) به دو برابر فعلی و با معادل نصف عملکرد تولیدکنندگان برتر هر محصول ارتقا و افزایش دهیم، یعنی راندمان و کارایی آب و تولید دو برابر می‌شود. چون به این مهم دست نمی‌یابیم لذا این ضایعات (مادر همه ضایعات کشاورزی) را فرصت ازدست‌رفته می‌دانیم.**

میلیون تن شامل ۲۵ میلیون تن فضولات دامی، ۲۰ میلیون تن زراعی و باغی و ۳,۵ میلیون تن کود مرغی است. این بقایا نقش بسیار مهمی در تغذیه دام‌ها، حاصلخیزی خاک، صنایع جانبی و تبدیلی، کنترل آفات و امراض دامی و نباتی، حفظ محیط‌زیست و سلامتی آب، خاک و هوا، گردش مواد و عناصر شیمیایی و تکمیل زنجیره غذایی و افزایش مواد عالی خاک و افزایش تولید، کاهش فرسایش آبی، بادی و همچنین افزایش راندمان آبیاری و تولید محصول سالم دارند. علی‌رغم همه تلاش‌ها و تبلیغ‌ها و فعالیت‌های اقتصادی هنوز بیش از ۵۰ درصد این مواد ضایع می‌شوند و در چرخه تولید، مصرف و بازسازی خاک قرار نمی‌گیرند و به صورت مختلف بویژه سوزانده می‌شوند.

\* **چهارم**، ضایعات کشاورزی از طریق فرسایش خاک می‌باشد. میزان فرسایش و هدر رفتن خاک سالانه ۱۶ تن در هر هکتار و نزدیک به ۲ میلیارد تن در کل کشور برآورد شده است که سهم بخش کشاورزی نزدیک به ۳۵۰ میلیون تن می‌باشد.

چرا باید با این همه هزینه‌ها و گرفتاری‌ها، شاهد ضایعات جبران‌ناپذیری در بخش کشاورزی باشیم؟ ضایعات زیاد و غیرقابل قبول نشانه بی‌دقتی، عدم دل‌بستگی به کشور و سرنوشت آن، فقدان صنایع فرآوری



پاسخگو نباشد. بلکه در واحد بهره‌وری وزارت جهاد کشاورزی، تیمی مجرب، متخصص، مخلص و آشنا به امور مربوطه تحت عنوان کمیته مدیریت ضایعات محصولات کشاورزی و با مشارکت مستقیم و مسئولانه بخش خصوصی تشکیل و این امر خطیر را هدایت، رهبری و به انجام برسانند و در مورد تک‌تک عوامل ایجادکننده ضایعات از اول تا آخر از صفر تا صد در کلیه محصولات و در تمامی مراحل برنامه داشته باشند و با اختیار کامل موضوعات را پیگیری و کلیه دستگاه‌های فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی، امنیتی، موظف و مشارکت با این تیم داشته و به همان نسبت نیز نتیجه کار را به موقع تحویل و به آحاد مردم اعلام و در مقابل پاسخگو باشند. به بخش خصوصی اگر احترام، مسئولیت و تسهیلات آبرومندانه‌ای داده شود و خود در کار شریک باشد، حتماً مشارکت خواهد کرد و کارها را به سرانجام مقصود می‌رساند.

خلاصه کلام میزان ضایعاتی که هر نفر ایرانی (به غیر از انواع ضایعات گفته‌شده فوق در بخش کشاورزی) در روز به جا می‌گذارد، نزدیک به ۹۰۰ گرم (دو برابر متوسط جهانی) و مقدار آن در یک سال برای جمعیت ۸۵ میلیون نفری بیش از ۲۷ میلیون تن (شامل قسمتی از مواد غذایی) و روزانه ۷۴ هزار تن و ماهیانه ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن و این به غیر از زباله‌های ساختمانی یا نخاله‌ها هستند که روزانه بالغ بر ۲۰۰ هزار تن و سالیانه ۷۳ میلیون تن است.

♦♦ سیاست‌های تجاری محصولات کشاورزی در کشور چقدر کشاورز محور است، در این زمینه چه اصلاحاتی را پیشنهاد می‌نمایید؟ یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که در بخش کشاورزی کشور وجود دارد و گلوگاه تولید و درد مزمن تولیدکنندگان است، نابسامانی بازار و تجارت، قیمت و فروش محصولات کشاورزی می‌باشد.

کشاورز تمامی مشکلات و ناملایمات تولید از تهیه نهاده‌ها، کشت و کار، داشت و برداشت، تنگناهای محیطی و هزینه‌ها را تحمل و

تقبل می‌کند، اما در عرضه و فروش آن به قیمت واقعی برای مصرف‌کنندگان و یا برای صادرات مشکل دارد و با موانع عدیده‌ای روبه‌روست. تفاوت قیمت بین فروش محصول توسط تولیدکننده اصلی و خرید به‌وسیله مصرف‌کننده بسیار زیاد و غیرمنطقی است، تولیدکننده ارزان می‌فروشد و مصرف‌کننده گران می‌خرد و به معنی واقعی مردم ضرر می‌کنند. به‌طور متوسط به جز چند محصول و دقیقاً یک محصول گندم، متوسط قیمت محصولات کشاورزی در بازار و برای مصرف‌کننده بین ۲،۵ تا ۳ برابر قیمت فروش تولیدکننده است. در این آشفته بازار فقط کسانی سود می‌برند که کاری نکرده‌اند، هزینه‌ای متحمل نشده‌اند، دردسر تولید و سرما و گرما و تگرگ و خشک‌سالی و کم‌آبی را احساس نکرده‌اند. نتیجه این نوع سیاست‌های اقتصادی کشور که بر مبنای دلالی و سوداگری استوار است، تخلیه روستاها و ترک تولید و تغییر شکل برای کشاورزان است و این نوع عملکرد اقتصادی به‌تمامی بنیان‌های انسانی، دیانت، تلاش و دانایی، فرهنگ کار و تولید لطمه زده و گسیختگی روابط اجتماعی و ناامنی و اضطراب را که عمدتاً ناشی از بی‌عدالتی است به وجود آورده است.

علی‌رغم تدوین و تصویب قوانین تعیین قیمت محصولات کشاورزی و تشکیل شورای قیمت‌گذاری، عملاً به علت عدم هماهنگی و تعارض منافع و آگاه نبودن به معضلات و هزینه‌های تولید همیشه تولیدکننده متحمل ضرر و زیان می‌شود. دولت در صادرات و واردات در تعیین قیمت‌های دستوری بدون کارشناسی بیش‌ازحد دخالت می‌کند و نظر تشکل‌ها و کارشناسان و کشاورزان لحاظ نمی‌شود و همیشه بازار محصولات کشاورزی و غذایی متشنج، آشفته و بی‌ثبات است. راه‌حل این معضل تجارت و تنظیم بازار محصولات کشاورزی، واگذاری امور به تشکل‌های تخصصی (بخش خصوصی) متشکل از کشاورزان، خبرگان و اقتصاددانان و حذف واسطه‌ها و به‌کارگیری درست ظرفیت

آن‌ها، پایداری قوانین و دستورالعمل‌ها و پرهیز از روزمرگی البته با هدایت و حمایت مفید مسئولان ذی‌ربط می‌باشد.

دولت باید برای رهایی از این دام گسترده که در آن گیر کرده و با هر تلاش غیرمفیدی گره‌ها و مشکلات آن بیشتر می‌شود، یک‌بار و برای همیشه با یک اقدام عاقلانه، منطقی و حساب شده، تجارت و بازار و توزیع و صادرات و واردات کالاهای کشاورزی را به بخش خصوصی موجه و با اهلیت واگذار کند و نیروهای بی‌شمار خویش را به‌جای توزیع کالاها و بگیروبیند متوجه عرصه‌های تولید نماید و با انتخاب علم و تکنولوژی نسبت به افزایش بهره‌وری تلاش کند.

♦♦ به‌منظور اجتناب از وضعیت مازاد و کسری محصولات کشاورزی در سال‌های متوالی که منجر به قیمت‌های غیرمنطقی در بازار می‌شود، با نگاه به تجربه جهانی چه سیاست‌های حمایتی کارآمدی را بر این بخش پیشنهاد می‌کنید؟

در گذشته که مردم بیشتر در روستاها و یا در خانه‌های ویلایی در شهرها و با مترآز و وسعت بالا شامل انباری، حیاط و زیرزمین زندگی می‌کردند و وضع آب، برق، گاز و حمل‌ونقل به‌صورت امروزی نبود، هر کس غذاهای اصلی و مایحتاج عمومی خویش را شش‌ماهه و یک‌ساله تأمین و نگهداری می‌کرد و بیشتر از مواد غذایی تولیدی همان محل در فصول مختلف مصرف می‌کردند که به غذاهای محلی یا به قول امروزی‌ها اکولوژی سفره خوانده می‌شد و یکی از دلایل تنوع غذایی کشور ایران در استان‌ها و شهرهای مختلف می‌باشد.

به‌مرور زمان و به‌اصطلاح با پیشرفت تکنولوژی و افزایش جمعیت و شهرنشینی و تغییر معماری ساختمان‌های مسکونی و آپارتمان‌نشینی و کاهش جا و فراهم بودن آب، برق، گاز، یخچال و وفور فروشگاه‌های کالاهای غذایی، سوپرمارکت‌ها، غرفه‌ها، میادین تره‌بار، هایپرمارکت و تغییر سبک زندگی و عادات غذایی و فست‌فودها،

رستوران‌ها و بیرون‌برها و هزاران نانوایی و غیره تأمین روزمره نیازهای غذایی از هر نوعی در هر موقعی از سال فراهم و قابل اکتساب است و از طریق سیستم حمل‌ونقل و توزیع کالا از هر نقطه کشور و حتی با واردات خارجی مواد غذایی در دسترس عموم می‌باشد. لذا مردم به‌طور عام تمایل و یا توانایی ذخیره کالا در منازل شخصی همانند گذشته را ندارند و نمی‌توانند داشته باشند. اگرچه برگشت به روش زندگی گذشته خوب یا بد دیگر ممکن نیست، اما باید به این مطلب اذعان کرد و توجه نمود که سیل مهاجرت از روستاها، نشانه سیاست‌های غلط و ناعادلانه متولیان کشور از گذشته تاکنون بوده است که بیشترین لطمه را به بخش تولید کشور وارد کرده است.

خالی کردن روستاها و متراکم شدن در شهرها، هزینه‌های کشور را از لحاظ امنیت قضایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هدر دادن منابع و افزایش سرانه مصرف انرژی، بهداشت و سلامتی، اخلاقی، وابستگی و مصرف‌گرایی و صدها مورد دیگر بالا می‌برد که برده است.

میزان کالری صرف‌شده و موردنیاز یک نفر کشاورز به‌صورت غذاهای مختلف روزانه در داخل روستا و ساکن محل خویش معادل ۲۲۰۰ و حداکثر ۳۰۰۰ کالری می‌باشد، اما میزان انرژی صرف شده همین شخص با

همین خصوصیات و خوردوخوراک ساکن شهر بیش از ۱۵ و حتی تا ۲۰ هزار کالری در روز خواهد بود که تا همان انرژی ۲۲۰۰ کالری به دستش برسد و مصرف کند با تغییر روش‌های زندگی چه مسکونی و چه غذایی و زرق‌وبرق شهری، توقع و انتظار مردم هم افزایش پیدا می‌کند؛ به‌طور مثال اگر دو روز گوجه‌فرنگی یا پیاز یا سیب‌زمینی کمتر و دیرتر به مغازه برسد، اولاً قیمت‌ها بالا می‌رود و در ثانیه سروصدای مردم هم بلند می‌شود. برعکس چنانچه میزان عرضه محصولات کمی بیشتر از نیاز روزمره باشد، قیمت اُفت می‌کند (البته دلال سودش را می‌برد)، کشاورز ضرر می‌کند و سروصدای او بلند می‌شود.

حال با توجه به شرایط اجتناب‌ناپذیر موجود برای رفع مشکل و برقراری ثبات بازار و تنظیم تولید و توزیع محصولات کشاورزی و پرهیز از کسری یا مازاد آن‌ها چه باید کرد؟ \* با افزایش بهره‌وری و به‌کارگیری علم و دانش تولید کلیه محصولات موردنیاز و علاقه مردم را افزایش دهیم،

\* ایران کشور چهارفصل است و قابلیت کشت همه محصولات را دارد. الگوی کشت را با استفاده از شرایط آب و هوایی و اقتصاد هواشناسی یا اکواگروکلیمات (Agro Climate Eco) استمرار تولید محصولات را داشته باشیم.

\* تضمین کافی، دلگرمی و حمایت از

تولیدکنندگان محصولات کشاورزی بویژه کالاهایی که موردنیاز و مطالبه مردم هستند ولی دارای نوسان سال‌به‌سال می‌باشد، داده شود. دولت نیازی نیست خودش تضمینی بخرد فقط کافی است چند محصول اصلی و اساسی را از نظر قیمت فروش تولیدکننده تضمین کند که اگر قیمت از آن کمتر شد، دولت با مذاکره و مشوق‌ها و یا پرداخت مابه‌التفاوت را تقبل نماید؛ مثلاً به کشاورز بگوید و یا تضمین کند که هر مقدار سیب‌زمینی یا گوجه‌فرنگی و پیاز تولید کردید، اگر مثلاً کمتر از ۱۰ هزار تومان فروختید، مابه‌التفاوت تا ۱۰ هزار تومان را پرداخت و حمایت می‌کند که دل کشاورز گرم باشد. مطمئن باشید اگر عوامل دولتی و اجرایی صادقانه و دلسوزانه و مدبرانه این‌گونه وارد عمل شوند، اصلاً هیچ نیازی به خرید تضمینی و حتی منجر به پرداخت مابه‌التفاوت هم نخواهد شد و بازار خودبه‌خود تنظیم می‌شود.

اگر اکنون دولت به معنی اعم کلمه در تنظیم بازار موفق نیست، برای این است که به‌جای ایجاد امید و دلگرمی و حمایت، با ندانم‌کاری موجبات آشفتگی را با قیمت‌های دستوری و غیرقابل اجرا فراهم می‌کند و البته هزینه بیشتری (چه مادی و چه معنوی) را هم متحمل می‌شوند. کمک و یارانه فقط پول و اسکناس نیست (اگرچه مهم است) بلکه انتقال علم، دانش و افزایش بهره‌وری در راندمان تولید و کاهش مصرف آب و هزینه‌ها، بالاترین و پایدارترین یارانه‌هاست که کلاً فراموش شده است.

\* کشور توانایی و ظرفیت تولید محصولات دامی بویژه گوشت مرغ، تخم‌مرغ، گوشت قرمز، آبیان، شیر و فرآورده‌های آن حتی دو برابر و (حداقل یک و نیم برابر) فعلی را دارد. در اینجا هم دولت به‌جای دستور و بگروبیند و ایجاد گرفتاری، شایسته است حمایت و تضمین قیمت و آموزش و افزایش بهره‌وری را داشته باشد. یکی از دلایل بالا بودن قیمت محصولات دامی، پایین بودن بهره‌وری و عملکرد و بالا بودن هزینه تولید



تسهیلات لازم و کافی برای احداث سردخانه، انبار و سیلوهای ذخیره و نگهداری مواد غذایی و صنایع تبدیل و فرآوری آنها از جمله موارد اساسی و ضروری پیشگیری از بی‌نظمی و کاهش نوسانات در بازار و عرضه و قیمت‌ها خواهد بود.

### ♦♦ در خصوص چگونگی حمایت‌های جدی دولت از کشاورزی در زمینه‌های نوآوری، توسعه تجارت، مدیریت ریسک و توسعه بازار و تشویق اقشار خاص به فعالیت‌های کشاورزی چه توضیحات و پیشنهادهایی ارائه می‌نمایند؟

خوشبختانه دولت از امکانات بویژه نیروی انسانی دانا و آگاه به‌اندازه کافی جهت نوآوری در فعالیت‌های کشاورزی برخوردار است که به‌عنوان محقق و هیئت‌علمی، مروج، مجری و مدیر و مسئول در جاهای مختلف مانند دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و ستاد وزارتخانه، استان‌ها، شهرستان‌ها و دهستان‌ها مشغول به کار هستند و سالیانه مبالغ هنگفتی نیز هزینه می‌کنند. منتهی به‌جای هدایت، آموزش و انتقال دانش و تکنولوژی توسط این متخصصین و کارشناسان در عرصه‌های تولید از جهت وارونه قیف، آنها را در بخش خدماتی و توزیع نهاده‌های داخلی و وارداتی، نظارت بر بازار و غیره استفاده می‌نمایند و عملاً از حیز انتفاع ساقط شده‌اند.

به‌کارگیری درست و به‌جای محققین و مجریان در جای مناسب خویش موجب نوآوری می‌گردد. تجارت و توسعه علمی و منطقی آن، پشتوانه تولیدات کشاورزی و دلگرمی تولیدکننده است. تجارت باید آسان، شفاف، عادلانه و آگاهانه و در جهت منافع ملی بویژه تولیدکنندگان باشد. دولت در هیچ جای دنیا تاجر خوبی نبوده و نخواهد بود. دولت ایران نیز می‌تواند و می‌بایست همانند کشورهای موفق و مردم‌دوست با واگذاری امور تجارت به بخش خصوصی توانمند و با اهلیت نسبت به روان‌سازی و توسعه آن اقدام نماید و خود دست از تجارت بردارد و هادی و نظارت‌کننده و تسهیل‌گر

کاهش ضایعات بخش کشاورزی در حد صفر غیرممکن است، اما با تدبیر و درایت و برنامه‌ریزی‌های علمی و عملی، مادی و معنوی و به‌کارگیری کلیه ظرفیت‌های موجود در حوزه‌های مختلف و مشارکت کلیه آحاد ملت و مسئولان تقلیل ۲۰ درصد به ۵ درصد در یک دوره زمانی ۱۰ ساله (سال یک و نیم درصد) مقدور و میسر است.

ترسالی و سیل، سرما و تگرگ و غیره. این ما هستیم که باید خودمان را با طبیعت هماهنگ کنیم و با اتخاذ سیاست‌ها و تدابیری از جمله ذخیره کالاهای اساسی به شرحی که گفته شد، بازار و نیاز مردم را تنظیم و تأمین نماییم. وجود و ارزش یک سردخانه خوب و مناسب با ظرفیت مثلاً ۱۰ هزار تنی به مساحت ۵۰۰۰ مترمربع معادل ۵۰۰ هکتار باغ میوه، ۱۲۵ هکتار گوجه‌فرنگی، ۳۰۰ هکتار سیب‌زمینی، ۱۵۰ هکتار پیاز و غیره است؛ به عبارتی سردخانه و میوه‌جات و تره‌بار مکمل و ملازم همدیگرند.

بسیاری از ضایعات محصولات کشاورزی به دلیل فقدان سردخانه‌های مناسب و در دسترس می‌باشد، اما هزینه احداث سردخانه با توجه به قیمت‌ها و تورم امروزه بالاست و بخش خصوصی تمایل چندانی برای این کار با این هزینه‌ها و سودهای بانکی ندارد؛ لذا دولت می‌بایست به‌منظور تنظیم بازار، کاهش واردات، کاهش ضایعات، عدم خروج ارز، صرفه‌جویی در مصرف آب، ایجاد درآمد و اشتغال و رفاه تولیدکنندگان و شهروندان، سرمایه‌های لازم و کافی با ایجاد انگیزه و ترغیب بدون سودها و یا با سود بسیار اندک در اختیار متقاضیان حقیقی و حقوقی و تشکلهای بخش کشاورزی قرار دهد. بنابراین ایجاد انگیزه برای افزایش تولید کلیه محصولات کشاورزی، برقراری الگوی کشت، تضمین قیمت محصولات اساسی و ضروری، ذخیره‌سازی کالاها و مایحتاج عمومی برای مدت ۱ تا ۲ سال، فراهم کردن

است، دولت به‌جای خروج ارز و خرید محصولات خارجی از تولید داخلی حمایت و محصول تولیدی را با کمک بخش خصوصی و تشکلهای و پشتیبانی امور دام خریداری و ذخیره و به‌تدریج روانه بازار می‌نماید. \* در چند کالای اساسی و موردنیاز مانند ذرت، سویا و جو که ظرفیت کشور در کوتاه‌مدت برای تأمین نیاز داخلی کفایت نمی‌کند، دولت با خرید به‌موقع و به‌اندازه دو سال از خارج و ذخیره‌سازی در انبارهای مناسب و مطمئن نه برای احتکار بلکه برای ابتکاررفع نیازهای تولیدکنندگان در مواقع ضروری اقدام نماید؛ به عبارتی حتماً کشور نیاز حداقل دو سال را ذخیره داشته باشد.

\* در گندم که نیاز و خوراک اساسی مردم است و به‌راحتی تأمین آن در کشور فراهم است. تولید ۱۵ تا ۱۶ میلیون تن گندم در دو میلیون هکتار اراضی آبی و چهار میلیون هکتار اراضی دیم، کاری شدنی، زیبا و لذت‌بخش است و هیچ عذر و بهانه‌ای هم برای عدم دستیابی به آن پذیرفته نیست و اگر چنانچه مواجه با گرفتاری و خشک‌سالی شدید شدیم، در مورد این محصول نیز دولت باید با واردات به همراه تولید داخلی نیاز سه‌ساله کشور را تأمین و در انبارها و سیلوهای کشور ذخیره نماید که ارزش و اهمیت آن کمتر از دفاع نظامی نیست و اما شرط اصلی و پشتوانه مطمئن تولید بیشتر محصولات تره‌باری و سیفی و سبزی، محصولات دامی و باغی و زراعی و تضمین قیمت آنها و ایجاد دلگرمی و حمایت واقعی تولیدکننده برای دست زدن به این کارها به‌منظور برقراری نظم و استمرار تولید و توزیع مناسب و به‌موقع و جلب رضایت تولیدکنندگان و مشتریان، داشتن سردخانه‌ها، انبارها، سیلوهای نگهداری و ذخیره این محصولات به‌صورت کاملاً بهداشتی، فنی، مکانیزه و صنایع فرآوری و تبدیلی در سراسر کشور می‌باشد. به طبیعت نمی‌توانیم دستور دهیم و دیکته کنیم که باران بیار و یا نبار تا ما کارمان را تنظیم کنیم، طبیعت کار خودش را انجام می‌دهد، یک سال خشک‌سالی و یک سال



امور باشد. سود اصلی تولیدکننده در تجارت مطلوب به محصولات است که خود تولید کرده است؛ به عبارتی سود حاصل از تجارت و ارزش افزوده آن باید به صاحب اصلی خویش یعنی کشاورز برگردد.

در شرایط فعلی عملکرد و دخالت غلط دولت و منفعت‌طلبی و مخفی‌کاری بخش خصوصی سوداگر (دلالت) ضربه سنگینی به تجارت و تولید و منافع ملی زده است. این وضع باید اصلاح شود، مدیریت ریسک و توسعه بازار و تشویق اقشار خاص به فعالیت‌های کشاورزی از موضوعات بسیار مهم دنیا و بویژه در ایران می‌باشد. هدف اصلی مدیریت ریسک ایجاد و برقراری امنیت در محیط کاری و اطمینان تولیدکنندگان و کسب‌وکارهای کشاورزی و افزایش ثبات عملیات تولید و تجارت است. وظیفه مدیریت ریسک که توسط اشخاص یا گروهی از زبده‌ترین افراد با فکر و آگاهی و تجربه بخش کشاورزی باید صورت گیرد؛ شامل شناسایی، ارزیابی و کنترل تهدیدات داخلی و خارجی و اقدامات پیشگیرانه برای استمرار و ثبات تولید و سرمایه و درآمد تولیدکننده و کسب‌وکارهای کشاورزی است. شرایط کنونی جهان به نحوی است که کلیه کشورها نیازمند مدیریت ریسک هستند، اما ایران از این منظر سرآمد جهان می‌باشد. کل کشور و تمامی بخش‌ها از جمله کشاورزی در زمینه‌های تأمین منابع مالی، مسائل فناوری، خطاهای مدیریتی، حوادث و بلایای طبیعی، تورم و گرانی، نوسانات بازار سرمایه و قیمت‌ها، رکود، خشک‌سالی و تغییرات اقلیمی، تحریم، بازاریابی و صادرات و واردات و ده‌ها عامل دیگر به‌عنوان ریسک خطر مواجه بوده و هست. بخش کشاورزی چون مستقیماً با طبیعت و آب‌وهوا ارتباط دارد و در فضای باز انجام می‌شود و با خطرات و ریسک‌های بیشتر و سخت‌تری نسبت به سایر فعالیت‌ها مواجه است؛ لذا وجود یک تیم مجرب، ماهر و کاربلد برای مدیریت ریسک و بحران‌های کشاورزی بسیار ضروری و حتمی است و حتی باید

بخش جدایی‌ناپذیر تشکیلات وزارت جهاد کشاورزی باشد. هرچند ذاتاً سیاست‌ها و برنامه‌های کشور بر اساس درمان پس از وقوع حادثه است که کاملاً پرهزینه و فاقد اثرات دائمی است، اما برقراری مدیریت ریسک توانمند به‌منظور تشخیص انواع ریسک‌ها و پیشگیری و یا به حداقل رساندن خطر آن‌ها از مهم‌ترین وظایف و کارهای پایدار و ماندگار و چاره‌ساز کشور ایران و بخش کشاورزی است.

جلب مشارکت مردم، ایجاد امید، رغبت، رضایت و میل باطنی آنان بزرگ‌ترین اقدام در جهت مدیریت ریسک‌ها و پیشگیری از بروز بحران‌هاست. ایجاد ارزش، همبستگی با تشکیلات رسمی وزارت جهاد کشاورزی، قدرت تصمیم‌گیری، فرآیند سیستماتیک و ساختارمند، صراحت در عدم قطعیت، دسترسی و آگاهی از بهترین اطلاعات، به‌روز بودن، در نظر داشتن عوامل انسانی، شفاف بودن، پویا و پاسخگو بودن، قدرت بهبود و ارتقای اوضاع، ارزیابی دوره‌ای، شناسایی مشکلات بالقوه پیش از وقوع، داشتن برنامه، تشخیص ریسک‌های داخلی و خارجی همگی از اهداف و وظایف استاندارد مدیریت ریسک می‌باشد.

توسعه بازار محصولات کشاورزی چه در شرایط عادی و جاری و چه در مدیریت ریسک باید از امور استراتژیک و هدفمند متولیان بخش کشاورزی و دولت باشد. رایزنی و ارتباط با کشورهای مختلف در پنج قاره و بویژه با کشورهای همسایه و یافتن بازار و مشتری برای محصولات کشاورزی کشور و افزایش تعداد و تنوع آن‌ها موجب رونق و توسعه و تجارت کسب‌وکارهای کشاورزی و همچنین پیشگیری از بروز ریسک در مواقع بحرانی چه سیاسی و چه اقلیمی و اقتصادی است؛ به عبارتی در توسعه بازار و بازاریابی کالاهای کشاورزی کشور نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد گذاشت.

ورود افراد و اقشار خاص و توانمند و دانا و باادب و با شخصیت و متمکن و حافظ

منافع ملی و با اهلیت به بخش کشاورزی چه در تولید و چه در تجارت، صادرات و واردات مستلزم شفاف‌سازی قوانین و دستورالعمل‌ها و استمرار آن‌ها، احترام و تحویل گرفتن، تسهیل امور، آزار و اذیت نکردن، خودی دانستن، دفع موانع و مشکلات موجود در داخل و خارج از کشور، طمع نداشتن از منافع و منابع آن‌ها، روشن کردن قیمت ارز و برگشت آن، درک جایگاه و منزلت ایشان، حمایت و رفع مزاحمت این‌ها از شر تعدادی افراد به‌ظاهر تاجرنا ولی در عمل سودجو و عدم دلسوزی از منافع کشور که زمینه را برای چنین افرادی نامن می‌کنند و غیره می‌باشد.

اگر همین کارهای انسانی و اخلاقی و بدون هزینه انجام شود، کم‌کم افراد خوب وارد عرصه فعالیت‌های کشاورزی خواهند شد و گرنه آتش همان آتش و کاسه همان کاسه خواهد بود.

#### ◆◆ کلام آخر:

مشکلاتی که امروزه در بخش کشاورزی با آن مواجه هستیم، بزرگ و پیچیده هستند و به‌سادگی و به‌تنهایی توسط دولت در شرایط فعلی قابل حل نمی‌باشند. راهکار مؤثر و فوری برای حل مسائل مربوط به کشاورزی، افزایش بهره‌وری، صرفه‌جویی در مصرف آب، تأمین امنیت غذایی، کاهش ریسک و خطرات، تجارت و تنظیم بازار، کاهش نوسانات مازاد یا کاهش تولید و غیره می‌باشد.

کنسرسیومی (ستاد یا شورایی) متشکل از دولت (وزارت جهاد کشاورزی)، مجلس کشاورزان (نمایندگان)، کسب‌وکارهای کشاورزی، مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی با سرمایه‌گذاران و شرکت‌های دانش‌بنیان در یک چهارچوب سیستماتیک سازمان‌دهی و کنار هم تشکیل دهیم تا دیدگاه همه برای اخذ بهترین نتایج و تصمیمات استراتژیک، پیوسته و منظور شود. بدهی است این شورا (کنسرسیوم) لطمه‌ای به سیستم اداری نخواهد زد که عده‌ای نگران شوند. ◆◆

گفت‌وگو با «حمیدرضا صالحی» رییس هیئت مدیره انجمن سازندگان و تأمین‌کنندگان کالا و خدمات انرژی‌های تجدیدپذیر (ساتکا)

## آینده مشخص انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا

در سبد انرژی ما بیشتر سوخت‌های فسیلی مورد استفاده است، زیرا به دلیل ارزان بودن و غیرواقعی بودن قیمت انرژی ناشی از سوخت فسیلی، این نوع سوخت در اولویت مصرف بوده و ضرورتی دیده نشده که به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر حرکت کنیم. در کشورمان شاید سرانه مصرف انرژی آن‌چنان بالا نباشد، اما شدت مصرف انرژی بالاست. علت اصلی و ناترازی بین تولید و مصرف انرژی، ناشی از چگونگی مصرف و تولید است. پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۵۰، ۵۰ درصد از انرژی مصرفی بشر از محل مصرف برق خواهد بود. بنا به اعلام آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۲۲، ۸۵ درصد سرمایه‌گذاری‌ها در دنیا در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر بوده است. حمیدرضا صالحی رییس هیئت مدیره انجمن سازندگان و تأمین‌کنندگان کالا و خدمات انرژی‌های تجدیدپذیر (ساتکا) یادآوری می‌کند که کشور ما کمتر از یک درصد تولید برق را از طریق تجدیدپذیرها انجام می‌دهد که باید با اصلاحات لازم با توجه به حرکت‌هایی که دولت آغاز کرده است هرچه سریع‌تر سهم خود از استفاده از انرژی پاک در دنیا را محقق کند. مشروح گفت‌وگوی ما با حمیدرضا صالحی در ادامه در دسترس است.



ما کمتر از یک درصد تولید برق را از طریق تجدیدپذیرها انجام می‌دهد. امیدواریم با توجه به برنامه‌ها و تمهیداتی که دولت انجام داده است این عدد رشد و جهش بزرگی را تجربه کند و منجر به پیشرفت و رشد اساسی گردد.

### ♦♦ روند توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در

#### کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

توسعه تجدیدپذیرها در ایران در حوزه خورشیدی و بادی صورت گرفته و تنها یک درصد تولید برق کشور را شامل می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در این بخش آن‌طور که باید و شاید دارای اهمیت نبوده و در سال‌های گذشته به دلایل

### ♦♦ وضعیت انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران و

#### جایگاه آن در جهان را چگونه توضیح می‌دهید؟

رشد انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا از شتاب بسیار بسیار بالایی برخوردار است و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این زمینه طی سال‌های گذشته حدود ۸۵ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه انرژی را شامل می‌شود؛ به این معنی است که در دنیا میزان سرمایه‌گذاری برای تولید برق در نیروگاه‌های تجدیدپذیر در مقایسه با سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های حرارتی، آبی، اتمی و سایر نیروگاه‌ها، ۸۵ درصد از کل می‌باشد و این عدد، عدد بزرگی است. در مقایسه با پیشرفت دنیا در خصوص استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، کشور

مختلف به این موضوع توجه نشده و روند

توسعه موفقیت‌آمیز نبوده است.

کشور ما بر پایه انرژی‌های فسیلی اداره می‌شود؛ به عبارتی سبد انرژی کشور از انرژی‌های فسیلی تأمین می‌گردد. از آنجایی که این نوع انرژی ارزان است، لذا در مقایسه با دیگر کشورها اهمیت چندانی به انرژی‌های تجدیدپذیر داده نشده و سرمایه‌گذاری مناسبی در این زمینه صورت نگرفته است. تاکنون چون که دولت منابع





هم اشاره شد به این موضوع برمی‌گردد که در سبب انرژی ما بیشتر سوخت‌های فسیلی مورد استفاده است و به دلیل ارزان بودن و شاید بهتر بگوییم به دلیل غیرواقعی بودن قیمت انرژی ناشی از سوخت فسیلی، این نوع سوخت در اولویت مصرف بوده، در نتیجه ما ضرورت ندیده‌ایم که به سمت انرژی‌های تجدید پذیر حرکت نماییم.

در برنامه ششم، پیش‌بینی احداث و تولید ۵ هزار مگاوات نیروگاه تجدید پذیر انجام شد، اما هزار مگاوات هم نیروگاه احداث نشد. کلیه این سیاست‌ها ابتدا نیاز به یک اراده جدی دارد و سپس بایستی در این سیاست‌ها بودجه و برنامه‌ریزی برای منابع لازم را در نظر بگیریم، صرفاً با حرف‌های زیبا، آرزو و آمال نمی‌توان این موضوعات را به سرانجام رساند.

♦♦ آیا مصرف انرژی در کشورمان بی‌رویه است،

در این مورد چه توضیحاتی ارائه می‌نمایید؟

در کشور ما شاید سرانه مصرف آن‌چنان بالا نباشد، اما شدت مصرف انرژی بالا است و این موضوع در زمینه برق، آب، بنزین و موارد

در کشور ما از دهه ۶۰ هجری شمسی در منطقه شروع شده و در آن زمان هیچ‌کدام از کشورهای منطقه در این زمینه فعال نبودند، ما در حال حاضر نه فقط در موضوع تجدیدپذیرها عقب‌مانده‌ایم بلکه در موضوع سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دیگر نیز عقب‌افتاده‌ایم؛ برای مثال خاموشی‌هایی که در حال حاضر در صنعت برق داریم نشانگر این است که سرمایه‌گذاری کافی در این حوزه انجام نشده است. علت اصلی عقب‌افتادگی ما در حوزه تجدیدپذیرها همان‌طور که در سؤال قبل

توسعه تجدیدپذیرها در ایران در حوزه خورشیدی و بادی صورت گرفته و تنها یک درصد تولید برق کشور را شامل می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در این بخش آن‌طور که باید و شاید دارای اهمیت نبوده و در سال‌های گذشته به دلایل مختلف به این موضوع توجه نشده و روند توسعه موفقیت‌آمیز نبوده است.

لازم را نداشته سرمایه‌گذاری زیادی انجام نداده و همچنین با توجه به رشد تورم، سیستم‌های تشویقی که در دنیا مرسوم است در کشور ما وجود ندارد. امیدواریم این روند و دیدگاه یعنی استفاده از سوخت فسیلی تغییر کند، چون سوخت فسیلی سوختی یارانه‌ای است و اگر یارانه‌ها اصلاح شود و اعداد واقعی شوند مشخص می‌شود که سوخت فسیلی نمی‌تواند جوابگو باشد و ما باید به سمت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر حرکت کنیم و خیلی از کشورهای همسایه دارای نفت هم‌اکنون اقدامات اساسی و زیرساختی برای تغییر به سمت تولید برق از تجدیدپذیرها انجام داده‌اند.

♦♦ واقعاً مشکل کجاست که با توجه به پتانسیل

کم‌نظیر ایران در تولید انرژی خورشیدی حتی یک مزرعه انرژی خورشیدی در مقیاس جهانی در کشور ایجاد نشده است، در کنار برنامه‌های کشورهای حوزه خلیج فارس در این زمینه، ایران کجا ایستاده است؟

علی‌رغم این‌که پروژه‌های تجدید پذیر

همان‌طور که اشاره شد در سال ۲۰۲۲، آژانس بین‌المللی انرژی اعلام نموده که ۸۵ درصد سرمایه‌گذاری‌ها در دنیا در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر بوده است. این عدد نشان می‌دهد که دنیا اراده جدی خود را عملیاتی کرده و ما بایستی برای جلوگیری از این که روزی متهم به تولید کربن زیاد نشویم (متأسفانه در حال حاضر جزو ۱۰ کشور اول دنیا در این مورد هستیم)، تولید کربن را کاهش دهیم. پر واضح است که یکی از راه‌های مؤثر در این زمینه، تولید انرژی از طریق تجدیدپذیرها است.

### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

امروزه همه کشورهای دنیا دست‌به‌دست هم داده‌اند تا از آموزش‌هایی که در نهادهای مشترک بین‌المللی در بخش‌های مختلف و در حوزه‌های مرتبط با توسعه پایدار و استفاده از ظرفیت‌های تجدیدپذیرها در تولید انرژی برای زندگی بشر گرفته تا آموزش‌هایی که در سطح دانش‌آموزان و خانواده‌ها انجام می‌شود، استفاده کنند که همه و همه تأکید بر کاهش تولید کربن و آلاینده‌ها دارند. ما نیز در کنار آن‌ها باید تلاش کنیم که تولید کربن را در منطقه کاهش دهیم. یکی از راه‌های بسیار تأثیرگذار آن استفاده از ظرفیت تجدیدپذیرها است که متأسفانه تا به امروز به آن اهمیت کافی داده نشده و ضروری است که دولت ضمانت‌ها، حمایت‌ها و تشویق‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری در این بخش را فراهم نماید. علی‌رغم این که دولت سیزدهم حرکت‌هایی را شروع کرده است؛ از جمله تابلوی برق سبز و ورود انرژی تجدیدپذیر به تالار شیشه‌ای بورس که حرکت بسیار بزرگی بود و جای تشکر دارد، بایستی در زمینه‌های دیگر از جمله آزادسازی قیمت‌ها و غیره نیز اقداماتی صورت گیرد تا کشور ما هم هرچه سریع‌تر در استفاده از انرژی پاک در دنیا سهم خود را ایفا کند. ◆◆

آینده انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا مشخص است و اکثر کشورها به این سمت حرکت کرده‌اند و قواعدی که در نهادهای بین‌المللی نوشته می‌شود، از جمله در سازمان ملل و نهادهای مربوطه و آمارهایی که از مجموعه‌هایی مثل آژانس بین‌المللی انرژی منتشر می‌شود و تدابیری که در آژانس دیده شده همه و همه نشان می‌دهد که ما در آینده نزدیک شاهد رشد انرژی‌های تجدیدپذیر در زمینه تولید برق خواهیم بود. از طرفی پیش‌بینی شده که در سال ۲۰۵۰، پنجاه درصد از انرژی مصرفی بشر از محل مصرف برق خواهد بود؛ به عبارتی زندگی بشر، بیشتر وابسته به برق خواهد شد به طوری که تعداد خودروهای برقی به ۱٫۴ میلیارد خواهد رسید. بنابراین حرکت به سمت تجدیدپذیرها یک ضرورت است و کشور ما نیز با وجود این میزان افزایش سهم برق در مصرف انرژی، باید به سمت سوخت‌های پاک حرکت نماید. برای این منظور باید از فرصت‌های مشترکی که بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی وجود دارد و همچنین از ظرفیت‌هایی که در دنیا تعریف شده مثل GCF صندوق اقلیم سبز (Green Climate Fund) که صندوقی به‌منظور حمایت و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر است و CTN مرکز و شبکه فناوری آب و هوایی (Climate Technology Centre and Network) که یک مجموعه فنی، علمی و تکنولوژیکی است، استفاده نماییم.

در برنامه ششم، پیش‌بینی احداث و تولید ۵ هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر انجام شد، اما هزار مگاوات هم نیروگاه احداث نشد. کلیه این سیاست‌ها ابتدا نیاز به یک اراده جدی دارد و سپس بایستی در این سیاست‌ها بودجه و برنامه‌ریزی برای منابع لازم را در نظر بگیریم، صرفاً با حرف‌های زیبا، آرزو و آمال نمی‌توان این موضوعات را به سرانجام رساند.

دیگر نیز صدق می‌کند، ولی علت اصلی کمبود و ناترازی که بین تولید و مصرف در کشور است صرفاً مصرف بالا نیست بلکه به تولید ربط دارد؛ بنابراین اگر نقد و توصیه‌ای در زمینه بهینه‌سازی مصرف و شدت مصرف داریم یا اعتقاد داریم که میزان مصرف با GDP کشور هم‌خوانی ندارد و شاید مسیری که برای مصرف انتخاب شده خوب نیست، باید به زیرساخت اساسی اقتصاد انرژی در کشور نیز توجه شود؛ یعنی باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی‌ها انجام شود که پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی برای سرمایه‌گذاران جذاب شوند و از برگشت سرمایه اطمینان خاطر پیدا کنند و همچنین امکان سرمایه‌گذاری برای دولت هم میسر نباشد تا بخش خصوصی بتواند ورود نماید؛ در نتیجه اقتصاد انرژی در اولویت قرار می‌گیرد و مشکل فعلی به‌طور ریشه‌ای حل می‌شود.

### ◆ نظر شما در مورد چگونگی رشد سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در بخش‌های تقاضا شامل صنعت، ساختمان، کشاورزی و حمل‌ونقل چیست؟

موضوع ترویج تجدیدپذیرها در همه بخش‌ها از جمله بخش خانگی، صنعت، کشاورزی و غیره یک امر حتمی و اجتناب‌ناپذیر است و نه انتخابی فانتزی. یادمان نرود ما باید به سمتی حرکت کنیم که تولید کربن و آلاینده‌ها در کشور را کاهش دهیم و این موضوع جز از راه تولید برق پاک و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر امکان‌پذیر نیست. در واقع برق حرارتی نباید بیش‌از اندازه و خارج از چهارچوبی که برای کشور تعیین شده تولید شود تا منجر به صرف هزینه‌های کلان نشود. قطعاً در این شرایط بایستی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر حرکت کنیم.

◆ براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی از سال ۲۰۲۳ قرار است که ظرف سه سال انرژی‌های تجدیدپذیر به بزرگ‌ترین منبع برق تبدیل شود و ۳۵ درصد برق جهان را تأمین کند. کشورمان در این واقعیه چه خواهد کرد؟

# ناترازی برق و دلایل آن

## ایمان احمدی

مدیرعامل شرکت مهندسی مشاهیر نیروی جنوب



با توجه به وابستگی ناترازی به تولید و مصرف برق در این مقاله قصد داریم تا به بررسی جزئیاتی از میزان تولید و مصرف برق در ایران بپردازیم و عوامل مؤثر بر آن را تجزیه و تحلیل کنیم.

### تولید برق

تأمین برق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای زندگی مدرن به‌عنوان یکی از عوامل اصلی پیشرفت و توسعه اقتصادی در هر کشور محسوب می‌شود. در ایران نیز تولید و مصرف برق به‌عنوان یکی از عناصر حیاتی اقتصاد و زیرساخت‌های سنگین مدنظر قرار دارد.

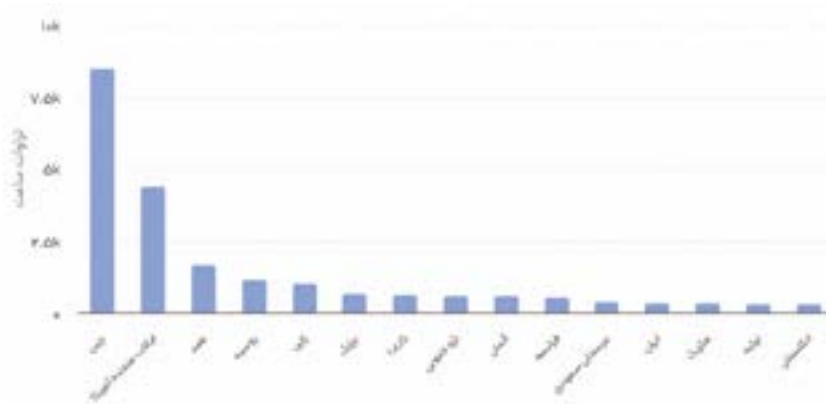
### تاریخچه

در سال ۱۸۸۰ میلادی در تهران، کارخانه گازی (بر پایه زغال‌سنگ) با هزینه‌ای حدود ۳۰٫۰۰۰ پوند استرلینگ به دستور حسین خان سپه‌سالار به بهره‌برداری رسید. با توجه به اطلاعات موجود برقی شدن ساختمان‌های دولتی در دوره حکومت ناصرالدین‌شاه (حدود سال ۱۸۸۷ میلادی) با اسلحه‌خانه دولت و سکونتگاه شاه در تهران آغاز شده است. در سال ۱۹۰۰ میلادی، اولین نیروگاه برق (با ظرفیت ۶٫۶ کیلووات) در شهر مشهد ایران ساخته شد. دو سال بعد یک نیروگاه دیگر (با ظرفیت ۱۹ کیلووات) در همان شهر ساخته شد. در سال ۱۹۰۳ میلادی، یک نیروگاه برق با ظرفیت ۹۳ کیلووات در رشت احداث شد که به‌صورت نامنظم عمل کرد و پس از مدتی تعطیل شد. در سال ۱۹۰۵ میلادی، یک نیروگاه برق با ظرفیت ۹۳ کیلووات در تبریز ساخته شد. تنها در سال ۱۹۰۸ میلادی، حاج حسین امین‌الضرب نیروگاه برقی (با ظرفیت ۳۰۰

در جامعه امروز ما واژه ناترازی تولید و مصرف برق به یک مفهوم همگان فهم تبدیل شده که متأسفانه عموم جامعه نه‌تنها معنی آن را دقیق می‌دانند بلکه سهم بزرگی از جامعه تبعات آن را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس کرده و روح و روانشان با این مفهوم صیقل یافته است. در شبکه‌های برق میزان مصرف برق با میزان تولید برق می‌باید در لحظه برابر بوده و در صورتی که مصرف برق از میزان تولید بیشتر شود، شبکه دچار افت فرکانس شده و ناپایدار می‌گردد. در این حالت جهت حفظ قابلیت اطمینان و پایداری شبکه و برطرف نمودن کمبود تولید، بهره‌بردار شبکه می‌باید تولید را افزایش دهد و در صورتی که امکان افزایش تولید نباشد جهت برطرف نمودن ناترازی می‌باید مصرف را کاهش داده و به شبکه خاموشی اعمال نماید. تولید برق یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها محسوب می‌شود. در ایران نیز با وجود منابع عظیم انرژی، همچنان چالش‌هایی در تولید و مصرف بهینه برق وجود دارد. ظرفیت نیروگاه‌های کشور حدود ۹۰ هزار مگاوات است که البته همه این ظرفیت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. متوسط رشد تولید برق در ایران طی دهه‌های اخیر حدود ۳ درصد بوده است. البته این رشد با میزان رشد مصرف همخوانی نداشته و مصرف برق در کشور به‌طور متوسط سالانه ۵ درصد افزایش یافته است. این عدم تطابق باعث بروز کمبودهای موقتی در تأمین برق مصرفی شده است.

کیلووات) را در تهران برای کارخانه آجر خود احداث کرد. این نیروگاه زیر نظر آلمان به بهره‌برداری رسید و همچنین برای روشن کردن ساختمان‌های دولتی استفاده می‌شد. نیروگاه در خیابان برق آن زمان قرار داشت فروش برق توسط امین‌الضرب در تهران به ازای هر لامپ انجام می‌شد؛ هزینه مصرف هر شب روز بعد از مشتریان دریافت می‌شد. نرخ‌ها بر اساس نوع مشتری و مدت زمان مصرف برق متفاوت بود. در سال ۱۹۲۹ میلادی، در تهران ۷ نیروگاه برق با ظرفیت ۶۳۰ کیلووات برای روشنایی خیابان‌ها وجود داشت. قبل از اوایل سال ۱۹۳۴ میلادی، برق تنها تا نیمه‌شب در دسترس بود و کمی بعد تا ساعت ۰۲:۰۰ بامداد در دسترس قرار می‌گرفت. هنگامی که تجهیزات جدید در همان سال وارد شد، برق به مدت ۲۴ ساعت در روز در دسترس قرار گرفت. تا سال ۱۹۳۰ میلادی نیروگاه‌های برق در ۲۹ شهر وجود داشت. تا سال ۱۹۳۶ میلادی، در سراسر ایران حدود ۱۰۰ نیروگاه برق، شامل





نمودار شماره (۱): کشورهای تولیدکننده برق در سال ۲۰۲۱

جدول شماره (۱): اطلاعات ظرفیت نیروگاهی کشور

ظرفیت نسب شده نیروگاهی	سهام (درصد)	میزان در سال ۱۴۰۰ واحد	میزان در سال ۱۴۰۱	رشد سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ (درصد)
بخاری	۱۷,۴	۱۵۸۲۹	۱۵۸۲۹	-
گازی	۲۴,۹	۲۱۳۸۶	۲۲۶۲۸	۵,۸
چرخه ترکیبی	۳۹,۲	۳۲۹۳۵	۳۵۵۵۹	۸
برق-آب	۱۳,۴	۱۲۱۹۳	۱۲۱۹۳	-
آبسی	۱,۱	۱۰۲۰	۱۰۲۰	-
تولید پراکنده (DG, CHP)	۲,۵	۲۱۸۱	۲۲۳۳	۲,۴
انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک	۱	۹۲۳	۱۰۳۸	۱۲,۵
دیزل	۰,۵	۴۰۷	۴۰۷	-
<b>کل ظرفیت نصب شده</b>	<b>۱۰۰</b>	<b>۸۶۸۷۴</b>	<b>۹۰۹۰۷</b>	<b>۴,۶</b>
قدرت عملی شبکه سراسری در زمان پیک	حرارتی و آبی	۵۳۳۷۱	۵۶۷۴۴	۶,۳
	برق-آب و انرژی تجدیدپذیر	۱۰۶۶۴	۱۱۲۰۰	۵
	جمع	۶۴۰۳۵	۶۷۹۴۴	۶,۱
تولید همزمان شبکه سراسری در زمان پیک	حرارتی و آبی	۴۹۷۱۳	۵۱۱۷۶	۲,۹
	برق-آب و انرژی تجدیدپذیر	۵۰۴۸	۸۲۲۰	۶۲,۸
	جمع	۵۴۷۶۱	۵۹۳۹۶	۸,۵
دریافت برون مرزی قدرت نامین شده حداکثر تقاضای سال	در زمان پیک	۳۲۶	۳۷۱	۱۳,۸
	یک روز	۵۵۳۷۹	۵۹۹۶۶	۸,۵
	یک روز	۶۷۲۰۵	۶۹۶۵۷	۳,۶

جدول شماره (۲): ظرفیت منصوبه نیروگاهی سال ۱۴۰۱

ردیف	شرح	بهره‌برداری شده در سال ۱۴۰۰ (مگاوات)	بهره‌برداری شده در سال ۱۴۰۱ (مگاوات)	درصد تغییرات
۱	گازی	۴۹۴	۲۵۴۵	۴۱۴,۵
۲	بخاری	۰	۰	۰
۳	چرخه ترکیبی	۶۶۰	۱۳۱۶	۹۹,۴
۴	آب	۰	۰	۰
۵	تولید پراکنده	۱۵۸	۸۳	-۴۷,۵
۶	تجدیدپذیر و پاک	۹۸,۵	۱۱۴,۷۷	۱۶,۵
۷	جمع	۱۴۱۰,۵	۴۰۵۸,۷۷	۱۸۷,۷

نیروگاه‌های خصوصی و دولتی وجود داشت. ظرفیت در سال ۱۹۳۹ میلادی ۲۰ مگاوات بود (بدون در نظر گرفتن تولید شرکت نفت انگلیسی-ایرانی) که توسط ۱۴۹ نیروگاه در ۶۱ شهر تولید می‌شد. اولین نیروگاه‌های هیدروالکتریک در دهه ۱۹۲۰ میلادی ساخته شدند. اولین آن‌ها در مراغه واقع شد. این روند افزایشی در ایران ادامه داشت تا در نهایت در سال ۱۴۰۱ به حدود ۳۵۲۸۱۱ میلیون کیلووات ساعت حجم فروش و ۹۱ هزار مگاوات توان منصوبه رسید. ایران از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان برق در منطقه خاورمیانه است. ایران در زمینه تولید برق در جایگاه دوازدهم دنیا قرار دارد.

در جدول شماره (۱) ظرفیت (نامی و عملی) نیروگاه‌های کشور آورده شده است. در پایان سال ۱۴۰۱ با توجه به آمار رسمی وزارت نیرو با اینکه ظرفیت نامی نصب شده نیروگاهی کشور حدود ۹۱ هزار مگاوات می‌باشد ولیکن حداکثر توان تولیدی همزمان واقعی در زمان پیک شبکه با توجه به محدودیت‌ها ۵۹۳۹۶ مگاوات می‌باشد بدین معنی شبکه نیروگاهی کشور همزمان حداکثر امکان حدود ۶۰ هزار مگاوات توان در زمان پیک شبکه را دارند. در این سال حداکثر تقاضای برق ۶۹۶۵۷ مگاوات بوده که نشان از حدوداً ۱۰ هزار مگاوات کمبود ظرفیت تولید نسبت تقاضای برق و ناترازی تولید و مصرف دارد. همان‌گونه که در جدول شماره (۱) مشخص است بیشترین ظرفیت نیروگاهی مربوط به چرخه سیکل ترکیبی و پس از آن نیروگاه‌های گازی است. کمترین میزان ظرفیت نیز مربوط به نیروگاه‌های دیزلی و انرژی‌های تجدید پذیر است. از نظر رشد درصدی ظرفیت در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ بیشترین میزان رشد مربوط به انرژی تجدید پذیر بوده ولیکن با توجه به مقدار بسیار جزئی ظرفیت این مقدار چشمگیر نبوده است.

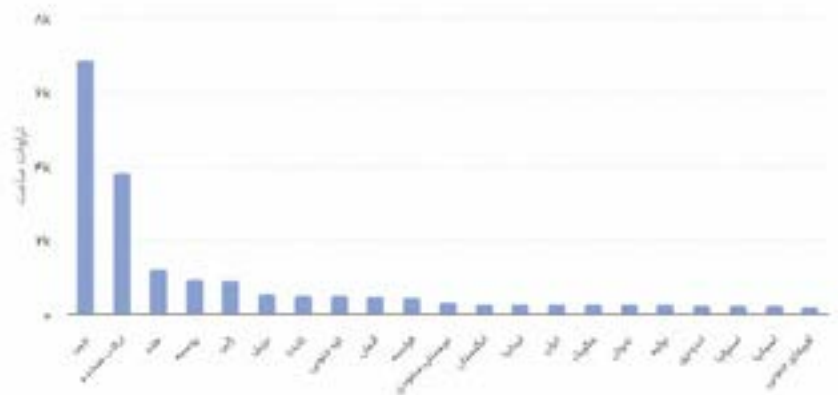
به‌طور کلی میزان ظرفیت نیروگاهی منصوبه کل در پایان سال ۱۴۰۱ نسبت به پایان سال ۱۴۰۰ به میزان ۴,۶ درصد افزایش یافته است.



جدول شماره (۳): اطلاعات انرژی الکتریکی تولیدی

موضوع	شرح شاخص	سال ۱۴۰۰	سال ۱۴۰۱	رشد سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ (درصد)
تولید ناویژه انرژی برق کشور از ابتدای سال	حرارتی و اتمی	۳۴۲۲۶۲	۳۵۲۸۱۱	۳,۱
	برق- آبی و انرژی تجدیدپذیر	۱۳۶۸۶	۱۶۹۴۸	۲۳,۸
	جمع	۳۵۵۹۴۸	۳۶۹۷۵۹	۳,۹
انرژی دریائیس (برون موزی)		۳۰۱۴	۳۸۷۸	۲۸,۷
انرژی اوسالی (درون موزی)		۵۷۱۹	۴۹۸۶	-۱۲,۸

نمودار شماره (۲): کشورهای مصرف کننده برق



جدول شماره (۴): میزان مصرف انرژی الکتریکی کشور

شرح	واحد	سال ۱۴۰۰	سهم مصرف (درصد)	سال ۱۴۰۱	سهم مصرف (درصد)	درصد تغییرات
خانگی	میلیارد کیلووات ساعت	۹۸۴۶۴	۳۲,۱	۱۰۰۲۳۳	۳۱,۷	۱,۸
عمومی		۲۶۵۱۵	۸,۶	۲۷۶۳۴	۸,۷	۴,۲
کشاورزی		۴۳۹۹۰	۱۴,۴	۴۵۶۲۴	۱۴,۴	۳,۷
صنعتی		۱۱۰۲۱۲	۳۵,۹	۱۱۴۷۶۹	۳۶,۲	۴,۱
سایر مصارف		۲۲۳۸۲	۷,۳	۲۳۶۷۰	۷,۵	۵,۸
روشنایی معابر		۵۰۴۹	۱,۷	۴۷۰۲	۱,۵	-۶,۹
کل فروش		۳۰۶۶۱۲	۱۰۰	۳۱۶۶۳۲	۱۰۰	۳,۳

جدول شماره (۵): تعداد مشترکین به تفکیک تعرفه

شرح	واحد	سال ۱۴۰۰	سال ۱۴۰۱	درصد تغییرات
خانگی	هزار مشترک	۳۰۸۸۵	۳۱۶۴۵	۲,۵
عمومی		۱۸۴۴	۱۹۰۸	۳,۵
کشاورزی		۵۰۲	۵۲۳	۴,۲
صنعتی		۲۶۶	۲۶۸	-۰,۸
سایر مصارف (تجاری)		۵۱۲۲	۵۲۹۳	۳,۳
کل مشترکین		۳۸۶۱۹	۳۹۶۳۷	۲,۶

در جدول شماره (۲) میزان ظرفیت منصوبه اضافه شده در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نشان داده شده است. همان‌گونه مشخص است بیشترین میزان ظرفیت اضافه شده در بخش نیروگاه‌های گازی با مقدار ۲۵۴۵ مگاوات بوده و ظرفیت تجدید پذیر تنها حدود ۱۱۵ مگاوات افزایش یافته است.

براساس آمار تفصیلی صنعت برق ایران در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ میزان رشد قدرت نامی نیروگاه‌ها به‌طور متوسط ۳,۴ درصد و میزان قدرت عملی نیروگاه‌ها به‌طور متوسط ۳,۲ درصد بوده است.

انرژی الکتریکی تولیدی نیروگاه‌ها در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. این جدول نشان‌دهنده رشد ۳,۹ درصد کلی انرژی تولیدی در سال ۱۴۰۱ نسبت به ۱۴۰۰ می باشد.

### مصرف برق ایران:

آمار رسمی مصرف برق در ایران و جهان نشان می‌دهد ایران در رتبه ۱۴ جهان پس از عربستان سعودی، انگلیس و ایتالیا قرار دارد.

میزان مصرف برق مشترکین در ایران به تفکیک تعرفه در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ در جدول شماره (۴) نشان داده شده است. میزان کل مصرف (فروش) برق در پایان سال ۱۴۰۱ نسبت به پایان سال ۱۴۰۰، ۳,۳ درصد افزایش داشته است که بیشترین افزایش در بخش سایر مصارف و عمومی به ترتیب ۵,۸ و ۴,۲ درصد است.

این رشد مصرف به دو آیتم:

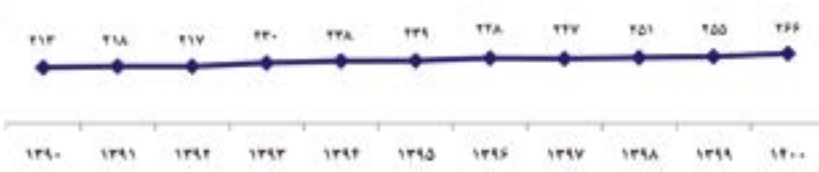
۱- افزایش تعداد مشترکین،

۲- افزایش سرانه مصرف مشترکین بستگی دارد.

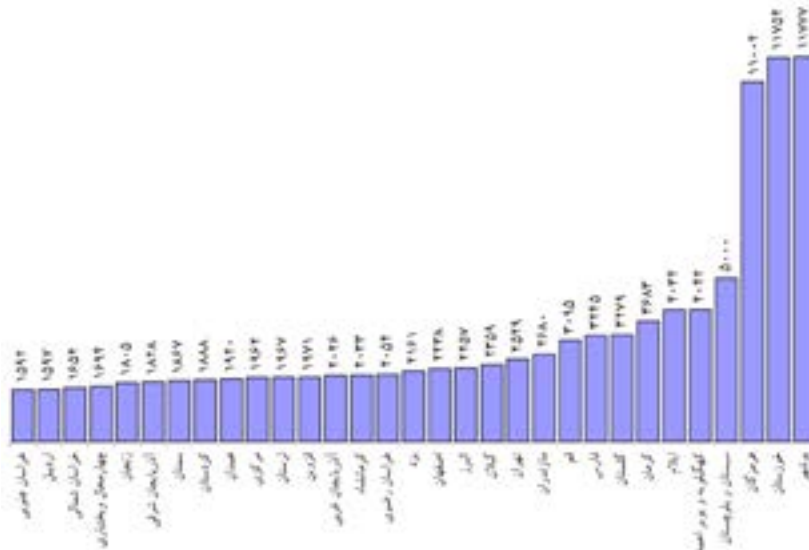
در جدول شماره (۵) تعداد مشترکین به تفکیک تعرفه نشان داده شده است.

این جدول نشان‌دهنده رشد به‌طور متوسط ۲,۶ درصد تعداد مشترکین در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ می‌باشد.

بر اساس آمار و اطلاعات شرکت توانیر، سرانه مصرف برق خانگی به‌عنوان شاخصی



نمودار شماره (۳): روند تغییرات متوسط مصرف ماهانه مشترکین تعرفه خانگی کل کشور در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ (کیلووات ساعت)



نمودار شماره (۴): متوسط مصرف سالیانه مشترکین خانگی استان‌ها در سال ۱۴۰۰ (کیلووات ساعت)

که مصرف برق هر ایرانی در خانه را به‌صورت ماهانه رصد کرده و میانگین آن را محاسبه می‌کند افزایشی بوده است.

نمودار شماره (۳) روند رشد مصرف ماهانه مشترکین خانگی را نشان می‌دهد.

در نمودار شماره (۴) متوسط مصرف سالانه مشترکین خانگی به تفکیک استان‌ها نشان داده شده است.

براساس آمار تفصیلی صنعت برق در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ تعداد مشترکین سالانه به‌طور متوسط ۴,۵ درصد و میزان مصرف انرژی سالانه به‌طور متوسط ۵,۷ درصد رشد داشته است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به موارد ذکر شده میزان رشد مصرف برق در سال‌های گذشته به‌طور متوسط ۵,۷ درصد بوده ولیکن میزان ظرفیت عملی تولید اضافه شده به‌طور متوسط در هر سال ۳,۲ درصد بوده است و این اختلاف باعث ایجاد شکاف در تولید و مصرف برق گردیده و نتیجه آن اختلاف حدود ۱۰ هزار مگاوات بین تولید و مصرف برق در کشور می‌باشد. برای جبران این ناترازی می‌باید در ابتدا این میزان اختلاف کاهش یافته و برنامه‌ریزی بلندمدت برای اضافه

مصرف برق نام برد که دولت می‌بایست با اصلاح تعرفه برق و قیمت‌گذاری صحیح در اصلاح سرانه تأثیرگذار باشد. ♦♦

شدن ظرفیت تولید سالانه به میزان حداقل رشد مصرف برق صورت پذیرد. از راهکارهای دیگر می‌توان به کاهش و اصلاح سرانه



# مدیریت منابع انرژی در ایران

♦ رضا پدیدار

عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران



منابع و ذخایر نفت و گاز و به‌طورکلی انرژی، بسیار حائز اهمیت است. در این رابطه و برای مدیریت تأمین منابع و امنیت عرضه انرژی کشور، می‌بایست تقاضای هر یک از این بخش‌ها به‌صورت کامل و بویژه در اوج بار، بررسی و به نحوی شایسته تأمین شود؛ بنابراین لازم است به پیش‌بینی‌های تخصصی برای تقاضای بخش‌های مصرف‌کننده انرژی حداقل در طی پنج سال آینده پرداخته شود و موردبررسی و مذاقه کامل قرار گیرد. در این رابطه به چهار بخش اصلی تقاضای انرژی در کشور پرداخته شده و آثار و تبعات آن‌ها را در فرآیند تولید و مصرف انرژی موردتوجه قرار خواهیم داد.

**۱- بخش خانگی:** در این بخش به‌عنوان یکی از پرمصرف‌ترین بخش‌های متقاضی انرژی و نقش آن در مدیریت منابع انرژی در ایران باید گفت که انرژی سطوح مختلف بخش خانگی، عمدتاً نقش تأمین دمای آسایش و ایجاد رفاه برای خانوارها را در کشور بر عهده دارد. از عوامل تغییرات مصرف انرژی به رشد سالانه یک‌درصدی جمعیت و رشد سالانه سه‌درصدی تعداد خانوارهای مستقل و

مدیریت منابع یا بهتر بگوییم سبد انرژی در ایران یکی از راهبردهای اساسی و پایه‌ای کشور برای دستیابی به‌نظام اقتصادی پایدار و مستمر در تمام عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی است. امروزه نفت و گاز به‌عنوان مهم‌ترین منابع تأمین انرژی بشر تلقی می‌گردند. کشور ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای دارنده ذخایر غنی نفت و گاز شناخته شده است. این انرژی‌ها در بخش‌های مختلفی نظیر خانگی، صنعتی، حمل‌ونقل و نظایر آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. تأمین امنیت عرضه پایدار انرژی در کشور ایران به دلیل گره خوردن مشکلات متعدد طی سال‌های متمادی به امری پیچیده تبدیل شده است. از این‌رو برای سنجش عمق مسائل و طراحی راهکارهای لازم و مناسب، ضرورت دارد پیش‌بینی تولید، تبدیل و مصرف انرژی در قالب طرح جامع مدیریت منابع انرژی در ایران کاملاً مشخص و موردتوجه جدی قرار گیرد. در این ارتباط ضرورت دارد که اهداف و رویکردهای این مهم در قالب فرآیندی استوار به‌عنوان یکی از ارکان توسعه و پیشرفت مورد مطالعه قرار گرفته و در مقام یک عامل اثرگذار در بیشتر فعالیت‌های تولیدی و خدماتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. به‌طورمعمول حامل‌های انرژی به‌عنوان سوخت یا ماده اولیه در بخش‌های مختلف مصرفی از جمله صنعت، حمل‌ونقل، مصارف خانگی و نظایر آن به‌کاررفته و سهم قابل‌توجهی از مدیریت اقتصادی برنامه‌ها و طرح‌ها را به خود اختصاص داده است. از این‌رو تأمین امنیت عرضه پایدار انرژی در کشور ایران به‌عنوان سومین کشور دارنده

بخش خانگی انرژی با مصرف سالانه و رشد ۵ درصدی (حداقل) مواجه خواهد شد و این مهم یکی از تأثیرگذارترین عوامل تعیین‌کننده بر ساختار مدیریت تأمین منابع انرژی در ایران است. با نگاهی تطبیقی در کشورهای جهان بویژه اتحادیه اروپا می‌توان با ضرس قاطع گفت که مصرف انرژی خانگی در سبد مصرف اتحادیه اروپا معادل ۵,۲ برابر و در مقیاس جهانی معادل ۳,۵ برابر است.

نیز دو برابر شدن میانگین وزنی آن می‌توان اشاره نمود. بنا به عوامل ذکر شده در این بخش‌ها می‌توان گفت که بخش خانگی انرژی با مصرف سالانه و رشد ۵ درصدی (حداقل) مواجه خواهد شد و این مهم یکی از تأثیرگذارترین عوامل تعیین‌کننده بر ساختار مدیریت تأمین منابع انرژی در ایران است. با نگاهی تطبیقی در کشورهای جهان بویژه اتحادیه اروپا می‌توان با ضرس قاطع گفت که مصرف انرژی خانگی در سبد مصرف اتحادیه اروپا معادل ۵,۲ برابر و در مقیاس جهانی معادل ۳,۵ برابر است. در این صورت یکی از عوامل اصلی در مدیریت منابع انرژی در ایران، تعیین تکلیف نهایی بخش خانگی است که برابر آخرین آمارها بیش از نیمی از تولید و عرضه منابع انرژی را در خود می‌بلعد.

**۲- بخش صنعت:** در این بخش نیز به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم مصرف‌کننده انرژی در کشور، می‌توان گفت که این بخش شامل صنایع سبک و سنگین، کشاورزی و خدمات و

پیش‌بینی می‌شوند، با خودروهای کشورهای اروپایی نظیر آلمان که بیش از ۸۵ میلیون دستگاه خودرو دارد، برابری می‌کند. میزان مصرف بنزین خودروها برای هر یکصد کیلومتر مسافت معادل ۸,۵ تا ۹ لیتر گزارش شده، درحالی‌که این میزان در اروپا حدود ۴,۵ و در آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور دارنده خودرو در جهان نزدیک به ۵,۵ لیتر در صد کیلومتر است. با این وضعیت تبیین سیاست‌های تولید و مصرف انرژی به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین سیاست‌های اجرایی و عملیاتی در فرآیند نظام اقتصادی مطلوب در کشور خواهد بود.

#### ۴- در بخش‌های فعال اقتصادی کشور،

صنعت پتروشیمی نیز دارای تعداد مشخص و معدودی طرح در سطح نگهداشت و نیز توسعه است. از این‌رو می‌توان گفت پس از تکمیل جهش سوم توسعه صنعت پتروشیمی طی ۵ سال آینده، مجموع انرژی مصرفی این صنعت به‌عنوان سوخت و خوراک از ۹۹۲

استفاده می‌شود و این بخش دارای دو وجه رفاهی و اقتصادی است. حدود نیمی از مصرف بنزین برای مصارف رفاهی و نیمی دیگر برای مصارف خدمات به کار برده می‌شود. از طرفی تقریباً تمام مصرف گازوئیل کشور نیز در بخش تولید و خدمات مصرف می‌شود. از تغییرات عوامل مؤثر اصلی در مصرف انرژی این بخش به رشد سالانه ۳ درصدی اقتصادی، تولید خودروهای بدون افزایش راندمان، رشد سالانه حداقل یک‌درصدی جمعیت و نیز رشد سالانه ۳ درصدی تعداد خانوار مستقل می‌توان اشاره کرد. لذا بنا به عوامل ذکر شده، در این بخش مصرف سالانه با رشد متوسط حداقل ۳ تا ۳,۵ درصدی مواجه خواهد شد. در یک نگاه تطبیقی و برای حصول اطمینان از آنچه بر مدیریت غیرمتعارف منابع انرژی در ایران می‌گذرد نیز می‌توان گفت که میزان مصرف بنزین و گازوئیل خودروهای ایران که در حدود ۲۰ تا ۲۲ میلیون دستگاه خودرو فعال

نیز صنایع نوین و الکترونیکی است و به‌طور کلی خدمات صنعتی یکی از بخش‌های حائز اهمیت در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در کشور بوده و به‌بیان‌دیگر یکی از عوامل اصلی تولید و رشد اقتصادی هستند. سهم این بخش در سبد مدیریت منابع انرژی در پاره‌ای از موارد بین ۳۰ تا ۳۵ درصد است که با توجه به اسناد بالادستی کشور می‌تواند در قالب مدل‌های صنایع پیشرفته و نیز کاهش تولید و مصرف انرژی، موردتوجه بیشتری از سوی مقامات و تصمیم‌گیرندگان کشور قرار گیرد. توجه داشته باشیم که بر پایه سیاست‌های متخذه از سوی دولت‌مردان و در مقاطع زمانی محدودیت‌های منابع انرژی، مدیریت این بخش مهم به‌سوی مدیریت محدود مصرف حرکت نموده و عمدتاً در فصول مختلف سال موجب تعطیلی و یا کاهش روزهای کاری در این فرآیند می‌گردد. **۳- بخش حمل‌ونقل:** در این بخش عمدتاً از بنزین و گازوئیل به‌عنوان سوخت اصلی





هزار بشکه معادل نفت خام در روز به عددی نزدیک به ۱،۵ تا ۲ میلیون بشکه برسد. از این میزان، حدود ۴۶ درصد گاز طبیعی خواهد بود (معادل ۱۵۵ میلیون مترمکعب در روز گاز طبیعی) و مابقی از طریق میعانات گازی، مایعات گازی و نیز پالایشگاه‌های نفت خام تأمین خواهد شد. این در شرایطی است که گام توسعه‌ای پتروشیمی در همین سطح باقی ماند و در صورت اجرای طرح‌های توسعه‌ای، دستیابی به تولید بیش از ۱۰۰ میلیون تن محصولات پتروشیمی، این فرآیند دستخوش تغییرات گسترده‌ای بوده و نظام برنامه‌ریزی کشور می‌بایست در مدیریت منابع انرژی خود تجدیدنظر جدی نماید و یا اقدامات اساسی را به کار ببندد. در این حالت و با توجه به فرضیات و محاسبات ذکر شده، در مجموع برای تأمین انرژی کشور در ۵ سال آینده به میزان حداقل ۱۷۳۵ میلیون بشکه معادل نفت خام از انواع حامل‌های انرژی نیاز است. در حقیقت در این راستا باید بخش تولید و تبدیل انرژی توسعه یابد تا تقاضای جدید را تأمین کنند.

با عنایت به نکات پیش‌گفته و حسب آخرین مطالعات و پیشنهادها ارائه شده در جهت مدیریت منابع انرژی در ایران که عمدتاً در قالب طرح تأمین امنیت عرضه انرژی صورت گرفته است، باید یادآوری نمایم که مرکز مطالعات زنجیره ارزش براساس آخرین بررسی‌ها و واکاوی‌های خود معتقد است که کشور ایران طی ۵ سال آینده در صورت ادامه مصرفی روند موجود، با کسری حتمی در تأمین انرژی در حوزه گاز، برق و فرآورده‌های آن مواجه خواهد شد. انتقال و جابه‌جایی این کسری در پیک‌های مختلف تقاضا از هریک از این حامل‌ها به دیگری، مسئله مهمی است که حاکمیت باید درباره آن تصمیم بگیرد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که تأمین انرژی بخش خانگی، از اولویت‌های اصلی حاکمیت بوده است، اما در اوج تقاضا، امنیت عرضه باز هم به‌صورت کامل تأمین نشده است و در این زمینه نیز موفق نبوده است. از طرفی تجربه‌هایی مانند

تعطیلی صنایع به دلیل تأمین انرژی گاز و برق خانگی از تجربیات هزینه‌زای بخش انرژی کشور است. **چنانچه کشور بخواهد در زمینه انرژی همچنان خودکفا بماند و مجبور به واردات گاز، برق یا فرآورده‌ها نشود، می‌بایست امور زیر به‌صورت جدی پیگیری و اجرا شود:**

**الف - افزایش هزینه برای مصرف غیر بهینه در بخش‌های مختلف و هوشمند سازی یارانه‌های پنهان انرژی که به‌صورت ناعادلانه در حال حاضر توزیع می‌شود.**

**ب - فعال‌سازی طرح‌های بهینه‌سازی انرژی در بخش‌های مختلف و در صورت نیاز اصلاح قانون و تدوین قوانین جدید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید،**

**ج - تدوین سازوکارهای انگیزشی برای جذب و تأمین سرمایه‌ها در راستای اجرای طرح‌های توسعه و نگهداشت تولید نفت و گاز در کشور.**

**د - به‌کارگیری راه‌های مختلف تأمین برق از مسیرهایی به‌جز گاز طبیعی در کشور و همکاری مؤثر و مستقیم با بخش خصوصی در این فرآیند.**

**ه - تأسیس پترو پالایشگاه برای تأمین فرآورده‌های نفتی و خوراک‌های موردنیاز جهت بهره‌گیری در صنعت پتروشیمی و نیز سایر صنایع با ارزش‌افزوده بالا از مسیر توانمندسازی و حمایت از بخش خصوصی واقعی.**

**دولت در تخصیص منابع انرژی در حال حاضر بین «خانه» و «کارخانه»، خانه را در اولویت قرار می‌دهد و این به معنای اولویت پایین‌تر اقتصاد و تولید در منطق حکمرانی کشور است. این موضوع خلاف سیاست‌های کلان کشور و صد البته عقل و منطق است. مطمئناً می‌بایست با مدیریت همزمان عرضه و تقاضا، امنیت تأمین پایدار انواع حامل‌های انرژی را البته با همکاری و همراهی بخش خصوصی واقعی در کشور تضمین نمود، ان‌شاءالله.**

و- توسعه متوازن و هدفمند صنعت پتروشیمی مبتنی بر تأمین پایدار و بلندمدت خوراک و صد البته تمرکز بر توسعه زنجیره ارزش مواد میانی و نهایی مبتنی بر محصولات پایه پتروشیمی تولید در داخل کشور.

ز- تبیین مفاهیم خام‌فروشی و خام‌سوزی زیر نظر کارشناسان و نخبگان این حوزه در بخش‌های مختلف اقتصادی بویژه بخش خصوصی در کشور.

کلام پایانی اینکه در جهان امروز، منابع انرژی و بویژه نفت و گاز به‌عنوان نیروی محرک در تمام حوزه‌های صنعتی و خانگی راه پیدا کرده است. مصارف خانگی به‌عنوان پرمصرف‌ترین و مصارف صنعتی به‌عنوان مهم‌ترین بخش‌های مصرفی انرژی محسوب می‌شوند. از این‌رو توجه به مقدار تولید و مصرف این نیروها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این پژوهش به پیش‌بینی مقدار مصرف انرژی در ۵ سال آینده پرداخته شده است که جداگانه و در فرصت دیگری تقدیم شما خوانندگان ارجمند خواهد شد. ضمناً با بررسی فرضیات و محاسبات مطرح شده در کشور ایران در سال ۱۴۰۵ با کسری حتمی در تأمین گاز و ژئیل و گاز طبیعی مواجه خواهیم بود. به همین دلیل و با توجه به هدفمند کردن یارانه‌های پنهان انرژی، بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف و فراهم نمودن برق از مسیرهایی به‌جز گاز طبیعی می‌تواند رویکرد مناسبی را برای مصرف انرژی فراهم آورد. ضمناً این نکته نیز می‌بایست موردتوجه قرار گیرد که دولت در تخصیص منابع انرژی در حال حاضر بین «خانه» و «کارخانه»، خانه را در اولویت قرار می‌دهد و این به معنای اولویت پایین‌تر اقتصاد و تولید در منطق حکمرانی کشور است. این موضوع خلاف سیاست‌های کلان کشور و صد البته عقل و منطق است. مطمئناً می‌بایست با مدیریت همزمان عرضه و تقاضا، امنیت تأمین پایدار انواع حامل‌های انرژی را البته با همکاری و همراهی بخش خصوصی واقعی در کشور تضمین نمود، ان‌شاءالله. ♦♦

# بازرگانی و خدمات



- + فرصت مغتنم؛ ضرورت نگاه بلندمدت در مراودات اقتصادی ایران و عراق
- + تحلیل بازار صادراتی روسیه با استفاده از ماتریس SWOT
- + صادرات سنتی خسارت‌زاست
- + پیامدهای سیاست ارزی بر تولید و تجارت اقتصاد ایران
- + تجارت خارجی کشور با تأکید بر ارزش وزنی صادرات و واردات
- + سهم ایران از بازار جهانی سنگ‌های تزئینی



گفت‌وگو با دکتر «یحیی آل اسحاق» رییس اتاق مشترک ایران و عراق

## فرصت مغتنم

### ضرورت نگاه بلندمدت در مراودات اقتصادی ایران و عراق

ایران و عراق نیازمند همکاری اقتصادی با هم هستند. سطح روابط اقتصادی ایران و عراق در افق ۵ ساله بر اساس حجم و تراز تجاری دوجانبه به میزان ۲۰ میلیارد دلار هدف گذاری شده که در حال حاضر روابط تجاری دو کشور از مرز ۱۰ میلیارد دلار در سال عبور کرده است. در سال گذشته میلادی حدود ۱۹ درصد از مجموع واردات کالایی عراق از کشورمان انجام شده است. باید به سوی سرمایه‌گذاری مشترک با عراق حرکت کنیم و از بازار این کشور به عنوان سکویی برای ورود به بازار کشورهای عربی بهره ببریم. عراق تا ۱۵ سال آینده بزرگترین مرکز سرمایه‌گذاری در منطقه است. به بازار عراق باید نگاه بلندمدت داشت و سرمایه‌گذاری در تمام حوزه‌های زیربنایی، فرصت خوبی برای ایران به حساب می‌آید. البته فضای رقابتی بر این بستر حاکم است که باید ملاحظات این رقابت را در نظر بگیریم. دکتر یحیی آل اسحاق، رییس اتاق مشترک ایران و عراق تاکید می‌کند که باید از فرصت‌های همکاری اقتصادی با عراق به درستی بهره‌برداری کنیم؛ اگر مجموع روابط بانکی و تجاری، مقررات حمل و نقل و روابط حقوقی تسهیل کننده باشد، روابط ایران و عراق دو یا سه برابر وضع فعلی خواهد شد. صادرات کالاهای غیر نفتی کشورمان به عراق از ۵۸۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۲ به رکورد ۱۰ میلیارد دلاری در سال ۱۴۰۱ رسیده است که این امر در سایه تلاش فعالان اقتصادی و دست‌اندرکاران حوزه عراق در کنار نقش موثر اتاق مشترک ایران و عراق رخ داده است. شرح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانیم.





عراق نگاه بلندمدت داشت و راه‌های مختلف سرمایه‌گذاری مشترک در برقراری روابط تجاری با این کشور را در نظر گرفت. پارلمان عراق اخیراً برای مخارج این کشور در سال جاری و ۲ سال آینده سالانه بودجه‌ای ۱۵۳ میلیارد دلاری را تصویب کرده که مقرر است بخش اعظمی از آن به پروژه‌های توسعه‌ای با هدف بهبود خدمات و بازسازی زیرساخت‌های این کشور که در جنگ آسیب‌دیده است، اختصاص یابد. قسمتی از هزینه‌های این بودجه قرار است از طریق سرمایه‌گذاری خارجی تأمین شود. لذا سرمایه‌گذاری در تمام حوزه‌های زیربنایی فرصت خوبی برای ایران به حساب می‌آید. البته فضای رقابتی بر این بستر حاکم است که باید ملاحظات این رقابت را نیز در نظر بگیریم. سرمایه‌گذاران می‌توانند برای سرمایه‌گذاری در عراق کنسرسیوم‌های مشترک تشکیل دهند، زیرا اکنون به‌تنهایی کار کردن سخت است؛ بنابراین کنسرسیوم‌ها می‌تواند به‌صورت مشترک بین فعالان اقتصادی ایران و عراق و حتی کشور سوم تشکیل شوند. باید با عراق به‌سوی سرمایه‌گذاری مشترک حرکت کنیم و از بازار این کشور به‌عنوان سکوی برای ورود به بازار کشورهای عربی بهره ببریم. اگر تضمین‌های لازم را در هر دو طرف

♦♦ مهم‌ترین رقبای ما در عراق چه کشورهایی هستند و در مجموع سهم ایران از صادرات مجموعه جهانی به این کشور چه میزان است؟

ایران طی سالیان اخیر همواره از مهم‌ترین شرکای تجاری عراق و در برخی مقاطع زمانی نیز اولین کشور صادرکننده کالاهای موردنیاز عراق بوده است. در سال گذشته میلادی حدوداً ۱۹ درصد از مجموع واردات کالایی عراق، از کشورمان صورت گرفته است. در حال حاضر کشورهای چین، ترکیه، هند، کره جنوبی و آلمان حضور پررنگی در زمینه صادرات به عراق دارند و از مهم‌ترین رقبای ما در این کشور هستند. آمریکا، کشورهای اروپایی و منطقه نیز برای افزایش سهم و حضورشان در بازار عراق در حال برنامه‌ریزی و به دنبال همکاری بلندمدت با عراق هستند.

♦♦ ارزیابی شما از چگونگی حضور ایران در پروژه‌های سرمایه‌گذاری عراق چیست؟ اصولاً آیا در شرایط فعلی می‌توان در این زمینه به شکل پایدار حضور پیدا کرد؟

عراق تا ۱۵ سال دیگر بزرگ‌ترین مرکز سرمایه‌گذاری در منطقه است و فرصت خوبی برای حضور ما در عراق است، باید به بازار

عراق بعد از جنگ‌ها و ناامنی‌های متعدد در وضعیتی است که از نظر اقتصادی و تأمین مایحتاج خصوصاً به لحاظ پروژه‌های عمرانی و زیرساختی به حمایت و سرمایه‌گذاری جدی نیاز دارد، کالاهایی هم که در ایران تولید می‌شود از مواد غذایی، مصالح ساختمانی، محصولات بهداشتی گرفته تا حوزه خدمات فنی و مهندسی در این کشور بازار دارند. واقعیت‌های شرایط ایران و عراق به‌گونه‌ای است که نیازمند همکاری اقتصادی باهم هستند، با افقی پنج‌ساله سطح روابط اقتصادی ایران و عراق بر اساس حجم و تراز تجاری دوجانبه مبنی بر ۲۰ میلیارد دلار هدف‌گذاری شده است.

♦♦ ظرفیت تجارت خارجی عراق چه میزان است و ایران چه میزان از واردات این کشور را می‌تواند تأمین کند؟ اصولاً حد معقول برای تراز تجاری کشورمان با عراق چیست؟

بر اساس گزارش بولتن آماری سالانه سازمان کشورهای صادرکننده نفت، کشور عراق در سال ۲۰۲۲ میلادی بیش از ۸۷ میلیارد دلار واردات کالا و خدمات داشته است. در سال گذشته میلادی درآمدهای این کشور از صادرات نفت خام بیش از ۱۱۵ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۲۱ میلادی نیز مجموع مبادلات تجاری عراق با کشورهای جهان بالغ بر ۱۲۹ میلیارد دلار بوده که ۸۴ میلیارد دلار سهم صادرات و ۴۵ میلیارد دلار سهم واردات آن کشور است. عراق بعد از جنگ‌ها و ناامنی‌های متعدد در وضعیتی است که از نظر اقتصادی و تأمین مایحتاج خصوصاً به لحاظ پروژه‌های عمرانی و زیرساختی به حمایت و سرمایه‌گذاری جدی نیاز دارد، کالاهایی هم که در ایران تولید می‌شود از مواد غذایی، مصالح ساختمانی، محصولات بهداشتی گرفته تا حوزه خدمات فنی و مهندسی در این کشور بازار دارند. واقعیت‌های شرایط ایران و عراق به‌گونه‌ای است که نیازمند همکاری اقتصادی باهم هستند، با افقی پنج‌ساله سطح روابط اقتصادی ایران و عراق بر اساس حجم و تراز تجاری دوجانبه مبنی بر ۲۰ میلیارد دلار هدف‌گذاری شده است. در حال حاضر روابط تجاری ایران و عراق از مرز ۱۰ میلیارد دلار در سال عبور کرده است. عمده صادرات نیز از سوی کشورمان انجام می‌شود. عراق تولیدات چندانی ندارد که بخواهیم محصولی از آنجا وارد کنیم. برای پایداری روابط تجاری دو کشور باید تراز تجاری متوازن و متعادلی برقرار باشد. در صورتی که مسیر ترانزیت از عراق برقرار شود، این کشور مسیر ترانزیتی برای کشورمان خواهد شد که کالاها را از طریق کشورهای دیگر از این مسیر وارد کنیم. با این روش می‌شود حجم مبادلات را افزایش دهیم و توازن تجاری شکل بگیرد. به‌طور کلی تراز تجاری با عراق باید به‌میزانی برسد که عراق انگیزه و دلیلی برای امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد و یا ترجیحی با کشورمان داشته باشد.



داشته باشیم، امکان سرمایه‌گذاری به شکل پایدار وجود دارد. مزیت‌های ما در حوزه‌های اقتصادی به‌گونه‌ای در حوزه‌های سرمایه‌گذاری و امور زیربنایی بالاست که مزیت نسبی ما در رقابت با دیگران نیز به حساب می‌آید، البته مسائل بوروکراسی و مشکلات در حوزه‌های مدیریت اجرایی بین ما و عراق نیز باید به شکل مقتضی حل شود و دولت‌های دو کشور بسترسازی و پشتیبانی‌های لازم حقوقی در این زمینه را فراهم سازند.

♦♦ جناب‌عالی، برنامه‌ریزی‌هایمان را چه در سطح کلان و چه در سطح بنگاهی در مقایسه با برنامه‌ریزی‌ها و عملکرد رقبا چگونه ارزیابی می‌کنید، در کل سؤال مهم این است که چرا بازار عراق را به رقبا وا نهادیم؟ اگر مسئله حضور اقتصادی را جزو اولویت‌ها بدانیم، باید دستگاه‌های مسئول اقتصادی کشور حامی موضوعات اقتصادی باشند و بسترسازی و پشتیبانی‌های لازم را فراهم سازند. کما اینکه ترکیه و چین چنین اقداماتی را برای حمایت از فعالان اقتصادی خود انجام می‌دهند. کشورهای اروپایی برای حضور جدی در عراق برنامه دارند که همه از حمایت‌های مالی، بانکی، بیمه‌ای و غیره برخوردارند. اگر حوزه اقتصادی امروز جزو اولویت‌های اهداف است، نمی‌توان انتظار داشت که بدون هزینه به نتیجه برسد. هزینه‌های این حوزه نیز شامل هزینه‌های حقوقی، پشتیبانی و بیمه‌ای هستند. باید یک نظام بیمه‌ای در داخل تنظیم شود که اگر در تعاملات اقتصادی-سیاسی عارضه‌ای پیش بیاید یک نظام بیمه‌ای قوی از آن حمایت کند. نظام بانکی و روابط بانکی ما نیز باید به‌گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذار را ترغیب کند، اگر مجموع روابط بانکی و تجاری، مقررات حمل‌ونقل و روابط حقوقی تسهیل‌کننده باشند، روابط ایران و عراق دو یا سه برابر وضع فعلی خواهد شد. آمار و ارقام نشان می‌دهد هنوز سهم

قابل‌توجهی از بازار عراق را در اختیار داریم و این چنین نیست که این بازار را به رقبا واگذار کرده باشیم؛ اما اگر در بازار عراق به دنبال منافع کوتاه‌مدت باشیم و نتوانیم در این رقابت با مدیریت درست و ارتقای کیفیت محصول ایرانی بمانیم و همان برنامه‌هایی را که در کشورهای آسیای میانه پیاده کردیم، در عراق هم پیاده کنیم قطعاً رقبای ایران این بازار را به‌سرعت از ما خواهند گرفت. لذا باید از فرصت‌های همکاری اقتصادی با عراق به‌درستی بهره‌برداری کنیم.

♦♦ در سطح بنگاهی، شرکت‌های تولیدی و تجاری ایران به لحاظ ساختاری و عملکردی با چه مشکلات و کاستی‌هایی در زمینه تجارت با طرف تجاری عراقی روبه‌رو هستند و چه پیشنهادهایی برای عبور آن‌ها از مشکلات و مسائل مختلف ارائه می‌نمایید؟ یکی از مهم‌ترین مشکلات، ضعف در بازاریابی در حوزه صادرات کشور است. متأسفانه بخش صادرات ایران به سبب عدم وجود یک سیستم بازاریابی و بازرگانی مناسب و روزآمد، تاکنون نتوانسته به‌خوبی توسعه پیدا کند. واحدهای بزرگ در این حوزه مشکل چندانی ندارند، بلکه مشکل اصلی مربوط به بخش صنایع کوچک و متوسط است. این واحدها نه توان مالی و نه سابقه لازم را دارند؛ بنابراین

در سال گذشته میلادی حدوداً ۱۹ درصد از مجموع واردات کالایی عراق، از کشورمان صورت گرفته است. در حال حاضر کشورهای چین، ترکیه، هند، کره جنوبی و آلمان حضور پررنگی در زمینه صادرات به عراق دارند و از مهم‌ترین رقبای ما در این کشور هستند. آمریکا، کشورهای اروپایی و منطقه نیز برای افزایش سهم و حضورشان در بازار عراق در حال برنامه‌ریزی و به دنبال همکاری بلندمدت با عراق هستند.

ایجاد شرکت‌های مشاور بازاریابی از سوی سازمان‌های دولتی مربوطه جهت بازاریابی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ضرورت دارد. همچنین در کنار مسئله مارکتینگ، باید به مسئله برندینگ نیز توجه شود، اگر برندی ضعیف عمل کند، به نام همه تمام خواهد شد. می‌توانیم برای حمایت از برندهای ایرانی کنسرسیون‌های صادراتی تأسیس کنیم. ما ظرفیت‌های بالایی در صنایع مختلف داریم و باید از تمام ظرفیت‌ها بهره‌بریم و این مهم در سایه کار جمعی رخ می‌دهد نه رقابت مضر.

برای توسعه صادرات، الگوی تولید ما باید صادرات محور باشد و از سلیقه مصرف‌کننده عراقی شناخت دقیق و از وضعیت رقبا آگاهی داشته باشیم و به الزامات صادرات از قبیل کیفیت خوب کالای صادراتی، قیمت رقابتی، بسته‌بندی مناسب، خدمات پس از فروش مطلوب و تحویل به‌موقع کالا و غیره توجه ویژه داشت. برای تجارت پایدار باید به‌جای مدیریت بازار از مبدأ، در بازار مقصد حضور مستمر داشت. صادرکنندگانی در بازار عراق موفق هستند که دفتر یا نمایندگی و شبکه‌های زنجیره‌ای توزیع خود را داشته باشند.

♦♦ اتاق مشترک ایران و عراق به چه راهکارهایی برای توسعه تجارت به عراق رسیده است؟

توسعه روابط تجاری دوجانبه با عراق مستلزم امضا و تبادل موافقت‌نامه جامع تجارت، همکاری‌های صنعتی، تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری مشترک و دوجانبه، همکاری‌های بانکی، موافقت‌نامه جامع استاندارد، حکمیت و داوری، حل اختلاف تجاری دوجانبه، ترانزیت و همکاری‌های گمرکی است. افزون بر این موافقت‌نامه‌ها، تنظیم و مبادله اسناد موردتوافق دوجانبه نظیر موافقت‌نامه تجارت آزاد یا ترجیحی، همکاری‌های نمایشگاهی، تأسیس مراکز تجاری، صنعتی و سرمایه‌گذاری مشترک، ایجاد بانک مشترک و بیمه مشترک و گسترش شبکه رایزنی تجاری دوجانبه در حوزه‌های

نمایشگاه‌ها، مبادله هیئت‌های اقتصادی با عراق و فعالیت‌های مشابه دیگر از جمله اقداماتی است که مستمراً در راستای توسعه روابط تجاری دو کشور توسط اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق انجام گرفته است. رسیدن صادرات غیرنفتی ما به عراق از ۵۸۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۲ به رکورد ۱۰ میلیارد و ۲۳۸ میلیون دلار در سال ۱۴۰۱ موهون تلاش همه فعالان اقتصادی و دست‌اندرکاران حوزه عراق بوده و مسلماً نقش اتاق در کنار دیگر عوامل در توسعه مناسبات اقتصادی و به تبع آن افزایش صادرات مؤثر بوده است. ♦♦

تشکل ملی، غیرانتفاعی و غیردولتی است با مأموریت توسعه فعالیت اقتصادی با کشور عراق که سال ۱۳۸۲ تأسیس شده است. اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق ظرفیت زمینه‌سازی، فضا سازی و پیگیری حل مشکلات را دارد و می‌تواند تعاملات لازم برای زمینه‌سازی‌ها و ارتباطات را برقرار کند. به‌طور کلی اتاق مشترک می‌تواند در زمینه‌های مختلف فرایند تجارت، ظرفیت بزرگی برای تسهیل روابط باشد. بر همین اساس برگزاری اجلاس‌ها، همایش‌ها و نشست‌های متعدد تجاری مشترک و دوجانبه، همکاری در برپایی

مبدأ و مقصد و اجرایی شدن موضوع ایجاد شهرک‌های صنعتی مشترک نیز از جمله راهکارهای توسعه تجارت با عراق و مورد تأکید اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق است.

♦♦ **اتاق مشترک چه اقداماتی در جهت ایجاد و افزایش روابط و مناسبات تجاری بین دو کشور و نیز بین بنگاه‌های انجام داده است و در این زمینه چقدر موفق بوده است؟**

در مورد نقش اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق در افزایش روابط و مناسبات تجاری دو کشور باید گفت، این اتاق یک





# تحلیل بازار صادراتی روسیه با استفاده از ماتریس SWOT



## ◆ فرشته آب‌نیک

دانشجوی دکتری مطالعات روسیه دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

کالا و عرضه خدمات متخصص شوند. کشوری نیست که بتواند با اقتصاد بسته به حیات خود ادامه دهد. امروز با نوع نیازها، خواسته‌ها و تغییر الگوی تولید و مصرف، دیگر لازمه استقلال کشورها خوداتکایی نیست. کشورها برای کسب سود بیشتر با یکدیگر رقابت می‌کنند و ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین راه برای ورود به بازارهای بین‌المللی صادرات است. صادرات نسبت به سایر راه‌های ورود به بازار خارجی از ریسک کمتری برخوردار است؛ زیرا از پرداخت حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض داخلی معاف می‌باشد.

جهانی شدن اقتصاد و توسعه همکاری‌های دو و یا چندجانبه کشورها در سه دهه اخیر، موجب جذابیت و سودآوری تجارت بویژه در کشورهای در حال توسعه

تجارت را می‌توان مانند موتور و محرک رشد اقتصادی در نظر گرفت که می‌تواند مزایای فراوانی را برای اقتصاد کشورها به ارمغان آورد. کشورها به دلیل مواهب داخلی، در تولید کالاهایی خاص مزیت نسبی و مطلق دارند و این مزیت‌ها عبارتند از: نیروی انسانی، منابع طبیعی، فناوری از منظر قیمت تمام شده، صدور کالا که تابع عواملی چون بسته‌بندی، بیمه، بازاریابی، تبلیغات، میزان تقاضا که به عواملی مانند جمعیت، درآمد و عوامل جغرافیایی و نیز کشش‌پذیری تقاضا و درآمد وابسته است. بنابراین کشورها میلند که در تولید

جدول شماره (۱): ۱۰ کالای نخست صادراتی ایران به روسیه در سال ۱۴۰۱

درصد از کل	ارزش (دلار)	ارزش (ریال)	وزن (کیلوگرم)	۱۰ کالای عمده برتر صادراتی به روسیه
۹/۲۱	۶۸.۴۹۰.۸۸۴	۱۷.۵۴۸.۷۳۴.۷۵۳.۱۰۸	۱.۶۷۸.۱۸۵	سایر اجزا و قطعات توربوچت‌ها یا توربوپراپلرها غیر از پره‌های ثابت و متحرک توربین گازی
۷/۷۷	۵۷.۷۶۴.۵۴۳	۱۶.۵۸۱.۲۲۸.۶۴۲.۸۵۳	۱۷.۰۳۵.۱۸۶	سایر انواع میگو
۶/۹۵	۵۱.۷۲۲.۹۴۵	۱۴.۸۸۷.۳۹۴.۹۴۶.۵۱۲	۸۸.۳۹۷.۷۸۹	کیوی، تازه
۵/۹۳	۴۴.۱۰۸.۲۴۷	۱۲.۶۴۱.۱۵۹.۳۸۹.۰۸۰	۷.۱۴۱.۵۸۴	پسته‌ها با پوست تازه یا خشک
۴/۵۸	۳۴.۰۷۲.۲۶۳	۹.۷۳۳.۴۱۸.۸۳۹.۹۰۶	۷۶.۶۶۹.۸۱۱	لفل فرنگی از نوع Capsicum یا Pimenta
۳/۲۸	۲۴.۴۱۷.۴۰۹	۶.۸۳۴.۱۷۴.۸۹۰.۸۴۴	۲۹.۳۱۵.۵۱۲	الیاف سنتتیک غیر یکسره، از پلی‌استر، حلاجی نشده، شانه زده یا برای نخ‌ریسی عمل‌آوری نشده
۲/۹۹	۲۲.۲۲۸.۵۶۱	۶.۴۱۶.۳۳۵.۸۴۳.۳۶۳	۱۶.۱۵۷.۱۲۰	پلی‌استیرن غیر قابل انبساط معمولی General purpose poly styrene (GPPS)
۲/۸۰	۲۰.۸۵۶.۳۳۷	۵.۴۳۰.۵۲۹.۳۳۲.۲۲۷	۳۹.۰۶۱.۴۸۹	هندوانه، تازه
۲/۵۷	۱۹.۱۲۰.۹۶۳	۵.۵۳۱.۵۷۷.۷۱۱.۹۱۱	۱۲.۲۵۷.۶۱۶	تیزابی بی‌دانه (انگور خشک‌کرده)
۲/۰۹	۱۵.۵۵۵.۰۵۰	۴.۲۴۰.۳۱۲.۱۴۹.۰۵۶	۳۵.۱۰۳.۹۹۲	اتیلن گلیکول (اتان دی نول)



### تجارت ایران و روسیه

تجارت کالاهای غیرنفتی ایران در سال ۱۴۰۱ در مجموع ۱۱۲ میلیارد و ۸۲۱ میلیون دلار بوده که نسبت به سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۱٫۵ درصد افزایش یافته است؛ ۵۳ میلیارد و ۱۶۶ میلیون دلار به صادرات و ۵۹ میلیارد و ۶۵۵ میلیون دلار به واردات اختصاص داشته است. بر اساس آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران، صادرات کشورمان به روسیه در سال ۱۴۰۱ در مقایسه با سال قبل از آن، ۳۰ درصد

موقعیت جغرافیایی کشورمان، پتانسیل صادراتی قابل توجهی در کشورهای همسایه و بویژه اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود دارد که توسعه صادرات به آن‌ها مستلزم شناسایی نیازهای وارداتی آن کشورها و بررسی راه‌کارهای توسعه روابط تجاری و کاهش موانع پیش روی می‌باشد. با توجه به عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نقش محوری روسیه در این اتحادیه، تحلیل بازار صادراتی روسیه با استفاده از ماتریس SWOT ضروری به نظر می‌رسد.

شده است. از سوی دیگر تجارت یکی از عوامل تقویت تولید ناخالص داخلی و منبع اصلی تأمین ارز خارجی، توسعه و بهبود رقابت‌پذیری، افزایش ارزش افزوده محصولات، افزایش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ایجاد فرصت‌های شغلی به شمار می‌رود. در ایران نیز با افزایش تحریم‌های غرب و اهمیت توسعه صادرات غیرنفتی، لزوم دسترسی به بازارهای خارجی بیش‌ازپیش آشکار شده است. با توجه به

جدول شماره (۲): ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

نمره	رتبه	ضریب اهمیت	عنوان عامل	
۰٫۱۷	۳٫۴	۰٫۰۵	جایگاه ژئوپلیتیکی و استراتژیک ایران در میان کشورهای منطقه	نقاط قوت (S)
۰٫۱۲۴	۳٫۱	۰٫۰۴	اتصال دریای خزر به خلیج فارس و دریای عمان از طریق ایران	
۰٫۱۲۲۱	۳٫۳	۰٫۰۳۷	مسیر ترانزیتی امن و ارزان از طریق ایران	
۰٫۲۴۹۶	۳٫۲	۰٫۰۷۸	توانمندی ایران در زمینه‌های کشاورزی، معدن، پتروشیمی و خدمات فنی و مهندسی	
۰٫۰۳۵	۳٫۵	۰٫۰۱	عضویت ایران در همگرایی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شانگهای، اگو، بریکس و ...	
۰٫۰۵۶۷	۲٫۷	۰٫۰۲۱	برتری ایران در حوزه علم و فناوری ایران و نیز بهره‌مندی از جمعیت جوان، نخبه، دانشمند و بهره‌مندی از شرکت‌های دانش‌بنیان	
۰٫۳۲۷	۳	۰٫۰۷۹	نیروی کار ارزان و متبحر ایرانی	
۰٫۱۳۹۲	۲٫۴	۰٫۰۵۸	روابط سیاسی، اقتصادی تاریخی و اشتراکات فرهنگی ایران روسیه	نقاط ضعف (W)
۰٫۰۷۹۸	۱٫۹	۰٫۰۴۲	اقتصاد نفت محور	
۱٫۰۳۶	۳٫۷	۰٫۰۲۸	نوسانات نرخ ارز	
۰٫۰۵۴	۱٫۸	۰٫۰۳	قیمت بالای کالاهای ایرانی	
۰٫۱۰۲۳	۳٫۳	۰٫۰۳۱	مشکلات حمل‌ونقل	
۰٫۱۹۸	۳٫۳	۰٫۰۶	عدم همکاری‌های مناسب و کارای بانکی مشکلات بانکی و نقل و انتقالات پول	
۰٫۰۲۴	۲	۰٫۰۱۲	ضعف در بازاریابی و عدم آشنایی تجار با فنون بازاریابی نوین	
۰٫۰۷۲۹	۲٫۷	۰٫۰۲۷	بوروکراسی اداری وقت‌گیر برای صادرات کالا و تصویب بخش‌نامه‌های خلق‌الساعه	
۰٫۱۶۸۲	۲٫۹	۰٫۰۵۸	ضعف نظام بسته‌بندی و هزینه بالای بسته‌بندی کالا در ایران	
۰٫۰۴۶	۲	۰٫۰۲۳	فقدان مراکز تجاری و دفاتر خدمات بازرگانی قوی و کارای ایرانی در روسیه	
۰٫۰۵۱	۱٫۷	۰٫۰۳	عدم آشنایی تجار ایرانی با ساختارها و قوانین روسیه در حوزه گمرک، ترخیص کالا، گواهی‌نامه‌های موردنیاز و ...	
۰٫۰۳۴	۱٫۸	۰٫۰۳۴	منابع مالی محدود در سرمایه‌گذاری تولید و عدم دسترسی به منابع مالی جهانی	
۳٫۰۲۷		۱	مجموع	

و فرصت‌ها را با (O) و تهدیدها را با حرف (T) به‌عنوان عوامل خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرند و عموماً کنترلی بر روی آن‌ها وجود ندارد. ماتریس SWOT مشهورترین ابزار ممیزی و تجزیه‌وتحلیل موقعیت استراتژیک تجاری کلی و محیط آن است که هدف اصلی آن شناسایی استراتژی‌هایی می‌باشد که یک مدل تجاری خاص را ایجاد می‌کند و منابع و قابلیت‌ها را به بهترین نحو با نیازهای محیطی که در آن شرکت فعالیت می‌کند، هماهنگ می‌نماید. بر اساس این ماتریس هر کشور در تلاش است تا با تدوین استراتژی‌هایی از نقاط قوت و فرصت خود به‌خوبی استفاده نماید و بر نقاط ضعف و تهدید غلبه نماید. در این راستا استراتژی‌های ذیل قابل تدوین است:

- استراتژی (SO): این استراتژی که نوعی استراتژی تهاجمی بوده که در قالب این استراتژی کشورها با استفاده از نقاط قوت داخلی می‌کوشند از فرصت‌های خارجی بهره‌برداری نمایند و با بهره‌گیری از نقاط قوت، فرصت‌ها را به حداکثر برسانند. معمولاً کشورها برای رسیدن به چنین موقعیتی از استراتژی‌های WO، ST و WT استفاده می‌کنند تا به آنجا برسند که بتوانند از استراتژی‌های SO استفاده نمایند.

از نظر ارزش دلاری است. اما با وجود پیشینه تاریخی روابط اقتصادی ایران و روسیه، نزدیکی جغرافیایی و همسایگی دو کشور، وجود بازار پررونق واردات به روسیه، افزایش سطح همکاری‌های دوجانبه سیاسی و اقتصادی و تحریم‌های دو کشور توسط غرب و غیره انتظار می‌رود روابط اقتصادی و تراز تجاری دو کشور بیش از گذشته افزایش یابد. بر این اساس با استفاده از ماتریس به بررسی نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت‌های ایران در بازار روسیه خواهیم پرداخت. به‌منظور تدوین ماتریس SWOT و تعیین ضریب هر یک از ابعاد آن، از نظرات خبرگان دو کشور طی نشست‌ها و جلسات رسمی و همچنین نظرات صادرکنندگان در همایش‌های تجاری و جلسات حضوری بهره‌گرفته شد و در پایان استراتژی مناسب بازار روسیه احصا شده و راه‌کار پیشنهادی نویسنده نیز ارائه می‌شود.

#### ماتریس SWOT

SWOT مخفف نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها است. در این ماتریس نقاط قوت را با (S) و نقاط ضعف (W) نشان می‌دهند و هر دو از عوامل داخلی و قابل کنترل در نظر گرفته می‌شوند

افزایش داشته که محصولات کشاورزی بیشترین میزان صادرات را به خود اختصاص داده است. در میان کالاهای صادراتی ایران به فدراسیون روسیه در سال گذشته، «اجزاء و قطعات توربوچت‌ها یا توربوپراپلرها غیر از پره‌های ثابت و متحرک توربین گازی» به ارزش بیش از ۶۸ میلیون دلار بوده که ۹،۲۱ درصد از کل صادرات کالا از ایران به این کشور را به خود اختصاص داده است و در رتبه نخست قرار گرفته است. انواع میگو با بیش از ۵۷ میلیون دلار، کیوی با بیش از ۵۱ میلیون دلار، انواع پسته با پوست تازه یا خشک با بیش از ۴۴ میلیون دلار و فلفل فرنگی با بیش از ۳۴ میلیون دلار در رتبه دوم تا پنجم صادرات به روسیه قرار دارد. بر اساس آمارهای رسمی منتشر شده از سوی گمرک، سال گذشته بیش از یک میلیون و ۴۱۹ هزار تن انواع محصولات و کالاهای مختلف به ارزشی بالغ بر ۷۴۳ میلیون و ۸۸۲ هزار دلار از ایران به روسیه صادر شده و این کشور را با یک پله صعود به دهمین مشتری کالاهای ایرانی تبدیل کرده است. نگاهی به آمارهای صادرات ایران به روسیه در سال گذشته و مقایسه آن با سال ۱۴۰۰ نشان دهنده رشد ۲۵ درصدی از نظر وزنی، افزایش ۵۷ درصدی از نظر ارزش ریالی و رشد ۲۹ درصدی

جدول شماره (۳): ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

نمره	رتبه	ضریب اهمیت	عنوان عامل	
۰/۰۳۱۵	۲/۱	۰/۰۱۵	تحریم‌های روسیه توسط غرب	فرصت‌ها (O)
۰/۰۳۴۲	۱/۹	۰/۰۱۸	همکاری نزدیک در برگزاری و شرکت در نمایشگاه‌ها و اکسپوهای دو کشور	
۱/۹۴۷	۳/۳	۰/۰۵۹	توافق دو کشور برای دلارزدایی در تجارت متقابل	
۰/۰۳۳۶	۲/۱	۰/۰۱۶	اختصاص کریدور سبز گمرکی روسیه برای برخی از کالاهای ایرانی	تهدیدها (T)
۰/۰۷۴۸	۲/۲	۰/۰۳۴	بازار رقابتی فعال و حضور رقبای فعال و قدرتمند مانند چین	
۰/۰۹۸۴	۲/۴	۰/۰۴۱	امکان عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات به دلیل تحریم‌ها	
۰/۰۱۳۵	۱/۵	۰/۰۰۹	بروکراسی طولانی و زمان‌بر روسیه و فساد و رشوه‌خواری در ادارات روسیه	
۰/۰۲۴۲۴	۲/۴	۰/۰۱۰۱	عدم تطابق ساختارهای تجاری، گمرکی، بهداشتی دو کشور	
۰/۰۱۲۱	۱/۱	۰/۰۱۱	اروپا گرایی در سلیقه مصرف‌کنندگان روسی	
۰/۰۲۹۴	۱/۴	۰/۰۲۱	عدم آشنایی تجار ایرانی با فرهنگ مصرف مردم روسیه	
۲/۸۱۹۳		۱		مجموع



- استراتژی (WO): هدف از این استراتژی این است که کشور با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط داخل بکوشد نقاط ضعف داخلی را بهبود ببخشد. در این حالت سازمان به دلیل داشتن ضعف داخلی نمی‌تواند از این فرصت‌های به‌دست‌آمده بهره‌برداری نماید. لذا لازم است استراتژی‌های نظیر استفاده از تکنولوژی‌های جدید و غیره به کارگرفته شود تا با از بین بردن نقاط ضعف از فرصت‌ها استفاده مناسب گردد.

- استراتژی (ST): کشورها با اجرای این استراتژی‌ها می‌کوشند با استفاده از نقاط قوت خود اثرات ناشی از تهدیدات موجود را کاهش داده یا آن‌ها را از بین ببرند. - استراتژی (WT): کشورهایی که این استراتژی را به کار می‌گیرند، حالت تدافعی به خود خواهند گرفت و هدف از این استراتژی کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است.

همان‌طور که جدول شماره (۲) نشان می‌دهد تعداد، ضریب اهمیت، رتبه و وزن نقاط ضعف بیشتر از نقاط قوت است و بنابراین رفع نقاط ضعف ماتریس باید در دستور کار سیاست‌گذاران تجاری کشور قرار گیرد. همچنین در ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (جدول شماره (۳)) نقاط فرصت وزن نسبی بیشتری نسبت به نقاط تهدید دارند. از آنجا که نمره مجموع جدول شماره (۲) و شماره (۳) از ۲,۵ بالاتر است، ماتریس SWOT استراتژی تهاجمی در صادرات کالاهای ایرانی به روسیه را پیشنهاد می‌دهد، اما همان‌طور که می‌دانیم این استراتژی هنگامی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که بستر و زمینه ساختاری تجارت کشورها اجازه بهره‌گیری از آن را صادر کند. تورم بالا، کاهش قدرت خرید مردم، بازار پرتلاطم ارزی و ده‌ها معضل ذکر شده و ذکر نشده در این یادداشت نشان از بیماری اقتصاد و تجارت ایران دارد. با نگاهی به نقاط ضعف

و تهدیدهای برشمرده شده درمی‌یابیم که این مشکلات مختص روابط اقتصادی ایران و روسیه نیست و اگر به‌جای کشور روسیه، کشور دیگری را جایگزین کنیم بیش از ۹۰ درصد نقاط ضعف و تهدیدها همچنان به قوت خود باقی می‌مانند. از نظر نویسنده تحول در ساختار تجاری کشور نخستین گام در راستای حل مشکلات تجارت ایران می‌باشد.

### راهکار پیشنهادی

هر چند بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) دارای مزایایی از قبیل کارآفرینی و انعطاف‌پذیری نسبت به صنایع بزرگ هستند، اما کوچک بودن و حجم کم تولیدات آن‌ها، محدودیت‌های مالی برای انجام تحقیق و توسعه و بازاریابی و غیره موجب می‌شود این شرکت‌ها از مزایای رقابتی کمتری نسبت به رقبای خارجی برخوردار باشند. به همین سبب امکان ورود و حضور پررنگ و باثبات در بازارهای

جدول شماره (۴): راهبردهای توسعه صادرات ایران به فدراسیون روسیه

نقاط ضعف (W)	نقاط قوت (S)	
<p><b>استراتژی (WO)</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- حمایت از تولید صادرات محور در راستای کاهش قیمت و رقابت‌پذیری محصولات ایرانی در بازار روسیه</li> <li>- تلاش برای آگاهی و توانمندسازی تجار ایرانی با برگزاری کارگاه‌های عملی آشنایی با تجارت در روسیه، ساختارها و قوانین گمرکی، ترخیص کالا، گواهینامه‌های موردنیاز و چگونگی استفاده از کریدور سبز گمرکی روسیه و ...</li> <li>- ایجاد تعادل و ثبات در بازار داخلی از طریق واردات و نه جلوگیری از صادرات در شرایط بحرانی</li> <li>- انجام تحقیقات بازاریابی و بازاریابی و در دسترس قرار دادن این داده‌ها برای تجار</li> <li>- رفع مشکلات حمل‌ونقل از طریق افزایش ناوگان حمل زمینی، دریایی و هوایی</li> <li>- تقویت توان شرکت‌های صادراتی و مراکز تجاری و دفاتر خدمات بازرگانی ایرانی در روسیه جهت حضور موفق و مستمر در بازار این کشور</li> </ul>	<p><b>استراتژی (SO)</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- ضرورت آشنایی تجار با پتانسیل‌های ایجاد شده ضمن عضویت ایران در اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شانگهای، جهت بهره‌مندی از دستاوردها و مواهب این توافقات</li> <li>- برگزاری نمایشگاه اختصاصی در هر دو کشور حداقل ۲ بار در سال</li> <li>- اعزام و پذیرش هیئت‌های تجاری، همزمان با برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی مهم از جمله نفت و گاز، پتروشیمی، کشاورزی، ساختمان و ...</li> <li>- فراهم نمودن شرایط حضور نیروی کار متخصص و ماهر ایرانی در روسیه جهت فعالیت در حوزه مختلف با توجه به نیاز این کشور به نیروی انسانی متخصص و ماهر و در خلأ حضور شرکت‌های اروپایی و آمریکایی</li> <li>- توجه ویژه به بندرها بویژه بندرعباس به‌عنوان بندری فعال برای اتصال به جنوب شرق آسیا و تجهیز زیرساخت‌های آن</li> <li>- اهمیت منطقه آزاد انزلی به‌عنوان تنها منطقه آزاد ایران در حاشیه خزر و ایجاد یک هاب لجستیکی مشترک در این منطقه</li> <li>- توسعه و تجهیز حمل‌ونقل زمینی، هوایی، دریایی</li> <li>- افزایش درهم‌تنیدگی اقتصادی دو کشور در راستای کارایی سیاست‌های دلارزدایی</li> </ul>	فرصت‌ها (O)
<p><b>استراتژی (WT)</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- حل مشکلات نقل و انتقالات پولی از طریق ایجاد کمیته مشترک خدمات بانکی برای استفاده از ارزهای ملی در تجارت</li> <li>- تأسیس شعب بانک‌های خصوصی در دو کشور</li> <li>- استفاده از مکانیزم تهاتر کالاها</li> <li>- راه‌اندازی و تردد شناورهای رو - رو بین بندرهای ایران و روسیه با هدف تسهیل تردد و کاهش هزینه‌های تمام شده برای تجار</li> <li>- افزایش تعداد خطوط و مقاصد پروازی بین دو کشور</li> </ul>	<p><b>استراتژی (ST)</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- تمرکز بر اشتراکات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور در راستای افزایش سطح روابط فی‌مابین</li> <li>- امضای تفاهم‌نامه‌ها و توافقات میان نهادهای مرتبط با تجارت دو کشور در راستای همسویی و رفع چالش‌های ساختاری موجود</li> <li>- برگزار کارگاه‌های عملی آشنایی با تجارت روسیه با هدف آشنایی تجار با فرهنگ و سلیقه مصرف‌کنندگان روس</li> <li>- انجام پژوهش و بررسی نحوه عملکرد و فعالیت رقبای در بازار روسیه از جمله چین</li> </ul>	تهدیدها (T)



و سلیقه مصرف‌کننده روس را مدنظر قرار داده و بخش مهمی از موانع عرضه تولید را رفع نمایند. کنسرسیون لجستیک و حمل‌ونقل با تجمع محموله‌های صادراتی استفاده از حمل‌ونقل هوایی را مقرون‌به‌صرفه کرده و هزینه‌های استفاده از حمل‌ونقل زمینی و دریایی را کاهش می‌دهد. همچنین این کنسرسیون می‌تواند خدمات دیگری مانند کاهش هزینه‌های بیمه، بهسازی ناوگان حمل‌ونقل، دریافت گواهی‌نامه‌های بین‌المللی حمل‌ونقل و غیره را ارائه کند. علاوه بر این بنگاه‌هایی که اعضای اصلی خوشه هستند از فعالیت‌های مشترک مانند بازار مشترک، مدیریت و خرید فناوری، دوره‌های آموزشی، امکانات، آزمایش و غیره که همگی از عوامل مهم در صرفه‌جویی هزینه‌های تولیدات انبوه است منتفع خواهند شد. قطعاً تغییر ساختارهای ناکارآمد صادراتی کشورمان در توان بنگاه‌های کوچک صادراتی نمی‌باشد، اما بخشی از وظایف کنسرسیون تحقیق و توسعه رفع مشکلات ساختاری صادرات ایران و تشکیل زنجیره صادراتی کارآمد، انجام تحقیقات بازاریابی و غیره در راستای تسهیل فرآیند تجارت می‌باشد، اما بخشی از موانع توسعه صادرات ایران به روسیه موافقی است که از سوی نهادهای روسی به صورت موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای اعمال می‌شود. نگارنده معتقد است که هرچه تنیدگی تجاری ایران و روسیه افزایش یابد قدرت چانه‌زنی ایران برای رفع این موانع افزایش می‌یابد. نفوذ کالا با قیمت رقابتی، کیفیت و بسته‌بندی مناسب در بازار روسیه موجب اقبال مصرف‌کنندگان روسی به کالاهای ایرانی خواهد شد و به‌طور طبیعی از موانع وضع‌شده بر کالاهای ایرانی خواهد کاست. اما آنچه باید در نظر داشت که خوشه‌سازی در هر کشور باید بر اساس شرایط محلی و توانایی‌های داخلی شکل گیرد و تجویز خوشه‌های صادراتی هند و چین و ترکیه که در این امر عملکرد موفق داشته‌اند، بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران، اساساً کاری غلط می‌باشد. بنابراین باید پس از بررسی خوشه‌های موفق و ناموفق کشورها و بررسی نقاط ضعف و قوت آن‌ها و نیز در نظر گرفتن امکانات و شرایط موجود کشور «خوشه‌سازی بومی» مدنظر سیاست‌گذاران عرضه تجارت قرار گیرد. ♦♦

مهمی را ایفا کند. دولت علاوه بر دارا بودن سه نقش اساسی در ایجاد شرایط اقتصاد کلان، بهبود ظرفیت اقتصاد خرد و ایجاد محیط نظام‌مند، به‌عنوان کلیدی‌ترین نهاد که بخش مهم و قابل‌توجهی از سرمایه، زیرساخت، ابزار قانون‌گذاری و غیره را در اختیار دارد می‌تواند در مرحله اول تشکیل خوشه که در آن خوشه در حال شکل‌گیری و سلولی می‌باشد با حمایت از خوشه موجبات نیل به مراحل بعدی را فراهم آورد و در مرحله چهارم که خوشه در حال افول می‌باشد نیز با حمایت و پشتیبانی و تنوع‌بخشی به محصولات تولیدی، به ترمیم خوشه پرداخته و به احیای مجدد آن اقدام کند. خوشه‌ها می‌توانند یکی از راهبردهای تعاملی خوشه جلو سو - که در آن خریداران بین‌المللی با تولیدکنندگان داخلی و محلی همکاری می‌کنند - و یا خوشه معکوس - شرکت‌ها جهت بهره‌وری از اقدامات مشارکتی همکاری می‌کنند - را برگزینند، اما در بررسی تأثیر پیشنهاد ارائه‌شده که همان تشکیل خوشه صادرات به روسیه می‌باشد باید گفت:

هنگامی که خوشه‌ی مذکور شکل گیرد، بنگاه‌های کوچک و متوسط فعلی می‌توانند از خدمات کنسرسیون بازاریابی در راستای شناخت بازار محصول خود در روسیه، سلیقه و انتظارات مشتری روس و رفع سایر موانع فرهنگی بهره‌مند شوند. بنگاه‌های تولیدی می‌توانند از طریق افزایش دریافت سفارشات داخلی و خارجی کنسرسیون تولید، حجم و کیفیت تولیدات داخلی را افزایش داده و بسته‌بندی مطابق با نیاز

هنگامی که خوشه‌ی مذکور شکل گیرد، بنگاه‌های کوچک و متوسط فعلی می‌توانند از خدمات کنسرسیون بازاریابی در راستای شناخت بازار محصول خود در روسیه، سلیقه و انتظارات مشتری روس و رفع سایر موانع فرهنگی بهره‌مند شوند. بنگاه‌های تولیدی می‌توانند از طریق افزایش دریافت سفارشات داخلی و خارجی کنسرسیون تولید، حجم و کیفیت تولیدات داخلی را افزایش داده و بسته‌بندی مطابق با نیاز و سلیقه مصرف‌کننده روس را مدنظر قرار داده و بخش مهمی از موانع عرضه تولید را رفع نمایند.

خارجی را ندارند. راهکار پیشنهادی نگارنده، تشکیل خوشه‌های صادراتی برای صادرات به روسیه می‌باشد. اگرچه مفهوم خوشه‌سازی به شکل امروزی در دنیا مسبوق به سابقه طولانی نیست، اما ثابت شده خوشه‌سازی وسیله‌ای مناسب برای موفقیت در بازارهای رقابتی مانند روسیه است؛ برای مثال خوشه ابزار ماشین بنگلور که در آن ۵۶ بنگاه به صورت نه کنسرسیون سازمان‌دهی شد، توانست به بازار چین وارد شود و موفقیت‌های بسیاری کسب کند. خوشه‌سازی باید بر مبنای تحلیل کامل از شرایط محلی و توانایی‌های داخلی شکل گیرد.

### اما چطور می‌توان خوشه را ایجاد کرد؟

ابتدا باید تولیدکنندگان مکمل و بنگاه‌های کوچک و متوسط در یک خوشه شناسایی شده، نهادهای کلیدی که مهارت، فن‌آوری، سرمایه، اطلاعات و زیرساخت‌های موردنیاز را در اختیار دارند، گرد هم آیند. آنگاه خوشه به زیرخوشه‌هایی که متشکل از کنسرسیون‌های مختلفی مانند کنسرسیون تولیدکنندگان، کنسرسیون صادرکنندگان (شرکت‌های مدیریت صادرات)، کنسرسیون بازاریابی، کنسرسیون فروش، کنسرسیون لجستیک و حمل‌ونقل، کنسرسیون آموزش، تحقیق و توسعه و غیره است، تقسیم می‌شود. این تقسیم کار موجب می‌شود هر کنسرسیون وظایف خاص خود را انجام دهد و میزان موفقیت هر کنسرسیون و در نهایت موفقیت کل خوشه قابل ارزیابی باشد و نقاط ضعف برطرف شود، اما نظام خوشه‌ای هم مانند هر نظام پویای دیگر دارای چرخه عمر است. چرخه عمر خوشه شامل فرآیند چهار مرحله‌ای می‌باشد. در مرحله اول خوشه رشد آغازین را تجربه می‌کند. در مرحله دوم، خوشه مستقر شده و دارای قابلیت رشد بیش‌تری می‌باشد. مرحله سوم، مرحله‌ای است که خوشه بالغ شده و رشد آن به‌سختی انجام می‌گیرد و در مرحله چهارم خوشه‌هایی که به اوج می‌رسند سیر نزولی در پیش گرفته و در حالت افول قرار می‌گیرند.

### نقش دولت و بخش خصوصی در خوشه‌سازی چگونه است؟

دولت، بخش خصوصی یا ترکیبی از این دو می‌تواند به‌عنوان کاتالیزور، هماهنگ‌کننده و رهبر در امر تسهیل و ارتقا فرآیند خوشه‌سازی نقش



گفت‌وگو با «محمدعلی محمد میرزاییان» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون توسعه صادرات اتاق کرمان و نایب‌رییس اول کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق ایران

## صادرات سنتی خسارت‌زاست

ترکیب کالاهای وارداتی کشور، نشان از رتبه اول کالاهای واسطه‌ای به لحاظ وزن و نیز ارزش دارد، که کاربرد آن‌ها در تولیدات داخلی و صادرات اهمیت دارد. اما روند صعودی واردات کالاهای استراتژیک کشاورزی حکایت از عدم استراتژی مشخص و مدون در سیاست‌های کشاورزی کشور دارد. در زمینه صادرات، گاهی صادرات سنتی خسارت‌های غیرقابل جبرانی را رقم زده است. همچنین به موضوع مشوق‌های صادراتی در کشور بهای لازم داده نشده است و این سؤال همیشگی صادرکنندگان نمونه است که انتخاب به‌عنوان صادرکننده نمونه، چه مزیتی برای آن‌ها دارد! همچنین عدم تدوین و تصویب برنامه جامع توسعه تجارت با کشورهای همسایه، موازی‌کاری‌ها و دیپلماسی اقتصادی ضعیف از عمده‌ترین مشکلات در کسب سهمیه‌های مناسب از بازار کشورهای همسایه است.

در ادامه، مرور مشروح گفت‌وگو با محمدعلی محمد میرزاییان عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون توسعه صادرات اتاق کرمان و نایب‌رییس اول کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق ایران میسر است.



متأسفانه علیرغم این‌که مشوق‌های صادراتی هدفمند و در چارچوب استراتژی توسعه صادرات و استراتژی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد با مقاصد صادراتی از جمله سیاست‌های اثربخش برای حمایت از صادرات هستند، به موضوع مشوق‌های صادراتی در کشور بهایی داده نشده است.

ما در مقایسه با کشورهای همسایه هیچ برنامه‌ای در این خصوص نداریم؛ به‌طور مثال ترکیه درصد بالایی از هزینه‌های آموزش بنگاه‌های فعال در زمینه تجارت خارجی را تقبل می‌نماید، ضمن این‌که امکان تأمین مواد اولیه به قیمت‌های بازار جهانی برای تولید محصولات صادراتی، معافیت درآمد تولیدکنندگان مناطق آزاد ترکیه از مالیات بر درآمد اشخاص و مالیات بر درآمد شرکت‌ها و برقراری موافقت تجارت آزاد با ۳۲ کشور جهان را به‌عنوان بخشی از مشوق‌های صادراتی در نظر گرفته است. لذا بررسی حمایت‌های کشورهای رقیب و همسایه و الگوبرداری از حمایت آنان توصیه می‌گردد.

♦♦ **برگزاری مراسم روز ملی صادرات در کشور تاکنون چه اثراتی داشته است؟**

ضمانت صادرات، عدم وجود وحدت داخلی در فرماندهی تولید براساس مزیت‌های نسبی و سرمایه‌گذاری اشاره کرد. برخی موارد دیگر شامل نبود نگاه صادراتی در صنعت، نبود مدیریت زنجیره تأمین در داخل، نبود قیمت و کیفیت ثابت و حمل نقل باعث شده که در صادرات به کشورهای دیگر و حتی کشورهای منطقه با مشکلات جدی روبه‌رو شویم که باعث پایین آمدن قدرت رقابت فعالان اقتصادی می‌شود.

♦♦ **برای خروج از جریان صادرات سنتی چه باید کرد؟**

متأسفانه کمتر شاهد صادرات تخصصی هستیم و نیاز هست که در این زمینه برنامه‌ریزی جامع صورت پذیرد. گاهی صادرات سنتی خسارت‌های غیرقابل جبرانی را رقم زده است. برای خروج از این رویکرد صادراتی، بهترین اقدامات برگزاری رویدادهای آموزشی از جمله همایش‌ها، سمینارها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی تخصصی صادرات، میدان دادن به جوانان تحصیل کرده و با انگیزه و کمک به آن‌ها برای ورود به تجارت، توسعه تشکلهای صادراتی و بهره‌گیری از ظرفیت افراد متخصص و دلسوز در این تشکلهای، هستند.

♦♦ **از وضعیت اثربخشی مشوق‌های صادراتی در کشور چه ارزیابی دارید، ضمناً بفرمایید حداقل در تناسب با مشوق‌های صادراتی در کشورهای همسایه، ما چه وضعی داریم؟**

واردات بی‌رویه بویژه در محصولاتی که واردکردن آن‌ها هیچ ضرورتی برای کشور ندارد از نقاط ضعف و معضلات اقتصادی کشور است و می‌توان گفت: اگر کالایی در ایران تولید می‌شود، واردات آن ظلم به اقتصاد کشور است و باید جلوی آن گرفته شود و دولت باید در این حوزه مدیریت، کنترل و نظارت درست و کاملی داشته باشد و نقش خود را به‌خوبی ایفا نماید.

♦♦ **نظر شما در مورد چگونگی فرایند واردات و سطح مدیریت بازار در کشور چیست؟**

واردات بخش لاینفک تجارت خارجی کشورمان است؛ چرا که به‌طور مثال ماده اولیه مورد نیاز یا علم و تکنولوژی تولید برخی محصولات را نداریم و ناچاریم آن‌ها را وارد کنیم. مسئله‌ای که در خصوص مدیریت واردات از اهمیت خاصی برخوردار است، ترکیب کالاهای وارداتی و تأثیر آن بر توازن پرداخت‌ها و صنایع است. بررسی عمده کالاهای وارداتی کشور نشان می‌دهد کالاهای واسطه‌ای به لحاظ وزن و ارزش حائز رتبه اول بوده و به لحاظ کاربرد آن‌ها در تولیدات داخلی و نهایتاً صادرات امیدوارکننده است. از سوی دیگر برخی از کالاهای استراتژیک کشاورزی نظیر گندم و جو طی سال‌های موردبررسی جزو بیست قلم کالاهای عمده وارداتی قرار گرفته و روند صعودی می‌پیماید و تغییر جایگاه این‌گونه کالاها در رده‌بندی واردات کشور از عدم استراتژی مشخص و مدون در سیاست‌های کشاورزی خبر می‌دهد. ضمناً به این موضوع باید واقف بود که واردات بی‌رویه بویژه در محصولاتی که واردکردن آن‌ها هیچ ضرورتی برای کشور ندارد از نقاط ضعف و معضلات اقتصادی کشور است و می‌توان گفت: اگر کالایی در ایران تولید می‌شود، واردات آن ظلم به اقتصاد کشور است و باید جلوی آن گرفته شود و دولت باید در این حوزه مدیریت، کنترل و نظارت درست و کاملی داشته باشد و نقش خود را به‌خوبی ایفا نماید.

♦♦ **چرا شرکت‌های ایرانی اعم از دولتی و خصوصی توان پاسخگویی به نیاز کشورهای هدف را ندارند؟**

عوامل زیادی وجود دارد که فعالان اقتصادی در برخی موارد امکان صادرات به کشورهای هدف را ندارند. این عوامل را می‌توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد، از جمله عوامل داخلی می‌توان به عدم ثبات در قوانین و مقررات، نبود مشوق‌های صادراتی،

تدوین و تصویب برنامه جامع توسعه تجارت با کشورهای همسایه است. ضمن اینکه اقدامات موازی کاری در سازمان‌های مختلف متولی تجارت، نبود هدف و برنامه واحد و همچنین سازمان متولی واحد برای این منظور، از عمده‌ترین مشکلات در این زمینه می‌باشند. همچنین قابل توجه است که ما در زمینه دیپلماسی اقتصادی ضعیف عمل کرده‌ایم در حالی که اکثر کشورها از تعرفه‌های ترجیحی با همسایگان خود بهره‌مند هستند، ولی ما نتوانسته‌ایم در حد پتانسیل‌های کشور، در این خصوص گام برداریم.

#### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

همان‌طور که در سؤالات قبل ذکر کردم برای موفقیت در تجارت، مهم‌ترین مسئله برنامه‌ریزی دقیق و ایجاد هم‌افزایی سازمان‌های دولتی و خصوصی متولی توسعه تجارت است و در کل می‌توان گفت تدوین نقشه راه واحد تجارت می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. ◆◆

یکی از سؤالاتی که همواره صادرکنندگان مطرح از خود می‌پرسند این است که انتخاب شدن به‌عنوان صادرکننده نمونه چه مزیتی برای آن‌ها دارد؟ متأسفانه در روز ملی صادرات تنها تندیس و لوح به صادرکننده اهدا می‌شود و تخفیف بسیار ناچیز در دریافت تسهیلات صادراتی از بانک توسعه صادرات؛ بنابراین خیلی از صادرکنندگان انگیزه کافی برای حضور در این رویداد را ندارند.

طلایی ارائه محصولات ایرانی با توجه به مصرف بالا در زمان برگزاری جام جهانی بود که متأسفانه هیچ برنامه جامعی برای حضور تدوین نشد و نتوانستیم از این فرصت استفاده کنیم و محصولاتمان را به دنیا معرفی کنیم.

#### ◆ متأسفانه، همواره فرصت سوزی‌های زیادی در کسب سهمیه‌ها از بازار کشورهای همسایه و پیرامونی داشته‌ایم، به نظر شما علت چیست؟

به عقیده اینجانب مهم‌ترین مشکل، عدم

یکی از سؤالاتی که همواره صادرکنندگان مطرح از خود می‌پرسند این است که انتخاب شدن به‌عنوان صادرکننده نمونه چه مزیتی برای آن‌ها دارد؟ متأسفانه در روز ملی صادرات تنها تندیس و لوح به صادرکننده اهدا می‌شود و تخفیف بسیار ناچیز در دریافت تسهیلات صادراتی از بانک توسعه صادرات؛ بنابراین خیلی از صادرکنندگان انگیزه کافی برای حضور در این رویداد را ندارند. در صورتی که مشوق‌های صادراتی برای برگزیدگان، به‌عنوان انگیزه حضور می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

#### ◆ علیرغم روابط خوب قطر و ایران، چرا کشورمان نتوانست از فرصت اقتصادی جام جهانی استفاده نماید؟

بله همین‌طور هست ما نتوانسته‌ایم از روابط سیاسی خوب ایران و قطر و همچنین مشکلات این کشور با برخی از کشورهای عربی بهره‌برداری کنیم، در صورتی که ترکیه با برنامه‌ریزی دقیق، گوی سبقت را از ما ربود. مسابقات جام جهانی فرصت



# پیامدهای سیاست ارزی بر تولید و تجارت اقتصاد ایران

♦ دکتر احمد تشکینی

دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

## مقدمه

نرخ ارز مهم‌ترین مفصل ارتباط اقتصادی یک کشور با کشورهای جهان است. همچنین تغییرات نرخ ارز تأثیرات گسترده‌ای بر بخش داخلی و خارجی اقتصادها به همراه دارد؛ چون از یکسو بر صادرات و واردات (و به تبع آن تراز تجاری) و از سوی دیگر بر قدرت رقابت‌پذیری داخلی (و به تبع آن بر تولید و اشتغال) و همچنین تورم داخلی تأثیرگذار است. براین اساس مدیریت بازار ارز یکی از موضوعات کلیدی هر اقتصادی محسوب می‌شود، با این حال رویکرد واحدی در تعیین نرخ ارز وجود ندارد و کشورها بسته به ساختار و شرایط اقتصادی (در چارچوب نظام‌های ارزی متفاوت)، رویکردهایی نظیر تعادل تراز پرداخت‌ها (تقویت صادرات و کنترل واردات)، برابری قدرت خرید برای تقویت توان تولید داخلی، کنترل تورم و تعادل بخشی به بودجه و... را در تعیین نرخ ارز به کار می‌گیرند.

اهمیت مدیریت بازار ارز برای اقتصاد ایران از جنبه‌های مختلفی دارای اهمیت مضاعف است. از جمله آنکه اقتصاد ایران طی سال‌های آتی و در افق بلندمدت ناگزیر باید به اقتصادی باز و رقابتی تبدیل شود تا از این طریق زمینه‌های متنوع شدن فعالیت‌های اقتصادی، افزایش تولید، رشد صادرات انبوه کالاها و خدمات غیرنفتی را از طریق هم پیوندی با بازارهای جهانی و بهره‌مند شدن از جریان‌های تجارت و مبادلات سرمایه‌ای بین‌الملل برای کشور فراهم کند.

## مبانی نظری سازوکارهای تعیین نرخ ارز

اساساً تغییر و تنظیم نرخ ارز در قالب نظام ارزی براساس ملاحظات منبعت از سیاست‌های اقتصادی (پولی، مالی و تجاری)، تکنولوژی تولید و بهره‌وری کشورها صورت می‌گیرد. براین اساس مهم‌ترین رویکردهای تعیین نرخ ارز به شرح زیر است:

براساس رویکرد «برابری قدرت خرید» نرخ ارز باید به گونه‌ای تعیین شود که قیمت سید کالاهای یکسان در دو کشور برابر شود، لذا نرخ ارز می‌بایست متناسب با تفاضل رشد قیمت‌های داخلی (تورم داخلی) و رشد قیمت‌های خارجی (تورم خارجی) تعدیل شود.

براساس رویکرد «تراز پرداخت‌ها» نرخ ارز به گونه‌ای تعیین می‌شود که ارزش واردات و صادرات کشور برابر شود. زیرا زمانی که ارزش واردات از ارزش صادرات بیشتر باشد (کسری تجاری) نرخ ارز افزایش یافته و ارزش پول داخلی کم می‌شود، در نتیجه صادرات به خارج ارزان شده و واردات گران می‌شود. این امر به افزایش صادرات، کاهش واردات و ایجاد تعادل تراز تجاری

براساس رویکرد «تراز پرداخت‌ها» نرخ ارز به گونه‌ای تعیین می‌شود که ارزش واردات و صادرات کشور برابر شود. زیرا زمانی که ارزش واردات از ارزش صادرات بیشتر باشد (کسری تجاری) نرخ ارز افزایش یافته و ارزش پول داخلی کم می‌شود، در نتیجه صادرات به خارج ارزان شده و واردات گران می‌شود. این امر به افزایش صادرات، کاهش واردات و ایجاد تعادل تراز تجاری منجر می‌شود.



منجر می‌شود.

براساس رویکرد «برابری نرخ بهره» از آنجا که سیاست‌های پولی بر برابری نرخ ارز تأثیرگذار است، لذا نرخ بهره داخلی در مقایسه با نرخ بهره خارجی می‌بایست به میزانی تغییر کند که تغییرات هدف‌گذاری شده در ارزش پول ملی را محقق سازد.

براساس «رویکرد پولی» رشد عرضه پول هر کشور می‌بایست متناسب با رشد اقتصادی آن کشور و رشد عرضه پول سایر کشورها باشد تا به واسطه آن از نوسانات نرخ ارز داخلی جلوگیری شود. در این رویکرد تفاضل رشد نقدینگی و تفاضل رشد اقتصادی کشورها در تعیین نرخ ارز مؤثر است.

براساس «رویکرد بهره‌وری» نرخ ارز اسمی می‌بایست براساس نسبت بهره‌وری کشورها با یکدیگر مورد تعدیل قرار گیرد. براین اساس تکنولوژی تولید و بهره‌وری در تعیین نرخ ارز مؤثر است.



### سیر تاریخی نظام ارزی کشور و ویژگی‌های آن

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نظام ارزی کشور میخ‌کوب شدید (ثابت) بود، ضمن آنکه کنترل و نظارت دولتی و سهمیه‌بندی ارزی در خصوص تعیین اولویت‌ها برای مصارف ارزی صورت می‌گرفت (اگرچه در سال ۱۳۵۳ با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، سهمیه‌بندی ارزی حذف گردید).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نظام ارزی کشور همچنان نظام ارز ثابت بود، ضمن آنکه با پایان جنگ تحمیلی، نرخ‌های ترجیحی ارز در قالب سه نرخ ارزی رسمی (برای واردات کالاهای اساسی)، رقابتی (برای واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای) و شناور (برای مابقی معاملات) مورداستفاده قرار گرفت. به دنبال چالش‌های نظام چندنرخ‌های ارز از ابتدای ۱۳۷۲ با اتخاذ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، نظام ارزی شناور مدیریت‌شده دنبال شد. اگرچه عواملی مانند افزایش حجم گشایش‌های اعتبارات اسنادی سررسید شده، بروز بحران در بدهی‌های خارجی و ... مانع از استمرار و استقرار این نظام ارزی جدید شد. در نتیجه دولت از نیمه دوم سال ۱۳۷۳ از سیاست مبتنی بر نظام شناور ارز صرف‌نظر کرد و سیاست جدیدی براساس تثبیت ارزش ریال و تعدیل آن برحسب ضرورت در پیش گرفت و کنترل‌های ارزی شدیدی نیز اعمال شد. در سال ۱۳۷۴ حساب سرمایه مجدداً بسته و بازار ارز آزاد غیرقانونی اعلام شد.

با بهبود نسبی وضعیت درآمدهای نفتی در سال‌های پایانی برنامه دوم توسعه دوباره موضوع یکسان‌سازی نرخ ارز در دستور کار قرار گرفت. از این‌رو در قانون بودجه سال ۱۳۸۰ مقرر شد که بودجه سال ۱۳۸۱ با اعمال سیاست تک‌نرخ‌های ارز تنظیم شود. از ابتدای برنامه سوم توسعه بر ثبات نرخ ارز برای امکان برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی مورد تأکید قرار گرفت و لذا دولت توانست نوسانات نرخ ارز را به حداقل برساند. در برنامه چهارم توسعه نیز بر کنترل نوسانات

شدید نرخ ارز و تداوم سیاست یکسان‌سازی آن تأکید شده و نظام ارزی کشور به‌طور رسمی نظام شناور مدیریت‌شده اعلام شد (لذا نرخ ارز باید با توجه به سازوکار عرضه و تقاضا و ملاحظات حفظ توان رقابت بنگاه‌های صادرکننده تعیین شود). در برنامه پنجم توسعه نیز نظام ارزی کشور شناور مدیریت‌شده معرفی شد؛ به‌گونه‌ای که نرخ ارز می‌بایست با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی تعیین گردد. گفتنی است از ابتدای همراه به‌دلایلی نظیر تشدید تحریم‌های خارجی و بروز محدودیت‌های ارزی، به اولویت‌بندی منابع ارزی کشور اقدام شد.

براساس آنچه عنوان شد برخی ویژگی‌های اصلی نظام ارزی اقتصاد ایران طی دوره مورد بررسی به شرح زیر بوده است:

- عدم تعدیل نرخ ارز اسمی متناسب با تفاضل تورم داخلی و خارجی،
- تعیین نرخ ارز براساس ملاحظات بودجه‌ای (و نه ملاحظات تجارت خارجی)،
- چرخش از نظام میخ‌کوب خزنه (ثابت) به نظام ارز شناور مدیریت‌شده و تفاوت بین سیاست ارزی اعلامی و اعمالی،
- تجربه نظام ارزی چند نرخ‌ی تحت بروز محدودیت‌های شدید ارزی،

**کاهش نرخ ارز حقیقی، قیمت کالاها و خدمات صادراتی تولیدکنندگان داخلی را نسبت به قیمت‌های جهانی افزایش داده و در نتیجه قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در بازارهای جهانی را می‌کاهد و لذا منجر به کاهش صادرات کشور خواهد شد. همچنین کاهش نرخ ارز حقیقی، قیمت کالاها و خدمات وارداتی را کاهش داده و در نتیجه منجر به افزایش واردات می‌شود. در مجموع کاهش نرخ ارز حقیقی از طریق کاهش صادرات و افزایش واردات، تأثیر منفی بر تراز تجاری کشور می‌گذارد (و بالعکس).**

- حرکت به سمت یکسان‌سازی نرخ ارز پس از تجربه نظام ارزی چندنرخ‌ی،
- جهش‌های شدید نرخ ارز در مقاطع حدود ۱۰ سال یکبار (۱۳۹۱، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۱).

### پیامدهای نظام ارزی اقتصاد ایران (با تأکید بر تولید و تجارت)

کاهش نرخ ارز حقیقی، قیمت کالاها و خدمات صادراتی تولیدکنندگان داخلی را نسبت به قیمت‌های جهانی افزایش داده و در نتیجه قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در بازارهای جهانی را می‌کاهد و لذا منجر به کاهش صادرات کشور خواهد شد. همچنین کاهش نرخ ارز حقیقی، قیمت کالاها و خدمات وارداتی را کاهش داده و در نتیجه منجر به افزایش واردات می‌شود. در مجموع کاهش نرخ ارز حقیقی از طریق کاهش صادرات و افزایش واردات، تأثیر منفی بر تراز تجاری کشور می‌گذارد (و بالعکس).

بررسی آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد ارتباط معکوسی بین رشد نرخ ارز حقیقی با متغیرهای رشد واردات و رشد تراز تجاری غیرنفتی وجود دارد. ضریب همبستگی بین رشد نرخ ارز حقیقی و رشد واردات ۰٫۶- و بین رشد نرخ ارز حقیقی و رشد تراز تجاری غیرنفتی ۰٫۷- درصد می‌باشد. این به این مفهوم است که طی دوره موردنظر تثبیت نرخ ارز اسمی و کاهش نرخ ارز حقیقی منجر به افزایش واردات و کاهش تراز تجاری غیرنفتی کشور شده است. شایان ذکر است به دلیل کشش‌پذیری پایین صادرات نسبت به نرخ ارز، ارتباط ضعیفی بین صادرات و نرخ ارز حقیقی در اقتصاد ایران برقرار است.

نرخ ارز حقیقی از دو مسیر بر تولید و اشتغال تأثیرگذار است: مسیر اول میزان استفاده از ظرفیت تولیدی موجود و مسیر دوم میزان سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت تولیدی جدید می‌باشد. گفتنی است کاهش نرخ ارز حقیقی از دو مسیر موردنظر تأثیر منفی بر تولید و اشتغال دارد (و بالعکس). نحوه تأثیرگذاری کاهش نرخ ارز حقیقی بر



دو مسیر دارای پیامدهایی برای اقتصاد ایران بوده است. مسیر اول آنکه تثبیت نرخ ارز اسمی یا کاهش نرخ ارز حقیقی منجر به کاهش نسبی قیمت کالاهای وارداتی در مقایسه با تولیدات داخل شده و به واسطه افزایش واردات پیامدهای منفی برای تولید داخل به همراه داشته است. مسیر دوم آنکه جهش‌های نرخ ارز در مقاطع زمانی حدود ۱۰ سال یکبار منجر به کاهش رشد اقتصادی (و صنعتی)، بروز رکود به واسطه کاهش هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی و دولتی و هزینه‌های سرمایه‌گذاری شده است.

نکته اساسی آنکه طی سال‌های پس از انقلاب، کنترل تورم و در برخی مقاطع تعادل بخشی به بودجه دولت از مهم‌ترین اهداف اقتصادی تعیین‌کننده نرخ ارز در اقتصاد ایران بوده است؛ رویکردی که به واسطه کاهش نرخ ارز حقیقی (کاهش قدرت رقابت‌پذیری داخل) پیامدهای منفی برای تولید و تراز تجاری کشور به همراه داشته و اهدافی چون جهش صادراتی یا تقویت تولید ملی را محقق نساخته است. ♦♦

ارزی میخ‌کوب خزننده (ثابت) به نظام ارزی شناور و بالعکس تغییر کرده است. ضمن آنکه چندین بار نظام چندنرخ ارز و سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز تجربه شده است. همچنین ترس از پیاده‌سازی نظام ارزی شناور و تعدیل نرخ ارز اسمی متناسب با تفاضل تورم داخلی و خارجی منجر به بروز جهش‌های نرخ ارز در مقاطع زمانی حدود ۱۰ سال یکبار شده است. شایان ذکر است سیاست نظام ارزی ثابت از

**طی سال‌های پس از انقلاب، کنترل تورم و در برخی مقاطع تعادل بخشی به بودجه دولت از مهم‌ترین اهداف اقتصادی تعیین‌کننده نرخ ارز در اقتصاد ایران بوده است؛ رویکردی که به واسطه کاهش نرخ ارز حقیقی (کاهش قدرت رقابت‌پذیری داخل) پیامدهای منفی برای تولید و تراز تجاری کشور به همراه داشته و اهدافی چون جهش صادراتی یا تقویت تولید ملی را محقق نساخته است.**

متغیرهای مذکور به شرح زیر است: کاهش نرخ ارز حقیقی منجر به کاهش تقاضای کالاهای تولید داخل در بازارهای داخلی و خارجی می‌شود که نتیجه آن عدم استفاده از ظرفیت تولیدی موجود می‌باشد. بنابراین تولید داخلی از مسیر کاهش نرخ ارز حقیقی و عاقل ماندن بخشی از ظرفیت تولید تحت تأثیر منفی قرار گرفته و تضعیف می‌شود. بدیهی است به دنبال کاهش تولید، اشتغال نیز کاهش خواهد یافت (افزایش نرخ ارز حقیقی از مسیری بالعکس منجر به افزایش استفاده از ظرفیت‌های تولیدی موجود و اشتغال خواهد شد). کاهش نرخ ارز حقیقی از طریق کاهش قیمت کالاهای وارداتی و افزایش قیمت کالاهای صادراتی، قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی را در بازارهای داخلی و خارجی کاهش داده و در نتیجه اثر منفی بر میزان درآمد و بازدهی سرمایه‌گذاری در داخل به دنبال دارد.

#### جمع‌بندی و پیشنهادها

نظام ارزی ایران به‌طور مرتب از نظام

# تجارت خارجی کشور با تأکید بر ارزش وزنی صادرات و واردات

♦ دکتر احسان قمری

استاد دانشگاه و کارشناس تجارت بین‌الملل

## مقدمه

تجارت خارجی کشور در طول سال‌های گذشته، دوران پرفرازونشیبی را طی کرده و به ادامه روند سینوسی خود در دهه‌های گذشته ادامه داده است. هر چند در برنامه‌های توسعه بویژه از برنامه سوم، توجه ویژه‌ای به تجارت خارجی شده و همچنین در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری) درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصاد به معنای مدیریت واردات و توسعه صادرات غیرنفتی مورد تأکید قرار گرفته؛ ولی به نظر می‌رسد سیاست‌های اجرایی و حکمرانی در حوزه تجارت خارجی، نتوانسته، آن‌گونه که شایسته و بایسته است، تجارت خارجی کشور را تحت تأثیر قرار داده و با وجود اقدامات مؤثر و سازنده در حوزه مقررات‌گذاری و در نگاه کلی تنظیم‌گری و حکمرانی، به علت تصمیمات خلق‌الساعه و بعضاً غیرکارشناسی و عدم ثبات مدیریتی در حوزه‌های حاکمیتی از جمله سازمان متولی تجارت خارجی کشور، صادرات و واردات از بیماری مزمنی رنج می‌برد که درمان آن نیاز به بررسی کامل تجارت خارجی کشور با امعان نظر به متغیرهای برون‌زا و درون‌زا و توجه به زیرساخت‌های تجاری و بازرگانی و در نهایت همدلی و معاضدت هر چه بیشتر بخش‌های تصدی‌گر یعنی بخش خصوصی و حاکمیتی یعنی نهادهای دولتی متولی تجارت خارجی کشور دارد. اعلام نادیده گرفتن اثرات شوک‌های داخلی و خارجی بر تجارت خارجی کشور در طول سال‌های اخیر از سوی برخی از مسئولان امر، بیانگر عدم اشراف ایشان بر مبانی تجارت و اقتصاد بین‌الملل بوده و

پرواضح است در فقر کارشناسی، نمی‌توان انتظار سیاست‌گذاری صحیح و بر مبنای واقعیت‌های اقتصادی و تجاری و فضای حاکم بر تجارت خارجی کشور داشته و در نهایت فعالان تجارت خارجی کشور به‌عنوان سربازان خط مقدم جهاد اقتصادی قادر نخواهند بود مسیر پرفرازونشیب تجارت خارجی کشور (با هدف توسعه صادرات غیرنفتی و مدیریت واردات) به‌عنوان یکی از بخش‌های اثرگذار تولید ناخالص ملی را به‌درستی طی نمایند.

## ده سال تجارت خارجی از نظر ارزشی

ارزش تجارت خارجی کشور از ۹۲،۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ با رشدی ۳۳ درصدی به ۱۱۲،۹ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۱ رسیده است؛ به‌عبارت‌دیگر هر چند حجم تجارت خارجی نمی‌تواند معیار مناسبی برای تحلیل وضعیت تجارت خارجی (به علت احتمال تفوق ارزش واردات بر صادرات باشد) ولی می‌توان گفت که تجارت خارجی در بازه زمانی فوق‌الذکر به‌صورت

ارزش تجارت خارجی کشور از ۹۲،۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ با رشدی ۳۳ درصدی به ۱۱۲،۹ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۱ رسیده است؛ به‌عبارت‌دیگر هر چند حجم تجارت خارجی نمی‌تواند معیار مناسبی برای تحلیل وضعیت تجارت خارجی (به علت احتمال تفوق ارزش واردات بر صادرات باشد) ولی می‌توان گفت که تجارت خارجی در بازه زمانی فوق‌الذکر به‌صورت میانگین و سالیانه ۳،۶ درصد رشد داشته که رقم ناچیزی بوده و لازم است در خصوص این نرخ، تدابیری اندیشیده شود.



میانگین و سالیانه ۳،۶ درصد رشد داشته که رقم ناچیزی بوده و لازم است در خصوص این نرخ، تدابیری اندیشیده شود. در جدول شماره (۱) ارزش صادرات کشور در بازه زمانی سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۴۰۱ ذکر گردیده است. همان‌گونه که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، تغییرات تجارت کشور در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ روند منظمی نداشته و دامنه رشد متنوعی از ۱۷،۷- درصد در سال ۱۳۹۹ تا ۴۴ درصد در سال ۱۴۰۰ را تجربه نموده است. این موضوع نشان می‌دهد که تجارت خارجی کشور به‌صورت اعم و صادرات کشور به‌صورت اخص در سال‌های مختلف، روند سینوسی طی کرده و هیچ‌گاه از روند منظم رو به رشد برخوردار نبوده است. لذا به نظر می‌رسد در خصوص صادرات غیرنفتی برنامه و نقشه راه مدونی به‌عنوان پیشران توسعه اقتصادی و یکی از اصول مهم مندرج در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی وجود نداشته و صادرات غیرنفتی کشور در دایره بسته آزمون‌وخطا به حرکت سینوسی خود



به غیر از سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۵ منفی بوده و می‌توان علت مثبت بودن تراز تجاری در سال ۱۳۹۵ را ناشی از انتظارات حاصل از توافقنامه برجام دانست، ضمن آنکه اوج‌گیری تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ و به‌تبع آن کاهش واردات (۲۱،۶ درصد) علیرغم کاهش ۵،۴ درصدی صادرات، یکی از علل مثبت بودن تراز تجاری در سال‌های موردبحث می‌باشد. ضمن آن‌که سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۱، شاهد منفی‌ترین تراز تجاری در دهه مورد بحث بوده‌ایم که بیانگر وضعیت یکسان در اولین سال‌های دولت دوازدهم و سیزدهم می‌باشد. نکته مهم و اثرگذار اینکه رشد تراز تجاری کشور بیش از آنکه ناشی از کاهش صادرات و درون‌زایی اقتصاد باشد ناشی از کاهش صادرات بوده و لازم است تحلیل کاملی در این خصوص صورت پذیرد.

۱۳۹۷ با ۲۱،۶- درصد بوده است؛ ضمناً آنچه در واردات از اهمیت بالایی برخوردار است کیفیت واردات بوده و کاهش واردات در برخی سال‌ها بدون توجه به وضعیت کالاهای وارداتی از نظر نوع کالا (مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و کالاهای نهایی) نمی‌تواند معیار مناسبی برای توجیه کاهش وابستگی به خارج باشد. همچنین با وجود بالا و پایین رفتن روند واردات در سال‌های مختلف، میانگین رشد واردات در طول سال‌های گذشته ۱،۵ درصد بوده است.

از نظر تراز تجاری کشور نیز طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱، وضعیت زیر حاکم است (جدول شماره ۳).

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۳) تراز تجاری کشور در تمام سال‌های دوره موردبررسی

ادامه می‌دهد. بر اساس آمار جدول شماره (۱)، میانگین رشد سالیانه صادرات غیرنفتی در طول سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ برابر با ۴،۲ درصد بوده که با برنامه‌های پیش‌بینی‌شده در قوانین بالادستی فاصله زیادی دارد. همچنین واردات کشور هم از روند مشابهی مانند صادرات برخوردار بوده و از ۵۰،۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ به ۵۹،۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است که در بخش‌های بعدی در خصوص ساختار واردات کشور نیز بحث و بررسی خواهد شد. در جدول شماره (۲)، ارزش واردات کشور در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ ذکر گردیده است.

همان‌گونه که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، روند واردات کشور هم چندان منظم نبوده و بیشترین رشد، مربوط به سال ۱۳۹۶ با ۲۴،۲ درصد و کمترین رشد مربوط به سال

جدول شماره (۱): روند ارزشی صادرات (۱۴۰۱-۱۳۹۲) (منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران (ارزش صادرات: میلیارد دلار))

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
ارزش	۴۱،۶	۴۹،۷	۴۲،۴	۴۴	۴۶،۹	۴۴،۴	۴۱،۳	۳۴	۴۹	۵۳،۲
رشد (درصد)	۰،۷	۱۹،۴	-۱۴،۷	۳،۷	۶،۵	-۵،۴	-۷	-۱۷،۷	۴۴	۸،۵

جدول شماره (۲): روند ارزشی واردات (۱۴۰۱-۱۳۹۲) (منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران (ارقام: میلیارد دلار))

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
ارزش	۵۰،۸	۵۲،۴	۴۱،۴	۴۳،۷	۵۴،۳	۴۲،۶	۴۳،۷	۳۸،۴	۵۳	۵۹،۷
رشد (درصد)	-۴،۲	۳،۱	-۲۱	۵،۵	۲۴،۲	-۲۱،۶	۲،۵	-۱۲،۲	۳۸	۱۲،۶

جدول شماره (۳): تراز تجاری کشور (۱۴۰۱-۱۳۹۲) (منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران (ارقام: میلیارد دلار))

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
صادرات	۴۱،۶	۴۹،۷	۴۲،۴	۴۴	۴۶،۹	۴۴،۴	۴۱،۳	۳۴	۴۹	۵۳،۲
واردات	۵۰،۸	۵۲،۴	۴۱،۴	۴۳،۷	۵۴،۳	۴۲،۶	۴۳،۷	۳۸،۴	۵۳	۵۹،۷
تراز تجاری	-۹،۲	-۲،۷	-۱	۰،۳	-۷،۴	۱،۸	-۲،۴	-۴،۴	-۴	-۶،۵



### ده سال تجارت خارجی از نظر وزنی

یکی از شاخص‌های مهم در حوزه تجارت خارجی کشور، وزن و تناژ کالاهای صادراتی و وارداتی است؛ چراکه این شاخص، بیانگر کیفیت صادرات و واردات می‌باشد. به عبارت دیگر وزن صادرات و واردات به تنهایی نمی‌تواند شاخص مناسبی برای موفقیت یک کشور در تجارت بوده و افزایش حجم وزنی تجارت را نمی‌توان به عنوان معیار مناسبی در جهت بهبود وضعیت تجاری در نظر گرفت. از یکسو کالاهای خام و مواد اولیه وزن زیادی به خود اختصاص داده و از سوی دیگر علیرغم ارزش بالای کالاهای نهایی و واجد ارزش افزوده، این نوع از کالاها، اصولاً وزن چندانی نداشته و بیشتر در سبد وارداتی کشور به چشم می‌خورند. در یک کلام، شاید مهم‌ترین معضل در حوزه تجارت خارجی کشور که موفقیت‌ها را تحت الشعاع قرار داده و افزایش

ارزشی تجارت خارجی را تضعیف می‌نماید؛ افزایش وزن کالاهای صادراتی و کاهش وزن کالاهای وارداتی در مقابل کاهش ارزش صادرات و افزایش ارزش واردات است که لازم است با برنامه‌ریزی مناسب و تلاش در جهت افزایش تولید کالاهای واجد ارزش افزوده، نسبت به جلوگیری از خام فروشی و اتکا به منابع غیرنفتی دارای ارزش افزوده بالا اقدام نمود. همان‌گونه که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، روند تغییرات وزنی صادرات، از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و هفت سال از دهه گذشته، شاهد افزایش وزنی صادرات بوده‌ایم به نحوی که به صورت میانگین و سالانه، شاهد افزایش ۸،۴۷ درصدی وزن صادرات بوده‌ایم. در جدول شماره (۵) مقایسه‌ای میان تغییرات وزنی و ارزشی صادرات، طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۴۰۱ انجام شده است.

همان‌گونه که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، علیرغم کاهش ارزش صادرات نسبت به سال قبل، تناژ صادرات افزایش یافته که بیانگر کاهش قیمت و در یک کلام افزایش خام فروشی است؛ ضمن آنکه فقط در سال ۱۴۰۱، ضمن افزایش ارزش صادرات، تناژ صادرات کاهش یافته که این می‌تواند نویدبخش آینده امیدوارکننده‌ای در حوزه صادرات غیرنفتی باشد. همچنین مقایسه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۴ نکات برجسته‌ای را مشخص می‌سازد. هر چند در دو سال گذشته هم‌وزن و هم ارزش صادرات کاهش یافته است ولی می‌توان گفت که با وجود کاهش ارزش صادرات در سال ۱۳۹۷ کاهش وزن صادرات به گونه‌ای بوده است که کاهش و تقلیل ارزش را کمرنگ نموده و میانگین ارزش هر تن کالای صادراتی را افزایش داده است. برای مقایسه بهتر

جدول شماره (۴): مقایسه وزن کالاهای صادراتی (۱۴۰۱-۱۳۹۲) (منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران (ارقام: میلیون تن))

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
ارزش	۹۲،۹	۹۸،۴	۹۳،۵	۱۲۹،۹	۱۳۲	۱۱۷	۱۳۴	۱۱۲	۱۲۳	۱۲۲
رشد (درصد)	۱۶،۸	۵،۹	-۵	۳۸،۹	۱،۶	-۱۳،۴	۱۴،۵	۱۶،۵	۹،۸	-۰،۹

جدول شماره (۵): مقایسه تغییرات ارزشی و وزنی صادرات (۱۴۰۱-۱۳۹۲) (محاسبات محقق)

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
تغییر ارزشی (درصد)	۰،۷	۱۹،۴	-۱۴،۷	۳،۷	۶،۵	-۵،۴	-۷	-۱۷،۷	۴۴	۸،۵
تغییر وزنی (درصد)	۱۶،۸	۵،۹	-۵	۳۸،۹	۱،۶	-۱۳،۴	۱۴،۵	۱۶،۵	۹،۸	-۰،۹

جدول شماره (۶): مقایسه وزن کالاهای وارداتی (۱۴۰۱-۱۳۹۲) (منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران (ارقام: میلیون تن))

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
ارزش	۳۹،۵	۴۱،۲	۳۵	۳۳،۴	۳۸،۷	۳۲	۳۵،۳	۳۳،۴	۴۱	۳۷
رشد (درصد)	۰،۲	۴،۳	-۱۵،۱	-۴،۶	۱۵،۸	-۱۷،۴	۱۰،۳	-۵،۴	۲۲،۷	-۹،۸

واردات یک کشور باشد، ارزش هر تن کالای صادراتی و وارداتی است که به صورت میانگین کیفیت صادرات و واردات انجام شده را به وضوح بیان می‌کند. هر چقدر، میزان این شاخص بالاتر باشد، بیانگر با ارزش بودن کالا و واجد ارزش افزوده بودن می‌باشد.

بر اساس آمار و اطلاعات موجود، میانگین ارزش هر تن کالای صادراتی در دوره مورد بررسی ۳۹۲.۵ دلار بوده که با توجه به توانمندی‌های بالفعل و بالقوه جمهوری اسلامی ایران، رقم ناچیزی بوده و بیانگر استمرار خام فروشی می‌باشد. نکته قابل توجه اینکه بیشترین ارزش هر تن کالای صادراتی به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۲ و ۱۴۰۱ بوده و همچنین در این سال‌ها (نسبت به سال قبل) نیز شاهد افزایش ارزش هر تن کالای صادراتی بوده‌ایم. کمترین ارزش نیز مربوط با ۳۰۴ دلار در هر تن مربوط به سال ۱۳۹۹

واردات کالاها و مواد اولیه و خام می‌باشد. اطلاعات جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۷ چهار شاخص ارزش صادرات، وزن صادرات، ارزش واردات و وزن واردات کاهش یافته‌اند، ولی کاهش وزنی واردات در این دو سال، از کاهش ارزشی کمتر بوده و در خصوص صادرات وضعیت تا حدی متفاوت می‌باشد. قابل ذکر است که بهترین حالت در تجارت خارجی، افزایش ارزش صادرات، کاهش تناژ صادرات، کاهش ارزش واردات و افزایش تناژ واردات می‌باشد.

### ده سال تجارت خارجی از نظر ارزش هر تن صادرات و واردات

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در تجارت خارجی که کمتر به آن توجه شده و می‌تواند معیار مناسبی جهت وضعیت و کیفیت صادرات و

در جدول شماره (۶)، وضعیت وزنی صادرات در دوره مورد بررسی، بیان شده است.

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۶)، از مجموع دوره بیان شده در پنج سال، روند وزنی صادرات کاهش یافته که بیانگر افزایش واردات کالاهای نهایی و مصرفی در این دوره‌ها (سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۹، ۱۳۹۷، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۱) است.

بر اساس اطلاعات موجود، در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۳۹۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۳ روند واردات هم از نظر وزنی و هم از نظر ارزشی افزایش یافته که در همه این سال‌ها به غیر سال ۱۳۹۶، افزایش نسبی وزن کالاهای وارداتی از افزایش نسبی ارزش کالاهای وارداتی بیشتر بوده که بیانگر کاهش واردات کالاهای نهایی است. همچنین در سال‌های ۱۳۹۹، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۴ روند تغییرات ارزشی و وزنی واردات نزولی و کاهش یافته که بیانگر کاهش واردات در مجموع و همچنین کاهش

جدول شماره (۷): مقایسه تغییرات ارزشی و وزنی واردات (۱۴۰۱-۱۳۹۲) (محاسبات محقق)

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
تغییر ارزشی (درصد)	-۴,۲	۳,۱	-۲۱	۵,۵	۲۴,۲	-۲۱,۶	۲,۵	-۱۲,۲	۳۸	۱۲,۶
تغییر وزنی (درصد)	۰,۲	۴,۳	-۱۵,۱	-۴,۶	۱۵,۸	-۱۷,۴	۱۰,۳	-۵,۴	۲۲,۷	-۹,۸

جدول شماره (۷): مقایسه تغییرات صادرات و واردات از نظر ارزشی و وزنی (۱۴۰۱-۱۳۹۲) (محاسبات محقق)

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
تغییر ارزشی صادرات (درصد)	۰,۷	۱۹,۴	-۱۴,۷	۳,۷	۶,۵	-۵,۴	-۷	-۱۷,۷	۴۴	۸,۵
تغییر ارزشی واردات (درصد)	-۴,۲	۳,۱	-۲۱	۵,۵	۲۴,۲	-۲۱,۶	۲,۵	-۱۲,۲	۳۸	۱۲,۶
تغییر وزنی صادرات (درصد)	۱۶,۸	۵,۹	-۵	۳۸,۹	۱,۶	-۱۳,۴	۱۴,۵	۱۶,۵	۹,۸	-۰,۹
تغییر وزنی واردات (درصد)	۰,۲	۴,۳	-۱۵,۱	-۴,۶	۱۵,۸	-۱۷,۴	۱۰,۳	-۵,۴	۲۲,۷	-۹,۸



بوده و همچنین بیشترین تغییرات منفی نیز مربوط به سال ۱۳۹۵ با ۲۵,۲- درصد می‌باشد. میانگین ارزش هر تن کالای وارداتی در دوره دهساله ۱۴۰۱-۱۳۹۲ مقدار ۱۲۹۵,۵ دلار بوده که بیانگر ارزش بالای کالاهای وارداتی و در یک کلام نهایی بودن کالاهای وارداتی است. بهترین وضعیت را در سال ۱۳۹۹ با ۱۰۲۷ دلار در هر تن کالای وارداتی مشاهده می‌کنیم که در این سال بیشترین کاهش را در ارزش هر تن کالای وارداتی با ۱۷,۱- تجربه کرده‌ایم. این درحالی است که این رقم در مقایسه با بیشترین ارزش هر تن کالای صادراتی در دهه مورد مطالعه (۵۰۵ دلار در سال ۱۳۹۲) قابل‌ملاحظه بوده و حدود ۲ برابر می‌باشد. به هر حال لازم است تلاش شود تا ضمن کاهش

ارزش هر تن کالای وارداتی و افزایش هر تن کالای صادراتی، فاصله میان این دو شاخص کاهش یابد.

### اهداف و راهکارهای اجرایی در راستای افزایش صادرات کالاها و خدمات واجد ارزش افزوده

#### اهداف

- ♦ دستیابی به تولیدات متنوع صنعتی- معدنی صادرات‌گرا،
- ♦ افزایش سهم تولیدات دارای فناوری بالا از کل تولید،
- ♦ ارتقای کیفی محصولات منطبق با استانداردهای بین‌المللی،
- ♦ دستیابی به سبد صادراتی متنوع کالاها و خدمات و پایداری توسعه صادرات اقلام موجود،

♦ ماندگاری و حفظ سهم در بازارها و دستیابی به تنوع بازارهای صادراتی،

♦ دستیابی به خدمات پیشرفته و رقابتی پشتیبانی صادرات،

♦ دستیابی به بنگاه‌های شایسته صادراتی و در کلاس جهانی.

#### راهکارها

- ♦ تدوین و اجرای دیپلماسی تجاری کشور در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید و اشتغال و مقتضیات حال و آینده کشور،
- ♦ محور قرار دادن راهبرد توسعه صادرات غیرنفتی و انجام حمایت‌های لازم در این زمینه،
- ♦ بسترسازی جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی در زمینه تولیدات صادرات‌محور،

جدول شماره (۸): مقایسه کیفی تغییرات ارزش و تناژ صادرات و واردات

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
تغییر ارزشی صادرات (درصد)	افزایش	افزایش	کاهش	افزایش	افزایش	کاهش	کاهش	کاهش	افزایش	افزایش
تغییر ارزشی واردات (درصد)	کاهش	افزایش	کاهش	افزایش	افزایش	کاهش	افزایش	کاهش	افزایش	افزایش
تغییر وزنی صادرات (درصد)	افزایش	افزایش	کاهش	افزایش	افزایش	کاهش	افزایش	افزایش	افزایش	کاهش
تغییر وزنی واردات (درصد)	افزایش	افزایش	کاهش	کاهش	افزایش	کاهش	افزایش	کاهش	افزایش	کاهش

- ♦ بهترین سال از نظر صادرات: ۱۴۰۱
- ♦ بدترین سال از نظر صادرات: ۱۳۹۹ و ۱۳۹۸
- ♦ بهترین سال از نظر واردات: ۱۳۹۲
- ♦ بدترین سال از نظر واردات: ۱۳۹۵، ۱۴۰۱

جدول شماره (۹): ارزش و تغییرات هر تن کالای صادراتی (۱۳۹۲-۱۴۰۱) (محاسبات محقق) - ارقام: دلار

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
ارزش هر تن کالای صادراتی	۴۴۸	۵۰۵	۴۵۳	۳۳۹	۳۵۵	۳۷۹	۳۰۸	۳۰۴	۳۹۸	۴۳۶
تغییرات (درصد)	۱۱,۴	۱۲,۷	-۱۰,۳	-۲۵,۲	۴,۷	۹,۷	-۱۷,۸	-۱,۳	۳۰,۹	۹,۵

◆ تعامل فعال‌تر با تشکل‌ها، اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی و اتاق‌های تعاون سراسر کشور برای توسعه صادرات،  
 ◆ حمایت‌های هدفمند از صدور خدمات فنی و مهندسی و توسعه صادرات کالاهای با ارزش افزوده و فناوری بالا،  
 ◆ حمایت از صادرات خدمات بویژه صدور نیروی کار متخصص، خدمات ترانزیتی، گردشگری و صادرات مجدد،  
 ◆ مدیریت مؤثر واردات در راستای پشتیبانی از تولید و صادرات،  
 ◆ بهره‌گیری از تمامی ابزارهای قانونی برای مقابله با ورود کالاهای غیرکیفی و غیرضروری،  
 ◆ برگزاری نمایشگاه‌ها، اعزام هیئت‌ها، دعوت از هیئت‌های خارجی و توسعه کمیسیون‌های

مشترک تجاری،  
 ◆ ساماندهی نظام اطلاع‌رسانی بازارها و فرصت‌های تجاری به تولیدکنندگان و صادرکنندگان،  
 ◆ تداوم هدفمند و اثربخش کردن جوایز و مشوق‌های صادراتی،  
 ◆ تقویت جایگاه نهادها، تشکل‌ها، خوشه‌های صنعتی صادراتی و شرکت‌های مدیریت صادرات،  
 ◆ گسترش پوشش‌های بیمه‌ای صادراتی،  
 ◆ فعال‌سازی مناطق آزاد برای جذب سرمایه‌گذاری و پردازش صادرات،  
 ◆ تبلیغ و ترفیع نشان‌های تجاری ایرانی در بازارهای هدف،  
 ◆ ماندگاری و حفظ سهم بازار کالاهای سنتی صادراتی کشور،  
 ◆ تسهیل تجارت از طریق ساده‌سازی فرآیندها

و همگانی کردن تجارت الکترونیکی،  
 ◆ اجرای طرح آمایش تجاری بر اساس پتانسیل‌های هر استان،  
 ◆ حمایت و کمک به جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای توسعه زیرساخت‌های تجاری کشور،  
 ◆ اصلاح ساختار و کارآمدتر کردن منابع انسانی. امید است با اجرای موفق برنامه‌های فوق، آرزوی مقام معظم رهبری که فرمودند «آرزوی حقیقی من این است که با تلاش و غیرت عموم ملت ایران روزی قادر باشیم در چاه‌های نفت را ببندیم و اقتصاد کشور را براساس منابع غیرنفتی بنا نهیم و در این صورت است که خدمت بزرگی به نسل امروز و آینده کشور کرده‌ایم». ◆◆

جدول شماره (۱۰): ارزش و تغییرات هر تن کالای وارداتی (۱۳۹۲-۱۴۰۱) (محاسبات محقق) ارقام: دلار

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
ارزش هر تن کالای وارداتی	۱۲۸۶	۱۲۷۲	۱۱۸۳	۱۳۰۸	۱۴۰۳	۱۳۳۱	۱۲۳۸	۱۰۲۷	۱۲۹۳	۱۶۱۴
تغییرات (درصد)	۲۲	-۱,۱	-۷	۱۰,۵	۷,۲	-۵,۲	-۷	-۱۷,۱	۲۵,۹	۲۴,۸

جدول شماره (۱۱): مقایسه ارزش هر تن کالای صادراتی و وارداتی (محاسبات محقق) - ارقام: دلار

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
ارزش هر تن کالای صادراتی	۴۴۸	۵۰۵	۴۵۳	۳۳۹	۳۵۵	۳۷۹	۳۰۸	۳۰۴	۳۹۸	۴۳۶
ارزش هر تن کالای وارداتی	۱۲۸۶	۱۲۷۲	۱۱۸۳	۱۳۰۸	۱۴۰۳	۱۳۳۱	۱۲۳۸	۱۰۲۷	۱۲۹۳	۱۶۱۴
نسبت ارزش هر تن صادرات به ارزش هر تن واردات	۰,۳۴	۰,۴۰	۰,۳۸	۰,۲۶	۰,۲۵	۰,۲۸	۰,۲۵	۰,۳۰	۰,۳۱	۰,۲۷

- ◆ بهترین وضعیت: سال ۱۳۹۳
- ◆ بدترین وضعیت: سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۶
- ◆ بهترین سال از نظر ارزش هر تن کالای صادراتی: ۱۳۹۳
- ◆ بهترین سال از نظر ارزش هر تن کالای وارداتی: ۱۳۹۹
- ◆ بدترین سال از نظر ارزش هر تن کالای صادراتی: ۱۳۹۹
- ◆ بدترین سال از نظر ارزش هر تن کالای وارداتی: ۱۴۰۱

# سهم ایران از بازار جهانی سنگ‌های تزئینی



♦ نرگس مهدوی‌نیا  
کارشناس انجمن سنگ استان کرمان

تجارت و بازارهای هدف بایستی چالش ضعف و کمبود تجهیزات و ماشین‌آلات معدنی، نوآوری و نیروی انسانی را نیز رفع نماید. کارشناسان و فعالان این بخش توصیه می‌کنند که در کنار آشنایی با اصول بازاریابی و راه‌اندازی پروژه‌های عظیم تولید و فرآوری، می‌توانیم با دست‌پُر به سراغ بازارهای جهانی برویم.

بهره‌برداری صحیح و علمی از ذخایر انبوه و متنوع معدنی در کشور، مستلزم برنامه‌ریزی‌های دقیق بوده و دستیابی به این هدف با در اختیار داشتن آمار و اطلاعات دقیق و به‌هنگام از فعالیت‌های این بخش مقدور است.

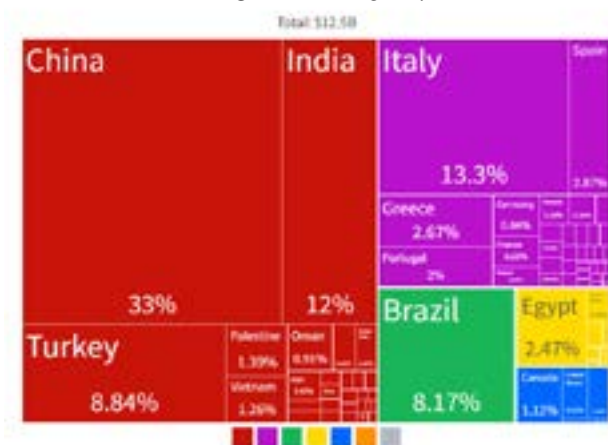
در سال ۲۰۲۱ سنگ‌های ساختمانی با ۱۲/۵ میلیارد دلار ارزش معامله، ۳۰۷ امین محصول پر معامله جهان بودند. بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، صادرات سنگ‌های ساختمانی ۱۳/۳ درصد رشد کرده و از ۱۱ میلیارد دلار در سال به ۱۲/۵ میلیارد دلار رسیده است. تجارت سنگ‌های ساختمانی ۰/۵۹ درصد از کل تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد.

صادرات یکی از حیاتی‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور را تشکیل می‌دهد. صدور کالا و خدمات، مهم‌ترین منبع تأمین درآمد ارزی هر کشور به‌شمار می‌آید که نبض اقتصاد زنده و فعال دنیا را در دست دارد. از آنجایی که منابع نفتی کشور محدود است لذا جهت رشد و توسعه اقتصاد و ایجاد اشتغال، چاره‌ای جز توسعه صادرات غیرنفتی از طریق تعامل با بازارهای جهانی وجود ندارد. پس در این راستا باید عوامل مؤثر بر این امر را شناخت تا سیاست‌گذاران در مواقع ضروری نسبت به بهبود و تقویت آن تلاش نمایند. صنعت سنگ تزئینی کشور ظرفیت بالایی برای ارزآوری دارد و در صورت توجه و برنامه‌ریزی دقیق می‌توان سهم سنگ را در تولید ناخالص داخلی به شکل چشم‌گیری افزایش داد.

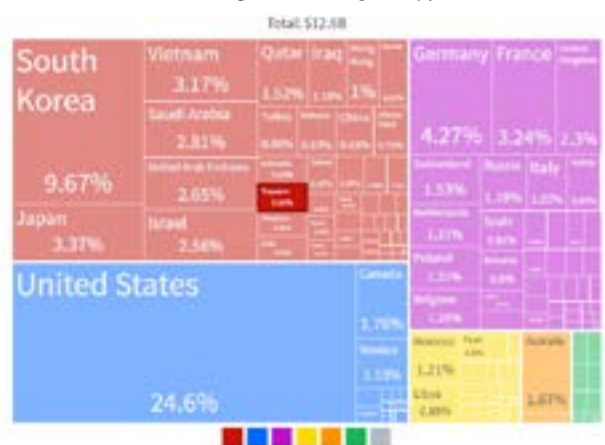
امروزه این صنعت برای رسیدن به اهداف صادراتی خود، علاوه بر آشنایی با اصول

در سال ۲۰۲۱ بزرگ‌ترین صادرکنندگان سنگ ساختمانی (تزئینی) کشور چین با ۴/۱۲ میلیارد دلار رتبه اول و کشورهای ایتالیا با (۱/۶۶ میلیارد دلار)، هند (۱/۴۹ میلیارد دلار)، ترکیه (۱/۱ میلیارد دلار) و برزیل (۱/۰۲ میلیارد دلار) رتبه‌های بعدی را داشته‌اند و سهم کشور ایران هم ۵۲/۶ میلیون دلار بوده است.

صادرکنندگان سنگ ساختمانی (۲۰۲۱)

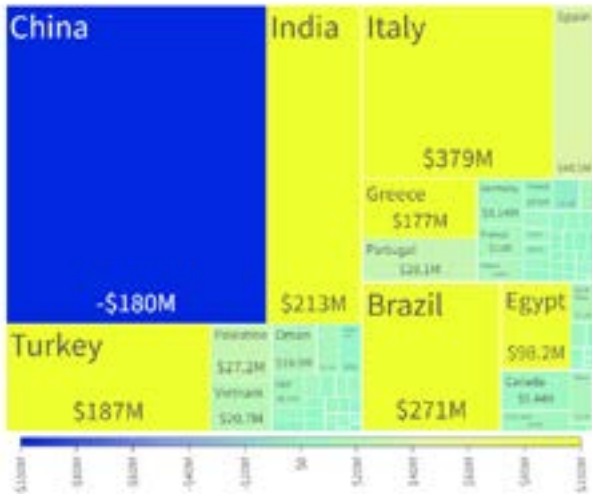


واردکنندگان سنگ ساختمانی (۲۰۲۱)



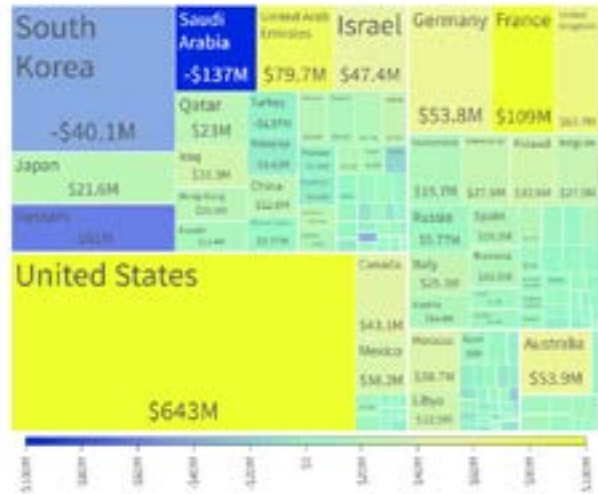
کشورهای برتر صادرکننده و واردکننده سنگ تزئینی جهان در سال ۲۰۲۱

صادرکنندگان سنگ ساختمانی (۲۰۲۰ - ۲۰۲۱)



رشد ارزش صادرات

واردکنندگان سنگ ساختمانی (۲۰۲۰ - ۲۰۲۱)



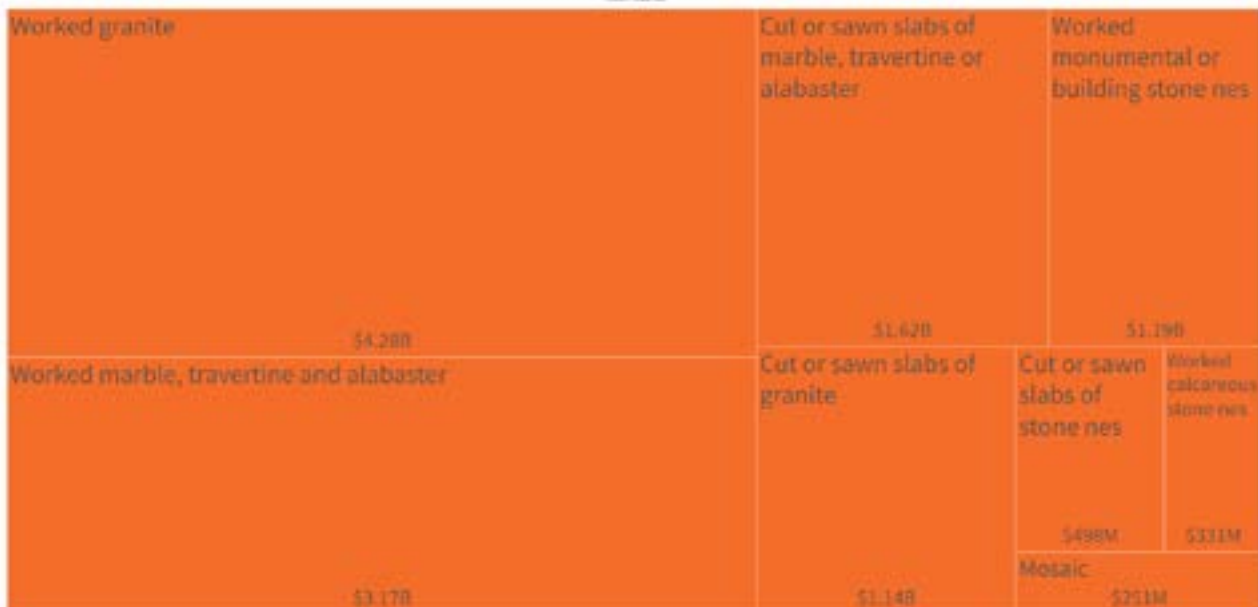
رشد ارزش واردات

داشته است. در سال ۲۰۲۱ سنگ‌های ساختمانی تزئینی پر معامله در جهان براساس سطح تفکیک HSE شامل سنگ گرانیت کار شده با (۴/۲۸ میلیارد دلار)، سنگ مرمر کار شده، تراورتن و آلاباستر با (۳/۱۷ میلیارد دلار) و صفحات بریده شده یا اره شده از سنگ مرمر و غیره (۱/۶۲ میلیارد دلار)، سنگ‌های آهکی کار شده و مجسمه‌های سنگی یادبود یا

برزیل، هند، ترکیه و یونان سریع‌ترین رشد و واردات سنگ‌های ساختمانی در کشورهای آمریکا، فرانسه، امارات متحده عربی، بریتانیا و استرالیا بیشترین رشد را داشته است. کشور ایران نیز با صادرات ۴۳/۹ میلیون دلاری سنگ تزئینی در سال ۲۰۲۰ و ۵۲/۶ میلیون دلاری در سال ۲۰۲۱ میانگین رشد ارزش صادراتی ۸/۷۱ یا ۱۹/۹ درصدی را

در سال ۲۰۲۱ بزرگ‌ترین واردکنندگان سنگ ساختمانی، کشور آمریکا با ۳/۰۷ میلیارد دلار رتبه اول و کشورهای کره جنوبی با (۱/۲۱ میلیارد دلار)، آلمان (۵۳۳ میلیون دلار)، ژاپن (۴۲۰ میلیون دلار) و فرانسه (۴۰۴ میلیون دلار) رتبه‌های بعدی را داشته‌اند. در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، صادرات سنگ‌های ساختمانی در کشورهای ایتالیا،

Table 122.58



پراکاربردترین سنگ‌های تزئینی تجارت شده در سال ۲۰۲۱ براساس تفکیک HSE



ساختمانی (۱/۱۹ میلیارد دلار) و صفحات بریده شده به صورت اسلب از گرانیت به ارزش (۱/۱۴ میلیارد دلار) بوده است. بازار سنگ‌های ساختمانی در آینده محبوبیت زیادی به دست می‌آورد، زیرا سنگ‌های تزئینی مانند مرمر، گرانیت، تراورتن، سنگ‌آهک، اونیکس و ماسه‌سنگ کاربرد گسترده‌ای در میزهای آشپزخانه، کف‌پوش، روکش دیوار، شومینه و غیره پیدا خواهند کرد. سنگ‌های مرمر و گرانیت پتانسیل طراحی نامحدودی دارند و دوام بالایی از خود نشان می‌دهند. بناهای قدیمی شناخته شده و مشهور جهانی مانند تاج محل، آگرا، هرم بزرگ، پترا و غیره با استفاده از سنگ‌های طبیعی ساخته شده‌اند.

با این حال پیش‌بینی می‌شود که ماهیت متخلخل، نرم و شکننده سنگ طبیعی رشد بازار را مهار کند. به‌عنوان مثال، برخی از سنگ‌های تزئینی متخلخل هستند و لکه‌ها را راحت‌تر جذب می‌کنند. به همین دلیل باید به‌خوبی آبندی شوند و برای طول عمر بیشتر سنگ از رزین‌ها استفاده شود. تخمین زده می‌شود که ویژگی‌های همه‌کاره سنگ‌های طبیعی مانند جذابیت بی‌انتها و زیبایی بسیار زیاد فرصت‌های رشد زیادی را به خود جلب می‌کند.

سنگ تزئینی ظرافت و زیبایی را به هر فضایی می‌افزاید، چه طراحی معماری باشد و چه ساختار طراحی تزئینی مانند مجسمه. علاوه بر این، پیشرفت‌های اخیر در استخراج و فرآیند ساخت سنگ تزئینی مانند سند بلاست، مدل‌سازی سه‌بعدی و کارهای سطحی دقیق، استفاده از سنگ‌های طبیعی را آسان‌تر و بادوام کرده است که پیش‌بینی می‌شود در طول بازه زمانی تحلیل، سهم بازار سنگ تزئینی را افزایش دهد.

بر اساس تحلیل‌های منطقه‌ای، بازار سنگ تزئینی در منطقه آسیا و اقیانوسیه درآمدی معادل ۱۹۹۰۷/۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ ایجاد کرد و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به ۳۵۱۷۰/۰۰ میلیون دلار برسد.

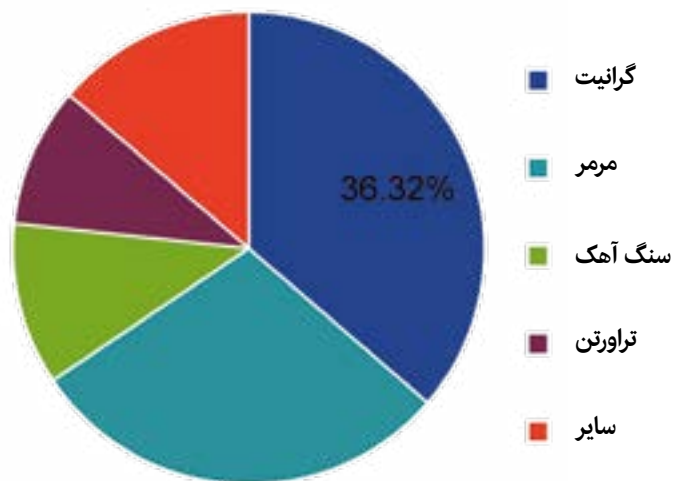
#### تأثیر COVID ۱۹ بر بازار سنگ تزئینی

بحران جهانی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ بر بازار سنگ تزئینی تأثیر منفی گذاشته و عملکرد آن را با چالش‌های واقعی مواجه کرد؛ به‌عنوان مثال، فعالیت‌های معدن، تأسیسات پردازش، تدارکات و دفاتر اداری در صنعت سنگ تزئینی مجبور به تعلیق فعالیت‌های خود برای مهار بیماری همه‌گیر شد. قرنطینه اعمال شده در کشورهای مختلف، تولیدکنندگان سنگ

تزئینی را مجبور کرد تا به حالت قرنطینه کامل بروند که منجر به بحران اقتصادی و اخراج کارکنان گردید. این شرکت‌ها به دلیل محدودیت‌های حمل‌ونقل و بی‌میلی کارگران به کار، به دلیل ترس از ابتلای به ویروس COVID ۱۹ نتوانستند تقاضای پروژه‌های ساخت‌وساز ضروری در حال انجام؛ مانند ساخت بیمارستان‌ها را برآورده کنند. واردات و صادرات سنگ تزئینی منفی و منجر به کاهش شدید تقاضا از بازار داخلی و خارجی شد. همه این عوامل بر اندازه بازار سنگ تزئینی در طول همه‌گیری تأثیر منفی گذاشته است. البته ابتکارات مختلف دولتی که اعلام کردند که تعداد کمی از صنایع از جمله صنایع مرتبط با بخش ساخت‌وساز می‌توانند کار خود را با حداقل پرسنل، فاصله‌گذاری اجتماعی و اقدامات احتیاطی مناسب آغاز کنند، به تولیدکنندگان سنگ تزئینی کمک کرد تا فعالیت‌های تجاری خود را آغاز کنند. در اواخر سال ۲۰۲۰، بسیاری از وب‌سایت‌های ساختمانی فعالیت عادی خود را از سر گرفتند که به‌طور غیرمستقیم به تولیدکنندگان سنگ تزئینی کمک کرد تا سرعت خود را افزایش دهند. پروتکل‌های ایمنی و بهداشتی مختلفی مانند هنجارهای فاصله‌گذاری اجتماعی، معاینات منظم بهداشتی کارگران و موارد دیگر به تولیدکنندگان سنگ طبیعی کمک کرد تا حداقل نیروی کار موجود را متعادل کنند و تقاضای سنگ تزئینی را در طول همه‌گیری برآورده کنند.

#### طیف گسترده‌ای از کاربردهای سنگ تزئینی برای افزایش رشد بازار

سنگ تزئینی در فضاهای داخلی منزل مانند آشپزخانه، حمام، اتاق نشیمن و غیره کاربردهای متنوعی پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال، گرانیت، یکی از سخت‌ترین سنگ‌ها، به‌طور گسترده‌ای در کانترهای آشپزخانه استفاده می‌شود که به دلیل دوام و مقاومت در برابر حرارت و ظرافت



سهم بازار جهانی سنگ تزئینی، بر اساس نوع سنگ، در سال ۲۰۲۱



را در طول زمان نشان دهد. پیش‌بینی می‌شود که سنگ گرانیت سهم بازار غالبی داشته باشد و تا سال ۲۰۳۰ از ۲۳۳۷۶/۸۰ میلیون دلار فراتر رود، با افزایشی در حدود ۱۳۰۷۴/۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱. دلیل آن سختی برجسته، مقاومت در برابر سایش و ظرافت گرانیت شناخته شده است. گرانیت سنگ ارتجاعی است که می‌تواند در برابر دمای بسیار بالا مقاومت کند. این سنگ در رنگ‌ها و طرح‌های مختلف با رگه‌ها، چرخش‌ها و لکه‌های متمایز موجودند و چشم‌نواز هستند. از آنجایی که گرانیت می‌تواند در برابر سایش مقاومت نماید، وزن قابل‌توجهی را تحمل کند، در برابر هوا مقاومت کند و جلا دهنده درخشانی دارد یک سنگ طبیعی مطلوب و محبوب است.

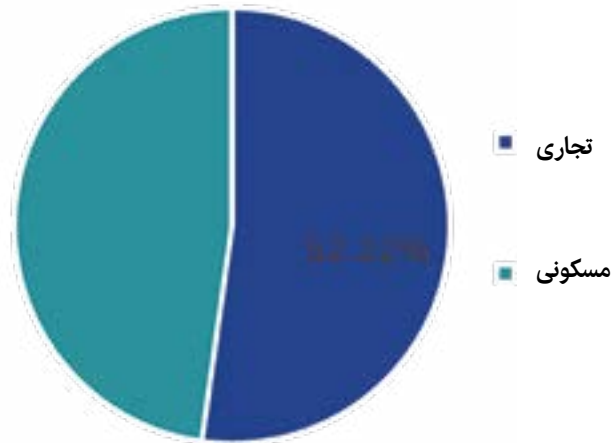
### بازار جهانی سنگ تزئینی، براساس صنعت مصرف

بر اساس صنعت مصرف، بازار بیشتر به مسکونی و تجاری طبقه‌بندی می‌شود. در این میان، پیش‌بینی می‌شود که زیربخش تجاری، سهم غالب و زیربخش مسکونی سریع‌ترین رشد را در طول بازه زمانی داشته باشد.

پیش‌بینی می‌شود که زیربخش تجاری تا سال ۲۰۳۰ از ۱۸۷۹۸/۳۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ به فراتر از ۳۰۸۰۹/۸۰ میلیون دلار برسد. ساختمان‌های تجاری مانند مراکز خرید و مجتمع‌های بزرگ از سنگ‌های تزئینی در بافت‌ها و رنگ‌های مختلف ساخته شده‌اند؛ بنابراین، این سنگ‌ها ظاهری زیبا و جذاب به ساختمان‌ها می‌دهند.

### بازار جهانی سنگ تزئینی، بینش منطقه‌ای

بازار سنگ تزئینی در سراسر آمریکای شمالی، اروپا، آسیا-اقیانوسیه و LAMEA (منطقه آمریکای لاتین، خاورمیانه و آفریقا) مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نمودار بازار سنگ تزئینی در



سهم بازار جهانی سنگ طبیعی، توسط بخش تجاری و مسکونی در سال ۲۰۲۱

گرمای ذاتی خود نشان می‌دهد و انتخاب محبوبی برای کف، روکش شومینه، میز، دیوارها و طاقچه‌ها است. به‌طور مشابه، سنگ صابون که یکی دیگر از سنگ‌های تزئینی است، نرم‌ترین ماده‌ای است که برای کانتراها استفاده می‌شود، زیرا کاملاً در برابر حرارت و لکه مقاوم است. مقاومت بالایی در برابر سایش و خراش نشان می‌دهد که به همین دلیل برای کف‌پوش استفاده می‌شود.

بر اساس نوع سنگ‌ها، سنگ‌های تزئینی به گرانیت، مرمر، سنگ‌آهک، تراورتن و غیره تقسیم شده‌اند. در این میان، زیربخش گرانیت بیشترین سهم درآمد را در سال ۲۰۲۱ به خود اختصاص داد و برآورد می‌شود که سریع‌ترین رشد

و الگوی منحصربه‌فرد خود شناخته شده است، زیرا هیچ دو صفحه گرانیتی شبیه هم نیستند و می‌توانند خواسته‌های شلوغ‌ترین آشپزخانه‌ها را بدون هیچ نشانه‌ای از سایش برآورده کنند. سنگ مرمر به‌طور گسترده‌ای برای کف‌پوش، ستون، پله، میز استفاده می‌شود. اونیکس که در رنگ‌های زیادی موجود است و برای افزایش رنگ شفاف از آن برای دیوارها استفاده می‌شود. کوارتزیت به‌عنوان بلوک‌های ساختمانی و اسلب استفاده می‌شود. سنگ مرمریت نیز در ساخت قرنیزها، نماها، ستون‌ها، کاشی‌های کف، شومینه، کاشی‌های دیوار، راه‌پله‌ها و غیره استفاده می‌شود.

### افزایش شدید فعالیت‌های ساختمانی در سراسر جهان برای ایجاد فرصت‌های عظیم

بخش ساختمان و ساخت‌وساز در سال‌های اخیر به دلیل شهرنشینی سریع، توسعه شهرهای هوشمند و پروژه‌های بزرگ، رشد قابل‌توجهی را تجربه کرده است. سنگ‌های تزئینی مانند سنگ مرمر، گرانیت و سایر سنگ‌ها عمدتاً در بخش‌های مسکونی و تجاری برای توسعه زیرساخت‌ها و همچنین برای پروژه‌های بازسازی استفاده می‌شوند. به‌عنوان مثال، سنگ مرمر که عمدتاً در چین، هند، ایتالیا و اسپانیا استخراج می‌شود، زیبایی را با

کشور ایران به‌واسطه موقعیت جغرافیایی مناسب، از جمله نواحی صاحب‌عنوان و مطرح در زمینه تولید سنگ‌های تزئینی است. در فلات قاره آسیای ایران بیش از ۲۵۰ نوع سنگ تزئینی و ساختمانی وجود دارد، این منطقه در مقایسه با کشورهایی مانند برزیل و هند که فقط یک یا دو نوع سنگ (گرانیت و مرمر) و در ایتالیا تعداد تنوع کم سنگی وجود دارد، به علت تنوع فراوان در نوع و رنگ سنگ‌ها به بهشت معادن سنگ تزئینی شهرت دارد.

برخی از بازیگران پیشرو در بازار سنگ تزئینی

مشخصات	توضیحات
<ul style="list-style-type: none"> <li>* ARO Granite Industries Ltd.</li> <li>* Dimpomar</li> <li>* Dermitzakis Bros S. A.</li> <li>* Levantina Asociados de Minerales, S.A.</li> <li>* Margraf Spa</li> <li>* Mumal Marbles Pvt. Ltd.</li> <li>* Polycor Inc.</li> <li>* Temmer Marble</li> <li>* Ranamar</li> <li>* Xishi Stone Group</li> </ul>	مشخصات شرکت‌های کلیدی

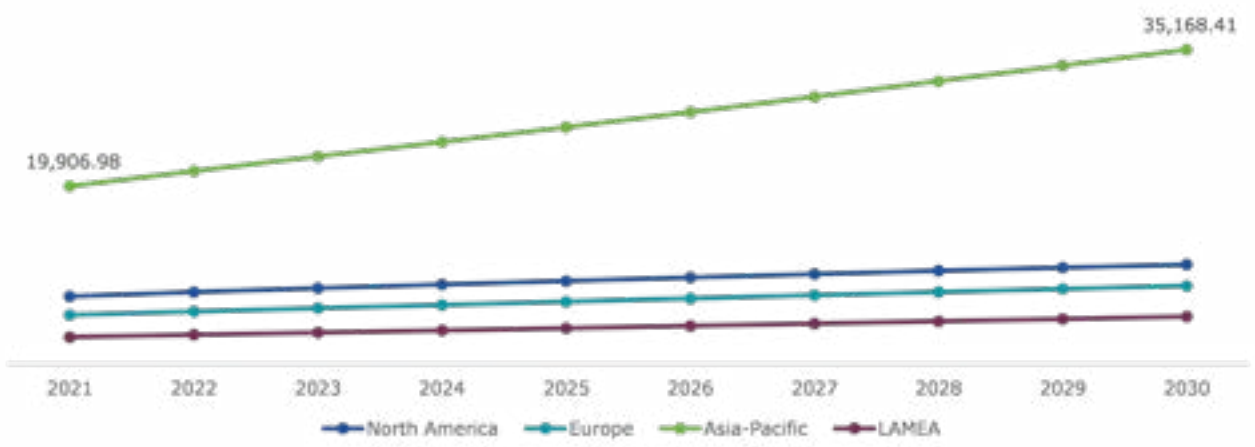
با سهمی نزدیک به ۱۱ درصد از بازار سنگ تزئینی جهان، رتبه سوم را در تولید جهانی سنگ تزئینی خواهد داشت. راجستان مهم‌ترین و قابل‌توجه‌ترین مشارکت‌کننده در صنعت معدن این کشور است که تقریباً ۹۰ درصد از تولید ماسه‌سنگ این کشور را به خود اختصاص داده است. ذخایر سنگ تزئینی را می‌توان در سرتاسر راجستان از جمله در کوتا، بهاراتپور، تونک و ساوای مدهوپور یافت. استخراج، فرآوری، صادرات و واردات سنگ‌های تزئینی، محرک‌های اصلی بخش سنگ تزئینی این کشور هستند.

**سناریوی رقابتی در بازار جهانی سنگ تزئینی**

سرمایه‌گذاری و خرید، استراتژی‌های رایجی هستند که توسط بازیگران اصلی بازار دنبال می‌شوند. براساس آخرین آمار موجود از تولید سنگ‌های ساختمانی و تزئینی در کشورهای جهان، کشورهای چین، هند، ایتالیا، ایران و اسپانیا ۵ کشور عمده تولیدکننده سنگ‌های ساختمانی و تزئینی در جهان هستند که چین ۲۱,۷۸ درصد از تولید، هند ۱۶,۴۵ درصد، ایتالیا ۱۲,۹۶ درصد ایران ۱۰,۳ درصد و اسپانیا ۸,۹۹ درصد از تولید سنگ‌های ساختمانی و تزئینی را داشته‌اند.

اندازه بازار سنگ تزئینی آسیا و اقیانوسیه خواهد شد؛ به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۸، در دنیای سنگ‌ها، صادرکننده و عرضه‌کننده معروف سنگ تزئینی باکیفیت، هند ۲۷ درصد از تولید سنگ تزئینی تجاری را از معادن خودبه‌خود اختصاص داده. صادرات سنگ‌های تزئینی در هند سالانه حدود ۳۰۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود. یک‌چهارم ذخایر گرانیتی جهان در هند یافت می‌شود که به‌وسیله کانتینرهای گرانیتی به‌طور گسترده به ایالات‌متحده صادر می‌شود. براساس مقاله‌ای که در سازمان بین‌المللی کار منتشر شده است، هند در سال ۲۰۲۲

آسیا و اقیانوسیه غالب‌ترین بازار است و پیش‌بینی می‌شود سریع‌ترین رشد را نشان دهد. بازار سنگ تزئینی آسیا و اقیانوسیه در سال ۲۰۲۱ به ۱۹۹۰۷/۲۰ میلیون دلار رسید و پیش‌بینی می‌شود با میانگین ۶/۳ درصد رشد نماید. تخمین زده می‌شود که با فعالیت‌های رو به رشد ساخت‌وساز به دلیل شهرنشینی و صنعتی شدن، تقاضا برای سنگ‌های تزئینی برای کف‌پوش، روکش دیوار، هنرها و مجسمه‌های یادبود، کارهای عمرانی و غیره را افزایش دهد. همچنین حضور تولیدکنندگان پیشرو سنگ تزئینی یعنی هند و چین باعث افزایش



اندازه و پیش‌بینی بازار جهانی سنگ تزئینی بر اساس منطقه، سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۳۰ (میلیون دلار)

میلیون مترمربع است، در صورتی که قرار باشد معادن سنگ تزئینی تجهیز و تولید کمی و کیفی معادن افزایش یابد تنها راه اتصال به بازارهای جهانی برای صادرات، سنگ کوپ و فرآوری شده است.

در حال حاضر صادرات سنگ‌های فرآوری شده حدود ۱۲ میلیون مترمربع است که با توجه به تجهیزات سخت‌افزاری موجود ضروری است از همه امکانات در جهت افزایش صادرات کمی و کیفی سنگ‌های فرآوری شده استفاده شود.

افزایش صادرات سنگ‌های فرآوری شده موجب تقاضای بیشتر سنگ‌های کوپ گردیده و عاملی در جهت رونق بخشیدن به تولید سنگ استاندارد در معادن سنگ تزئینی خواهد بود.

کشور ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی مناسب، از جمله نواحی صاحب‌عنوان و مطرح در زمینه تولید سنگ‌های تزئینی است. در فلات قاره ایی ایران بیش از ۲۵۰ نوع سنگ تزئینی و ساختمانی وجود دارد، این منطقه در مقایسه با کشورهایمانند برزیل و هند که فقط یک یا دو نوع سنگ (گرانیت و مرمر) و در ایتالیا تعداد تنوع کم سنگی وجود دارد، به علت تنوع فراوان در نوع و رنگ سنگ‌ها به هشت معادن سنگ تزئینی شهرت دارد که با برنامه‌ریزی در جهت ارتقاء ظرفیت‌ها در بخش معادن و کارخانه‌های فرآوری سنگ می‌توانیم بازار صادراتی کشورهای همسایه مانند عراق، عمان و روسیه را به دست آوریم. چنان‌که تحریم‌های روسیه فرصت مناسبی برای استفاده از بازار این کشور به‌خصوص صادرات سنگ ساختمانی به وجود آورده؛ چراکه روسیه واردکننده بزرگ سنگ‌های ساختمانی است و کشورهای اوکراین و ترکیه که رقبای اصلی ایران در صادرات سنگ به روسیه بوده‌اند با توجه به مشکلات نظامی و سیاسی بین دو کشور با روسیه و همچنین همسو بودن مسیرهای سیاسی ایران و روسیه، فرصت



- توسعه محصول
- ادغام
- سرمایه‌گذاری مشترک
- راه‌اندازی تولید
- سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه

سناریوی رقابتی در بازار جهانی سنگ تزئینی

### ضرورت نوآوری و ارتقای معادن و کارخانه‌های فرآوری سنگ تزئینی ایران

در حال حاضر از ظرفیت ۳۰ میلیون تنی معادن سنگ تزئینی فقط ۱۰ میلیون تن استخراج می‌شود که از این مقدار کمتر از یک میلیون تن صادر و بقیه در داخل کشور مصرف می‌شود.

ظرفیت واقعی واحدهای فرآوری ۱۸۰ میلیون مترمربع و تولید واقعی حدود ۷۰

ایران با وجود آنکه چهارمین تولیدکننده سنگ‌های ساختمانی و تزئینی در جهان است ولی در صادرات این صنعت مانند کشورهای موفق عمل نکرده است. رشد صنعت سنگ در جنوب شرقی آسیا بویژه در چین، مالزی، تایلند و تایوان مرهون گسترش بخش ساختمان است که در نهایت سرمایه‌گذاری در صنعت سنگ‌های ساختمانی و تزئینی را رونق بخشیده است.



الگوی توسعه صادرات سنگ‌های تزئینی کار شده (از دیدگاه خبرگان)

دوم مؤثر بر توسعه صادرات سنگ‌های تزئینی فرآوری شده ایران شناخته می‌شود. ♦

منابع:

1-Montani,carlo, (2021),"XXV Re-  
port Marble and stone in the world  
2021",Italy,page 1-6

2-Export&Importers-of-Build-  
ing-Stone Report-2021

3-natural stone market report,-  
Jun2022,page 235

۱-روستا، احمد و حمیدی زاده، محمدرضا  
و حسینی، سید محمود و لرپری زنگنه،  
اکبر، ۱۳۹۴، تدوین الگوی توسعه صادرات  
سنگ‌های تزئینی کارشده ایران.

۲-نشریه دانش سنگ، شماره ۵-ضمیمه  
علمی بیست و یکمین کتاب راهنمای  
سنگ ایران سال ۱۳۹۹-صفحه ۴۰ و ۱۱۶.

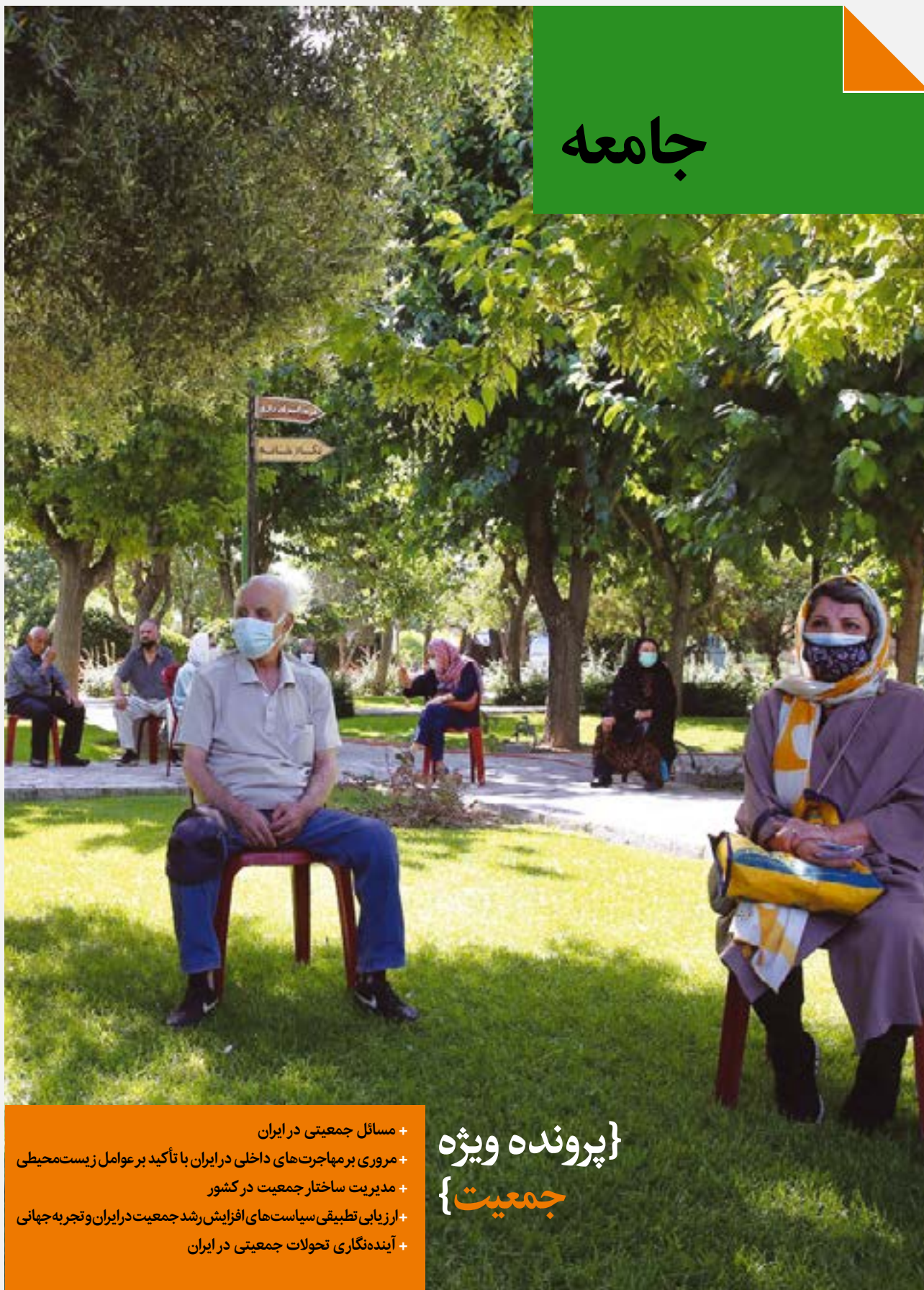
توجه به الگوی رفتاری تقاضای مصرف‌کنندگان خارجی می‌تواند در موفقیت راهبردهای توسعه صادرات هر کشور عرضه‌کننده کالا، نقش مؤثری ایفا نماید. از این‌رو با بررسی پیشینه علمی حوزه صادرات و تجارت خارجی کشورها، شش عامل اصلی تأثیرگذار بر توسعه صادرات این کالا شامل: عوامل مدیریتی، راهبردهای بازاریابی، فعالیت‌های اجرایی، منابع مالی و انسانی، فرآوری سنگ و عوامل برون‌سازمانی مشخص گردیده است. از نظر تأثیر عامل فعالیت‌های اجرایی (روند انجام صادرات پس از تولید) در رتبه اول قرار دارد. در مرتبه بعدی، به عوامل مالی و انسانی تأکید شده، درحالی‌که از نظر تولیدکنندگان و صادرکنندگان، عامل فرآوری سنگ به‌عنوان الویت دوم مؤثر بر توسعه صادرات سنگ‌های تزئینی فرآوری شده ایران شناخته می‌شود.

مناسبی برای صادرکنندگان ایرانی ایجاد شده است.

توجه به الگوی رفتاری تقاضای مصرف‌کنندگان خارجی می‌تواند در موفقیت راهبردهای توسعه صادرات هر کشور عرضه‌کننده کالا، نقش مؤثری ایفا نماید. از این‌رو با بررسی پیشینه علمی حوزه صادرات و تجارت خارجی کشورها، شش عامل اصلی تأثیرگذار بر توسعه صادرات این کالا شامل: عوامل مدیریتی، راهبردهای بازاریابی، فعالیت‌های اجرایی، منابع مالی و انسانی، فرآوری سنگ و عوامل برون‌سازمانی مشخص گردیده است. از نظر تأثیر عامل فعالیت‌های اجرایی، روند انجام صادرات پس از تولید در رتبه اول قرار دارد. در مرتبه بعدی، به عوامل مالی و انسانی تأکید شده، درحالی‌که از نظر تولیدکنندگان و صادرکنندگان، عامل فرآوری سنگ به‌عنوان الویت



# جامعه



- + مسائل جمعیتی در ایران
- + مروری بر مهاجرت‌های داخلی در ایران با تأکید بر عوامل زیست‌محیطی
- + مدیریت ساختار جمعیت در کشور
- + ارزیابی تطبیقی سیاست‌های افزایش رشد جمعیت در ایران و تجربه جهانی
- + آینده‌نگاری تحولات جمعیتی در ایران

## پرونده ویژه { جمعیت }

# مسائل جمعیتی در ایران

♦ دکتر محمد ترکاشوند مرادآبادی

عضو هیئت علمی جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد



غیررسمی خانواده و جامعه ارائه می‌شد و سن یکی از عوامل قشربندی اجتماعی محسوب می‌شد، اما امروزه این‌گونه توافقات و ارائه حمایت‌های موردنیاز سالمندان تقریباً در همه‌جا رو به تضعیف است و سن و سال به‌عنوان یک امتیاز اجتماعی ارزش و اهمیت خود را از دست داده است. به جرأت می‌توان گفت چتر حمایتی خانواده از سالمندان، رو به کاهش است، لذا ایجاد و تقویت مؤسسات غیردولتی، انجمن‌های عمومی، خیریه و غیره در زمینه حمایت از سالخورده‌گان ضروری به نظر می‌رسد و البته مهم‌تر از ایجاد این مؤسسات، آماده‌سازی فرهنگی برای پذیرش این مؤسسات است؛ چراکه در جامعه ارزشی ایران حمایت‌های غیر خانوادگی از سالمندان تا حدی هم از طرف سایرین و هم از طرف خود سالمندان مورد سرزنش است.

در اکثر جوامع پیشرفته امروزی حمایت از سالمندان توسط مراقبت‌های بهداشتی دولتی و سازمان‌های بازنشستگی خصوصی ارائه می‌گردد. این برنامه‌ها در کم کردن و از بین بردن شکاف موجود در درآمدها و منابع، بین سالمندان و جمعیت واقع در سنین

مهم‌ترین نتیجه طرح پژوهشی «بررسی روند سالمندی جمعیت در ایران و پیشنهادات سیاست‌گذاری»، این است که به دلیل تغییرات سریع انجام شده در باروری و مرگ‌ومیر کشور، سرعت تغییرات ساختار سنی در آینده قطعی است. در واقع ویژگی‌های جمعیتی کشور در طی زمان به‌سرعت تغییر خواهند کرد و طی ده سال نیازهای سیاست‌گذاری با توجه به جمعیت دگرگون می‌شود. عامل اصلی این تغییرات افزایش سریع باروری در دهه شصت و کاهش سریع‌تر آن در دو دهه بعدی است که باعث ایجاد یک تورم در هرم جمعیتی کشور شده است. هر چه طی زمان پیش می‌رویم و جمعیت دهه شصت به سنین بالاتر می‌رسند، نیازهای مرتبط با آن سن نیز در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور پر رنگ می‌شود. با ورود این جمعیت بزرگ در سال‌های ۱۴۳۰ به بعد به سنین سالمندی، تعداد سالمندان در کشور افزایش خواهد یافت و لذا نیازهای مرتبط با افراد سالمند در آینده بیشتر خواهد شد. سرعت وقوع این تغییرات این ضرورت را به وجود می‌آورد که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی به صورت مستمر تغییرات جمعیتی را رصد نموده و با نگاه ویژه به افزایش جمعیت سالمند در کشور، آمادگی لازم را برای رسیدن به این دوره ایجاد نمایند.

در کنار تغییرات جمعیتی منجر به افزایش تعداد جمعیت سالمند در کشور، سایر تغییرات اقتصادی و اجتماعی نیز در ورود به دوره سالمندی اهمیت دارد. جهت روشن شدن مطلب باید اشاره شود که در گذشته حمایت از سالمندان معمولاً از طریق توافقات

در سیاست‌گذاری کلان ملی، تعداد سالمندان در واقع بیان‌کننده تعداد تخت‌های بیمارستانی موردنیاز در آینده، تعداد افراد متخصص طب سالمندان، کمک‌های بهداشتی و تعداد خانه‌های سالمندی موردنیاز برای آینده است. نسبت سالمندان در یک جمعیت بیان‌کننده تعداد افراد موردنیاز در سنین کار و فعالیت برای ارائه حمایت‌های مالی به اشخاص سالمند و تعداد مددکاران و افراد متخصص طب سالمندی و پرسنل موردنیاز برای آموزش و فعالیت در خانه‌های سالمندی می‌باشد.

کار موفقیت‌آمیز بوده و میزان فقر در میان سالمندان را به‌طور اساسی کاهش داده است. به هر حال این هزینه‌ها که توسط سازمان‌های بازنشستگی به افراد مسن پرداخت می‌شود در واقع انتقال منابع مالی از جوان‌ترها به نسل‌های مسن‌تر است که به‌مرور زمان می‌تواند سنگین‌تر و مشکل‌ساز شود؛ یعنی وقتی که میزان پرداخت‌های بازنشستگی به‌تدریج افزایش می‌یابد، این برنامه‌های حمایتی آسیب‌پذیر خواهند شد. صندوق بین‌المللی پول در مطالعه‌ای نشان داده است که عدم توجه به این فشارهای مالی در سیستم‌های بازنشستگی می‌تواند باعث ایجاد مشکل گردد.

اساساً در برنامه‌ریزی‌ها تعداد سالمندان و نسبت سالمندان هر دو در کل جمعیت باید مورد توجه قرار گیرند. در سیاست‌گذاری‌های کلان ملی، تعداد سالمندان در واقع بیان‌کننده تعداد تخت‌های بیمارستانی موردنیاز در آینده، تعداد افراد متخصص طب سالمندان، کمک‌های بهداشتی و تعداد خانه‌های سالمندی موردنیاز برای آینده است. نسبت

بهره‌برداری از فاز پنجره جمعیتی است که حتی سالمندی سالم، فعال و موفقیت‌آمیز را تضمین خواهد کرد. اگر سیاست‌های مناسب و مؤثر اتخاذ نشود، نه تنها فرصت طلایی پنجره جمعیتی از دست می‌رود، بلکه آن فرصت منجر به تهدید و چالش‌هایی خواهد شد و سود بالقوه جمعیتی به‌آسانی به بار جمعیتی تبدیل شده و حتی دوره سالخوردگی جمعیت مسئله‌داری را نیز در پیش خواهیم داشت.

به این ترتیب، چالش‌های جمعیتی حال حاضر و آینده ایران، بستگی زیادی به نحوه بهره‌برداری از فرصت پنجره جمعیتی دارد. بهره‌برداری از فرصت پنجره جمعیتی و تبدیل آن به فرصت اقتصادی و اجتماعی مستلزم توانمندی و مقتدرسازی جوانان برای توسعه اقتصادی، گسترش فرصت‌های شغلی، سرمایه‌گذاری مطلوب، بهبود کیفیت سرمایه انسانی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای حضور زنان در بازار کار است. در این میان، مهم‌ترین بستر تبدیل پنجره جمعیتی به توسعه، گسترش فرصت‌های شغلی بویژه برای جوانان تحصیل‌کرده در کشور است. بنا بر نتیجه گرفته شده به صورت ویژه می‌توان پیشنهادات سیاستی زیر را در راستای

دستمزدی چه غیر دستمزدی داشته باشند. ناگفته نماند که پنجره جمعیتی صرفاً یک پتانسیل و فرصت بالقوه است و بالفعل شدن آن نیازمند فراهم شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی است. ایران کنونی در یک فرصت زمانی طلایی و استثنایی برای رشد و توسعه اقتصادی به سر می‌برد. این وضعیت به‌طور اتوماتیک عمل نمی‌کند و بهره‌برداری از آن نیازمند بسترهای مناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاستی و نهادی است. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در هیچ دوره‌ای به‌اندازه دوره‌ای که پنجره جمعیتی باز است حساس، لازم و در صورت موفقیت، مؤثر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نقش مهمی در مدیریت و مهندسی اقتصادی و اجتماعی پنجره جمعیتی ایفاء می‌کند.

در حال حاضر توجه و نگرانی اصلی مدیران و سیاست‌گذاران کشور بیشتر به رشد جمعیت و فاز سالخوردگی جمعیت است. این موضوع موجب شده است تا منافع و فرصت‌های طلایی فاز پنجره جمعیتی نادیده گرفته شود، درحالی که کشور در وضعیت پنجره جمعیتی است و باید به فکر استفاده هرچه بیشتر از این فرصت طلایی بود. سرمایه‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها برای اشتغال جوانان و

سالمندان در یک جمعیت بیان‌کننده تعداد افراد موردنیاز در سنین کار و فعالیت برای ارائه حمایت‌های مالی به اشخاص سالمند و تعداد مددکاران و افراد متخصص طب سالمندی و پرسنل موردنیاز برای آموزش و فعالیت در خانه‌های سالمندی می‌باشد. در حوزه سلامت اگر عوامل خطر ساز محیطی و فردی، بیماری‌های مزمن و کاهش‌دهنده عملکرد در حد پایین نگه داشته شوند و از سویی عوامل حمایت‌کننده از سالمندان بالا نگه داشته شوند، افراد از زندگی طولانی‌تر و با کیفیت بالاتر لذت خواهند برد. آن‌ها در سلامتی به سر خواهند برد و می‌توانند زندگی‌شان را همچنان که مسن‌تر می‌شوند کنترل کنند. در نتیجه تعداد کمتری از سالمندان به مراقبت‌های پزشکی و خدمات هزینه‌بر نیاز خواهند داشت.

در حوزه نیروی کار و مشارکت نیز اگر بازار کار، استخدام، آموزش، برنامه‌ها و سیاست‌های بهداشتی و اجتماعی از مشارکت کامل سالمندان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌بردار و بر اساس حقوق اولیه انسانی آن‌ها، از توانایی‌ها و نیازها و ترجیحات آن‌ها حمایت کنند، آن‌ها می‌توانند سهم بزرگی در فعالیتهای مختلف اقتصادی و اجتماعی، چه





موفقیت برنامه‌ریزی‌های مرتبط با سیاست جمعیتی در کشور گوشزد نمود:

◆ کشور ایران از اواسط دهه هشتاد هجری شمسی وارد مرحله‌ای به نام پنجره جمعیتی شده و تا نیمه‌های دهه ۱۴۲۰ در این مرحله باقی خواهد ماند و بعد از آن وارد دوران سالخوردگی خواهد شد. بنابراین اگر ما بتوانیم از این فرصت طلایی استفاده کرده و از این خیل عظیم نیروی کار جوان و تحصیل کرده به‌درستی بهره ببریم علاوه بر شکوفایی اقتصادی در این دوره، از دوران سالخوردگی جمعیت نیز به‌سلامت عبور خواهیم کرد.

◆ دو نکته مفقوده در بحث‌های سالخوردگی ساختار سنی کشور وجود دارد؛ یکی عدم توجه به خود تعداد سالمندان و دیگری وضعیت کنونی افرادی است که در آینده قرار است اوج سالخوردگی کشور را تشکیل بدهند، در واقع به‌نوعی سیاست‌های کشوری تنها به تعریف سالخوردگی توجه کرده و با توجه به آن در پی افزایش باروری در جهت کاهش نسبت سالمندان از کل جمعیت می‌باشند. این موضوع باعث شده است که به‌نوعی خود جمعیت سالمندان دچار غفلت واقع شوند. با هر شرایطی که بخواهیم برای باروری ایران در آینده متصور شویم؛ کشور ایران در آینده‌ای نه‌چندان دور از جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر ۱۰ میلیون و بیشتر برخوردار خواهد بود. تعداد افراد سالمند کشور (۶۵ ساله و بالاتر) در سال ۱۴۰۰ به حدود ۵/۵ میلیون رسیده و در سال ۱۴۱۵ به ۱۰ میلیون نفر خواهد رسید. این تعداد در سال ۱۴۲۰ به بیش از ۱۳ میلیون نفر می‌رسد.

◆ در واقع نظام تأمین اجتماعی کشور ایران باید منتظر تأمین اجتماعی و مراقبت بهداشتی از یک جمعیت بالغ بر ۳ برابر چیزی که در حال حاضر وجود دارد باشد. تغییر یا عدم تغییر در باروری هیچ تأثیری بر این موضوع نداشته و سیاست‌های ما باید توجه خود را به خود این جمعیت جلب کنند و نیازهای آن‌ها را بشناسند تا بتوان برنامه‌ریزی و تشکیل زیرساخت‌ها برای اداره کردن آن‌ها را داشته باشند.

◆ اوج جمعیتی که ترس سیاستمداران را به سالخوردگی وا داشته است، در حال حاضر در سنین جوانی خود قرار دارند و یک جوانی شدید را برای کشور به وجود آورده‌اند.

◆ راز حرکت به سمت یک سالخوردگی موفق در عبور از جوانی موفق و استفاده از توانایی‌های دوران جوانی به‌عنوان ذخیره‌ای برای دوران کهن‌سالی سالمندی است. جوانان سالمند فردای ایران، خوشبختانه امروزه از سطح سواد بالایی برخوردارند. با برنامه‌ریزی و استفاده بهینه از استعدادهای این جوانان، سالمندی آنان نیز بهینه خواهد شد. داشتن سبک زندگی سالم در دوران جوانی نیز می‌تواند امید به سالمندی سالم و شاداب را به همراه داشته باشد.

◆ در حال حاضر کشور از نقطه نظر تعداد، میزان رشد و ساختار سنی در وضع خوب و مطلوبی قرار دارد. باروری در کشور متعادل شده و اهداف سیاست جمعیتی تأمین شده است. سیاست اصلی کشور در این سال‌ها باید در جهت بهره‌مندی از فرصت پنجره جمعیتی و فراهم‌سازی بسترهای اقتصادی و اجتماعی برای مواجه شدن با جمعیت رو به افزایش سالمند باشد.

◆ برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی برای اشتغال، ازدواج و مسکن خیل عظیم افراد واقع در گروه سنی ۲۴-۲۰ تا ۳۹-۳۵ ساله، که حدود ۴۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

◆ سالخوردگی جمعیت حاصل توسعه در بهداشت و حاصل جمع نقاط قوت توسعه به‌حساب می‌آید که با این حال هزینه‌هایی را برای اقتصاد جوامع به همراه خواهد داشت.

◆ سالخوردگی جمعیت همانند جوانی جمعیت یک اصطلاح تخصصی است که با سالخوردگی فردی متفاوت است. پس از طی مراحل انتقال جمعیتی، انتقال به مرحله سالخوردگی جمعیت اجتناب‌ناپذیر است و به جرات می‌توان گفت در نیمه دوم قرن بیست و یکم میلادی تمام کشورها ساختار سنی سالخورده‌ای خواهند داشت. لذا تنها راه مقابله با سالمندی آماده شدن برای آن است.

◆ باید توجه نمود که جمعیت سالخورده نسبت جمعیت فعال لااقل ده رقم بیشتر از جمعیت جوان است. لذا خیلی نباید نگران سالمندی بود و با بالا بردن بهره‌نیروی کار می‌توان از دوران سالمندی نیز بهره‌مند بود.

◆ جوانان امروز سالمندان آینده هستند، شرط سالمندی فعال داشتن جوانان فعال و سالم در زمان حال است. پرورش سبک زندگی سالم در جوانی، داشتن زندگی سالم و تأمین اشتغال جوانان در جهت تأمین اجتماعی آنان در دوران سالمندی از شروط داشتن سالمندی فعال در آینده است.

◆ نیاز به مسکن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهای اساسی، در آینده فروکش نخواهد کرد و به صورت مستمر نیاز است هر سال در جهت ساخت مسکن در کشور اقدام شود.

◆ نباید از تغییرات اقتصادی و اجتماعی در تحلیل آینده سالمندی غافل بود. سالمندان آینده کاملاً از سالمندان کنونی متفاوت خواهند بود. در سال‌های آینده که تعداد و نسبت بالاتر جمعیت سالمندان به شکل ساختار سنی سالخورده پدیدار می‌شود، سالمندان از نرخ‌های باسوادی بالاتر و احتمالاً از حمایت‌های رسمی و تأمین اجتماعی بیشتری نسبت به سالمندان کنونی بهره‌مند خواهند بود؛ اگرچه کاهش باروری تعداد فرزندان والدین را کاهش خواهد داد و مهاجرت ممکن است آن‌ها را از دسترس والدین سالمند دور کند. در واقع از نگاه جمعیت‌شناسی اگر کاهش باروری کیفیت زندگی سالمندان را تهدید کند از طریق کوچک شدن شبکه‌های خویشاوندی بر رفاه و به‌زیستی آن‌ها اثر خواهد گذاشت.

◆ با وجودی که انتظار می‌رود توسعه اثرات مطلوب و مثبتی بر زندگی سالمندان داشته باشد، اما خصوصاً در حال‌گذاری مثل ایران لازم است آمادگی مواجهه با سالخوردگی جمعیت افزایش یابد. افزایش سال‌های دوره سالمندی نتیجه اجتناب‌ناپذیر افزایش امید زندگی است. با توجه به رابطه مثبت و مستقیم بین تعداد و پیچیدگی مشکلات سالمندان و سن، افزایش طول دوره سالمندی در کنار سالخوردگی جمعیت، جامعه را



این راستا نیاز است که از همین الان شروع نموده و جوانان امروز که سالمندان فردا هستند را با سبک زندگی سلامت محور و پیشگیرانه آشنا نموده و با آموزش رفتارهای اجتماعی، آن‌ها را به صورت فعال و سالم به دوران سالمندی هدایت کنیم.

♦ باتوجه به یافته‌ها و نتایج مطالعاتی که در کشورهای دیگر انجام شده است، می‌توان نتیجه گرفت که مرگ ناشی از سرطان قابل کنترل و پیشگیری است. پژوهش حاضر نیز پیشنهاد می‌کند که برای کاهش شیوع و میزان مرگ‌ومیر ناشی از بیماری سرطان‌ها و تومورها باید تشخیص‌های زود هنگام برای جلوگیری از شیوع و افزایش این بیماری صورت بگیرد و همچنین برای تشخیص دقیق و مؤثر، از آزمایش‌های جدید و کارا استفاده شود و علاوه بر این، برنامه‌های منظم و پایدار برای تغییر سبک زندگی، رفتار اجتماعی، عدم تحرک، کنترل از مصرف سیگار و رژیم غذایی و هر نوع رفتار و عمل که سبب ابتلا، شیوع و مرگ ناشی از سرطان‌ها می‌شود برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی شود. مرگ ناشی از سرطان در سنین ۳۵ به بعد هم برای مردان و هم برای زنان افزایشی بوده است و نیازمند توجه به سرطان‌های رخ داده در این سنین است. گذار اپیدمیولوژیک همراه با بیماری‌هایی است که به‌صورت مزمن و توان‌کاه بوده و ماهیت درمانی ندارند. پیشگیری از این نوع بیماری‌ها تنها راه مقابله با آن‌هاست. سرطان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بیماری‌های عامل مرگ در پس از گذار اپیدمیولوژیک از این نوع بیماری‌ها است. تغییر در وضعیت سلامت و به وجود آمدن این نوع بیماری‌ها نشان از این است که در دوره جدید در برنامه‌های سلامت در کنار اهمیت نقش درمان باید به نقش پیشگیری و آن‌هم از طریق تغییر سبک زندگی تأکید نمود. بنابراین نیاز است که در برنامه‌های سلامت توجه خاصی به برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی برای تغییر در سبک زندگی و شیوع رفتارهای سلامت محور در افراد اقدام نمود. ♦♦

برخلاف کودکان که تا حدودی شرایط مشابه داشتند، علت‌های متفاوتی از مرگ را تجربه می‌کنند. نیاز است سیاست‌های بهداشتی در این زمینه نه به‌طور یک دست و بلکه متناسب با گروه‌های هدف اجرایی شود.

♦ نظام سلامت در ایران باید این پتانسیل را داشته باشد که در طی سال‌های آینده به‌کلی دگرگون شده و اهداف سیاستی خود را در راستای نیازهای جمعیت سالمند دگرگون سازد. بیماری‌ها و مرگ‌های نوظهور در این دوره دارای ویژگی خاصی می‌باشند. گروه بزرگی از مرگ‌های این دوره حاصل بیماری‌های درمان‌ناپذیر و گروه دیگری از مرگ‌ها به‌کلی ماهیت بیماری، در مفهوم پزشکی را ندارند. سرطان‌ها، بیماری قلب و عروق و بسیاری از بیماری‌های مزمن دیگر را صرفاً با پیشگیری می‌توان درمان کرد. تصادفات، خودکشی و قتل را نیز صرفاً با سیاست‌های اجتماعی می‌توان پیشگیری نمود. بنابراین نظام سلامت در ایران و از جمله در کل جهان باید به سمتی حرکت کند که بر برنامه‌های پیشگیرانه و اجتماعی بیفزاید. سلامت در آینده بیش از آنکه پزشکی و درمان‌گرا باشد، باید اجتماعی پیشگیرانه باشد. در

پنجره جمعیتی صرفاً یک پتانسیل و فرصت بالقوه است و بالفعل شدن آن نیازمند فراهم شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی است. ایران کنونی در یک فرصت زمانی طلایی و استثنایی برای رشد و توسعه اقتصادی به سر می‌برد. این وضعیت به‌طور اتوماتیک عمل نمی‌کند و بهره‌برداری از آن نیازمند بسترهای مناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی است. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در هیچ دوره‌ای به‌اندازه دوره‌ای که پنجره جمعیتی باز است حساس، لازم و در صورت موفقیت، مؤثر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نقش مهمی در مدیریت و مهندسی اقتصادی و اجتماعی پنجره جمعیتی ایفاء می‌کند.

با مسائلی همچون ناتوانی و سلامت جسمانی ضعیف‌تر، فراوان‌تر شدن بیماری‌های مزمن سالمندی و بنابراین نیاز بیشتر به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی مواجه خواهد کرد و این شرایط بار اجتماعی- اقتصادی سالخوردگی را افزایش خواهد داد.

♦ گذار ساختار سنی و سالخوردگی جمعیت تأثیر عمیقی بر شرایط اقتصادی اجتماعی، سیاسی، بهداشتی و درمانی و غیره خواهد گذاشت. شدت این تأثیر بستگی به سرعت زُخداد پدیده (سالخوردگی جمعیت) دارد. وقتی نسبت سالمندان در جمعیت در یک دوره‌ی زمانی کوتاه به‌طور چشم‌گیری افزایش بیابد، نهادهای اقتصادی و اجتماعی به‌سختی می‌توانند خود را با ساختار جدید انطباق دهند. نتایج گزارش حاضر نشان از سرعت شدید جریان سالمندی در کشور دارد. افزایش نسبت افراد سالمند، ناگزیر اهمیت نسبی بخش‌های دیگر را تحت تأثیر قرار خواهد داد و لذا نیاز به فرمول‌بندی و اجرای سیاست‌های جدید را ضرورت می‌بخشد. تلاش در راستای شناخت تحولات ساختار سنی و پیش‌بینی روندهای آینده آن، نقش مهمی در موفقیت این برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها خواهد داشت.

♦ سالخوردگی جمعیت کشور به سمت زاناه شدن است و زنان کشور در مقابل مشکلات اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر، اجتماعی هستند. توانمندسازی زنان از ضروریات سالمندی فعال و موفق است.

♦ در نتیجه‌گیری از یافته‌های بخش سلامت کشور باید اشاره داشت که در شرایط گذار اپیدمیولوژیک وضعیت سلامت در جوامع به‌کلی دگرگون می‌شود. در این شرایط هم باید در مطالعات از شاخص‌های جدید بهره گرفت و هم باید سیاست‌های سلامت را تغییر داد. اگرچه تاکنون تلاش اصلی سیاست‌های سلامت بر روی کودکان متمرکز بوده است، باید به‌سرعت در جهتی پیش رفت که نیازهای سلامت سالمندان مورد توجه و هدف اصلی سیاست‌های بهداشتی باشد. لازم به ذکر است که گروه‌های سنی و جنسی سالمندان،

# مروری بر مهاجرت‌های داخلی در ایران با تأکید بر عوامل زیست‌محیطی



## ♦ دکتر ولی‌اله رستمعلی‌زاده

عضو هیئت‌علمی گروه مهاجرت و شهرنشینی موسسه تحقیقات  
جمعیت کشور

### مقدمه

مهاجرت داخلی همواره با فرایند توسعه در درون کشورها اتفاق می‌افتد. افراد از مناطق با توسعه پایین و وضعیت اقتصادی و معیشتی و اجتماعی پایین‌تر به سمت مناطق با توسعه بالا و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بهتر حرکت می‌کنند. این حرکت برای جستجوی شغل و شغل بهتر، درآمد بالاتر، کیفیت زندگی بهتر، امکانات بیشتر و آزادی‌های اجتماعی افزون‌تر و مواردی از این دست اتفاق می‌افتد؛ یعنی دافع‌های مبدأ به همراه جاذبه‌های مقصد، این عوامل را تشدید می‌کنند.

بنابراین مهاجرت داخلی موضوعی مهم و یک حرکت تقریباً دائمی است. افراد از منطقه‌ای به منطقه دیگر در حرکت هستند و برای این حرکت خود دلایل متعددی دارند. مطالعات مختلف بر نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌عنوان عوامل مهم و تأثیرگذار اشاره می‌کنند. در هر منطقه‌ای، نقش هر یک از عوامل می‌تواند پررنگ یا کم‌رنگ‌تر باشد، اما نکته مهم این است که عوامل محیطی می‌توانند بر روی سایر عوامل بویژه عوامل اقتصادی و ایجاد محدودیت برای معاش و کیفیت زندگی افراد مؤثر باشند. از این‌رو در این نوشتار، مهاجرت‌های داخلی در ایران با تأکید بر عوامل زیست‌محیطی موردبررسی قرار خواهد گرفت.

### مروری بر مهاجرت‌های داخلی ایران

تحولات مهاجرت داخلی در ایران در قرن اخیر تحولاتی شگرف بوده است. براساس

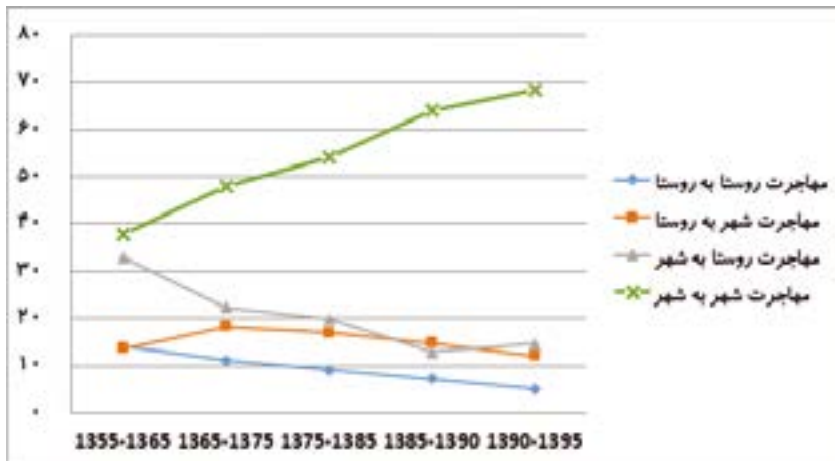
اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۳۵، از جمعیت حدوداً ۱۹ میلیونی کشور، ۱۳ میلیون یعنی ۶۸٫۶ درصد در روستاها زندگی می‌کردند. بنابراین بالطبع تا دهه‌ها غالب مهاجرت‌ها روستا-شهری بوده است. با این حال همزمان با افزایش جمعیت کشور در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، میزان درصد جمعیت شهری و روستایی با هم برابر شد و از سرشماری سال ۱۳۶۵ به بعد همواره جمعیت شهری روبه افزایش بوده و در سرشماری سال ۱۳۹۵ به ۷۴ درصد یعنی ۵۹ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیونی کشور رسید. به تعبیری جمعیت روستایی از ۶۸٫۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۵٫۹ درصد سال ۱۳۹۵ رسید.

بخش مهمی از این تحولات (البته نه همه آن)، مربوط به مهاجرت‌های داخلی و جابه‌جایی‌های مکانی در کشور بوده است. بر طبق داده‌های موجود، رقم خام مهاجرت کشور طی دوره‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ روندی افزایشی داشته است، به‌نحوی که از رقم ۵

براساس اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۳۵، از جمعیت حدوداً ۱۹ میلیونی کشور، ۱۳ میلیون یعنی ۶۸٫۶ درصد در روستاها زندگی می‌کردند. بنابراین بالطبع تا دهه‌ها غالب مهاجرت‌ها روستا-شهری بوده است. با این حال همزمان با افزایش جمعیت کشور در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، میزان درصد جمعیت شهری و روستایی با هم برابر شد و از سرشماری سال ۱۳۶۵ به بعد همواره جمعیت شهری روبه افزایش بوده است.

میلیون و ۲۲۴ هزار و ۷۹۰ در دوره ۵۵-۱۳۴۵ به ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار و ۹۸۸ نفر در طی دوره ۵ ساله ۹۵-۱۳۹۰ رسیده است. واقعیت این است که این چهار دهه، اوج تحولات جمعیتی کشور و همراه با هم خوردن توازن جمعیتی شهری-روستایی و سنگین شدن کفه جمعیتی شهری بوده است (جدول شماره (۱)).

بر طبق آمارهای موجود، در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵، از کل مهاجرت در کشور، مهاجرت به شهرها همواره بالاتر از مهاجرت به روستا بوده است و همواره بیش از ۷۰ درصد مهاجرت‌ها به سمت مناطق شهری بوده است. به‌طوری‌که در دهه ۱۳۵۵-۱۳۴۵، ۸۱٫۶ درصد و در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰، نیز ۸۲٫۸ درصد مهاجرت‌ها به سمت شهرها بوده است. همچنین در طی چهار دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵، مهاجرت به روستاها از لحاظ رقم خام مهاجرت افزایش داشته، اما در درصد کل مهاجرت در کشور، حرکت



نمودار شماره (۱): تحولات انواع مهاجرت‌های داخلی در ایران، ۱۳۳۵-۱۳۹۰

در شرایط معیشتی و کیفیت زندگی مردم، نقش این عوامل در مهاجرت‌های داخلی ایران در آینده احتمالاً خود را نشان خواهد داد. چرا که با توجه به حالت تعادلی رسیدن جمعیت روستایی و کند شدن مهاجرت‌های روستا-شهری و فرایند مشخص مهاجرت شهر به شهر که در بالا توضیح شد، احتمالاً تنها موارد زیست‌محیطی می‌توانند این الگوها را تحت تأثیر قرار دهند. مواردی چون کم آبی، خشک شدن چاه‌ها و رودخانه‌های فصلی، خشک‌سالی، گردوغبار، گرمای طاقت‌فرسا و غیره شرایط را برای معیشت بویژه برای روستاییان سخت کرده و همچنین زندگی برای شهرنشینان را با سختی مواجه می‌کند. بنابراین دافعه‌های زیست‌محیطی مبدأ که خود را می‌توانند در شرایط دیگر زندگی افراد نشان دهند، به همراه جاذبه‌های مقصد تمایل به مهاجرت را در افراد می‌توانند ایجاد کنند.

#### وضعیت عوامل زیست‌محیطی در ایران

پهنه‌بندی و سطح‌بندی استان‌ها و شهرستان‌های کشور بر اساس شاخص محیط‌زیست که در اینجا از دو متغیر دما و بارش ساخته شده است، نشان می‌دهد که در این شاخص، نواری از شهرستان‌های واقع در شمال، شمال غرب و غرب کشور در وضعیت مطلوبی قرار دارند. این نقشه

به‌تدریج به سمت شهر به شهر یعنی با دربرگیری حدود دوسوم از کل مهاجرت‌ها (بر طبق سرشماری ۱۳۹۵) پیش می‌رود. پس آنچه واضح و مبرهن است با تغییر و تحولات روی داده در جامعه ایران و تغییرات اتفاق افتاده در ساختار جمعیتی و توسعه‌های آن، به‌تدریج مهاجرت‌های روستا-شهری کم رنگ شده و به سمت مهاجرت‌های شهر به شهر حرکت خواهد کرد. همچنین آمارهای مهاجرت‌های سه دهه اخیر ایران نشان می‌دهد که سالانه به‌طور متوسط یک‌میلیون نفر در داخل مرزهای کشور جابه‌جا شده‌اند (محمودیان و قاسمی اردهائی، ۱۳۹۲).

#### عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های داخلی در ایران

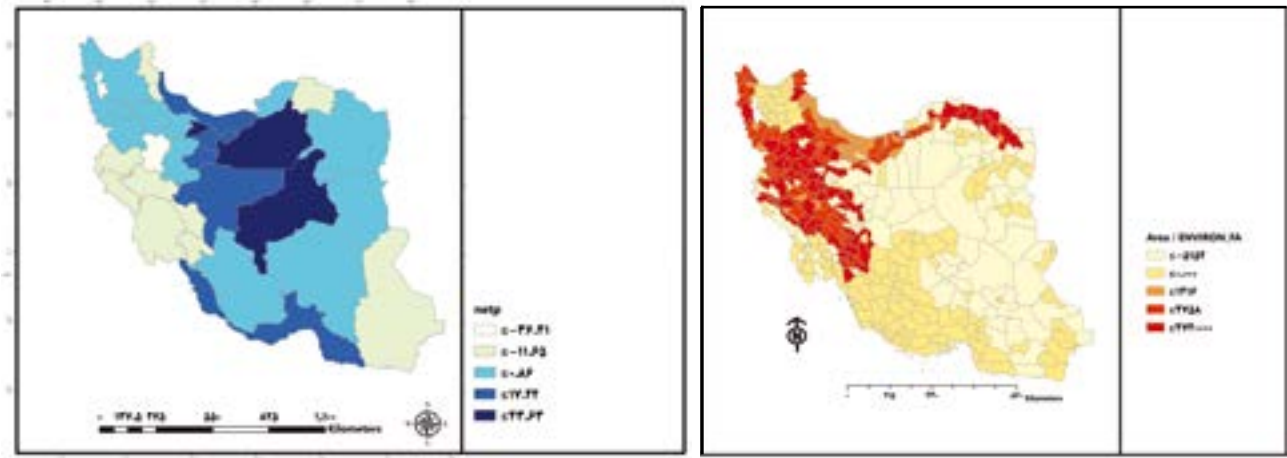
وقتی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های داخلی ایران را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در حالت کلی به عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و زیست‌محیطی برمی‌خوریم. در این میان، نقش عوامل اقتصادی و جمعیتی چون نابرابری‌های توسعه‌ای، درآمد و دستمزد، اشتغال، رشد و تراکم جمعیت و مواردی از این دست بسیار مورد توجه مطالعات بوده است. اما مهاجرت به دلایل زیست‌محیطی از نقاط مغفول مهاجرت‌های داخلی در ایران بوده است. با توجه به اهمیت متغیرهای زیست‌محیطی

سینوسی داشته است. با این حال طی دهه‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ همواره ۲۵ درصد از کل مهاجرت‌ها در کشور را به خود اختصاص می‌داده، اما از دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵، هم رقم خام مهاجرت و هم درصد کل مهاجرت‌ها به روستا کاهش چشمگیری پیدا کرده است. نکته مهم در جریان‌های مهاجرتی کشور، کاهش درصد مهاجرت روستا به شهر از ۳۲٫۹ درصد در دوره زمانی ۶۵-۵۵ به ۱۴٫۶ درصد در دوره زمانی ۹۵-۹۰ بوده است. در طی این دوره مهاجرت شهر به شهر از ۳۷٫۹ درصد به ۶۸٫۳ درصد رسیده است. البته بخشی از این تغییرات مربوط به تغییرات مخرج کسر یا همان تعداد جمعیت روستایی و شهری در کشور است.

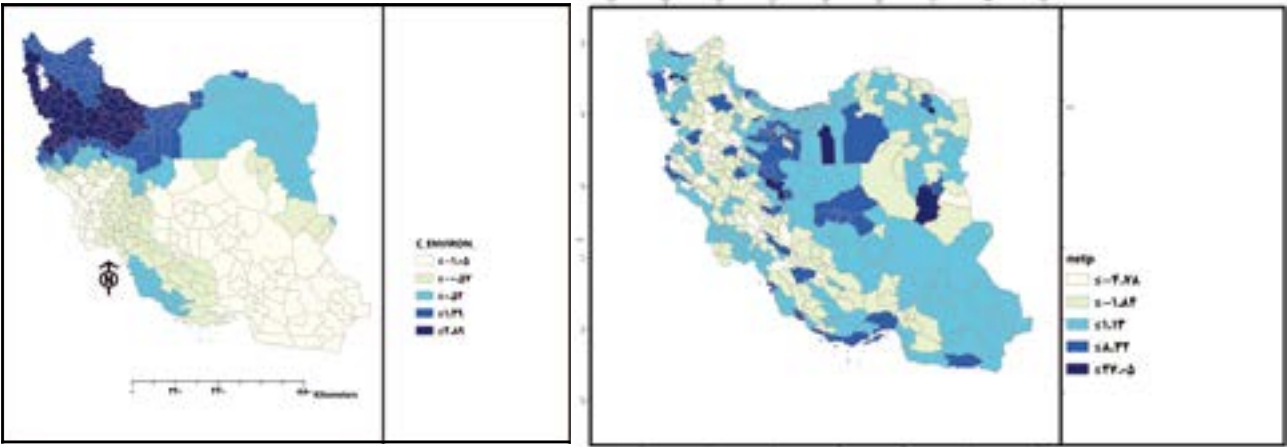
آنچه از یافته‌ها بویژه نمودار شماره (۱) استنباط می‌شود، بیانگر این است که اولاً شاهد افزایش در طی سه دهه اخیر (۱۳۹۵-۱۳۶۵) در مهاجرت به شهرها بوده‌ایم، ثانیاً در مهاجرت به روستا کاهش اتفاق افتاده است. همچنین شاهد کاهش چشمگیر در مهاجرت شهر به روستا و روستا به روستا هستیم. یعنی جریان‌های مهاجرتی در ایران

جدول شماره (۱): تعداد کل مهاجرت در کشور در دوره‌های آماری مختلف (منبع: مشفق، ۱۳۸۷\*؛ مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰-۱۳۴۵)

کل مهاجران کشور	دوره زمانی
۵۲۲۴۷۹۰	۱۳۴۵-۵۵*
۵۸۲۰۶۲۵	۱۳۵۵-۶۵
۸۷۱۸۷۷۰	۱۳۶۵-۷۵
۱۲۱۴۸۱۴۸	۱۳۷۵-۸۵
۵۵۳۴۶۶۶	۱۳۸۵-۹۰
۴۳۰۰۹۸۸	۹۵-۱۳۹۰



نقشه شماره (۱): طبقه‌بندی و پهنه‌بندی شهرستان‌های کشور بر اساس عامل | نقشه شماره (۲): طبقه‌بندی و پهنه‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص میزان خالص مهاجرت ۱۳۹۰-۱۳۹۵



نقشه شماره (۳): طبقه‌بندی و پهنه‌بندی شهرستان‌های کشور بر اساس شاخص میزان | نقشه شماره (۴): میزان اثرگذاری عامل محیط‌زیست بر مهاجرت در خالص مهاجرت ۱۳۹۰-۱۳۹۵

بیشترین اثرگذاری این عامل خود را در شهرستان‌های نیمه جنوبی کشور بخصوص شهرستان‌های استان‌های مرکزی، جنوب شرق، جنوب و غرب به سمت جنوب غرب (استان‌های ایلام، کرمانشاه و خوزستان) نشان می‌دهد. کمترین تأثیر این عامل مربوط به شهرستان‌های نیمه شمالی کشور بخصوص شهرستان‌های شمال غرب، غرب و شمالی کشور بوده است (رستمعلی زاده، ۱۴۰۱). همچنین در مطالعه‌ای دیگر تأثیر این عامل بر مهاجرت خالص در شهرستان‌های مرکزی کشور معنی‌دار بوده

شمالی دارای بیشترین میزان خالص مهاجرت منفی و استان‌های مرکزی ایران دارای بیشترین خالص مهاجرت مثبت هستند. این نقشه‌ها نشان می‌دهند که مهاجرت از مناطق جنوب شرق، غرب و شمال غرب به سمت مناطق مرکزی ایران است. در یک مطالعه که تأثیر عامل زیست‌محیطی بر مهاجرت‌های داخلی ایران را مورد بررسی قرار داده‌ایم، مشخص شد که این عامل تأثیر معناداری در مهاجرت خالص در بین شهرستان‌های کشور دارد؛ به طوری که

که یک نقشه یک دست محسوب می‌شود، همچنین نشان می‌دهد که سایر شهرستان‌های کشور واقع در مرکز، شرق، جنوب و جنوب غرب کشور در وضعیت مطلوبی در این شاخص قرار ندارند.

**نقش عوامل محیطی در مهاجرت‌های آینده ایران**

پهنه‌بندی و سطح‌بندی استان‌ها و شهرستان‌های کشور بر اساس شاخص میزان خالص مهاجرت نشان می‌دهد که استان‌ها و شهرستان‌های جنوب شرق، غرب و شمال غرب کشور به همراه خراسان

است. به طوری که وقتی عامل محیطی به عنوان یکی از متغیرها وارد مدل شد، ۱۹ درصد بر متغیر وابسته اثرگذار بوده است یافته‌ها نشان داد که عامل محیطی در شهرستان‌های جنوبی و جنوب شرقی تأثیر منفی و در شهرستان‌های شمالی و غربی اثر مثبت بر مهاجرت خالص دارد (رستمعلی زاده و نوبخت، ۱۴۰۱). به نظر می‌رسد با توجه به تغییرات محیطی در ایران، این متغیر در آینده میزان خالص مهاجرت را بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد داد و با توجه به وضعیت منابع آب در استان‌های مرکزی، جنوب و جنوب شرقی می‌تواند زمینه مهاجر فرستی بالاتری را برای این مناطق به وجود آورد.

### نتیجه‌گیری

مطالعات مختلف و متعددی در خصوص ابعاد و جنبه‌های مختلف مهاجرت و جابه‌جایی‌های جمعیتی در ایران انجام گرفته است، اما علیرغم انجام مطالعات متعدد در این حوزه، مهاجرت به دلایل زیست‌محیطی از نقاط مغفول مهاجرت‌های داخلی ایران بوده است. کشور ما به علت موقعیت جغرافیایی و به دلیل این‌که دو رشته‌کوه البرز با جهت‌گیری شرقی-غربی و رشته‌کوه زاگرس با جهت‌گیری شمال غربی- جنوب شرقی در آن قرار گرفته‌اند و مانع رسیدن ابرهای باران‌زا از شمال و غرب به کشور می‌شوند، بخش اعظم کشور را مناطق خشک و نیمه‌خشک تشکیل داده و دارای کمبود منابع آبی است. این موارد باعث می‌شود که نقش این عامل در مهاجرت‌های داخلی ایران با دقت مورد بررسی قرار گیرد. همچنان که این نوشتار نشان داد، عوامل زیست‌محیطی در مهاجرت‌های داخلی ایران در حال حاضر معنادار بوده و احتمال این وجود دارد که در آینده نیز مهاجرت‌های داخلی را حتی بیشتر تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به موارد مطرح شده در این نوشتار، با دو چشم‌انداز می‌توان موضوع را

مورد ملاحظه قرار داد:

### چشم‌انداز اول: فرض تداوم شرایط مطلوب زیست محیطی

- مهاجرت‌های آینده جامعه روستایی و شهری در ایران، مهاجرت‌هایی با فرایند معمول خواهد بود.
- این مهاجرت‌ها بیشتر فردی یا خانوادگی، مرد گزین و جوان گزین و در راستای اشتغال و تحصیل خواهد بود.
- ما در طی نیم‌قرن اخیر شاهد مهاجرت‌های روستایی به شهرها بوده‌ایم و این موضوع تغییراتی در نسبت‌های سنی و اشتغال و معیشت رقم زده است و نشان از گذار جمعیتی و شغلی در جامعه روستایی است؛ یعنی ما با افزایش جمعیت میان‌سال و سالخورده مواجه هستیم و در کنار این، روستاها به سمت تحولات کارکردی و گذار به سمت معیشت چندگانه و مشاغل متعدد حرکت می‌کنند.
- جمعیت روستایی ایران در حال رسیدن به نوعی ثبات است.
- مهاجرت از شهر به شهر با فرایند معمول

کشور ما به علت موقعیت جغرافیایی و به دلیل این‌که دو رشته‌کوه البرز با جهت‌گیری شرقی غربی و رشته‌کوه زاگرس با جهت‌گیری شمال غربی- جنوب شرقی در آن قرار گرفته‌اند و مانع رسیدن ابرهای باران‌زا از شمال و غرب به کشور می‌شوند، بخش اعظم کشور را مناطق خشک و نیمه‌خشک تشکیل داده و دارای کمبود منابع آبی است. این موارد باعث می‌شود که نقش این عامل در مهاجرت‌های داخلی ایران با دقت مورد بررسی قرار گیرد. همچنان که این نوشتار نشان داد، عوامل زیست‌محیطی در مهاجرت‌های داخلی ایران در حال حاضر معنادار بوده و احتمال این وجود دارد که در آینده نیز مهاجرت‌های داخلی را حتی بیشتر تحت تأثیر قرار دهد.

خود ادامه خواهد داشت.

### چشم‌انداز دوم: فرض شرایط نامطلوب زیست محیطی

- تنها عامل تشدیدکننده مهاجرت فقط عامل زیست‌محیطی می‌تواند باشد.
- این مهاجرت‌ها بیشتر خانوادگی و روستایی (بنیان کنی) خواهد بود.
- می‌تواند به تخلیه روستاها و خالی از سکنه شدن آن‌ها منجر شود.
- پاسخ به شرایط اکولوژیکی یکسان نخواهد بود. تغییر در نظام معیشت، تغییر الگوهای کشت و غیره از شیوه‌های سازگاری خواهد بود.
- مهاجرت‌های شهر به شهر و منطقه‌ای را تشدید خواهد کرد.
- مهاجرت از مناطق با شرایط نامطلوب زیست‌محیطی به مناطق خوش آب و هوا تر خواهد بود. ♦♦

### منابع

- رستمعلی زاده، ولی‌اله (۱۴۰۱)، بررسی نابرابری‌های فضایی و تأثیر آن بر مهاجرت در سطح استان‌ها و شهرستان‌های ایران، موسسه تحقیقات جمعیت کشور.
- رستمعلی زاده، ولی‌اله و رضا نوبخت (۱۴۰۱)، نقش نابرابری‌ها در مهاجرت از مناطق مرزی ایران؛ چشم‌اندازی سیاست‌گذارانه، فصلنامه پژوهش مسائل اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۳۴-۱۰۱.
- محمودیان، حسین و قاسمی اردهابی، علی (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران، گزارش طرح پژوهشی، صندوق جمعیت سازمان ملل در ایران.
- مشفق، محمود (۱۳۸۷)، بررسی تحولات مهاجرت‌های داخلی و شهرنشینی در کشور از سال ۱۳۸۵-۱۳۵۵، طرح پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵-۱۳۳۵.

# مدیریت ساختار جمعیت در کشور



## ♦ دکتر بهنام نظری زاده

عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی استان کرمان و مدرس  
دانشگاه

مختص به خود شده است. در دیدگاه اول، جمعیت بیشتر و دارای آهنگ رشد بالاتر، به معنای منابع طبیعی سرانه پایین‌تر، سرمایه فیزیکی سرانه پایین‌تر، وابستگی بیشتر و نیاز بیشتر به زیرساخت‌های اجتماعی جدید است. همه این‌ها به معنای وضعیت اقتصادی بدتر جمعیت خواهد بود. در این مبحث هسته مرکزی، نظریه‌های اولیه جمعیت و توسعه اقتصادی بوده است. در مطالعات بعدی نیز ویرایش نئوکلاسیک این ایده‌ها را ارائه می‌کردند و همگی نشان می‌دادند که جمعیت بالاتر به معنای درآمد سرانه پایین‌تر است. اما در دیدگاه دوم، احتمال بروز اثرات مثبت در نتیجه افزایش جمعیت مطرح می‌گردد. در این دیدگاه، بروز اقتصاد مقیاس، شتاب بیشتر رشد فناوری، تغییرات نهادی پیش‌رونده، ارتباطات و حمل‌ونقل ارزان‌تر و توسعه آسان‌تر سرمایه‌های اجتماعی به‌عنوان برخی نتایج مثبت افزایش جمعیت مطرح

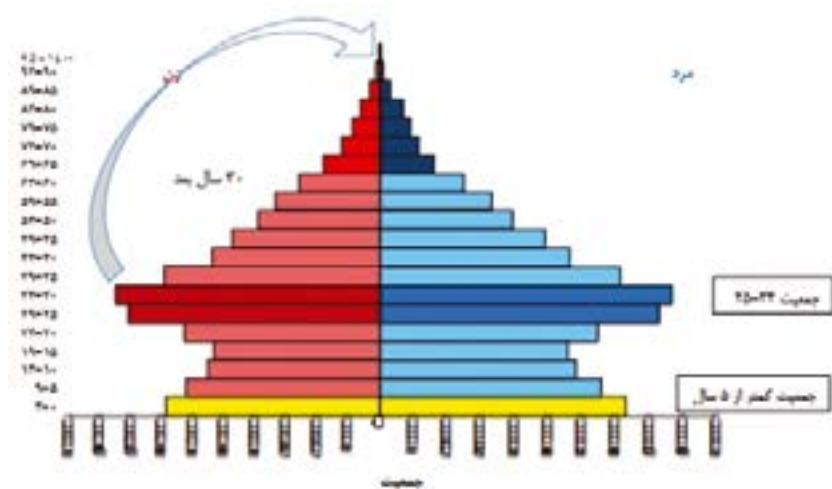
امروزه ساختار سنی و جنسی جمعیت از اهمیت کمی و کیفی بسیاری برخوردار بوده و از مشغله‌های ذهنی عمده دست‌اندرکاران امور اجرایی تمام کشورها محسوب می‌شود. سن و جنس دو متغیر کلیدی در جمعیت‌شناسی هستند. به همین دلیل جمعیت‌شناسان ویژگی‌های جمعیت را اغلب بر حسب سن و جنس تحلیل می‌کنند.

در حال حاضر، کشور ایران در مرحله دوم فرآیند انتقال جمعیتی قرار دارد. در این مرحله، نرخ باروری کاهش یافته ولی افزایش حجم جمعیت سالمند شروع نشده است و سهم جمعیت فعال، نسبت به جمعیت وابسته جوان و سالمند بیشتر است. نسبت جنسی جمعیت کشور در سرشماری سال ۱۳۸۵ نشانگر آن است که تعداد مردان به ازای هر یک صد نفر جمعیت زن برابر ۱۰۳،۵۸ نفر می‌باشد که این میزان در سرشماری ۱۳۷۵ برابر ۱۰۳ و در سرشماری ۱۳۶۵ برابر ۱۰۴ نفر بوده است. لازم به ذکر است که نسبت جنسی از یک گروه سنی به گروه سنی دیگر دارای تغییرات می‌باشد. براساس مطالعات، آهنگ رشد جمعیت از دهه ۶۰ شروع شد و تا آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت به ۱،۲۴ درصد رسید، اما از آن سال تاکنون همان روند کاهشی ادامه پیدا کرده به طوری که الان به زیر یک درصد؛ حدود ۰،۷۷ درصد رسیده است. در بحث کمیت و آهنگ رشد جمعیت و نقش آن در توسعه اقتصادی، دو دیدگاه متضاد مطرح بوده است که غلبه هر یک از آن‌ها در هر کشور موجب اتخاذ سیاست‌های کاهش جمعیت

شدند. در سیمای وضعیت فعلی جمعیت کشورمان، یک امتیاز ویژه و فرصت طلایی نیز در شرایط کنونی وجود دارد که در متن ابلاغیه سیاست‌های کلی جمعیت نیز با عبارت «پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به‌عنوان یک فرصت و امتیاز» به آن اشاره شده و در متون تخصصی جمعیت‌شناسی از آن تحت عناوینی نظیر «پنجره جمعیتی»، «پنجره فرصت جمعیتی» و غیره یاد می‌شود. در واقع این فرصت طلایی، وضعیتی است که حاصل جمع جمعیت جوان و میان‌سال (۱۵ تا ۶۴ ساله) یک کشور که «جمعیت مولد» یا «جمعیت بالقوه فعال از نظر اقتصادی» نامیده می‌شود به حداکثر میزان خود در طول دوران حدوداً صد ساله توسعه‌یافتگی آن کشور می‌رسد و هم‌اکنون طبق آخرین سرشماری، این میزان به ۶۹،۹ درصد یعنی بیش از دوسوم جمعیت کشور (حاصل جمع ۲۵،۱ درصد جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله و ۴۴،۸ درصد جمعیت میانسالان ۳۰ تا ۶۴ ساله) رسیده است.

در حال حاضر، کشور ایران در مرحله دوم فرآیند انتقال جمعیتی قرار دارد. در این مرحله، نرخ باروری کاهش یافته ولی افزایش حجم جمعیت سالمند شروع نشده است و سهم جمعیت فعال، نسبت به جمعیت وابسته جوان و سالمند بیشتر است. نسبت جنسی جمعیت کشور در سرشماری سال ۱۳۸۵ نشانگر آن است که تعداد مردان به ازای هر یک صد نفر جمعیت زن برابر ۱۰۳،۵۸ نفر می‌باشد که این میزان در سرشماری ۱۳۷۵ برابر ۱۰۳ و در سرشماری ۱۳۶۵ برابر ۱۰۴ نفر بوده است. لازم به ذکر است که نسبت جنسی از یک گروه سنی به گروه سنی دیگر دارای تغییرات می‌باشد.

نیاز باشد، داده‌ها در بسیاری موارد غیرقابل قبول می‌باشد. در حال حاضر، بزرگ‌ترین چالش آمارهای جمعیت در ایران عدم وجود آمار رسمی جامع و قابل‌ارائه از مهاجرت‌ها بویژه مهاجرت‌های بین‌المللی است. در مطالعات جمعیت‌شناسی آمارهای مهاجرت دارای کاربرد فراوانی بوده و بویژه در پیش‌بینی‌های جمعیتی و تدوین فرضیه‌های مهاجرت لازم و ضروری است. همچنین شاخص «نرخ باروری کل» که در سال ۱۳۶۵ در حدود ۶٫۴ فرزند بوده، در برنامه اول توسعه در سال ۱۳۶۷ (بند ج، خطوط کلی سیاست تحدید مولید کشور) به‌گونه‌ای هدف‌گذاری شد که تا سال ۱۳۹۰ به حدود ۴ فرزند کاهش یابد، اما آنچه در روند این شاخص به چشم می‌خورد حاکی از آن است که این هدف‌گذاری در همان ابتدای دهه هفتاد محقق شده بود و استمرار فعالیت‌های کنترلی به‌گونه‌ای تأثیر



نمودار شماره (۱): هرم سنی جمعیت، کل کشور، ۱۴۰۰

ایرانی نیز هنوز از دقت و پوشش کامل برخوردار نیست. بویژه هنگامی که اطلاعات در سطوح جغرافیایی مختلف مانند مناطق شهری و روستایی و به تفکیک استان مورد

### بررسی چالش‌های موجود

در کل اگر بخواهیم به بررسی این روند در طول آمارها و پژوهش‌های صورت گرفته بپردازیم، به چند مورد کاستی برخورد می‌نماییم، درحالی‌که یکی از مهم‌ترین منابع آمارهای رسمی جمعیت، آمارهای ثبتی است که هر ساله در مورد چهار واقعه تولد، مرگ، ازدواج و طلاق جمع‌آوری و تولید می‌شود. آنچه درباره این آمارها باید موردتوجه قرار گیرد، کیفیت اطلاعات جمع‌آوری شده است. در حال حاضر تصور می‌رود که بالغ بر ۹۵ درصد مولید ثبت می‌شوند، اما در مورد ثبت مرگ و میر مقدار پوشش در حدود ۹۰ درصد به نظر می‌رسد. قسمت اعظم کم‌ثبتهای مرگ و میر مربوط به فوت‌های سنین کمتر از یک سال بوده و بخش کوچکی از آن نیز ناشی از مرگ و میرهای معوقه است. ثبت مرگ و میرها برای مردان بهتر از زنان و در نقاط شهری بهتر از نقاط روستایی صورت می‌گیرد. نکته قابل‌توجه در آمارهای ثبتی، اعلام گزارش براساس محل ثبت واقعه است، نه محل سکونت فرد. آمار ثبتی وقایع حیاتی چهارگانه یعنی آمار ولادت، فوت، ازدواج و طلاق فقط برای جمعیت ایرانی تولید شده و برای اتباع خارجی مقیم ایران تولید نمی‌شود. ثبت وقایع حیاتی تولید شده برای جمعیت



گذاشت که در سال هدف برنامه یعنی ۱۳۹۰، مقدار این شاخص به جای رقم ۴، به رقمی در حدود ۱،۷۴ کاهش یافت؛ کاهش که نه تنها به زعم بسیاری از مستندات و مقالات علمی ارائه شده در این زمینه در داخل و خارج از کشور در نوع خود بی نظیر بود، بلکه به دلیل عبور از خط قرمز آن یعنی سطح جانشینی (باروری حدود ۲،۱)، زنگ خطر چالش‌های جدی را در تحولات جمعیتی به صدا درآورد. به بیان ساده، چنانچه کمتر از ۲ فرزند به جای هر زوج جایگزین شوند، این عدم جایگزینی صحیح جمعیتی پس از دو یا سه نسل منجر به بروز تحولاتی در شاخص رشد جمعیت در جهت منفی شدن آن و همچنین برهم خوردن ساختار سنی جمعیت خواهد شد که عدم پیشگیری به موقع از ادامه این روند، تبعات جبران‌ناپذیری را در عرصه مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رقم خواهد زد. تجربه کشورهای پیشرفته گویای آن است که امکان ندارد در آینده باروری به آسانی افزایش پیدا کند. همین که

هنجارهای بعد کوچک خانوار، درونی شود، تغییر آن‌ها در یک زمان نسبتاً کوتاه مشکل به نظر می‌رسد. برخی اندیشمندان بر این باور هستند که سیاست‌های نقدی تشویقی برای افزایش جمعیت در جهان موفق نبوده است؛ به عنوان مثال ژاپن از جمله کشورهایی است که سیاست‌های تشویقی نقدی را برای افزایش جمعیت برگزید، ژاپن کشوری است با فرهنگ سنتی و خانواده محور و در خیلی از زمینه‌ها سیاستمداران ایرانی می‌گویند که در ایران نیز به دنبال توسعه ژاپنی هستند و الگوی توسعه در ایران باید ژاپنی باشد. کشور ژاپن حدود دو دهه طرحی به نام «طرح فرشته» را اجرا کرد که این طرح به دنبال افزایش باروری در ژاپن بود. سیاست اجرای طرح این‌گونه بود که وقتی تولدی صورت می‌گرفت، دولت مبلغ دو هزار و ۵۰۰ دلار به خانواده‌ای که صاحب فرزند شده بود، اعطا می‌کرد. این طرح در دهه ۱۹۸۰ در ژاپن اجرا شد، اما بعد از مدتی سیاستمداران متوجه شدند که طرح نتیجه‌بخش

نبوده و در رابطه با طرح تجدیدنظر کردند. سنگاپور هم نمونه دیگری از کشورهایی است که برای پیشگیری از کاهش رشد جمعیت، سیاست‌های نقدی را دنبال کرده است، اما در این کشور نیز سیاست نقدی برای افزایش جمعیت پاسخگو نبوده است؛ دلیل آن هم این است که تا زمانی که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در جامعه تغییر نکند، سیاست‌های صرفاً تشویقی یا سیاست‌های از بالا به پایین پاسخگو نیست. در کشورهای جنوب اروپا، اسپانیا، کره جنوبی، سنگاپور، هنگ‌کنگ و ایران وظیفه اصلی فرزند آوری به عهده زنان است و مردان نقش کمتری در فرزند آوری ایفا می‌کنند؛ بنابراین مشکلی که در این کشورها برای افزایش جمعیت ایجاد شده، تغییر شرایط اجتماعی این کشورها است. در این کشورها زنان به سطوح بالای تحصیل و اشتغال دست‌یافته‌اند، اما علاوه بر آن وظیفه فرزند آوری را همچنان بر عهده دارند؛ بنابراین فقط کشورهایی که قوانین و مقررات خود را به نحوی تغییر داده‌اند که زنان در عین حال که به فکر دستیابی به تحصیلات عالی و اشتغال هستند، در کنار این موارد از رفاه هم برخوردار باشند که بتوانند فرزند آوری هم داشته باشند، سطح باروری بالاتری داشته‌اند. در نروژ شرایط فرزند آوری برای زنان شاغل فراهم است، به خاطر همین نروژ سیاست جمعیتی موفق داشته است، اما در ژاپن کره جنوبی، سنگاپور، علی‌رغم سیاست تشویقی، شرایط برای فرزند آوری زنان فراهم نبوده است و به همین دلیل سیاست‌های تشویقی دولت پاسخگو نیست.

مسئله بعدی که مطرح است در کشور ایران، در برخی کلان شهرها رشد افقی، سریع و بی‌برنامه در دهه‌های اخیر به بحران آب منجر شده و باعث گردیده این شهرها برای تأمین آب از روش‌های جدیدی مانند حفر چاه‌های عمیق و احداث سدها استفاده کنند که عمدتاً ناپایدارند. البته در برخی شهرهای خشک، بحث چاه‌ها مطرح بوده







شکل شماره (۲): مدل شهری خوداتکا



شکل شماره (۱): مدل طراحی مجدد شهرها

در زمینه رشد جمعیت سال‌های اخیر در ایران و رشد نرخ بیکاری، می‌توان بیان داشت که نرخ‌های بالای رشد جمعیت، تأثیر زیادی در افزایش مصرف می‌گذارد. از این نظر، دیدگاه افزایش تقاضا نیز به علت کمبود سرمایه و محدودیت‌های رشد، نمی‌تواند موجب ایجاد انگیزه برای افزایش تولید ملی شود.

#### در نتیجه

شرایط و وضعیت بخش واقعی اقتصاد نیز در این نهادسازی‌ها تأثیر تعیین‌کننده دارد. در این میان، افزایش پس‌انداز و یا افزایش موجودی سرمایه با توجه به ایجاد فرصت‌های بیشتر برای جلب و تخصیص پس‌اندازها، به شکل‌گیری نهادهای جدید مالی منجر شده است که استفاده از آن‌ها به‌عنوان منبع تأمین مالی در فرایند الحاق، می‌تواند مفید و مؤثر باشد. بنابراین، تلاش برای تحقق این امر می‌تواند از برنامه‌های مهم سیاست‌گذاری و مدیریت بحث جمعیتی در کنار سیاست‌گذاری مالی و پولی کشور باشد. همچنین با توجه به پیش‌بینی‌های انجام شده توسط مرکز آمار ایران با در نظر گرفتن هر سیاست جمعیتی تغییرات عمده‌ای در ساختمان سنی جمعیت رخ خواهد داد. در احتمال بررسی و نتیجه فرضیاتی که در پژوهش‌های کلی در چندسال اخیر شکل گرفته، جمعیت سالمند به سمت زنانه شدن پیش خواهد رفت. توضیح این‌که در روند سالخورده شدن جمعیت، غالباً وضعیت دو جنس با همدیگر تفاوت دارد. مردان به‌طور کلی، میزان مرگومیر بالاتری نسبت به زنان

نحو ممکن، از فرصت‌های ممتازی که با توجه به نوع ساختار سنی جمعیت کشور در اختیارمان قرار گرفته تا پیش از این که این فرصت‌ها از دست برود، بهره‌برداری نماییم.

موج تغییرات جمعیتی در سال‌های آینده از مرحله میان‌سال‌ی عبور کرده و به دوره سالخوردگی وارد خواهد شد؛ بنابراین، در آینده نزدیک، ساختار سنی جمعیت با افزایش جمعیت سالمندان مواجه خواهد شد. این مسئله، چالش‌های جدی را در زمینه رشد اقتصادی و تولید ایجاد می‌کند. لذا از هم‌کانون باید برای زمانی که درصد سالمندان در ساختار جمعیت کشور افزایش قابل‌توجهی می‌یابد، برنامه‌ریزی گردد.

در آینده، سالمندی جمعیت پدیده‌ای گریزناپذیر خواهد بود. همین‌که سطح باروری رو به کاهش می‌گذارد، جمعیت به سالخوردگی میل می‌کند. با توجه به رشد بالای جمعیت کشور در دهه ۱۳۶۰، سالمندی جمعیت با سرعت بیشتری در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته به وقوع خواهد پیوست و دولت‌مردان فرصت‌چندانی برای مقابله با این تغییر (در ساختار سنی جمعیت) را نخواهند داشت. توضیح اینکه اگر ایران بدون تدارکات و برنامه‌ریزی لازم و کافی با یک جامعه سالمند برخورد نماید، سالمندی جمعیت نیز همانند جوانی جمعیت، به یک پدیده اجتماعی جدید تبدیل خواهد شد که برای آن تدابیری اندیشیده نشده است.

است که خطرات جبران‌ناپذیری به بخش کشاورزی و سفره‌های آب زیرزمینی وارد نموده است. لذا باوجود صرف هزینه‌های زیاد برای تأمین آب شرب، هنوز این شهرها با مشکل مواجه هستند. راه حل پیشنهادی برای حرکت به سمت پایداری مدیریت بر اساس رشد جمعیت شهرها، تمرکز زدایی جمعیتی از شهرها و هدایت ساختار تک مرکزی به ساختاری چند مرکزی است. همچنین می‌بایست به‌منظور هدایت فرم کاملاً بسته به خارج از شهر به سمت فرم‌های شهری پایدار از فرم‌های پیشنهادی «هائون» و مدل طراحی مجدد شهرها بهره‌گرفت. در این مدل بسیاری از فرض‌های اساسی مربوط به شهر فشرده مطرح می‌شود و بویژه مدل شهر خود اتکا معرفی می‌شود که بر کاهش الگوی وابستگی خارجی به استفاده از منابع برای محدود کردن حوزه نفوذ، مدیریت تقاضا و بازیافت فاضلاب تأکید دارد. در اکثر شهرهای این‌چنینی کشور به‌منظور بهره‌گیری از مدل‌های مذکور، پروژه فاضلاب شهری به‌عنوان راه‌حلی مهم می‌بایست با جدیت بیشتری از سوی مسئولان پیگیری شود. به‌طور کلی تمرکز زدایی جمعیت به‌عنوان سیاستی برتر در کنار ارتقای فرهنگ مردم در استفاده از آب، کاهش سرانه مصرف، مدیریت سیستم‌های آبرسانی، کاهش تلفات، افزایش قیمت آب‌ها و کاهش مصرف خانگی می‌تواند در بهبود وضعیت منابع آب باشد.

در بحث پیش‌بینی ساختار بهینه و سیاست‌گذاری‌های ذکر شده قبل، باید توجه داشت که موهبت جمعیتی، محدودیت زمانی دارد و سرانجام هنگامی که با طی شدن مراحل گذار سنی، نیروی کار سالخورده می‌شود و بنابراین، کارگران به نسبت کمتری به حمایت از تعداد در حال افزایش جمعیت سالخورده می‌پردازند، این موهبت از بین می‌رود. پس باید توجه داشت که فرصت استفاده از مزایای پنجره جمعیتی، محدود است. لذا باید به بهترین



دارند و امید زندگی آن‌ها عموماً کمتر از زنان است؛ بنابراین تعداد زنانی که به سنین سالخوردگی می‌رسند به مراتب بیش از مردان است. در اکثر کشورها نسبت جنسی در سنین سالخوردگی گویای همین امر است، به طوری که برخی سخن از زانه شدن سالخوردگی به میان آورده‌اند. در ارتباط با همین موضوع، تعداد بیشتری از زنان در دوران سالمندی فاقد همسر بوده و تنهایی را بیش از مردان تجربه می‌کنند. شایان ذکر است که در ارتباط با بحث سالخوردگی جمعیت، همچون بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر باید به تفاوت‌های احتمالی در زیربخش‌های کلان اجتماعی توجه داشت. در واقع، ممکن است روندهای مشاهده شده در سالخوردگی جمعیت در سطح کلان جامعه، تفاوت‌های اساسی با زیرگروه‌های آن داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این زیرگروه‌ها در مباحث سالخوردگی جمعیت، تفاوت‌های شهری و روستایی است. غالباً مناطق روستایی به خاطر مهاجرفرستی، ساخت سنی سالخورده‌تری نسبت به مناطق شهری دارند. ناگفته نپیداست که خود این بستگی به عوامل زیادی همچون سطح توسعه‌یافتگی و شرایط آب و هوایی دارد. از سوی دیگر با توجه به توزیع نامناسب امکانات اجتماعی و اقتصادی و به تبع آن توزیع نامناسب جمعیت کشور، چنانچه رشد جمعیت بدون بسترسازی و زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی افزایش یابد، افزایش حجم و تعداد جمعیت در نقاط جاذب جمعیت (تهران و چند کلان‌شهر دیگر) کشور تبدیل به گره‌های کوری خواهد شد که گشودن آن‌ها کاری بس دشوار و در مواردی غیرممکن خواهد بود. ایران در دهه‌های اخیر تغییرات گسترده‌ای را از نظر مسائل جمعیتی تجربه کرده و در هر دوره‌ای یکی از مسائل آن توجه بیشتری را به خود جلب نموده است. اخیراً توجه به تغییرات ساختار سنی زیاد شده که یکی از موارد مهم آن سالخوردگی جمعیت است. هرچند، در حال حاضر هنوز بحث سالخوردگی جمعیت کشور

جدی نیست ولی این موضوع به سرعت در کانون توجه مسائل جمعیتی و اجتماعی قرار خواهد گرفت. براساس بررسی‌های صورت گرفته با لحاظ نمودن هر نوع سیاست جمعیتی، در آینده نه‌چندان دوری ایران با پدیده سالمندی جمعیت روبه‌رو خواهد شد. به عبارتی در آینده، سالمندی جمعیت پدیده‌ای گریزناپذیر خواهد بود. همین‌که سطح باروری رو به کاهش می‌گذارد، جمعیت به سالخوردگی میل می‌کند. با توجه به رشد بالای جمعیت کشور در دهه ۱۳۶۰، سالمندی جمعیت با سرعت بیشتری در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته به وقوع خواهد پیوست و دولت‌مردان فرصت چندانی برای مقابله با این تغییر (در ساختار سنی جمعیت) را نخواهند داشت. توضیح اینکه اگر ایران بدون تدارکات و برنامه‌ریزی لازم و کافی با یک جامعه سالمند برخورد نماید، سالمندی جمعیت نیز همانند جوانی جمعیت، به یک پدیده اجتماعی جدید تبدیل خواهد شد که برای آن تدابیری اندیشیده نشده است. بدیهی است مهم‌ترین سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که چه کسی به دولت مالیات پرداخت خواهد کرد؟ و چه کسی از نسل سالخورده حمایت و پرستاری خواهد نمود؟ نتیجه آنکه گرچه در حال حاضر سیاست‌گذاران می‌بایست به فکر جمعیت جوان و تأمین نیازهای آنان باشند، لیکن بر اساس محاسبات انجام شده این دور انبساط، کوتاه خواهد بود. مطالعات نشان داد که از اواخر دهه ۱۴۰۰ جمعیت ایران رو به سوی سالمندی رفته و در سال ۱۴۲۰ به مرحله سالمندی جمعیت خواهد رسید و در دههٔ پس از آن با سالخوردگی جمعیت روبه‌رو خواهد شد. بدیهی است که از هم‌اکنون لازم است تا دولت‌مردان در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان و بلندمدت به نسبت جمعیت سالمند و سالخورده توجه نمایند. علاوه بر این سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان می‌باید درصد تمهیداتی برای رفاه اجتماعی و بهداشتی سالمندان و سالخوردگان باشند. ♦♦

#### منابع:

- آری آگا، ادوارد (۱۳۸۷). روش‌های تحلیل جمعیت، فاروق امین مظفری (مترجم)، تبریز: احرار.
- پژوهش‌کنده آمار (۱۳۹۸). «بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده‌ی آن تا سال ۱۴۳۰».
- زنجانی، حبیب اله. فتحی و نوراللهی (۱۳۹۵). جمعیت‌شناسی ایران. تهران: پژوهش‌کنده آمار.
- علی‌اکبری، اسماعیل، ۱۳۸۳، توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۱۳۸۳، دوره ۳۶، شماره ۴۸، صفحات ۴۹ تا ۶۹.
- Bao, C and Fang, C., (2007). Water resources constraint force on urbanization in water deficient regions: A case study of the Hexi corridor, arid area of NW china, Ecological Economics.
- 62(2007), 508-517.
- Blowers, A., (1994). Planning for Sustainable Environment: A Report by the Town and Country.
- Planning Association, p.6.
- Field, C. B., Barros, V. R., Mach, K. and Mastrandrea, M., (2014). Climate change: impacts.
- adaptation, and vulnerability, Contribution of Working Group II to the Fifth Assessment.
- Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change.
- Jenks, M. and Jones, C., (2010). Dimension of the sustainable city, Springer Dordrecht.
- Heidelberg London: New York.
- Jones, C. and MacDonald, C., (2004). Sustainable urban form and real estate markets, The.
- Annual European Real Estate Conference. Milan. 2-5June.

# ارزیابی تطبیقی سیاست‌های افزایش رشد جمعیت در ایران و تجربه جهانی

♦ دکتر فریده شمس قهفرخی

دکتری جمعیت‌شناسی



دارد. آنچه مسلم است این است که اگرچه نقش سیاست‌ها و دولت‌ها در حوزه‌ی فرزندآوری بسیار مهم و تأثیرگذار است، اما در بیشتر جوامع، سهم بزرگی از فعالیت‌های افراد جامعه در ارتباط با باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت خارج از حوزه کنترل دولت‌ها اتفاق می‌افتد. در واقع می‌توان این‌طور گفت که این افراد و خانواده‌ها هستند که پیامدهای جمعیتی آینده را می‌سازند. تصمیم افراد در مورد فرزندآوری تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلفی اتفاق می‌افتد. این تصمیم می‌تواند تحت تأثیر نگرش‌های جنسیتی، ارزش‌های اخلاقی و یا مذهبی، مسائل و شرایط اقتصادی و تغییرات اجتماعی اتفاق بیفتد.

انگیزه‌ی فرزندآوری به‌طور ذاتی در بشر وجود دارد و نرخ پایین باروری نتیجه موانع انتخاب خصوصی از جمله: دسترسی دیر هنگام

در سال‌های اخیر بسیاری از دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نرخ پایین باروری در کشورهاشان چالش‌های دشواری را برای سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی آن‌ها ایجاد خواهد کرد. این نگرانی‌ها بویژه در مورد سیستم‌های حمایت اجتماعی، سیستم‌های بازنشستگی، نیروی کار، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی برجسته می‌شود.

به لحاظ روش‌شناختی، بسیار سخت می‌توان بیان کرد که سیاست‌های جمعیتی به‌صورت انفرادی چقدر بر سطوح باروری تأثیر می‌گذارند و این تأثیر تا چه اندازه طول می‌کشد، با این وجود یک سیستم تنظیم جمعیت پایدار می‌تواند سطوح باروری در جوامع معاصر را تعدیل کند و ثابت نگه

به شغل، بی‌ثباتی شغلی، مسکن گران و فقدان مشوق‌ها (مزایای خانواده، مرخصی والدین، مراقبت از کودک و حقوق برابر) است.





مشوق‌هایی از این دست می‌تواند تأثیر مثبتی بر نرخ زادوولد داشته باشد، اشتغال، بویژه اشتغال زنان و حمایت از اشتغال پاره‌وقت می‌تواند با ایجاد امنیت اقتصادی برای افراد منجر به افزایش فرزندآوری شود، همان‌طور که شواهدی از برخی کشورها اثربخشی این دست سیاست‌ها را نشان داده است.

در دهه‌های اخیر، کشورهای متعدد با باروری پایین، اقدامات سیاستی مستقیم یا غیرمستقیم، صریح یا ضمنی را برای افزایش باروری اتخاذ کرده‌اند. تئوری‌های مختلف در مورد دلایل باروری پایین، بینش‌هایی را در مورد امکان‌سنجی مداخلات سیاسی برای افزایش نرخ باروری پایین ارائه می‌دهد. براساس نظریه اقتصاد خرد، خانواده، افراد و زوجها به‌طور منطقی هزینه‌های یک فرزند اضافی را در مقابل مزایای آن قرار می‌دهند، نتیجه آن این است که کاهش هزینه‌های کودکان به همراه افزایش درآمد اثرات افزایش‌دهنده کمیت را به دنبال خواهد داشت. از این رو، انتظار می‌رود که هم هزینه‌های عمومی مستقیم، مانند یارانه دادن به هزینه‌های خصوصی تربیت کودک (مهدکودک، مراقبت از کودکان، دسترسی ترجیحی به مسکن یارانه‌ای و مراقبت‌های بهداشتی کودک) و هم پرداخت‌های انتقالی که درآمد آن‌ها را افزایش می‌دهد (کمک‌هزینه کودک و پاداش تولد)، افزایش تقاضای والدین بالقوه برای فرزندان را به دنبال داشته باشد. از آنجایی که همواره تعارضی بین استخدام والدین دارای فرزند بویژه در بخش خصوصی وجود داشته و دارد، اهرم‌های سیاستی می‌توانند اقداماتی را برای به حداقل رساندن این تعارض‌ها به کار بندند؛ اما کماکان کسانی که به تفسیر گذار دوم جمعیتی پایبند هستند، در مورد اینکه آیا سیاست‌های دولتی مانند یارانه‌ها یا پرداخت‌های انتقالی مربوط به فرزندآوری و فرزندپروری می‌تواند تأثیر زیادی بر افزایش نرخ‌های پایین باروری داشته باشد، تردیدهای بسیاری دارند. آن‌ها میزان باروری پایین را نتیجه تغییرات اساسی در ارزش‌ها می‌دانند که ناشی از

روندهای اجتماعی و اقتصادی پست‌مدرن است. این نیروها آن قدر قدرتمند هستند که از اقدامات متقابل مبتنی بر یارانه‌های دولتی و پرداخت‌های انتقالی سرپیچی کنند. طرفداران این تفکر، مهاجرت را سیاست مفیدتری برای سیاست‌گذاران جهت افزایش میزان باروری کل می‌دانند آن‌ها استدلال می‌کنند که دولت نمی‌تواند در مورد میزان باروری بومی‌ها کار زیادی انجام دهد و برای جبران نیاز است که مهاجران بیشتری در کشورهايشان پذیرش شوند. از سیاست‌های مخالف افزایش باروری مورد حمایت دولت در دهه‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ و پس از آن در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ تا سیاست‌های حامی افزایش فرزندآوری در سال‌های اخیر و کنترل جمعیت برای سال‌های طولانی، بخشی از چشم‌انداز سیاسی در ایران بوده است.

در دهه‌های اخیر تغییرات عمده‌ای در رفتار باروری در ایران اتفاق افتاد و متعاقب آن میزان باروری کل کاهش یافت، این امر بحث‌های فراوانی را در مورد ضرورت تغییر سیاست‌های جمعیتی و اعمال سیاست‌های جدید برای مقابله با کاهش باروری در کشور به وجود آورد. در همین راستا در سال ۱۳۹۳، سیاست‌های جدید جمعیتی از سوی رهبری ابلاغ شد؛ بنابراین، رفع موانع ازدواج، تسهیل

در بیشتر جوامع، سهم بزرگی از فعالیت‌های افراد جامعه در ارتباط با باروری، مرگ و میر و مهاجرت خارج از حوزه کنترل دولت‌ها اتفاق می‌افتد. در واقع می‌توان این‌طور گفت که این افراد و خانواده‌ها هستند که پیامدهای جمعیتی آینده را می‌سازند. تصمیم افراد در مورد فرزندآوری تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلفی اتفاق می‌افتد. این تصمیم می‌تواند تحت تأثیر نگرش‌های جنسیتی، ارزش‌های اخلاقی و یا مذهبی، مسائل و شرایط اقتصادی و تغییرات اجتماعی اتفاق بیفتد.

و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد در دستور کار حکمرانان قرار گرفت.

تلاش نهادهای قانون‌گذار برای تدوین سیاست‌های جدید، شامل دو بخش بود: سیاست‌های سلبی به‌منظور حذف برنامه‌های کنترل جمعیت و سیاست‌های ایجابی-تشویقی به‌منظور تسهیل ازدواج و ترغیب فرزندآوری (غمامی و عزیز، ۱۳۹۳). پس از چرخش در سیاست‌های کلی جمعیت کشور، از سیاست‌های مخالف رشد جمعیت به سمت سیاست‌های تشویقی فرزندآوری، مجلس شورای اسلامی در آبان ماه ۱۴۰۰، قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را به تصویب رسانید که در چارچوب آن مواد قانونی و اجرایی برای حمایت از رشد جمعیت و افزایش سطح زادوولد تعیین گردید. اینکه این سیاست‌ها و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت چقدر می‌تواند موفق عمل کند و منجر به افزایش میزان باروری شود، با توجه به اینکه از اجرایی شدن آن مدت‌زمان کوتاهی می‌گذرد و به مدت هفت سال به‌صورت آزمایشی اجرا خواهد شد، هنوز مشخص نیست؛ اما با استفاده از تجربه سایر کشورهایی که با چالش کاهش باروری روبرو بوده‌اند و سیاست‌های حامی فرزندآوری را در کشورهای خود به‌کار برده‌اند می‌توان جهت بهبود و اثربخشی این سیاست‌ها اقداماتی را انجام داد. در زمینه فرزندآوری به دلیل تأثیرات نوگرایی و تغییرات رفتاری بویژه در جوامع غربی، کاهش جمعیت به یک پدیده مشهود تبدیل شده است. این نوآوری‌ها در سبک زندگی به‌صورت ژرف و پیوسته جا گرفته است و باعث شده که مردم به کنترل باروری و داشتن خانواده‌های کوچک عادت کنند. این عادت، به‌خوبی با محیط جدید زندگی‌شان هماهنگ شده است.

بنابراین در کشورهایی که شاهد رشد منفی جمعیت هستند، تبلیغات و تشویق به فرزندآوری نتوانسته است اثر مطلوبی داشته

باشد. علت این امر آن است که تشویق به ازدواج و تولید نسل با توجه به محدودیت‌ها و ساختارهایی که به کاهش جمعیت تشویق می‌کنند، چالش برانگیز است و آسان نیست. ارزیابی دقیق طیف وسیعی از سیاست‌هایی که اخیراً توسط دولت‌ها برای افزایش باروری اتخاذ شده است، نتایج ثابتی به همراه نداشته است. **اخیراً محققان در دو گروه تحقیقاتی برجسته اروپایی چنین نتیجه‌گیری کردند که:** (۱) مواردی وجود دارد که به نظر می‌رسد سیاست‌ها به‌طور قابل قبولی با افزایش باروری مرتبط باشد؛ مانند کشور استونی در سال ۲۰۰۴ و روسیه در سال ۲۰۰۷؛

(۲) مواردی وجود دارد که افزایش باروری در غیاب هرگونه تغییر عمده سیاستی ظاهر شده است و مانند اسپانیا قبل از ۲۰۰۷ و روسیه ۲۰۰۰-۲۰۰۴، یا جایی که سیاست‌ها پس از شروع افزایش باروری وضع شده‌اند و بنابراین نقش آشکاری در تسهیل آن نداشته‌اند؛ مانند کشور جمهوری چک و سیاست‌هایی وجود داشت که به نظر نمی‌رسد تأثیر قابل توجهی بر باروری داشته باشد؛ مانند سنگاپور و تا همین اواخر ژاپن.

در بسیاری از مباحث مرتبط با مداخلات دولتی به‌منظور افزایش نرخ باروری، دو عنصر اساسی از تجربیات اقتصادی و جمعیتی اخیر توجه کافی به خود جلب نکرده‌اند، این دو عنصر به‌طور دقیق اشاره به گروه‌هایی از جامعه می‌کنند که به‌طور گسترده وظیفه‌ی زاد و ولد را به عهده‌دارند؛ یعنی جوانان، اولین عنصر مسئله اشتغال، بیکاری و مشاغل موقتی است.

عنصر دوم، هزینه واقعی مسکن است که معمولاً برای ایجاد یک خانواده هسته‌ای جدید موردنیاز است. طی چند دهه گذشته در اکثر کشورهای صنعتی و کشورهای درحال توسعه، در حال افزایش بوده است. در دوره‌های افزایش سریع قیمت مسکن، گروه‌های مسن‌تر که مالک یا مستأجر قانونی مسکن هستند، نسبتاً از عواقب گرانی مسکن محافظت شده‌اند، درحالی‌که بسیاری از گروه‌های جوان‌تر که به سنین استقلال

نزدیک می‌شوند، از بازار مسکن خارج شده‌اند و توانایی دسترسی به مسکن را در واقعیت ندارند. این مسئله در ایران که ناامنی اقتصادی و تورم دغدغه عمده اقشار کشور است، تشویق به فرزندآوری با سیاست‌هایی که عمدتاً اقتصادی است و منابع مالی آن به‌وضوح مشخص نیست، می‌تواند باروری را به‌صورت مقطعی و تنها در یک قشر خاص از جامعه افزایش دهد. توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که توجه صرف به کمیت فرزند و نه کیفیت، جامعه را با چالش‌های اجتماعی در آینده نزدیک روبه‌رو خواهد کرد. از آنجایی‌که براساس فرهنگ ایرانی اسلامی زوجین عمدتاً تمایل به داشتن فرزند دارند و بویژه که دو فرزند براساس پژوهش‌های انجام شده الگوی غالب ترجیحات فرزندآوری در کشور است، شواهد پیمایش‌های مختلف در جهان و ایران حاکی از این است که جوانان تحت تأثیر ناامنی‌های اقتصادی و اجتماعی، کمتر از تعداد فرزندی که می‌خواهند بچه می‌آورند، بنابراین سیاست‌ها باید شکاف بین تعداد مطلوب و تعداد محقق شده فرزند را برطرف کنند.

در مجموع سیاست‌های حامی افزایش جمعیت، برای دولت بسیار هزینه‌بر هستند و بسته به زمینه، چنین سیاست‌هایی احتمالاً

**در بسیاری از مباحث مرتبط با مداخلات دولتی به‌منظور افزایش نرخ باروری، دو عنصر اساسی از تجربیات اقتصادی و جمعیتی اخیر توجه کافی به خود جلب نکرده‌اند، این دو عنصر به‌طور دقیق اشاره به گروه‌هایی از جامعه می‌کنند که به‌طور گسترده وظیفه‌ی زاد و ولد را به عهده‌دارند؛ یعنی جوانان، اولین عنصر مسئله اشتغال، بیکاری و مشاغل موقتی است. عنصر دوم، هزینه واقعی مسکن است که معمولاً برای ایجاد یک خانواده هسته‌ای جدید موردنیاز است. طی چند دهه گذشته در اکثر کشورهای صنعتی و کشورهای درحال توسعه، در حال افزایش بوده است.**

هنجارها و ارزش‌های اجتماعی موجود را نیز برهم می‌زند و پیامدهای بالقوه عمده‌ای بر روابط اقتصادی بویژه شرایط و هزینه‌های اشتغال خواهند داشت. این‌ها موانعی هستند که باعث می‌شوند دولت‌ها در عمل گُند پیش بروند. نکته‌ای که در راستای کارآمدی این سیاست‌ها می‌تواند مؤثر باشد ایجاد اعتماد نسبت به دولت در افراد جامعه است؛ زیرا اعتماد جزء لاینفک عملکرد هر جامعه‌ای است. اعتماد مردم به دولت و دولت به مردم باعث پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و منجر به همبستگی بیشتر در هر کشوری می‌شود. دولت نیز به اعتماد مردم نیاز دارد تا بتواند برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به نحو مطلوبی به اجرا دریاورد. یکی از عوامل مهم در ایجاد اعتماد نسبت به دولت در بحث سیاست‌های حامی افزایش جمعیت، شفافیت و شفاف‌سازی عملکرد دولت است. وقوع فساد و نقص‌ها در اجرای سیاست‌ها می‌تواند اعتماد مردم را به دولت از بین ببرد؛ بنابراین، اهتمام به حاکمیت خوب و تعامل باز، بین دولت و مردم امری ضروری است. علاوه بر این، در اجرای سیاست‌های حامی افزایش جمعیت، توجه به جوانان و ایجاد فرصت‌های اشتغال برای آن‌ها نیز اهمیت دارد. ایجاد شغل‌های پایدار و بهبود شرایط زندگی جوانان می‌تواند از نظر اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشد و اعتماد آن‌ها به دولت را تقویت کند.

توجه به این نکته ضروری است که طراحی و اجرای سیاست‌های تشویقی فرزندآوری باید به‌طور دقیق و با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه انجام شود تا بتواند اثربخشی مطلوبی داشته باشد و افراد را به سمت منافع مشترک اجتماعی سوق دهد. سیاست‌ها و مشوق‌ها بخصوص در زمینه سیاست‌های حامی افزایش فرزندآوری در صورتی‌که جنبه اجباری و یا کنترلی داشته باشند می‌توانند تأثیر معکوس داشته باشند. همچنین برخی مشوق‌ها می‌توانند میزان باروری را در کوتاه‌مدت افزایش دهند، اما انگیزه درونی فرزندآوری را در بلندمدت تضعیف می‌کنند. ♦♦

# آینده‌نگاری تحولات جمعیتی در ایران

♦ دکتر زهرا سلطانی

دانش‌آموخته دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران



زندگی بدو تولد کشور ما؛ یعنی متوسط سال‌هایی که انتظار می‌رود یک فرد از لحظه تولدش زندگی کند، تقریباً دو برابر شده است و ما توانسته‌ایم به واسطه ارتقای سطح زندگی افراد و بهبود خدمات درمانی و بهداشتی، مرگومیر را در نسل‌های اخیرتر جمعیت ایرانی به تأخیر بیندازیم. وقتی چنین تحولی در سطح افراد رخ می‌دهد، باعث می‌شود که در سطح کلان‌تر، تعداد مرگومیرهای کل جمعیت، دهه به دهه کمتر شده و بویژه طی دهه‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، به کمترین میزان تجربه شده در طول تاریخ ایران برسد که در تصویر شماره (۲) قابل مشاهده است. فارغ از نوسانات مقطعی متأثر از کرونا در هر دو شاخص امید زندگی و تعداد مرگومیر جمعیت، در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲، با توجه به اینکه شیب افزایشی امید زندگی رو به کاهش است؛ یعنی محدودیتی برای به تعویق انداختن مرگومیر در نسل‌ها وجود دارد و همین‌طور به این دلیل که تعداد سالخوردگان جمعیت رو به افزایش است، پیش‌بینی می‌شود که طی دهه‌های آتی، شاخص مرگومیر به ازای هر ۱۰۰۰

اصولاً موتور محرک تمامی تحولات جمعیتی در هر مرز جغرافیایی، تغییرات چهار متغیر اصلی است؛ مرگومیر که از تعداد جمعیت می‌کاهد، ولادت که بر تعداد جمعیت می‌افزاید، مهاجرت که ممکن است از جمعیت بکاهد یا بر جمعیت بیفزاید و یا توزیع جمعیت را تغییر دهد و همچنین ساختار سنی که می‌تواند به‌شدت بر روند تغییرات هر سه متغیر دیگر اثر بگذارد و یا از آن‌ها تأثیر بپذیرد؛ بنابراین در این نوشتار به‌منظور آینده‌نگاری تحولات جمعیتی ایران، تمرکز بر ارائه تصویری از روندهای گذشته و آتی این متغیرها خواهد بود و در کنار آن تحولات رشد جمعیت ایران نیز مرور خواهد شد. بررسی چنین روندهایی کمک می‌کند تا درک بهتری از چالش‌ها و فرصت‌هایی پیش روی ایران به‌واسطه تحولات جمعیتی داشته باشیم و برنامه‌ریزی مناسب‌تری را برای مواجهه با تغییرات جمعیتی و یا تأثیرگذاری بر تحولات جمعیتی انجام دهیم.

نفر جمعیت از کمترین مقدار تجربه شده در دهه‌های گذشته یعنی ۵ یا ۶ در هزار نفر جمعیت فاصله گرفته و تا حدود سی سال دیگر به سطوحی بالاتر از ۱۰ مرگ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت برسد. در تصویر شماره (۳) نیز تحولات فرزندآوری در ایران به تصویر کشیده شده است و ما می‌توانیم به‌خوبی مشاهده کنیم که چگونه از دهه ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، شاخص میانگین تعداد فرزندان یک زن به معنی تعداد متوسط تعداد فرزندان که انتظار می‌رود یک زن تا پایان دوره فرزندآوری خود به دنیا آورد، بالاتر از ۶ فرزند بوده است. تجربه‌ای که عموماً به‌صورت بالا بودن تعداد خواهر و برادرهای نسل‌های قدیمی‌تر، برای ما ملموس است. البته این شاخص با یک شیب بسیار تند طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رو به کاهش می‌گذارد و طی دو دهه اخیر در سطح کمی پایین‌تر از ۲ فرزند به ازای هر زن ثابت می‌ماند. همان‌طور که در تصویر شماره (۳) مشاهده می‌شود، طی

## تحولات روندهای مرگومیر و فرزندآوری در ایران

تغییراتی که ما در دهه‌های گذشته، تجربه کرده‌ایم به‌شدت متأثر از تحولات مرگومیر و مولید بوده و نیاز است که در ابتدا بر تحولات این متغیرها متمرکز شویم.

همان‌طور که در تصویر شماره (۱) قابل مشاهده است، بر اساس داده‌های منتشر شده توسط سازمان ملل (۲۰۲۲)، طی هفتاد سال گذشته (از ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۰) امید

در آخرین پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران در محتمل‌ترین سناریوی جمعیتی، از شدت رشد جمعیت به‌شدت کاسته شده، به‌طوری‌که در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۱۰، حدود ۶ میلیون نفر و ۱۴۱۰ تا ۱۴۲۰، حدود ۳ میلیون نفر و از ۱۴۲۰ به بعد کمتر از یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه می‌شود و در همین بازه زمانی رشد جمعیت کشور متوقف می‌شود.

سنی تجربه می‌کنند.

بر اساس آنچه بررسی شد، کشور ایران پیش از دهه ۱۹۵۰، به واسطه کاهش سطح مرگ‌ومیر، وارد مرحله گذار جمعیتی شده بود، اما با یک تأخیر نسبتاً طولانی، از دهه ۱۹۸۰ به بعد، گذار باروری خود را با شیب تندی آغاز نمود. بنابراین کشور ایران رشد جمعیت قابل توجهی را در یک بازه زمانی طولانی تجربه نمود و

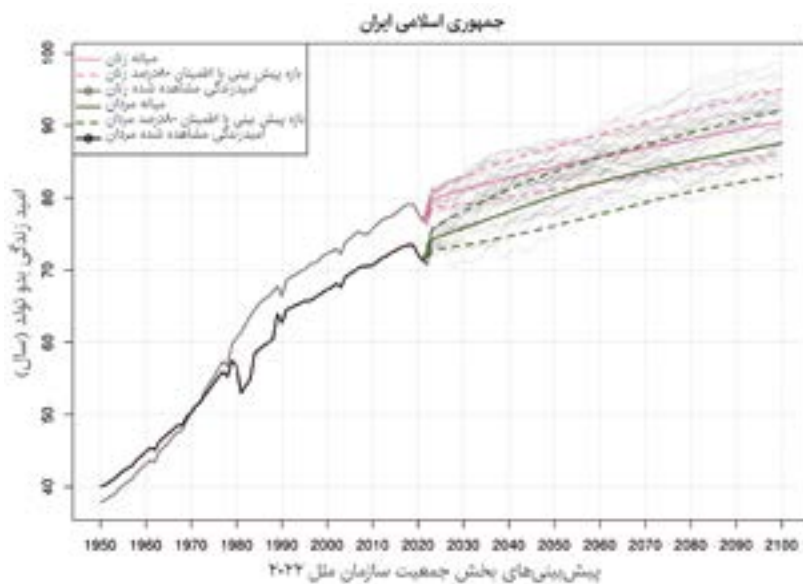
پس از طی یک بازه زمانی، آن جامعه به یک تعادل جمعیتی جدید که در آن مرگ و میرها و تولدها پایین است، می‌رسد. اما مهم است که بدانیم طی فرایند گذار جمعیتی و تا تحقق تعادل ارادی بین میزان‌های پایین ولادت و مرگ، جمعیت‌ها افزایش بی‌سابقه‌ای را در حجم خود یا آنچه با عنوان رشد جمعیت می‌شناسیم و همچنین تغییرات بی‌سابقه‌ای را در ساختار

سال‌های آتی محتمل‌ترین پیش‌بینی از وضعیت فرزندآوری زنان در ایران به‌طور متوسط ۱٫۶ تا ۱٫۷ فرزند به ازای هر زن می‌باشد. این شاخص کمتر از باروری نرخ جانشینی یعنی ۲٫۱ فرزند به ازای هر زن می‌باشد (در جمعیت‌شناسی اصولاً شاخص باروری نرخ جانشینی به این‌گونه تعبیر می‌شود که اگر به ازای هر زن در نسل فعلی بتواند یک دختر متولد شود که بتواند به سنین فرزندآوری برسد، آن زن خود را جانشین کرده است؛ بنابراین برآورد شده است در شرایطی که تحولات ساختار سنی تعیین‌کننده نباشد، اگر هر زن به‌طور متوسط ۲٫۱ فرزند به دنیا بیاورد، جانشینی نسل اتفاق افتاده است).

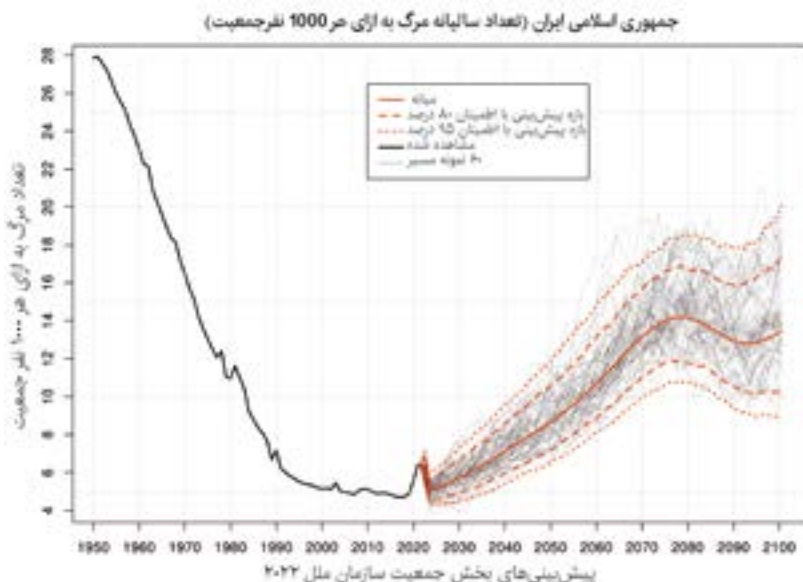
در سطحی بالاتر از سطوح فردی اما تعداد موالید به ازای هر زن تنها به شاخص متوسط تعداد فرزندان هر زن بستگی ندارد، بلکه به شدت از ساختار سنی نیز تأثیر می‌پذیرد و بنابراین همان‌طور که در تصویرهای شماره (۳) و (۴) مشاهده می‌شود، حتی در دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ که باروری در سطوح جانشینی یا زیر نرخ جانشینی بوده است نیز تعداد موالید از تعداد مرگ‌ومیرها به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت بیشتر بوده است، اما به‌واسطه تحولات ساختار سنی، سالخوردگی جمعیت و بنابراین کاهش درصد زنان در معرض فرزندآوری در سال‌های پیش رو که نرخ شاخص متوسط فرزندان به ازای هر زن در سطوحی حدود ۱٫۶ تا ۱٫۷ فرزند ثابت می‌ماند، تعداد موالید رو به کاهش خواهد بود.

### تحولات رشد جمعیت در ایران

تمامی تحولاتی که در حوزه مرگ‌ومیر و فرزندآوری ایران مرور شد، با مهم‌ترین نظریه دانش جمعیت‌شناسی یعنی نظریه گذار جمعیتی قابل توجیه است. نظریه گذار جمعیتی توضیح می‌دهد که چگونه تعادل طبیعی بین میزان‌های بالای ولادت و مرگ در یک جامعه به هم می‌خورد و



تصویر شماره (۱): تحولات شاخص امید زندگی بدو تولد ایران از ۱۹۵۰ تاکنون و پیش‌بینی روندهای آتی شاخص (به تفکیک زنان و مردان)



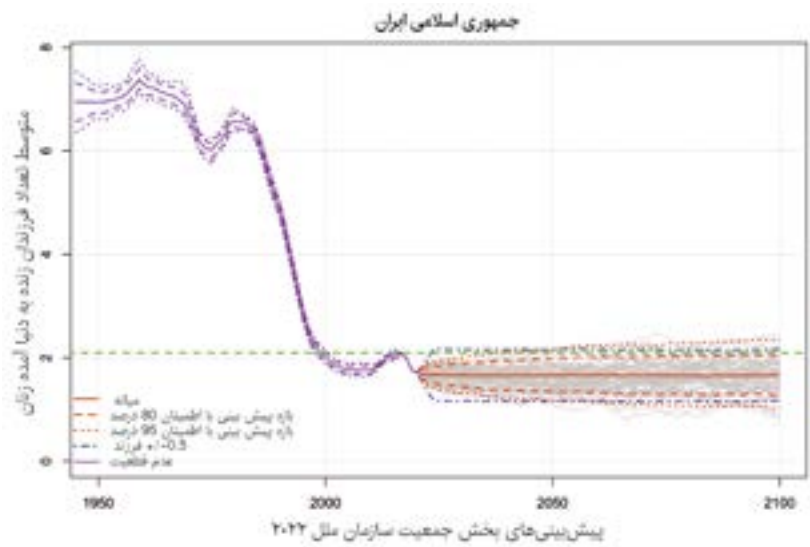
تصویر شماره (۲): تحولات شاخص تعداد مرگ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ایران و پیش‌بینی روندهای آتی شاخص



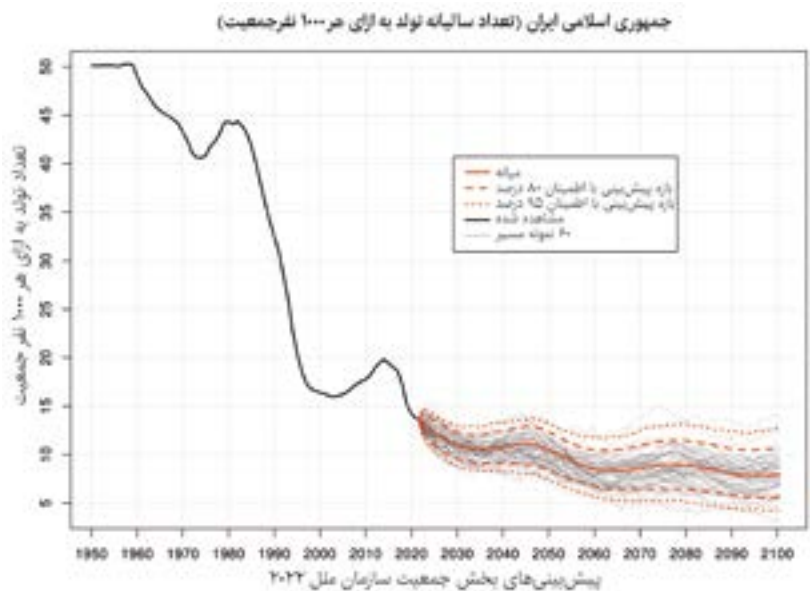
همین امر سبب شد که جمعیت ایران از حدود ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به حدود ۸۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یابد، اما این روند رو به رشد جمعیت در سال‌های پیش رو تغییر خواهد کرد. یعنی همان‌طور که در جدول شماره یک قابل مشاهده است، در آخرین پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران در محتمل‌ترین سناریوی جمعیتی، از شدت رشد جمعیت به‌شدت کاسته شده، به‌طوری‌که در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۱۰، حدود ۶ میلیون نفر و از ۱۴۱۰ تا ۱۴۲۰، حدود ۳ میلیون نفر و از ۱۴۲۰ به بعد کمتر از یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه می‌شود و در همین بازه زمانی رشد جمعیت کشور متوقف می‌شود.

**تحولات ساختار سنی ایران**

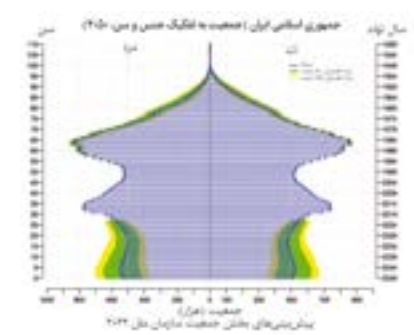
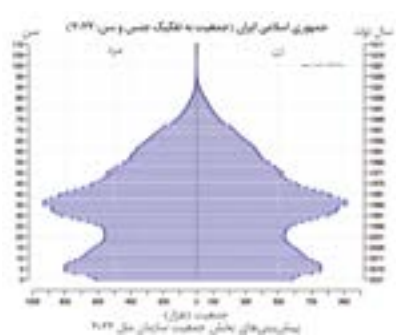
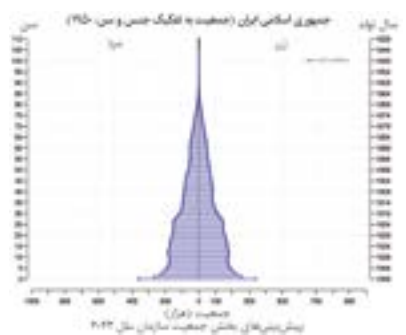
همان‌طور که در تصویر شماره (۵) می‌توان مشاهده نمود، در گذشته، ساختار سنی جمعیت ایران به شکلی بود که عمده جمعیت را افراد جوان تشکیل می‌دادند و هزینه‌های مرتبط با امکانات بهداشتی و آموزشی سنین پایین بار مالی زیادی را به نسل‌های دیگر وارد می‌کرد، اما با گذر زمان و از اواسط دهه ۱۹۸۰ میزان مولدیت کاهش یافته و همین امر سبب شد که هم‌اکنون عمده جمعیت در سنین کار و جمعیت، جوانی و میان‌سالی قرار داشته باشند. چنین وضعیتی که تحت عنوان پنجره جمعیتی شناخته می‌شود، فرصت



تصویر شماره (۳): تحولات شاخص میانگین تعداد فرزندان به ازای هر زن و پیش‌بینی روندهای آتی شاخص



تصویر شماره (۴): تحولات شاخص تعداد مولدیت به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ایران و پیش‌بینی روندهای آتی شاخص



تصویر شماره (۵): هرم سنی-جنسی جمعیت ایران در گذشته، حال حاضر و آینده



با بحران‌های سیاسی جدی روبه‌رو بوده است، پذیرای مهاجرین خارجی در کشور بوده است. بر اساس آمار منتشر شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران و به استناد داده‌های سازمان ملل تا سال ۲۰۲۰، تعداد مهاجران ایرانی در خارج از کشور، حدود ۲ میلیون نفر و تعداد مهاجرین اتباع خارجی در ایران حدود دو میلیون و هشتصد هزار نفر بوده است. البته به نظر می‌رسد که آمار واقعی مهاجران، بسیار بیشتر از آمار رسمی موجود باشد و با توجه به اینکه تغییر جدی در محرک‌های مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور و مهاجرت‌های اتباع خارجی به ایران وجود دارد، محتمل به نظر نمی‌رسد، جریان مهاجر فرستی از ایران و جریان مهاجرپذیری در ایران ادامه داشته و یا حتی تشدید شود.

### چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی جمعیت ایران

بر اساس آنچه مرور شد، قرارگیری در پنجره جمعیتی و ضرورت استفاده از این فرصت جمعیتی، ظرفیت سرمایه‌های انسانی فعلی و استفاده از این ظرفیت‌ها برای پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه جمعیتی حال حاضر کشور تلقی شود. با این وجود، اصلی‌ترین مؤلفه‌های تحولات آتی جمعیت در ایران، شامل باروری زیر نرخ جانشینی، بالارفتن میزان مرگ‌ومیرها، توقف رشد جمعیت، سالخوردگی جمعیت، زنانه شدن نسبت سالخوردگی جمعیت و همچنین تعیین‌کننده شدن نقش مهاجرت در سیمای جمعیت ایران خواهد بود و با توجه به این مؤلفه‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی جمعیت ایران را می‌توان به شرح زیر معرفی نمود:

کاهش باروری می‌تواند فرصت‌هایی را برای ایران به همراه داشته است؛ فرصت‌هایی نظیر ترسیم سیمایی از یک جمعیت کوچک‌تر، اما پایدار، برطرف شدن مشکلات ناشی از تراکم بیش از اندازه

جدول شماره (۱): پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران از محتمل‌ترین سناریوهای جمعیت کشور تا سال ۱۴۳۰ (جبران کاهش باروری پس از دوره کرونا و ادامه کاهش شیب ملایم باروری تا ۱,۶ فرزند به ازای هر زن)

سال	تعداد جمعیت (هزار نفر)
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶
۱۴۰۰	۸۴۰۵۵
۱۴۰۵	۸۷۱۳۴
۱۴۱۰	۸۹۵۸۰
۱۴۱۵	۹۱۴۴۶
۱۴۲۰	۹۲۸۳۸
۱۴۲۵	۹۳۶۸۳
۱۴۳۰	۹۳۶۳۲

و مهاجرت‌های اتباع خارجی به ایران نیز یکی از عوامل تعیین‌کننده تحولات جمعیتی جامعه ایرانی می‌باشد. طی سال‌های اخیر به دلیل فشارهای اقتصادی و در جستجوی زندگی بهتر، مهاجرت از ایران بویژه در میان جوانان تحصیل‌کرده افزایش یافته است و همچنین ایران به‌واسطه هم‌جواری با کشور افغانستان که طی سال‌های اخیر

بر اساس آمار منتشر شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران و به استناد داده‌های سازمان ملل تا سال ۲۰۲۰، تعداد مهاجران ایرانی در خارج از کشور، حدود ۲ میلیون نفر و تعداد مهاجرین اتباع خارجی در ایران حدود دو میلیون و هشتصد هزار نفر بوده است. البته به نظر می‌رسد که آمار واقعی مهاجران، بسیار بیشتر از آمار رسمی موجود باشد.

بسیار مناسبی است که کشور بتواند از ظرفیت نیروی جوان استفاده کرده و سرمایه‌ها را صرف توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی کشور کند، اما باید توجه داشت که این فرصت پایدار نیست و در آینده با ورود همین نسل متورم به سنین سالخوردگی، ایران سالخوردگی جمعیت را تجربه خواهد کرد. در کنار تجربه سالخوردگی جمعیت، در طول سال‌های آینده پیش‌بینی می‌شود که افزایش امید زندگی بدو تولد زنان بیشتر از مردان باشد و این امر سبب خواهد شد تا نسبت جنسی سالخوردگی با مرور زمان، به نفع جمعیت زنان تغییر یابد.

### تحولات مهاجرت در ایران

به نظر می‌رسد که با توجه به کم‌اثرتر شدن تأثیرات دو متغیر باروری و مرگ‌ومیر، مهاجرت به اصلی‌ترین متغیر تأثیرگذار بر تحولات جمعیتی طی سال‌های پیش‌رو تبدیل شود. اصولاً با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، الگوهای مهاجرتی در ایران از گذشته تاکنون تحولات زیادی را تجربه کرده است و تغییر توزیع جغرافیایی کشور از جمعیتی روستایی به یک جمعیت شهرنشین را نمونه برجسته‌ای از تحولات جمعیتی مرتبط با مهاجرت‌های روستا-شهری در ایران می‌توان برشمرد. هرچند آمارهای مرتبط با مهاجرت در مرکز آمار ایران و سازمان ثبت‌احوال کشور دچار کمبودهای جدی است، اما بر اساس همین آمار ناقص نیز می‌توان دریافت که عمده جریان‌های مهاجرتی در سال‌های اخیر، مهاجرت‌های شهر به شهر بوده است و همچنین پیش‌بینی می‌شود که با توجه به تحولات ساختار سنی، جریان‌های مهاجرتی معکوس از روستا به شهر نیز در سال‌های آتی افزایش بیابد و همه این جریان‌های مهاجرتی تحولات چشمگیری را در توزیع جغرافیایی جمعیت در ایران به همراه داشته باشد.

مهاجرت‌های ایرانیان به خارج از کشور



جمعیت، اصلاح و بازسازی زیرساخت‌های معیوبی که پیش‌تر باعجله و در پاسخ به رشد سریع جمعیت ساخته شده‌اند، بهبود توان بالقوه حفاظت از محیط‌زیست و کاستن سطح نابرابری و توزیع متعادل‌تر درآمدها، چشم‌اندازی است که به‌واسطه کاهش سطوح باروری در برابر کشورمان گذاشته شده است، اما در کنار تمام این فرصت‌ها، باید به چالش‌هایی که به‌واسطه کاهش باروری، پیش‌روی کشور ایران قرار دارد توجه شود. کاهش باروری نیز زمینه کوچک‌تر شدن قاعده هرم سنی جمعیت را فراهم آورده و به این ترتیب به فرآیند انتقال ساختار سنی کمک می‌کند؛ بنابراین کشور ایران در طول سال‌های آینده با چالش‌هایی چون سالخوردگی جمعیت روبه‌رو خواهد بود که خود بر الگوی مصرف افراد جامعه تأثیر گذاشته و نیازمند افزایش هزینه‌های عمومی دولت‌ها در قسمت تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگان، خدمات درمانی و مراقبت از سالمندان است.

آنچه روبه‌رو شدن با مسئله سالخوردگی جمعیت را در ایران دشوار کرده است، سازوکارهای حمایتی بسیار ضعیف در جامعه برای افراد سالخورده است؛ سازوکارهایی چون تأمین سلامت عمومی و نیز کاهش وابستگی در سنین سالخوردگی. آنچه باز بر این نگرانی‌ها می‌افزاید، آن است که سیستم‌های حمایتی سنتی نیز ضعیف هستند و افراد سالخورده به‌جای اینکه نیازهایشان توسط اندوخته‌های زمان کار و فعالیتشان تأمین شود، فرزندانشان پاسخگویی به نیازهایشان را بر دوش دارند. با توجه به تعدد مسائل و نیازهای دیگری نظیر سیاست‌های جمعیتی، برنامه‌های توسعه بهداشت عمومی و نیز بهبود خدمات سیستم سلامت عمومی، گسترش بازار کار و آموزش و غیره، نیازهای سالخوردگان حداقل تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است و بعید به نظر می‌رسد طی سال‌های آتی نیز در کانون

توجه قرار گیرد. در عین حال با توجه به تغییرات نگرشی در جامعه و همچنین کاهش تعداد فرزندان نسل‌های سالخورده آتی، به نظر نمی‌رسد که سیستم حمایت سنتی از سالخوردگان حتی به‌اندازه فعلی کارآمدی داشته باشد و همه این موارد به چالش‌های پیش‌روی ایران در مواجهه با سالخوردگی جمعیت می‌افزاید. مسئله مهم دیگر آن است که زنان شدن نسبت سالخوردگی جمعیت در سال‌های آتی و همچنان الگوهای ازدواج رایج در کشور که مشوق ازدواج زنان با مردان بزرگ‌تر از خود است، سبب می‌شود که درصد بالایی از جمعیت سالخورده کشور را در آینده، زنان بیوه تشکیل دهند. عدم اشتغال زنان در طی سنین کار و فعالیت و بنابراین نداشتن بیمه و یا اشتغال نیمه‌وقت و با حداقل حقوق و بیمه بازنشستگی ناکافی، در کنار قوانین ارث‌بری سبب می‌شود که این زنان سالخورده خود برخوردار نبوده و ضرورت حمایت از آن‌ها هزینه‌های عمومی بالایی را برای دولت‌های آتی به همراه داشته باشد.

مسئله مهم دیگر آن است که زنان شدن نسبت سالخوردگی جمعیت در سال‌های آتی و همچنان الگوهای ازدواج رایج در کشور که مشوق ازدواج زنان با مردان بزرگ‌تر از خود است، سبب می‌شود که درصد بالایی از جمعیت سالخورده کشور را در آینده، زنان بیوه تشکیل دهند. عدم اشتغال زنان در طی سنین کار و فعالیت و بنابراین نداشتن بیمه و یا اشتغال نیمه‌وقت و با حداقل حقوق و بیمه بازنشستگی ناکافی، در کنار قوانین ارث‌بری سبب می‌شود که این زنان سالخورده بیوه از سرمایه کافی برای حمایت از خود برخوردار نبوده و ضرورت حمایت از آن‌ها هزینه‌های عمومی بالایی را برای دولت‌های آتی به همراه داشته باشد.

برای مواجهه با چنین پیامدهایی از یک سو اتخاذ سیاست‌هایی در راستای افزایش میزان باروری است که بتواند از شدت انتقال سنی هرم جمعیت ایران به سالخوردگی بکاهد و از سوی دیگر توانمندسازی زنان برای اشتغال و ارائه راهکارهایی که به‌طور همزمان انتخاب هر دو گزینه فرزندآوری و موقعیت کاری را برای آن‌ها فراهم آورد. سیاست‌هایی چون افزایش مرخصی زایمان، تخصیص مرخصی برای زنان شاغل به‌منظور مراقبت از فرزندان بیمار خود و تأسیس مراکزی برای نگهداری از فرزندان می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

همچنین نباید از نظر دور داشت که با توجه به نقش فزاینده‌ای که مهاجرت در سیمای جمعیت ایران طی سال‌های آتی ایفا خواهد کرد، ضرورت دارد که مراکز جمع‌آوری و انتشار و تحلیل داده‌های مهاجرتی در ایران تقویت شود و چنین مراکزی بتوانند در گام‌های بعد حتی رویکردهای کلان در خصوص سیاست‌های مهاجرتی در داخل و یا خارج کشور را تعیین کنند. برای نمونه تدوین سیاست‌های مشخص‌تر در خصوص مهاجرپذیری اتباع خارجی در ایران شاید حتی بتواند بخشی از نگرانی‌های مرتبط با توقف رشد جمعیت و یا سالخوردگی جمعیت در ایران را طی سال‌های آتی مرتفع کند. ♦♦

#### منابع:

- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2022). World Population Prospects 2022: Iran (Islamic Republic of)
- دفتر آمار اطلاعات جمعیتی و مهاجرتی (۱۴۰۱)، شمار رویدادهای حیاتی. بازیابی در ۱۴۰۲/۰۵/۱۱، از سازمان ثبت‌احوال کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، برآوردهای جمعیتی. بازیابی در ۱۴۰۲/۰۵/۱۱، از درگاه ملی آمار.

# رویدادها





برگزاری کارگاه آموزشی ترویجی اجرای قانون جهش تولید دانش بنیان  
با حضور مدیران و نمایندگان بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های دانش بنیان  
۰۱ تیر، ۱۴۰۲



ارائه خدمات مرکز کسب و کار اتاق کرمان  
به فعالان اقتصادی  
۰۵ تیر، ۱۴۰۲

انتخاب روسای هفت کمیسیون دهمین دوره فعالیت  
هیئت نمایندگان اتاق کرمان  
۰۱ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری نشست با موضوع مهارت آموزی  
با مدیر و معاونان دبیرستان علامه حلی کرمان  
۱۳ تیر، ۱۴۰۲

برگزاری نشست کارگروه توسعه صادرات استان  
با حضور مجازی ۱۸ رایزن بازرگانی ایران در کشورهای مختلف  
۱۰ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری کارگاه آموزشی بیزینس کوچینگ  
در اتاق کرمان  
۱۴ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری کارگاه آموزشی «نحوه تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی اشخاص حقوقی موضوع ماده ۱۱۰ مالیات‌های مستقیم»  
۱۴ تیر، ۱۴۰۲



بازگشت شرکت شیر باران به چرخه تولید  
با پیگیری مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان  
۲۰ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری رویداد  
«مدیریت منابع آبی و پساب‌های صنعتی»  
۱۷ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری نشست نمایندگان اتاق  
در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی استان کرمان  
۲۶ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری هشتاد و ششمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان در خصوص راهکارهای فراهم ساختن بستر کشاورزی مدرن در کرمان  
۲۴ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری نشست کمیته بررسی شمول کارگاه‌های زیر پنج نفر مرتبط با قانون تأمین اجتماعی  
۲۷ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری نشست کارگروه توسعه صادرات استان  
۲۷ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری نخستین نشست کمیسیون واردات و تجارت داخلی  
۲۹ تیر، ۱۴۰۲



نشست بررسی مسائل هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی  
۲۹ تیر، ۱۴۰۲



برگزاری نشست مشترک نمایندگان اتاق کرمان با هیئت‌مدیره انجمن حسابداران کرمان  
۰۴ مرداد، ۱۴۰۲



دیدار استاندار سیستان و بلوچستان با دبیر کل اتاق کرمان  
۰۱ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری هشتاد و هفتمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی ظرفیت‌های استان در حوزه صنایع خلاق  
۱۵ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست کمیسیون سرمایه‌گذاری و اموزیربنای اتاق کرمان  
۰۴ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست نمایندگان اتاق در هیئت‌های تشخیص مطالبات سازمان تأمین اجتماعی  
۱۶ مرداد، ۱۴۰۲



کسب رتبه اول توسط شورای گفت‌وگوی کرمان در کشور  
۱۵ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست با مشاوران مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان  
۱۸ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست شورای پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان  
۱۸ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری کارگاه آموزشی  
قواعد عمومی قراردادها  
۲۱ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست هم‌اندیشی  
بررسی مسائل صادرات پسته به اتحادیه اروپا  
۱۸ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست هم‌اندیشی تشکل‌های تخصصی اتاق کرمان  
به مناسبت روز ملی تشکل‌ها  
۲۲ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری کارگاه آموزشی  
تغییر آفرینی  
۲۱ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست صادرکنندگان و واردکنندگان استان با معاون دیپلماسی اقتصادی  
وزارت امور خارجه با موضوع نقش آفرینی بخش خصوصی در دیپلماسی اقتصادی  
۲۳ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست مشترک ناظر عالی و رییس مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان  
با کمیته کسب‌وکار اتاق ایران  
۲۳ مرداد، ۱۴۰۲





برگزاری نشست کمیسیون گردشگری اتاق کرمان در خصوص برنامه‌ریزی  
برپایی جشنواره خوراک و سفره‌های کرمانی  
۲۶ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری کارگاه آموزشی  
تبیین قانون سامانه مؤدیان مالیاتی  
۲۶ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری پیش‌جلسه  
ستاد عالی پسته  
۲۸ مرداد، ۱۴۰۲



آغاز به کار کمیته سیاست‌گذاری  
امور هیئت‌های مالیاتی  
۲۸ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری سمینار  
توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در صنایع کشور  
۲۹ مرداد، ۱۴۰۲





انتخاب سه عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمان  
به عنوان نواب رئیس کمیسیون های تخصصی اتاق ایران  
۳۰ مرداد، ۱۴۰۲



انتخاب، «علی نقوی» عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمان  
به عنوان رئیس کمیسیون خدمات فنی مهندسی و احداث اتاق ایران  
۳۰ مرداد، ۱۴۰۲



ارائه خواسته های بخش خصوصی استان کرمان به وزیر تعاون، کار و رفاه  
اجتماعی، در نشست کارگروه اقتصادی و اشتغال استان کرمان  
۰۱ شهریور، ۱۴۰۲



تبریک هیئت ریسه اتاق کرمان  
به منتخبان کمیسیون های اتاق ایران  
۳۰ مرداد، ۱۴۰۲



برگزاری نشست تخصصی  
در خصوص مبارزه با تنش های اقلیمی  
۰۷ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری هشتاد و هشتمین نشست شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی  
استان با موضوع بررسی موانع سرمایه گذاری استان و راهکارهای پیشنهادی  
۰۴ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری نشست  
با حضور شرکت‌های فعال دانش‌بنیان استان کرمان  
۰۸ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری نشست کمیسیون گردشگری و صنایع دستی اتاق درخصوص برگزاری  
سومین کنفرانس گردشگری بیابان لوت (فرصت‌های محلی و بین‌المللی)  
۰۸ شهریور، ۱۴۰۲



دیدار سفیر اندونزی  
با استاندار کرمان و رییس اتاق کرمان  
۱۲ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری نشست  
با حضور بازرس قوه قضائیه و دادستان کرمان  
۰۸ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری نخستین نشست  
روسای کمیسیون‌ها با هیئت‌ریسه اتاق ایران  
۱۲ شهریور، ۱۴۰۲





دیدار سفیر اندونزی  
با رییس اتاق کرمان  
۱۳ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری نشست سفیر اندونزی  
با برخی اعضای انجمن پسته ایران  
۱۲ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری هشتاد و نهمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان  
با موضوع بررسی موانع پیش روی فراهم ساختن بستر معدن کاری مدرن در استان و ارائه راهکارهای پیشنهادی  
۱۸ شهریور، ۱۴۰۲



بررسی سهم صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد ایران توسط رییس کمیسیون خدمات  
فنی مهندسی و احداث اتاق ایران و رییس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق کرمان  
۲۲ شهریور، ۱۴۰۲



ارائه پیشنهادهای عضو هیئت‌ریسه اتاق کرمان در خصوص موضوع رفع تعهد  
ارزی در هشتاد و نهمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی  
۱۸ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری نشست تخصصی  
کمیسیون احداث و خدمات فنی و مهندسی اتاق ایران  
۲۸ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری پیش جلسه  
ستاد عالی پسته  
۲۷ شهریور، ۱۴۰۲



تخصیص تسهیلات ویژه به صادرات محصولات کشاورزی  
توسط کمیسیون اقتصادی مجلس  
۳۰ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری جلسه مقدماتی  
تشکیل شرکت سرمایه گذاری توسعه زیرساخت های استان کرمان  
۳۰ شهریور، ۱۴۰۲



برگزاری نودمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان  
با موضوع بررسی مسائل و مشکلات صنعت فرش استان کرمان

۳۰ شهریور، ۱۴۰۲



# سپهر اقتصاد

معرفی کسب و کار شما در سپهر اقتصاد کرمان

پذیرش آگهی: ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹

BAM MAZAFATI  
D Fresh  
ATES  
SAJAD  
SALAM  
TAKIN



طعم آفتاب بم ...



WWW.SAJADDATES.COM

SAJADDATES

## خرمای سجاد

کارخانه: کرمان، بم، شهرک صنعتی

تلفن: +۹۸۳۴ ۴۴ ۳۵۰۰ ۲۰

همراه: +۹۸ ۹۱۳ ۱۴۴ ۰۰۷۱

Factory: Industrial Park, Bam, Kerman-IRAN

+9834 44 3500 20 +98913 144 0071

# منطقه ویژه اقتصادی سیرجان

قطب تولید و تجارت جنوب شرق کشور

مجموعه‌ای از بهترین زیر ساخت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری



سیرجان  
منطقه ویژه اقتصادی

Sirjan Special  
Economic Zone  
(S.S.E.Z)

۰۳۴۴۲۳۸۲۲۱۱



۰۳۴۴۲۳۸۳۰۰۰

سیرجان کیلومتر ۳ جاده تهران  
منطقه ویژه اقتصادی سیرجان



[www.ssez.ir](http://www.ssez.ir)